

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظام آموزشی در مواجهه با فضای مجازی

چند مصاحبه با دانش‌آموزان دبستانی درباره تحول‌های آموزشی آنان

/ دکتر مرتضی منطقی /
/استاد دانشگاه خوارزمی/

فهرست جلد دوم

۱- مقدمه جلد دوم.....	۷
۲-۱۲- مصاحبه با ستاره، ۱۲ ساله.....	۱۱
۲-۱۳- مصاحبه با عرفان، ۱۰ ساله.....	۱۴
۲-۱۴- مصاحبه با ثریا، ۱۰ ساله.....	۳۶
۲-۱۵- مصاحبه با محسن، ۹ ساله.....	۴۶
۲-۱۶- مصاحبه با عباس، ۱۳ ساله (کودک کار).....	۴۹
۲-۱۷- مصاحبه با رها، ۱۱ ساله.....	۵۱
۲-۱۸- مصاحبه با فرزاد، ۱۰/۵ ساله.....	۵۷
۳- تأملی دوباره در تحول‌های آموزشی پدید آمده در سطح کودکان و نوجوانان ایرانی.....	۷۳
مقدمه.....	۷۳
۱-۳- پایین آمدن سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید.....	۷۶
۲-۳- تحقق یادگیری و آموزش فعال.....	۷۸
۳-۳- ایجاد بستری برای بروز خلاقیت‌های کاربران.....	۹۰
۴-۳- فردی شدن آموزش.....	۹۵
۵-۳- ارتقای آموزشی کودکان و نوجوانان.....	۹۷
۶-۳- ارتقای عملکرد آموزشی افراد خاص.....	۱۰۳
۳-۸- کاربری از منابع کمک آموزشی.....	۱۱۱
۳-۹- زبان آموزی.....	۱۱۶
۳-۱۰- افزایش اطلاعات کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مورد علاقه.....	۱۱۸
۳-۱۱- بازی‌های آموزشی.....	۱۲۵
۳-۱۲- ارتقای مهارت‌های بینایی و حرکتی در جریان انجام بازی‌های دیجیتالی.....	۱۲۹
۱۳-۳- ترجیح فرهنگ بصری بر فرهنگ مکتوب.....	۱۳۲
۱۴-۳- افت آموزشی کودکان و نوجوانان.....	۱۳۳
۱۵-۳- تقلب کردن در امتحان‌ها.....	۱۴۲
۱۶-۳- ایجاد مدارس پنهان در بطن مدارس رسمی.....	۱۴۶
۳-۱۷- آموزش غیررسمی.....	۱۵۰
۱۸-۳- والدگری الکترونیک.....	۱۸۳
منابع و مأخذ.....	۱۹۷

مقدمه جلد دوم

کتاب حاضر، جلد دوم کتاب چند مصاحبه با دانش‌آموزان دبستانی درباره تحول‌های آموزشی آنان: تأملی دوباره در برخورد آموزشی دانش‌آموزان ایرانی با فضای مجازی است.

در مقدمه جلد نخست خاطرنشان گردید، تاریخچه فناوری‌های ارتباطی پیشرفته حکایت از آن دارد که فناوری‌های ارتباطی از آغاز با آمیزه‌های از فرصت‌ها و تهدیدها دیده می‌شدند و تجربه بشری در برخورد با فناوری‌های ارتباطی جدید، بدانجا انجامید که چون نفی و حذف فناوری‌ها امکان‌پذیر نیست، از این رو با بسترسازی فرهنگی لازم بر میزان کاربری از ابعاد مثبت فناوری‌ها بیفزاید و به این ترتیب در عمل عرصه کاربری‌های منفی از فناوری‌ها را محدود و محدودتر سازند.

در ایران برخلاف تجربه بشری غرب، بسیاری از مسوولان فرهنگی جامعه به دلیل آن که کاربری از فناوری‌ها می‌تواند منفی باشد، بیش‌تر از آن که نگاه مبتنی بر کاربری بهینه از فناوری‌ها را داشته باشند، به سبب احتمال پیش‌گفته، دست به نفی و انکار فناوری‌ها زده‌اند. تجربه ممنوعیت ویدیو در آغاز انقلاب و ادامه همین روند در ممنوعیت ماهواره، فیلترینگ سنگین اینترنت، ممنوعیت ورود تلفن همراه به مدارس (تا قبل از فراگیری کرونا) و ممنوعیت برخی از شبکه‌های اجتماعی، در همین راستا قابل فهم هستند. حال آن که باید توجه داشت، فناوری‌ها انتخاب نبوده و تحمیل هستند و در شرایط اخیر اولیای امور فرهنگی جامعه باید طبق قاعده فقهی دفع افسد به فاسد، با بسترسازی فرهنگی لازم، تلاش کنند تا با افزایش فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی جدید، در عمل کاربری از ابعاد منفی آن را محدود سازند.

نگاه مبتنی بر نفی فناوری‌ها در ایران از زمان طرح مسأله ماهواره در سال ۱۳۷۳ در مجلس شورای اسلامی تاکنون تداوم داشته است و به همین سبب در عمل عرصه را برای بسترسازی فرهنگی جهت افزایش فرصت‌های فناوری‌ها و کاهش تهدیدهای آن‌ها محدود کرده و بسته است. البته بروز نشانه‌هایی نظیر تلاش برای تهیه موتور جست‌وجوگر ملی یا اینترنت ملی، نشانه‌های مثبتی ارزیابی می‌گردند، اما باید دانست که در گذر زمان به سبب آن که برخی از نیازهای مردم جامعه پاسخ مقتضی دریافت نداشته‌اند، فضای مجازی به عرصه‌ای برای پاسخ به نیازهای اقشار مختلف اجتماعی تبدیل شده است و به همین سبب بحث کاربری از فناوری‌های در ایران پیچیده‌تر از آن شده است که تصور شود، تنها با بسترسازی فرهنگی برای کاربری مثبت از فناوری‌ها می‌توان به حل مشکل فناوری‌ها در جامعه ایران نایل آمد و اقدام اساسی در این جهت در حال حاضر هم‌زمان

با بسترسازی فرهنگی مورد نیاز، انجام برخی از اصلاحات جدی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی لازم در سطح جامعه است.

به هر روی نگارنده از آنجا که از سویی با عدم بسترسازی فرهنگی لازم در سطح کاربران فناوری‌های ارتباطی پیشرفته مواجه بود و از سوی دیگر شاهد استقبال گسترده اقشار مختلف اجتماعی، خاصه کودکان، نوجوانان و جوانان از فناوری‌های جدید بود، در صدد بر آمد تا با یاری دانشجویانش دست به بررسی چگونگی کاربری کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته بزند و با به نمایش کشیدن فراز و فرودهای کاربری آنان از فناوری‌های ارتباطی جدید، ضمن هشدار به مسوولان فرهنگی جامعه، به تعمیق شناخت خانواده‌ها کمک کرده، آنان را در جهت نظارت جدی‌تر و ایفای نقش والدگری الکترونیک واداشته، آنان را نسبت به ضرورت بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری بهینه فرزندان‌شان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، ترغیب سازد.

در جلد نخست این کتاب پس از مقدمه، در فصل دوم کتاب، مصاحبه‌های زیر درج شدند:

مصاحبه با محمد صالح ۱۰ ساله با عنوان «پینترست یه نرم افزاره و هزاران ایده‌ای که تا حالا به چشمتم نخورده رو میاره و نشون می‌ده»؛ مصاحبه با یکتای ۷ ساله با عنوان «LMS داریم، بعد نرم افزارهای Paint, Word, Scratch Junior رو هم باهامون کار می‌کنن»؛ مصاحبه با نفس ۱۲ ساله با عنوان «دوست دارم تکی بخونم، ولی چون محدودیت‌ها واسه خانوم‌ها زیاده، شاید مثلاً رفتم یه کشور دیگه که اون جا بتونم بخونم»؛ مصاحبه با محمدحسین ۱۱ ساله با عنوان «تو خواب همه‌اش می‌گفتم، منو نکش، منو نکش»؛ مصاحبه با امین ۱۰ ساله با عنوان «من خودم با عروسکای خواهرم و با شاسخین خودم این کارا رو انجام می‌دم!»؛ مصاحبه با سینای ۱۲ ساله با عنوان «دیگه الآن همه سایت شرطبندی زدن، هم تفریحه و هم پول در آوردن. منم شاید بزرگ شدم، سایت بزدم»؛ مصاحبه با امیرمحمد ۱۲ ساله با عنوان «به جز بازی، برنامه‌نویسی رو هم می‌خوام یاد بگیرم، کارای فتوشاپی و طراحی و این چیزا، توی بازی هم تولید محتوا و استریمینگ و این چیزا...»؛ مصاحبه با مهسا (نوجوان مبتلا به ناتوانی عقلانی) با عنوان «از اینترنت یاد گرفتم، کوکو سیزی و سیب زمینی و مرغ سرخی (سوخاری) درست کنم»؛ مصاحبه با نسیم ۸ ساله با عنوان «یه کانال برای قیمت سکه و طلا هم دارم»؛ مصاحبه با احسان ۱۲ ساله با عنوان «زد باکس... نرم افزار جعبه ابزار، تراز و سرعت سنج داره. کرنومتر داره. خیلی چیزا داره»؛ مصاحبه با امیرعلی ۱۱ ساله با عنوان «من و مامانم یه پیج داریم در مورد حفاظت از محیط زیست، توش ویدیوهای آموزشی می‌ذاریم»

در جلد دوم، پس از درج مصاحبه باقی مانده از فصل دوم کتاب با عناوین:

«تازگی یه برنامه روی گوشیم نصب کردم که می‌تونم عمل‌های جراحی رو به صورت بازی کامپیوتری و آنلاین انجام بدم» (مصاحبه با ستاره ۱۲ ساله)؛ «بازی آنلاینه، یه لینک می‌ده می‌گه

این لینک‌شده، برای دوستانان بفرستین» (مصاحبه با عرفان ۱۰ ساله)؛ «اونا به مامان و باباشون قول دادن عالی بگیرن تا براشون تبلت بخرن. وقتی هم که خریدند، مطمئن باش دیگه درس نمی‌خونن» (مصاحبه با ثریای ۱۰ ساله)؛ «روزایی که امتحان داریم یه سری از بچه‌ها تبلت میارن. بعد عکس می‌گیریم از رو برگه امتحان، می‌فرستیم تو گروه» (مصاحبه با محسن ۹ ساله)؛ «... وای چند روز پیش که عالی بود، گفتن دستشویی کنید کنار خیابون و عکسش رو برامون بفرستید» (مصاحبه با عباس ۱۳ ساله - کودک کار-) «حجاب برام مهم نیست، اما بی‌حجاب بودن با لخت بودن خیلی فرق می‌کنه» (مصاحبه با رهای ۱۱ ساله)، «وقتی امتحان داریم، با دوستان برنامه می‌ریزیم که چه طوری نمره‌مون خوب بشه» (مصاحبه با فرزاد ۱۰/۵ ساله)؛ جمع‌بندی مصاحبه‌های صورت پذیرفته ارایه گردیده و عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

پایین آمدن سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، تحقق یادگیری و آموزش فعال، ایجاد بستری برای بروز خلاقیت‌های کاربران، فردی شدن آموزش، ارتقای عملکرد آموزشی کودکان و نوجوانان، ارتقای عملکرد آموزشی دانش‌آموزان خاص، ارتقای توانایی فنی دانش‌آموزان، کاربری از منابع کمک آموزشی، زبان آموزی، افزایش اطلاعات کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مورد علاقه، بازی‌های آموزشی، ارتقای مهارت‌های بینایی و حرکتی در جریان انجام بازی‌های دیجیتال، ترجیح فرهنگ بصری بر فرهنگ مکتوب، افت آموزشی کودکان و نوجوانان، تقلب کردن در امتحان‌ها، ایجاد مدارس پنهان در بطن مدارس رسمی، آموزش‌های غیررسمی و والدگری الکترونیک.

۲-۱۲ - مصاحبه با ستاره، ۱۲ ساله

تازگی یه برنامه روی گوشیم نصب کردم که می‌تونم عمل‌های جراحی رو به صورت بازی کامپیوتری و آنلاین انجام بدم.

- سلام خانومی؟

سلام.

- اسمت چیه خانمم؟

ستاره.

- به به، چه اسم قشنگی. ستاره خانوم تو شبکه‌های اجتماعی رو می‌شناسی؟
بله، می‌شه گفت که خیلی از این شبکه‌ها رو می‌شناسم و در بعضی از اون‌ها عضو شدم. البته اون‌هایی که فکر می‌کنم ارزش عضو شدن رو دارن.

- آهان! یعنی قبل از این که عضو بشی، فکر می‌کنی؟
بله، حتماً!

- چه مدت هست که با این شبکه‌ها آشنا هستی؟

تقریباً سه سالی می‌شه که عضو شدم.

- چه طور با کار و عضویت در شبکه‌های اجتماعی آشنا شدی؟

همه‌ی چیزهایی رو که من از کامپیوتر بلدم، بابام به من آموزش داده.

- درموقع فعال بودن توی شبکه‌های اجتماعی، چه کارهایی رو انجام می‌دی؟
من خیلی از کارهام رو از طریق همین شبکه‌ها انجام می‌دم، یعنی هر موقع کاری دارم، از این شبکه‌ها استفاده می‌کنم.

- توی خانواده شما چه افراد دیگه‌ای عضو این شبکه‌ها هستند؟

پدرم، مادرم و خواهر کوچک‌ترم (که خودم بهش یاد دادم).

- مامان و بابا، چه قدر روی استفاده‌ی تو از این شبکه‌ها نظارت می‌کنند؟

تقریباً خیلی از کارهایی که از طریق این شبکه‌ها انجام می‌دم، به مامان و بابام هم مربوط می‌شه، فکر می‌کنم ما این قدر توی همین شبکه‌ها با هم در ارتباط هستیم که دیگه نیاز به نظارت کردن نیست.

- چه کارهایی می‌شه کرد که اطلاعات خصوصی آدم رو بقیه نبینند؟

(با خنده) به شما توصیه می‌کنم که این جور چیزهایی رو کلاً نداشته باشین، اما کلاً راه‌های مختلفی هست. می‌شه اون فایل رو قفل کنید یا این که می‌شه یه نرم افزار روی گوشی نصب کرد و بعد فایلت رو پنهان کنی، کلاً می‌گم روش‌های زیادی هست.

- خودت از این روش‌ها استفاده کردی؟

نه، آخه فکر نمی‌کنم چیزی داشته باشم که نخوام بقیه ببینن.

- تا حالا شده که توی شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه، کسی با تو بد رفتاری کرده باشه؟

آره خب، خیلی پیش میاد، مخصوصاً بعضی از افراد که تازه یاد می‌گیرن که چه طور از این شبکه‌ها استفاده کنن، چیزای زیادی رو رعایت نمی‌کنن و باعث آزار دیگران می‌شن، با پیام‌ها و حرف‌هاشون. خب استفاده از این شبکه‌ها هم مثل آپارتمان نشینی فرهنگ خاص خودش رو می‌خواد.

- دوست داری چه کاری توی این شبکه‌های اجتماعی انجام بدی که هنوز نشده؟

دوست دارم برنامه‌نویسی رو یاد بگیرم، اونم به طور حرفه‌ای، البته بابام قول داده که خیلی زود بهم یاد بده.

- توی چه گروه‌هایی عضو هستی؟

الآن توی گروه‌های زیادی عضو هستم که بعضی از اون‌ها تفریحی یا سرگرمی هستن، بعضی ادبی و بعضی مربوط به رشته‌هایی هستن که خیلی دوست دارم در موردشون اطلاعات بگیرم.

- چه جنبه‌هایی از شبکه‌های اجتماعی از تلفن همراه برای شما جالبه!

خیلی جذابیت داره، بالاخره آدم فرصت‌های زیادی براش پیش میاد که با آدمای بیش‌تری آشنا بشه و اطلاعات گسترده‌تری رو توی مدت زمان کم‌تری دریافت کنه. این که سرعت کارم بالا می‌ره رو خیلی دوست دارم و می‌شه از خیلی چیزا اطلاعات گرفت.

- تو با نمونه‌ای از طرح مسایل دینی در شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه برخورد داشتی؟

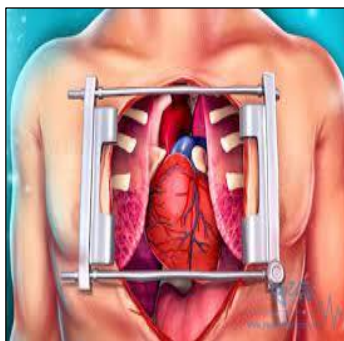
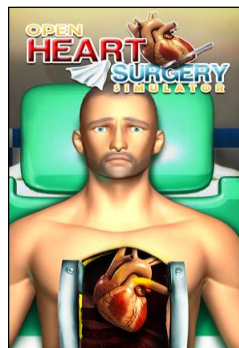
آره، خیلی زیاد. چون خودم خیلی وقت‌ها با یه کتاب یا فیلم که محتوی دینی داشته، تونستم اطلاعات خوبی به دست بیارم و مطالبی که توی اینترنت بود، به من خیلی کمک کرده. خیلی از داستان‌ها و حکایات مذهبی هم برام جالب هستن.

- می‌تونن یه مثال که برات جالب بوده رو برای من بگی؟

آره، مثلاً وقتی که من دلیل هر یک از حرکات نماز رو خوندم، برام خیلی جالب بود یا این که یک‌بار خوندم که وقتی آدم‌ها موقع نماز سجده می‌کنن، میدان مغناطیسی بدن اون‌ها با میدان مغناطیسی زمین هماهنگ می‌شه و در واقع یه جور تخلیه‌ی امواج آسیب‌زننده‌ی بدن پیش میاد، برام جالب بود و این‌ها از فواید نماز خوندن هستن که من اصلاً نمی‌دونستم. اتفاقاً همین رو برای چندتا از دوستانم فرستادم و برای اون‌ها هم جالب بود.



- تو از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه استفاده‌ی آموزشی و علمی هم داشتی؟
 آره، خیلی! اتفاقاً تازگی یه برنامه روی گوشیم نصب کردم که می‌تونم عمل‌های جراحی رو به صورت بازی کامپیوتری و آنلاین انجام بدم و خیلی خیلی برام جالب بود. هم بازیه و هم این که چیزای جدید رو می‌شه ازش یاد گرفت.



۲-۱۳ - مصاحبه با عرفان، ۱۰ ساله

بازی آنلاین، یه لینک می‌ده می‌گه این لینکشه، برای دوستان بفرستین.

تذکر پژوهشگر:

عرفان اهل کرمانشاه است و به همین دلیل با لهجه کرمانشاهی و به صورت کتابی صحبت کرده است.

- سلام!

سلام.

- اسمت چیه آقا پسر؟

اسمم عرفانه.

- اجازه می‌دی با شما در باره علایق خودت و دوستان هم سنت چند سوال بپرسم.
بله.

- عرفان الان که خونه هستی از فضای مجازی استفاده می‌کنی؟
بله.

- گوشی داری؟

آره، گوشی هم دارم، معلم درس می‌ده، ما هم می‌نویسیمش می‌فرستیم، معلم فیلم ورزش می‌فرسته ما، هم ورزش می‌کنیم، فیلمش رو می‌فرستیم.

- جز گوشی دیگه چه وسیله‌های بازی داری؟

کامپیوتر، پلی دو، پلی سه، بعد... همینا...

- خوب عرفان جان یکی یکی همین وسایلی که گفتی رو با هم بررسی می‌کنیم، از گوشی چه

استفاده‌هایی می‌کنی و چه برنامه‌هایی در اون داری؟

روبوکا، بازی، شاد، یه بازی فوتبال دارم، یه دانه تفنگی.



- پس بازی‌ها ت می شه یک بازی فوتبال و یک بازی تفنگ؟
یه زامبی کشتن هم دارم.



- شبکه‌های ارتباطی مثل واتساپ و تلگرام رو هم داری یا نه؟
تلگرام دارم، واتساپ نه، تلگرام و روبیکا دارم.
- گوشی برای خودت هست یا برای مادرت؟
مال خودمه، مادرم اپل داره.
- گوشی تو چی هست؟
خودم، اس فور دارم... .
- خوب عرفان جان گوشی خودت رمز داره؟
آره.
- مامانت رمزش رو بلده؟
نه، ولی هفته‌ای یک بار، یک ساعت چکم می‌کنه.
- یعنی هفته‌ای یک بار رمز رو بهش می‌گی و بعد دوباره عوضش می‌کنی؟
آره، که کسی نفهمه، بره تو گالری و اینام، عکسامه برداره.
- اگر کسی عکس‌ها ت رو برداره، چی می‌شه؟
می‌ذاره پروفایل، به اسم من کارای دیگه‌ای باهاش می‌کنه.
- تا حالا شده چیزی توی گوشیت داشته باشی که حتی نخوای مامانت هم ببینه، توی اون یک ساعتی که چکش می‌کنه؟
نه.
- عرفان جان بازم به تو بگم همه حرفای ما بین خودمون می‌مونه و من به هیچ کس نمی‌گم.
- آره، می‌دانم.
- خوب پس چیزی بوده تا حالا توی گوشیت که نخوای مامانت ببینه یا پاکش کنی؟
آره.

- چی بوده؟
- یه بار یه دختری آمد پی‌ویم.
- به تو چی گفت؟
- هم‌دست دختر داییم بود، سر به سرم گذاشتن که بشه زنم، اذیتم می‌کردن.
- چند سالش بود؟
- یازده، یه سال از خودم بزرگ‌تر.
- آمد به تو چی گفت؟
- آمد گفت، با من ازدواج می‌کنی؟
- تو به اون چی گفتی؟
- منم گفتم نه، بلاکش کردم.
- خوب این ماجرای بود که از مادرت پنهان کردی؟
- آره، نمی‌خواستم بفهمه، پیامش پاک کردم، ولی اسکرین شات گرفتم، که نگو این رفته تو گالریم، مادرم از اون جا دید.
- چرا اسکرین شات گرفتی؟
- برای این که برای دختر داییم بفرستم.
- که چی بشه؟
- خب من دختری رو بلاک کردم، این عکسم گرفتم که بفرستم برای دختر داییم، بگم کم سر به سرم بذار.
- اون دختری چه جور شماره تو رو پیدا کرده بود؟
- دختر داییم بهش داده بود، گفته بود چکش کن ببین مثلاً با کسی، دختری، دوسته یا نه.
- پس می‌خواست بیاد با تو حرف بزنه، برای دختر داییت اطلاعات بگیره؟
- آره.
- دختری کجا به تو پیام داد؟
- تو روییکا.
- روییکا چه جور برنامه‌ای هست، من ندارمش!
- یه برنامه‌ایه که هر کس می‌توانه هکت کنه، بیاد پی‌ویت پیام بده.
- هک چی هست؟
- یه جور بلاکه، مثلاً همه برنامه‌ها می‌افته دستش.
- به نظرت با برنامه‌ها می‌تونن چه کار کنن؟

امم نمی‌دانم، شاید بخوان به کسی حرف بزنی، با پی‌وی من بهش بگن، پی‌ویم می‌افته دستشان دیگه، مثلاً می‌توانن به هر کسی حرف بزنی با پی‌وی من.

- آهان پس نگرانی که توی رویکا هک بشی؟
آره.

- می‌تونن کاری کنی که کسی نتونه هکت کنه؟
نه.

- خوب دیگه با رویکا چه کارهایی می‌شه کرد؟
یه گروه داشتم که چندتا پسر بی‌تربیت آمدن، حرف‌های بد می‌زدن، حذفش کردم.

- چه جواری توی اون گروه عضو شدی، خودت گروه زده بودی؟
آره، خودم گروه ساخته بودم.

- چه کسانی رو آدد کرده بودی؟

دختر داییم و پسر داییم، دوستای پسر داییم آمده بودن.

- پسر داییت کلاس چندم هست؟

هم‌سن داداشمه، تو یه مدرسه ان.

- پس بزرگ‌تره، یعنی تو پسر داییت رو آوردی توی گروه، اون هم دوستاش رو آورد که آدم‌های بی‌تربیتی بودند.

آره.

- چه کار می‌کردن که فکر می‌کنی، بی‌تربیت بودند؟

حرفای زشت و می‌رفتن پی‌وی دخترا، فحش بهشون می‌دادن، بعد دختر داییم آمد پی‌ویم گفت، اینا از این پیام می‌دن.

- پس دختر داییت به تو تذکر داد؟

آره، گفت گروه رو حذف کن، منم حذفش کردم.

- چه حرف‌های زشتی می‌زدن، چه چیزهایی می‌گفتن؟
مثلاً خانوادگی، فحش خانوادگی.

- به نظرت چرا این کار رو می‌کردن؟

دوست بشن، مثلاً بگه هکت می‌کنم، بترسه، می‌گه یا هکت می‌کنم یا باهام دوست بشی، اینم می‌گه دوست می‌شم، ولی حکم نکن، هکت کنن خیلی بد می‌شه دیگه.

- این‌جا اگر دختره قبول نکنه، فحش می‌دن؟

آره.

- همون اولش به هم فحش می‌دن؟

نه، پسرا یه خشاب فحش هست، نصب می کنن.

- چی؟

خشاب فحش.

- این توی رویکا هست؟

آره، یه برنامه‌ای نصب می کنی، یه دکمه‌ای هست می زنیش بالای پونصد تا فحشه، ارسالش می کنن برای دخترا، بلاک اینا.

- یعنی بعد این که به دختره پیشنهاد دادن و قبول نکرد، این خشاب فحش رو می فرستن و بلاک می کنن، پس از اول فحش نمی دن، وقتی اونا قبول نمی کنن، فحش می دن؟
آره، قبول کنه، می گن باش.

- تو هم تا حالا از خشاب فحش استفاده کردی؟

نه.

- چرا این کار رو نکردی؟

چون یه جور بی تربیتیه، باید به خدا جواب پس بدی.

- یعنی از خدا می ترسی؟

آره، چون هم نماز می خوانم با مادر بزرگم، هم گناه هست، برم اون دنیا چه جوابی به خدا بدم.

- از مادرت نمی ترسی؟

چرا.

- گفتی مامانت چک می کنه گوشیت رو، تا حالا به تو تذکری داده؟

آره، یک بار.

- برای من ماجراش رو تعریف می کنی؟

آره، من یه عکس با اسنپ پت گرفته بودم، یه کم حالت دخترانم کرده بود اسنپ چته، پسر داییم پیام داده بود، گفته بود، جوون چه دختر خوشگلی، بعد مادرم پی‌وی شادم داشت، من نمی دانستم.

- یعنی مادرت شاد تو رو روی گوشی خودش نصب کرده بود و تو نمی دونستی؟

آره، یعنی نه، چند روز قبلش گفته بود، ولی من فک می کردم شاد داداشمه نصب کرده، بعد اونه فرستاده بود پسر داییم، مامانم بلاکش کرده بود و پیام رو دید، تذکر داد دیگه با پسر داییم حرف نزیم، چون کار بی تربیتی کرده.

- خودت فکر می کنی منظور پسر داییت از این حرف چی بود؟

باهام دوست بشه، واقعاً هست پسر با پسر دوست می شن، ای روزا دیگه هست، برای بوس.

- پسرها با پسرها؟

آره.

- توی مدرسه چیزی ندیدی؟

نه.

- عرفان مادرت تا حالا درباره این قضیه با تو صحبت کرده بود که همچین چیزی هست؟

نه.

- توی مدرسه چی، چیزی شنیده بودی، معلم‌ها توضیحی بدن یا بچه‌ها حرفی بزنن؟

آره، دوتا پسر دوربین گرفته بود، چون توی کاسه دستشویی‌هام دوربین گذاشتن، دوتا پسر با هم می‌رن تو دستشویی، دوربین می‌گیرشان، بعد پسره حالش بد شده بود، رفته بود خانه، مادرش صبح زود آمده بود مدرسه، می‌گفت پسر من چیه، بعد دوربین نشان دادن بهش، مادر اون می‌زد زیرش، می‌گفت نه این پسر من نیست.

- بعد چه کار کردن با این بچه‌ها، یادت هست؟

چرا، اخراج.

- هر دو نفرشون رو اخراج کردن؟

آره.

- به نظر تو اون‌ها می‌رن توی دستشویی همدیگه رو می‌بوسن؟

آره، بوسیدن، ولی شایدم برای دعوا بوده، چون می‌گن بقیه دخالت نکنن، می‌رن تو دستشویی.

- پس یک بار توی زمین خالی دیدی، یک بار هم توی مدرسه، توی گوشیت چی، فیلمی در این

مورد دیدی؟

نه.

- کسی به تو پیشنهاد نداده که پسر باشه، بگه بیا با من دوست شو؟

آمده، ولی من قبول نکردم، رفتم دادمش دست مادرش.

- از بچه‌های مدرسه بود؟

نه، از بچه‌های جاده قدیم بود.

- چه طور شماره تو رو داشت؟

شماره نداشت، یه دوستی داشتم، خیلی پسر خوبی بود، آمد جاده قدیم، دیگه الان خیلی پسر داغانی شده، شماره‌ام داشت، هر روز با هم حرف می‌زدیم، چون از گروه کلاسی حذف شده بود، من براش درسا رو می‌فرستادم، معلم می‌زد یه سه نقطه هست بالای او چیزا، اون می‌زنی نوشته ارسال، براش ارسال می‌کنی، دیگه شماره‌ام داشت داده بود به این، دیگه پسره پیام داد، منم اسکرین شات گرفتم، حذفش کردم.

- به تو چی گفته بود؟

آمد گفت به من بوس می‌دی، منم بلاکش کردم، اسکرین گرفتم بردم در خانه‌شان نشان مادرش دادم، با سه تا از دوستانم رفتم، خیلی مؤدب از داداشم مؤدب‌تر.

- داداشت خیلی مؤدب هست؟

آره، یه کم اذیتم می‌کنه، ولی مؤدبه.

بعد با دوستانم رفتیم دوچرخه‌ها مان رو برداشتیم، رفتیم در خانه‌شان بدون اجازه مادرم، ولی خب بعداً فهمید، نشان مادرش دادیم عکسه و با شیریت برای مادرش فرستادیم.

- خوب مادر پسره وقتی بهش گفتی، چی گفت؟

هیچی، گفت بیاد، تنبیهش می‌کنم.

- پسره از تو بزرگ‌تر بود؟

نه کوچیک‌تر بود، کلاسه سه.

- به نظرت این‌ها چه جور این چیزها رو یاد گرفتن؟

(پس از کمی فکر) از پدر و مادرشان.

- یعنی چی؟ می‌شه یک کم بیش‌تر توضیح بدی.

یعنی خب پدر و مادرشان بوس هم می‌کنن، این بچه‌ها می‌فهمن، بعد یه نفرشان بی‌تربیت

می‌شن، صد نفره بی‌تربیت می‌کنه، دیگه زیاد و زیادتر می‌شن.

- چه جور بقیه رو هم بی‌تربیت می‌کنن؟

همین مثل این پسره، میان به بقیه می‌گن بیا بوس کنیم یا برای هم تعریف می‌کنن.

- یعنی از توی فیلم و گوشی این چیزها رو ندیدن، پدر و مادرشون رو دیدن؟

فیلم و گوشی؟ نه، نمی‌دانم.

- منظورم مثلاً ماهواره و این‌ها هست؟

آها ماهواره، آره مادرم به خاطر همین ماهواره نصب نمی‌کنه، می‌گه بده.

- شما ماهواره ندارین؟

نه.

- هیچ‌وقت هم نداشتین؟

چرا داریم، ولی برش داشتیم، چند بار مادرم می‌خواست بذاره، من گفتم نمی‌خواد.

- چرا؟

برا فیلما، فیلم بد.

- مثل چه فیلمی؟

مثلاً یه دختر و پسر عاشق هم می‌شن، همه بوس می‌کنن.

- تو دیدی این جور فیلمی یا از جایی شنیدی؟

پسر فامیلمون دو سال از من بزرگ‌تره، یه دفعه خونه‌شون بودم، توی اتاقش ماهواره داشت، یه فیلم نشان داد، داشتیم پلی دو بازی بازی می‌کردیم، گفت بیا فیلم ببینیم، فک کنم اسمش کماندار بود، سیصد، چهارصد قسمتی بود، ما یک قسمتش رو دیدیم که یه زن و مرد عاشق هم شدن، همدیگه رو بوس می‌کردن، منم دیگه گفتم، نمی‌خوام ببینم.



- خوب این که دو نفر همدیگه رو بوس کنن، به نظرت کار بدی هست؟
آره.
- تو نباید ببینی یا بزرگ‌ترها هم نباید ببینن؟
نه اونام نباید ببینن، کار اشتباهیه.
- به نظرت افرادی که این کارها رو انجام می‌دن، اون‌ها رو از کجا یاد گرفتن؟
فضای مجازی.
- از چه چیز فضای مجازی؟
کانال، کانال‌های بی‌تریبیتی.
- تو کنجکاو نیستی ببینی این‌ها، چه فیلم‌هایی هستن؟
نه، چون آدم رو بی‌ارزش می‌کنن.
- یعنی چی آدم رو بی‌ارزش می‌کنن؟
یعنی آدم رو بی‌ادب می‌کنن، مثلاً فقط یه بار رفتن تو گروه، دیدم فیلم یه دختریه داره تریاک می‌کشه.



- از کجا فهمیدی تریاک هست؟
- یکی از فامیلامان تریاک می‌کشه، خانه اونا دیدم.
- پس یک بار توی گروه رفتی؟
- آره، می‌خواستم بدمشان دست پلیس، یه سه نقطه او بالا تو پروفایل‌های روبیکا هست، می‌زنی روش میاره، گزارش مردم یا گزارش به پلیس، من می‌خواستم پلیس بزنم، من گزارش زدم، ولی گوشیم خراب شد دیگه، نگرفت، قاطی کرد فک کنم.
- یعنی قصدت این بود بینی چی توش هست که اون رو بدی دست پلیس؟
- آره، دقیقاً می‌خواستم بدم دست پلیس، چون اونا دیگه اون گروه رو حذف می‌کنن.
- کی این گروه رو برای تو فرستاد؟
- آمدن پی‌ویم.
- اون رو نمی‌شناختی؟
- نه، مثلاً عکس یه دختره از اینترنت در میارن، می‌ذارن پروفایل با یه اسم الکی، مثلاً این که آمد پی‌وی من، اسمش عسل خانومی بود.
- و به نظر تو عسل خانومی نبوده؟
- نه، عسل خانومی اسم نیست، الکی گذاشتن.
- خوب؟
- دیگه منم رفتم ببینم چیه، چون تا حالا ندیده بودم.
- فقط فیلم بود، تو همین یکی رو دیدی؟
- آره، جوکم شنیدم هست، ولی من نتانستم باز بکنم، مثلاً تو دفتر جوک می‌نویسن، عکس می‌گیرن می‌فرستن کانال.
- جوک‌های بد؟
- نمی‌دانم باز نکردم، می‌دانستم همه‌اش بی‌تربیتیه.
- خاله دیگه بعد از این کانال ترسیدم، هر چه دوست و اینا داشتم، همه‌اش حذف کردم، گروهی که داشتم، او آدمای بی‌ادب حذف کردم، ولی ترسیدم کسی بیاد پی‌وی بفرسته، او بچه‌های سالمم خراب کنه.
- خوب عرفان چند ساله که گوشی داری؟
- دقیق یک سال، البته قبلش تبلت داشتم، از شش سالگی.
- چه کارش کردی؟
- خیلی بازی روش نصب کردم، دیگه هنگ کرد.
- کی بهت یاد داد با گوشی کار کنی؟

برادرم.

- سیم کارت هم روش بود؟

آره، به خاطر این که مادرم اگر رفت جایی، بشه بهش زنگ بزَنم.

- خوب تلگرام چی؟

خیلی خیلی وقت پیش آنالاین بودم، اصلاً آنالاین نمی‌شدم، کلاً در حد دو ساعت باهاش کار کردم، یه دختردایی دیگه دارم، اون گروه داشت، آمد بهم گفت عرفان یه دختری آمده پی‌ویم گفته عرفان من رل می‌خوام، منم گفتم رل چیه؟! دیگه یه طور آوردم تو گروه، فقط سه نفر بودیم. من، دختر داییم که چند سال کوچیک‌تر از داداشمه و هم کلاسیش.

دیگه دختره آمد پی‌ویم گفت من رل می‌خوام، منم گفتم رل چیه.

- به تو گفت رل چی هست؟

نه، دختر داییم گفت، او دختره نگفت.

- چی گفت؟

گفت یعنی یه دختر با یه پسر دوست بشه.

- خوب بعدش؟

من شدم مدیر گروه، حذف‌شان کردم، بلاک‌شانم کردم.

- چرا با دختره دوست نشدی؟

چون می‌خوام آینده‌ام رو بسازم، مثلاً یه زنی بگیرم دکترا داشته باشه، خودمم مثلاً بازیگری، شرکت نفتی، اینا.

- و فکر می‌کنی اگر با یک دختر الآن دوست بشی، نمی‌گذاره به این‌ها برسی؟

آره، الآن دخترا دیگه سالم نیستن، آینده آدم رو خراب می‌کنن، دوستم با یه دختری دوست شده بود، الآن نابوده.

- چرا؟

اخلاقی، اخلاقش خیلی بد شده، مثلاً یه بار یه حرفی می‌زنه، می‌گی‌ها عصبانی می‌شه، می‌زنه زیر چیزی که هست جلوی دستش.

- از تو بزرگ‌تر هست؟

یه سال از من بزرگ‌تره، کلاس پنجم، بعد یا می‌زنه بهت یا میاد در خانه‌تان با سنگ و اینا فحش می‌ده.

- به نظرت این کارهاش به خاطر این هست که با یک دختر دوست شده؟

آره.

- خوب چرا به نظرت، اون دختر چی می‌گه که این قدر اخلاقش بد هست؟

مثلاً بهش می‌گه با همه عصبانی باش، اصلاً او دختر نمی‌خواد با کسی دوست باشه، می‌خواد اخلاقش رو بد بکنه، الان یه دختری تو جاده قدیم بود، رفته بود به دوستم گفته بود من از عرفان خوشم میاد، برو بهش بگو، یازده و نیم شب بود، خانه مادر بزرگم دیدم یکی در می‌زنه، ترسیدم نرفتم، گفتم شاید گرتی‌ها (گردی‌ها) باشن، دیدم یکی یه موشکی انداخت تو حیاط، بعد دوستم پدر و مادرش گرتین، تا صبح بیدارن، مواد می‌کشن، بعد اینم بیدار می‌مانه، چون اونا بیدارن، دیگه موشک انداخت، نوشته بود حسامم بیا، منم رفتم در رو باز کنم.

- مادر بزرگت چرا نرفت در رو باز کنه؟

خواب بود.

- مادرت اون جا نبود؟

نه، مادرم نیامده بود، من تنها رفته بودم، فقط خاله این ماجرا رو به مادرم نگي، چون خبر نداره.

- باشه عزیزم، ادامه بده.

دیگه خاله ترسیدم، قبل این‌که در رو باز کنم گفتم شاید گرتی‌ها باشن، الکی اسم دوست من رو یاد گرفتن نوشتن حسام تا من برم در رو باز کنم، گفتم اگر راست می‌گی حرف بزنی، گفت سلام بیا بیرون.

دیگه رفتم، گفتم خیر باشه، انداختنت بیرون، گذاشتن دنبالت، دزد زده خانه‌تان، چه شده، گفت وایسا یه دختری صبح آمده در خانه، گفته من خوشم از عرفان میاد، بهش بگو، منم یه نامه نوشتم و بهش دادم، دو کلمه بود، گفتم حسام این رو برایش ببر، دیگه ازش خبر ندارم، اسم دختره هم ستایش بود.

- چی برایش نوشتی؟

نوشتم تو بی‌خود می‌کنی و اصلاً اسم منو از کجا می‌دانی، من اسم تو رو نمی‌شناسم، دیگه همین.

- عرفان روزی چند ساعت از گوشی استفاده می‌کنی؟

کلاً چهار ساعت.

یک ساعت کلاس، ولی نیم ساعت کلاس، نیم ساعت دیگه هی پی‌وی معلمه می‌مانم، دیگه

عادت کردم این قدر هی پی‌ویش می‌مانم.

- یعنی چی، چرا بعد این‌که درس تموم می‌شه، هی پی‌وی معلمات می‌مونی؟

می‌گم شاید یه درسی بده سرگرم بشم. شاید مثلاً بگه، ای درسه غلط داشتی، منم اونا رو دوباره

تمرین کنم.

- معلمات تکالیف صحیح می‌کنه، نمی‌گه غلط‌هاش رو اصلاح کنید، بفرستید؟

آره، می‌گه شما دیگه سخت‌تانه نمی‌خواد باز بفرستین، ولی من می‌نویسم عکسش رو برایش

می‌فرستم، تازه دو خطم می‌نویسم.

- این کار رو می‌کنی که حوصله‌ات سر نره؟
آره.

هم نمره‌ام می‌ره بالاتر، شایدم نره البته، ولی پیش معلم انضباطم می‌ره بالاتر.
- بقیه ساعت‌های اون چهار ساعت رو بگو؟
یک ساعت دیگه‌اش زامبی بازی، یک ساعت تفنگ بازی، یک ساعت فوتبال.



- چه ورزشی دوست داری؟
فوتبال، والیبال.

- خوب چرا بازی نمی‌کنی؟
کرونا آمده.

- قبلاً بازی می‌کردی؟
آره.

- اینستاگرام هم داری؟
نه.

- علتی داره که اینستاگرام نداری؟

چیزهای بی تربیتی توشه.

- تو چیز بی تربیتی توی اینستاگرام دیدی؟

نه، ولی می گن، مادرم همیشه می گه نمی خواد نصب کنی، البته من خودمم نمی خوام.

- چرا؟

بسته زیاد می بره، چیزای بد یاد می گیرم، حتی داداشمم که هجده سالشه نداره.

- تو توی شاد پروفایل داری؟

آره، اسم خودمه و یه عکس سلفی ساده ام از خودم گرفتم برای عکسش که معلم بفهمه کی به

کیه، البته اسمم با یه برنامه درستش کردم، شکسته نوشته عرفان و فامیلیم.

- چرا ساده ننوشتی؟

گفتم یه کم باکلاس تر باشه.

- خوب برگردیم به بازی هات، سه ساعت بازی می کردی؟

آره، یه ساعت تفنگ، یه ساعت فوتبال، یه ساعت زامبی کشتن.

یکیش یه آدم کوچولویی، اسلحه دستشه، یه طعمه می فرستی، مثلاً چهارتا زامبین میان، بعد یه

سنگی این جاس میان پشت سنگه، بعد او طعمه می فرستی، زامبیا میان بالا، سریع میای این ور با تیر

زامبیا رو می زنی. بعد بازی تفنگه هم هست، او یکی، یکی، آدم می کشه.

- خوب بازی فوتبال رو کامل به من بگو؟

فوتباله، وقتی گل می زنی خیلی شوق و ذوق دارم، حس می کنم مثلاً فقط خودم بلدم، ولی بعدش

پیش خودم فکر می کنم، نه بابا همه بلدن، بازی خیلی سرگرم کننده ای، عالیه حتی برای بچه های

پنج، شش ساله خیلی مناسبه، هم فوتبال شان قوی می شه.

- یعنی فکر می کنی بازی فوتبال توی گوشی، باعث می شه فوتبال واقعیت بهتر شه؟

آره، من خودم فوتبال رو با این بازی یاد گرفتم، اگر این بازی رو نداشتیم، یاد نمی گرفتیم.

بعد خاله یه گیگ بسته می گیرم، یه برنامه ای هفته ای یه ورزش داره، اون کسی که ورزش

می کنه، فیلم از خودش می گیره، می گه این جوری بکنین سی ثانیه، ما هم انجام می دیم، بهمان پیام

می ده، می گه مثلاً الان فیلم می فرستم، مثلاً قیچی، ما هم انجام می دیم.

- چه برنامه ای هست؟

برنامه بدنسازی آنلاینه، مثل یه برنامه نصبش می کنی، برای کسانی که می خوان بدن شان قوی

شه.



- قوی برای چه کاری؟
- مثلاً جابه‌جایی، کمک به کسی، یه کمم باعث می‌شه آدم قوی شه، نه ضعیف باشه.
- آدم‌های قوی چه طوری هستن؟
- ویتامیناشان خیلی زیاده، بدنشان سالمته.
- این‌ها رو از کجا شنیدی؟
- از دوستای توی کوچهام، بعد یه مدتم می‌رفتم بدنسازی، دوستانم گفتن عرفان جان نرو دیگه، قدت کوتاه می‌شه، بالای یک میلیونم پودر گرفته بودم.
- پودر بدنسازی؟
- آره ویتامین و اینا بود، ویتامین سه، ویتامین ای.
- به نظرت آدم‌های قوی خوشگل‌تر هم هستن؟
- ربطی به خوشگلی نداره، بدن آدم سلامت باشه از خوشگلی و بدشکلی مهم‌تره.
- گفتمت یه برنامه بدنسازی داری، کی به تو معرفی کرد؟
- دختر داییم، برای من فرستاد عضو شدم، خیلی خوبه دیگه همیشه باهاش ورزش می‌کنم.
- هر روز باهاش ورزش می‌کنی؟
- نه، هفته‌ای یک بار.
- به نظرت خودت تغییر کردی؟
- تغییر نه، ولی بدنم سلامت می‌شه، ورزش می‌کنم، پودرهای بدنسازی می‌خورم، همه‌اش ویتامینه، همه ویتامین‌ها رو خریدم.
- کی بهت این پودرها رو معرفی کرد؟
- صاحب باشگاه، اون موقع که بدنسازی می‌رفتم، داداشم می‌رفت پیشش بدنسازی، اونم پودر خرید، از پودرهای اونم می‌خورم.
- مامانت اجازه می‌ده از این پودرها بخوری؟
- آره، کاری نداره، چون همه‌اش ویتامینه.
- خوب این بازی فوتبال رو کی برای تو نصب کرد؟
- خودم.

- چه جوری؟

توی بازار زدم بازی دو هزار و شونزده.

- سالت مهم هست؟

آره، خیلی مهمه، مثلاً قدیمی باشه، خیلی ضعیفه دوربیناش.

- چرا دو هزار و بیست نگرفتی؟

ببخشید من دو هزار و نوزده نصب کردم، بیست حشم زیاد بود، من بسته کم تر داشتم.

- پس خودت این بازی رو پیدا کردی؟

آره.

- چه جوری یاد گرفتی باهاش کار کنی؟

خودم یاد گرفتم.

- تنهایی؟

آره، اگر می‌خواهی از مادرم بپرس، خودم دیشب نصبش کردم.

- دیشب نصب کردی؟

آره، نه خب قبلاً داشتم، قدیمی بود.

- پس قبلاً هم داشتی؟

آره، یه لول بالاترش رو الان نصب کردم، مثلاً ۱۸ داشتم، الان ۱۹ نصب کردم.

- پس کیفیت جدیدها بهتره؟

آره، هم سرعت بازیکنان بیشتر می‌شه، هم بازیکنان جدیدتر می‌شه، هم کیفیتش بهتر می‌شه.

من دو هزار و هجده داشتم، خیلی کیفیتش بد بود، او دکمه‌ای که می‌زدی، توپ از تیم مقابل

بگیری، خیلی دیر توپ می‌گرفت، پنج، شش بار باید دکمه می‌زدی، الان نوزده نصب کردم، خیلی

سریع‌تر نصب می‌شه.

- دوست‌های خودت هم این بازی رو دارن، در موردش با هم حرف می‌زنین؟

آره، مثلاً من نوزده نصب کردم، زنگ زدم دوستانم، گفتم خیلی کیفیت داره، شما هم نصب کنین،

آنلاینه مثلاً یه دکمه‌ای او بالا داره که بتانی با دوست‌های خودت حرف بزنی، مثلاً مسی می‌شناسی

که، خود مسی منم، یار کناری دوستم می‌شه، یعنی همه‌مان گوشیايمان جمع کن تو یک گوشه،

همه‌مان جمع می‌شیم.

- در بازی چه طوری با هم مرتبط می‌شین؟

مثلاً من بازی نصبش کردم، بعد دوستانم رو آوردم، مثلاً بازی آنلاینه، یه لینک می‌ده، می‌گه این

لینک‌ش برای دوستانتان بفرستین، بعد خاله خیلی عجیبه، این لینک چه جور ساخته ما نفهمیدیم... .

دیگه خلاصه برای دوستام فرستادم، اونام آمدن، بعد خاله یه جوریه، من حرف می‌زنم صدا برای دوستم می‌رفت، او یکی دوستم حرف می‌زد، صدا برای او یکی دوستم می‌رفت، کلاً سه نفریم، دیشب مثلاً من ضبط باز کردم، مثلاً گفتم ماهان بیا کنار دروازه، پاس دادم، گلش کن.

- صداتون برای همدیگه می‌ره؟

آره، هم‌زمان برای همه پخش می‌شه، چون مثلاً اگر من نگم ماهان، ای گله بزن، کی بفهمه با کییم.

- بعد وقتی بازی تمام می‌شه، تعریف می‌کنید از خودتون که مثلاً من گل زدم، من بردم؟ نه، دوستم یه شوق و ذوقی داره، مثلاً میاد می‌گه عرفان، یاسین، آفرین خسته نباشید، خداحافظ، همین.

- عرفان جان می‌گی که روزی چهار ساعت با گوشی بازی می‌کنی، خسته نمی‌شی، مثلاً چشم‌هات درد کنه یا گردنت؟

نه، چشمم هیچ‌وقت درد نگرفته، چون می‌برمش دور.

- کسی به تو گفته که به صفحه گوشی نزدیک نشو؟

نه خودم، چون دو، سه روزی که تبلت داشتم، خیلی نزدیک باش کار می‌کردم، چشمم سوخت، آمدم در موردش فکر کردم، گفتم چرا چشمم سوخته، بعد فهمیدم نوری که فوتبال بازی می‌کردم، می‌رفتن چشم درد می‌کرد، بعد افتاد یادم که به خاطر این که نور نزدیکه، چشمات نزدیک به بازیکناس، دیگه انگار یه چیزی تند تند میاد و می‌ره، چشات می‌افته درد.

- خوب الان دیگه از بازی زامبی‌ها بگو؟

زامبیه، هر وقت زامبیا، از دستم می‌رن، اعصابم خراب می‌شه، حس می‌کنم باید گوشی رو بشکنم، مثلاً یه اسکیت داره، تیر می‌زنم می‌خوره تو اسکیت، نمی‌شکنه.

- عرفان از زامبی‌ها نمی‌ترسی؟

نه، پسر داییم دقیق، دقیق، شش سالشه، یک ساله از پنج سالگی این بازی رو می‌کنه، من خودم یه سه، چهار روزه نصب کردم، سه، چهار روز نیست، ببخشید یک ماه، دو ماهیه نصبش کردم، حالا او نمی‌ترسه، من بترسم.

- کسی به تو معرفی کرد؟

آره، از بچگی عاشق این بازی بودم.

- از کجا دیده بودی؟

دست پسرداییم، خیلی ازش تعریف می‌کرد.

- چرا زودتر نصبش نکردی؟

چون می‌رفتم مدرسه، وقت نداشتم.

- مادرت مشکلی نداشت؟
- نه، خودم نصب نکردم، چون درس داشتم.
- دوستان دیگه‌ها هم این بازی رو دارن؟
- نه، خبر ندارم.
- خوب یک بازی دیگه هم گفتی؟
- تیراندازی.



- آره، اون رو هم توضیح می‌دی؟
- آره، مثلاً من میام، اسلحه و اینا بخرم، مثلاً بالاش نوشته می‌خوای ایرانی باشی یا عراقی، مثلاً من می‌گم ایرانی، بعد مثلاً او داعشیا رو نکشم، با تیر می‌زنن، بعد من می‌رم آرپی‌جی می‌خرم، همه‌شان رو می‌کشم، ولی خاله بعضی وقت‌ها می‌بازم.
- وقتی می‌بازی چه حسی داری؟
- عصبانیم از همه، چه جووری بگم از همه ضعیف‌ترم.
- حس می‌کنی از همه ضعیف‌تری که باختی؟
- آره.
- این بازی رو چند وقته داری؟
- دقیق، دقیق چهار ماه.
- روزی یک ساعت هم گفتی باهانش بازی می‌کنی؟
- نه، یه ربع، بیست دقیقه.
- توی این بازی تفنگ و مهمات بهتون می‌دن؟
- آره، باید بخری، پولی.
- هر آدمی بکشی، یک میلیارد پولشه، بعد اون یک میلیارد، یه آرپی‌جی می‌کنه.
- به نظرت بازی‌های خارجی خوب هستن یا ایرانی؟
- ایرانی.
- چرا؟

چون هر کسی باید برای کشور خودش بازی کنه.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

آره، برای این‌که برای وطن، مثلاً من این‌جوری فکر می‌کنم باید سر وطن خودت باشی، نه این‌که بری بازیای کسی دیگه رو معروف کنی، باید بازی‌های وطن خودت رو معروف کنی.

- کسی رو دیدی برای وطنش جنگیده باشه و موفق شده باشه؟

آره، سردار سلیمانی، عکسش رو داداشم تو گوشیش داره که پا و ایناش قطع شده بود، آمریکایی‌ها این کار رو باهاش کردن.



توی برنامه شاد تا حالا چیزی خوندی که مطلب علمی باشه؟

آره این‌قدر معلم می‌فرسته، کارتونیشه می‌فرسته، به خاطر این‌که نترسیم از آدمای قدیم، چون یه جورین، توی جنگ زخمی شدن، ترسناکه.

- امام‌ها منظورت هست؟

نه مثلاً پایتخت و اون دشمنای قدیمی‌مان، اونا.

- تاریخ ایران رو می‌گی، مثلاً هخامنشیان و ساسانیان و این‌ها؟

آره، آفرین، همین هخامنشیان و ساسانیان و اینا، معلم‌مان میاد کارتونیش می‌سازه با عروسک.

- خودش می‌سازه یا فیلم‌ها رو از جاهای دیگه‌ای می‌گیره؟

نه خودش، برای انگشتاش رفته از پیش عروسک درست کرده، با اونا داستان می‌گه، فیلم می‌گیره و می‌فرسته.

- دوست داری این‌جوری تاریخ رو یاد بگیری یا از کتاب‌ها بخونی؟

این‌جوری خیلی جذابه، کامل می‌فهمم.

- خوب تا حالا مطلب دیگه‌ای توی گوشی یا تلویزیون دیدی که درباره خدا و پیامبر و امام‌ها باشه؟

آره، داستان حضرت ابراهیم.

- این فیلم رو هم معلم با انگشت نمایش داد؟

نه، این یه تیکه از یه فیلم بود، از جای دیگه آورده بود برامان، سی دقیقه تقریباً.

بعد خاله، یه فیلم دیگه ام فرستاد، چندتا بته، دشمنان می پرستش، بعد یه آدم عادی میاد، می گه خدا هست بتا رو بشکنین، اونام می گن اگر راست می گی خدا هست، الان بگو یه شتری از او کوه بیاد، اینم می گه، خدایا کمک کن، و یه دفعه یه شتری از بالای کوه واقعی میاد، بعد می گه، اگر راست می گی، همین الان یه شتر بیاره دنیا، بعد می گه خدایا کمک بکن یه شتر بیاره دنیا، بعد میاد دنیا.

- تو بعد دیدن اینها درباره خدا چه فکری کردی؟
گفتم پس خدا هست.

- عرفان از مسی گفتی، دیگه چه کسانی رو توی فوتبال می شناسی؟
رونالدو، استقلال، پرسپولیس.

- طرفدار کدوم هستی؟
استقلال و رونالدو.

- به نظرت رونالدو آدم بزرگیه یا سردار سلیمانی؟
سردار سلیمانی.

- چرا؟

چون اون برای وطن زحمت کشیده، جان خودش رو داده برای ما، ولی فوتبال چیه، ارزشی نداره، کسی که نگاش می کنه، ارثیه بهش می رسه یا جانش سلامتیه؟! نه، ولی سردار سلیمانی جانش رو به خاطر ما داد، ای همه دشمن کشت.

- عرفان یک چیزی گفتی بین حرفهات که بچه ها میان با پروفایل های دیگه می رن پی وی بقیه، این کار درستیه؟
نه.

- چرا؟

کار اشتباهیه، چون ممکنه یک آدم بهش بر بخوره، شاید نخواد عکسش رو به یکی بفرسته، شاید خوشش نیاد، ناراحت بشه، یا این که عکسش تبدیل به یک آدم دیگه بشه.

- دوست های خودت هم این جور فکر می کنن؟
نمی دانم، تا حالا درباره این قضیه حرف نزدیم.

- گفتی کارتون هم می بینی، از اون ها برام بگو؟
بچه رئیس رو می بینم.



- توی تلویزیون می‌بینی یا می‌خری؟
- دوتاش، هم سینمایی توی تلویزیون پخش می‌کنه، هم می‌خرم.
- چه شبکه‌ای؟
- شونزده، شبکه پویا.
- کارتون ایرانی بیش‌تر دوست داری یا خارجی؟
- ایرانی.
- چه عاملی باعث می‌شه کارتون ایرانی رو دوست داشته باشی؟
- چون کارتون‌های خارجی حرف نمی‌زنن، به جورین مٹ میگ که خارجیه و حرف نمی‌زنن، صدای عجیب دارن، من دوست دارم حرف بززن.
- پس کارتون ایرانی رو بیش‌تر دوست داری، چون بیش‌تر توش حرف می‌زنن؟
- آره، من خیلی حرف زدن دوست دارم، بعد خاله من کارتون‌هایی که خود بچه‌ها می‌سازن، یعنی بچه‌های واقعی توش ان، خیلی برام جذاب‌تره.
- دیگه چه کارتون‌هایی می‌بینی؟
- ماشین کوکی‌ها، به جور ماشینه، کار همه مردم رو راه میندازن.



- ایرانی هست؟
- ایرانی حرف می‌زنن.
- چون ایرانی حرف می‌زنن، فکر می‌کنی ساخت ایران هست؟

- نه، آخرش می‌نویسه ساخت ایران.
- خوب بیش‌تر ارزش برای من بگو؟
- مثلاً کسی خانه‌اش آتیش می‌گیره، اینا میان خاموش می‌کنن، گل و ایناش خراب شه، میان خوبش می‌کنن، بعد ساختمان می‌سازن.
- چه چیزی توی این کارتون هست که خیلی دوست داری؟
- کمک به فقرا.
- اگر تو هم یک روزی پول‌دار بشی، دوست داری به فقرا کمک کنی؟
- آره.
- به نظرت چرا کمک به فقرا کار خوبی هست؟
- چون نیازمندن، خدا خوشش میاد، من خوشی بکنم.
- کسی هم تا حالا این‌ها رو به تو گفته؟
- نه.
- تو مدرسه هم نگفتن؟
- چرا، چرا، معلم‌مان یه بار گفت، بعد من یه لباس داشتم، کوچیک شده بود، یه گدایی این‌جا بود، یه نی نی کوچولو داشت، منم لباسم رو براش بردم.
- مامانت به تو نمی‌گه با گوشه‌کم‌تر بازی کن؟
- نه، چون زیاد استفاده نمی‌کنم.
- به نظرت فیلم خارجی جذاب‌تر هست یا ایرانی؟
- ایرانی، خارجی مسخره‌اس.
- چرا؟
- مثلاً من یه فیلم خارجی با داییم دیدم، یه مردی پلنگ می‌شه، مگه داریم همچین چیزی! بعد با یکی دعوا می‌کنه که گرگه، مثلاً شاخه درختی، پلنگه می‌کنه، می‌زنه به گرگه، یه دفعه می‌شن آدم، خیلی مسخره‌اس، اصلاً چیز درستی نیست.
- اسمش رو یادت هست؟
- نه.
- عرفان‌جان الان که آموزشت مجازی هست، خوبه یا وقتی حضوری بودین؟
- من از آموزش مجازی بدم میاد، چون هیچ‌کس یاد نمی‌گیره، همه تقلب می‌کنن.
- چه جوری تقلب می‌کنین؟
- معلم خودش تقلبی می‌فرسته، مثلاً می‌خوای یه سوال ریاضی حل کنی که همیشه معلم می‌فرسته، هیچ ارزشی نداره.

مثلاً تو می‌خواهی پانزده و پانزده جمع کنی، ای میا می‌گه می‌شه سی، تو هم حفظش می‌کنی، دیگه یاد نمی‌گیری که، مثلاً معلم گفت امروز فقط کامل گوش کنید که فردا امتحان بگیرم، بعد خاله هیچ‌کس اصلاً گوش نمی‌ده قشنگ معلومه، مثلاً وقتی باید از خودمان فیلم بگیریم، کامل معلومه بچه‌ها گوشی نزدیک صورت می‌کنن، پشت گوشی، کاغذ جواب سوالا می‌ذارن از روش می‌خوانن، معلم می‌گه از دور بگیرین، ولی اینا از نزدیک می‌گیرن، اما من از دور می‌گیرم.

- عرفان چندتا دوست صمیمی داری؟

دوتا دارم، پارسا و آرمان.

- با گوشی با هم حرف می‌زنین؟

آره، ولی خیلی کم، فقط در حد احوال‌پرسی. یکیشانم از گروه معلم حذف شده، من هر چی معلم می‌فرسته براش می‌فرستم.

- داداشت هم وقتی این‌جا بود، بازی می‌کرد؟

آره، همو تفنگ بازی، خیلی.

- به جز گوشی، گفتم پلی دو و سه و کامپیوتر هم داری، با این‌ها هم بازی می‌کنی؟

آره.

- چه بازی‌هایی می‌کنی؟

پلی سه فقط بازی فوتبالی داره، کامپیوترم سه تا بازی فوتبال دارم، مٹ همو گوشی... .

- به نظرت اوضاع اقتصادی ایران خوب هست؟

نه، اگر خوب بود که برادر من هر روز زنگ نمی‌زد به مامانم بگه، می‌خوام از تهران برگردم، می‌دانی چرا، چون کلی کار می‌کنه، ولی هر چی در میاره، اندازه خرج و خوراک خودشه.

- به نظرت تقصیر کی هست؟

اونایی که تو مجلس ان، خودشان کلی حقوق می‌گیرن، ولی به فکر مردم عادی نیستن.

- به نظرت باید چه کار کنند؟

باید برن کشورهای دیگه یاد بگیرن، ببینن آلمان چه کار کرده که الان بی‌کار نداره، همون کار رو کنن، بالاخره ایران خیلی کشور بزرگیه، برای چه مردم تو فقر باشن.

- دوست‌های خودت هم این‌جوری فکر می‌کنن؟

اونا رو نمی‌دانم، ولی خانواده خودم همیشه از گرانی می‌گن.

- دوست داشتی آلمان بودی که به نظرت این‌قدر اوضاع اقتصادیش خوب هست؟

نه، ولی آره.

- چرا؟

نمی‌دانم، دوست دارم، کلاً خوشم از او و آب میاد.

- دوست‌های خودت چی، به نظرت اون‌ها از چه چیز اون‌ور آب خوش‌شون میاد؟
- نمی‌دانم، ولی شاید به خاطر ماشین‌های آخرین سیستم و ساختمان‌های شیشه‌ای باشه.
- این‌ها رو از کجا دیدی؟
- یادم نیست، ولی فکر کنم او ور آب این جوریه، همه چی مثل شاه‌اس.
- یعنی توی ایران ماشین‌های خارجی و ساختمان شیشه‌ای نداریم؟
- داریم، ولی اون جا فکر کنم بیش‌تره.
- عرفان جان خیلی ازت ممنونم که بهم کمک کردی، موفق باشی، خیالت راحت باشه که همه حرف‌ها بین خودمون می‌مونه.
- خواهش می‌کنم خاله.
- بعد از مصاحبه از عرفان جهت سنجش میزان توانایی او در استفاده از گوشی و هم‌چنین بیش‌تر آشنا شدن با بازی‌های مورد استفاده‌اش، از او خواستم که هر سه بازی و برنامه بدنسازی مورد استفاده خودش را روی گوشی من نصب کند، او با مهارت بالایی به سرعت تمام بازی‌ها و برنامه را جست‌وجو، دانلود و نصب کرد.

۲-۱۴ - مصاحبه با ثریا، ۱۰ ساله

اون‌ا به مامان و باباشون قول دادن عالی بگیرن تا براشون تبلت بخرن. وقتی هم که خریدند، مطمئن باش دیگه درس نمی‌خونن.

تذکر پژوهشگر:

ثریا، دختر تک‌فرزندی است که ۱۰ سال بیش‌تر از عمر او نگذشته و هنوز بلوغ زیستی خودش را نیز تجربه نکرده است.

ثریا از روابط خانوادگی خویش رضایت خاطر ندارد و به نوعی از فرزندان رها شده^۱ به حساب می‌آید. وی برای دستیابی به تبلت، شرط اولیا را پذیرفته و با تلاش مضاعف شاگرد اول شده است، اما در ادامه درس خواندن را ترک گفته است. ثریا در حلاله روابط عاطفی که نیاز طبیعی هر کودکی هست، با پناه جستن به فضای مجازی، نه تنها مواردی مانند عشق بچه‌گانه - بزرگ‌سال را تجربه

۱. مفهوم رها‌شدگی، مفهوم جدیدی است که از ملاحظه خانواده‌هایی که با فراهم کردن امکاناتی نظیر سرویس رفت و برگشت به مدرسه، سرویسی که غذای رستوران را برای فرزند در خانه می‌آورد، سرشان به کار و یا میهمانی‌ها و تفریحات شبانه خودشان گرم است، قابل طرح است.

کرده است، بلکه با رجوع به سایت‌های مد و زیبایی یا ایجاد مزاحمت برای پسران و یا حتی شارژ کشیدن از پسران، درصدد سرگرم کردن خود و ارضای نسبی خلاء عاطفی خویش برآمده است. اما با همه این‌ها مشخص است که گریز ثریا به فضای مجازی نیز چندان راهگشای وی واقع نیامده و وی در عمل به افسردگی رسیده است.

- سلام.

سلام.

- خوبی؟

مرسی خوبم.

- چند سالته؟

امسال رفتم کلاس چهارم.

- اسمت چیه؟

ثریا.

- اجازه می‌دی قدری وقت شما رو بگیرم و چند سوال از شما بپرسم.

باشه.

- ثریا جان تو تبلت یا گوشی داری؟

بله، هر دوش رو دارم!

- راستش من یه تبلت جدید خریدم، ولی نمی‌دونم چه طوری با اون کار کنم، تو بلدی؟

معلومه که بلدم، باید اول از همه برنامه‌های واتساپ و تلگرام و اینستا رو نصب کنی تا بقیه‌اش رو بهت بگم.

- اسم این برنامه‌ها رو شنیدم، می‌تونی توضیح بدی، این برنامه‌ها چه طوریه و با اون‌ها چه

کارهایی می‌شه کرد؟

اینا برنامه‌هایی هستن که خیلی راحت می‌تونن با دوست‌های خودت حرف بزنی و چت کنی. تازه

کلی کارهای جالب‌تر هم می‌تونن باهاشون انجام بدی. خیلی کیف می‌ده.

- کارهای جالب، منظورت از کارهای جالب چیه؟

خوب راستش... سرکار بذاری دیگران رو و اطلاعاتی که خیلی دوست ندارن تو بدونی رو گیر

بیاری و بفهمی!

- سرکار بگذارم، خوب تو چه طوری این کار رو کردی، یعنی دقیقاً چه کار می‌کنی؟

خوب من با این که ۱۰ سالمه، ولی گاهی خودم رو با سن‌های مختلف به کسانی که من رو

می‌شناختن، معرفی می‌کردم و باهاشون خیلی راحت حرف می‌زدم.

- می‌شه بیش تر توضیح بدی، منظورت رو درست متوجه نشدم؟
- خوب، وقتی من با یه پسر ۲۵ ساله چت می‌کنم، اگه می‌گفتم من ۱۰ ساله‌ام، سریع بلاکم می‌کرد، سر اون تصمیم گرفتم سن خودم رو بالاتر بگم تا اونا باهام حرف بزنن.
- یعنی فقط با اون‌ها حرف می‌زدی و کار دیگه‌ای نمی‌کردی؟
- راستش از ۲ تا پسر هم سوءاستفاده‌ی مالی کردم.
- چه جوری؟
- راستش بابام برام شارژ موبایل نمی‌خرید. منم از اون پسرا می‌خواستم برام هر هفته شارژ بخرن.
- اون پسرا رو می‌شناختی؟
- نه، اصلاً نمی‌شناختم. اصلاً برام مهم هم نبود بشناسمشون.
- یعنی پسرا برات به راحتی شارژ می‌خریدن، مگه امکان داره؟
- راستش یه کلکی بهشون زدم که راحت برام شارژ بخرن. کافیه یه خرده زرنگ باشی. راحت می‌تونن ازشون پول شارژ به جیب بزنی.
- مثلاً چه جور کلکی زدی؟
- راستش عکس خودم رو توی پروفایل نداشتم، عکس یه دختر خیلی خوشگل رو گذاشتم و گفتم این عکس خودمه. البته عکس این مدل‌ها رو هم نداشتم، چون شک می‌کردن.
- یعنی بر مبنای عکس پروفایلت، برات شارژ می‌فرستادند؟
- آره دیگه، باورشون شده بود اون دختره منم. توی پی‌وی گفته بودن تو خیلی خوشگلی، باهامون دوست شو. منم قبول کردم و هم‌ااش ازشون درخواست شارژ می‌کردم، به همین راحتی می‌تونن مجانی شارژ بگیرن.
- سن پسرهایی که با تو چت می‌کردند رو می‌دونی؟
- راستش حدودای ۲۵ ساله بهم می‌گفتن، ولی من مطمئنم دروغ می‌گفتن. البته برام مهم نیس دروغ بگن، همین که شارژ می‌خرن برام بسه.
- توی کدوم برنامه بیش تر از این کارها می‌کنی؟
- برنامه کیک.
- چرا کیک، پس بقیه برنامه‌ها رو استفاده نمی‌کنی؟
- چرا استفاده می‌کنم، ولی چون برنامه کیک لازم نیس شماره طرف رو داشته باشی، واسه دور زدن بهتره!
- توی کدوم برنامه‌ها حتماً باید شماره طرف رو داشته باشی؟
- واتساپ و تلگرام.
- از اون‌ها هم استفاده می‌کنی؟

آره، صد در صد! ولی از این برنامه‌ها برای دوستایی که می‌شناسمشون و شماره‌ام رو دارن، استفاده می‌کنم.

- دوست‌های تو هم از این برنامه‌ها دارند؟

آره بابا، اکثرشون دارن، جز ۲ یا ۳ نفر. اونا هم دوست دارن داشته باشن، ولی مادر و پدرشون اجازه نمی‌دن.

- گفتی اطلاعاتی که دیگران دوست ندارن تو بدونی رو با این برنامه‌ها گیر می‌آری. منظورت دقیقاً چه جور اطلاعاتی هستند؟

خوب، راستش خجالت می‌کشم بگم. اگه بگم، به کسی نمی‌گی؟

- نه، نمی‌گم، فقط کنجکاو شدم، چه طوری می‌شه اطلاعات به دست آورد؟

راستش وقتی سنم رو بالا بگم، فکر می‌کنن من مسایل راجع به کارهایی که دخترا و پسرا می‌کنن رو هم می‌دونم، پس راجع به اونا با هم حرف می‌زنیم و منم خودم رو طوری جلوه می‌دم که انگار خیلی می‌دونم و اونا هم همه‌اش راجع به این مسایل حرف می‌زنن و منم اطلاعاتم توی این چیزا بالا می‌ره.

- چه جور مسایل دختر و پسری؟

این که پسرا توی بدن‌شون چی دارن که دخترا ندارن و برعکس.

- اون وقت اونا هم بهت جواب می‌دن؟

آره. تازه خیلی بیش‌تر از اون چیزی که فکر می‌کنم، بهم می‌گن.

- یعنی چی بیش‌تر از اون چیزی که فکر می‌کنی؟

یعنی این که من چه طوری درست شدم و به دنیا اومدم و یا وقتی زن و مردا تنها باشن، چه کارهایی می‌کنن. من اصلاً اینا رو نمی‌دونستم، اما حالا بلدم.

- چند وقته تبلت داری؟

حدود یک‌سالی می‌شه!

- چه کسی بهت گفته، اگه تبلت یا گوشی داشته باشی، خوبه؟

دوستای مدرسه و معلمون.

- مادر و پدرت می‌دونند که تو هر دوشون رو داری؟

نه، نه، فکر می‌کنن من فقط تبلت دارم

- یعنی نمی‌دونند تو گوشی داری؟

نه، نمی‌دونن. آخه گوشیم مال خودم نیست که یکی از دوستام موقتی داده دستم باشه. اگه مامان

و بابام بفهمن پوست سرم رو می‌کنند.

- چرا دوستت یه گوشی بهت داده؟

خوب راستش با اون گوشیه مزاحم تلفنی برای پسر و دخترای دیگه می‌شیم!

- چرا مزاحم می‌شید؟

خوب کیف داره دیگه، خودت یه بار امتحان کنی، می‌فهمی چه حالی داره.

- دقیقاً چه جور مزاحمتی؟

بیش تر به پسر زنگ می‌زنیم و سرکارشون می‌ذاریم که مثلاً من قبلاً تو رو می‌شناختم و اینا.

- یعنی چی؟

ای بابا، مثلاً آمار یه پسر تو محل رو در می‌آریم، بعد شماره‌شون رو گیر می‌آوردیم و الکی

می‌ترسونیمش. هدف خاصی نداشتیم.

- اون گوشیه فقط مال دوستته؟

آره، مال اونه. ولی یه اکیپ هستیم با هم از اون گوشی استفاده می‌کنیم.

- اکیپ شما چند نفری هست؟

ما ۴ نفریم، ولی چون مامان و بابای اونا خیلی گیر می‌دن، اکثر اوقات گوشی دست منه.

- چه وقت‌هایی آدم‌ها رو سرکار می‌گذارید؟

بعد از مدرسه، معمولاً حدود یه ربع تو پارک جمع می‌شیم. البته نه هر روز.

- پس عامل آشنایی اصلیت با تبلت و گوشی دوست‌های تو بودند؟

بله!

- اگر پدر و مادرت متوجه بشن که تو گوشی داشتی و مزاحم می‌شدی، عکس‌العملت چی خواهد

بود؟

به تمام معنا بدبخت می‌شم، شاید از خونه فرار کنم، چون اکثر پسرهای محل رو سرکار گذاشتم.

اگه بابام بفهمه فاتحه‌ام خونده است.

- خوب وقتی این قدر می‌ترسی، چرا این کار رو ادامه می‌دی؟

آخه سرگرمی دیگه‌ای ندارم. خودم رو با اینا سرگرم می‌کنم و بهم خوش می‌گذره!

- خوب توی شبکه‌های اجتماعی بیش تر با چه جور افرادی حرف می‌زنی؟

بیش تر با افراد بزرگ تر از خودم صحبت می‌کنم.

- بیش تر پسر هستند یا دختر؟

بیش تر فرندهام دختر هستند، ولی چت کردنم بیش تر با پسر است.

- به جز چت کردن با تبلت چه کار می‌کنی؟

می‌رم پست‌های فرندهام رو می‌بینم.

- از چه جور پست‌هایی بیش تر خوشت میاد؟

بیش تر پست‌هایی که مربوط به تنهایی و غمگین بودن باشه!

- چرا این جور پست‌ها رو دوست داری؟
- آخه وصف حال خودمه. من تنهام و شبکه‌های اجتماعی من، هم‌دردهای خوبی برام هستند.
- به نظرت استفاده از شبکه‌های اجتماعی برات مفید بود؟
- آره، حس تنهایی رو پر می‌کنه دیگه.
- از این برنامه‌های اینترنتی استفاده علمی هم بردی؟
- استفاده علمی؟ نه بابا، من فقط برای سرگرمی باهاشون کار می‌کنم.
- کلاً چرا وارد شبکه‌های اجتماعی شدی؟
- چون توی این دوره و زمونه اگه کسی از اینا نداشته باشه، مسخره‌اش می‌کنند.
- یعنی تو مورد تمسخر قرار می‌گرفتی که این برنامه‌ها رو نصب کردی؟
- آره دیگه، یک سال پیش که اینا رو نداشتم، همه بهم می‌گفتن بیچه مثبتی که از این برنامه‌ها نداری. البته خودمم جلب کارشون شدم.
- جذب کدوم کار شدی؟
- این که با هم دیگه چت می‌کنند و عکس می‌فرستن و متن‌های عاشقانه و غمگین و شاد برای هم می‌فرستن.
- توی دوست‌های تو کسی هست که شبکه‌های اجتماعی رو نداشته باشند؟
- آره، دو نفرشون ندارن، ولی بقیه‌ی دوستانم این قدر دارن می‌زنن تو سرشون، اونا هم الان دارن به مامان و باباشون التماس می‌کنند که تبلت بخرند.
- تو هم مثل اون‌ها برای داشتن تبلت التماس کردی؟
- آره، معلومه که آره!
- خوب، مثلاً چه کار کردی؟
- اول جلوشون گریه کردم و یا غذا نمی‌خوردم، دیدم این راه‌ها جواب نمی‌ده!
- خوب، بعدش چه کار کردی؟
- به مامان، بابام گفتم اگه همه درسام رو عالی بگیرم، برام تبلت می‌خرید، بابام هم قبول کرد.
- یعنی تو پارسال همه رو عالی گرفتی؟
- آره، درسام رو خوندم، همه‌شون رو عالی گرفتم.
- الان هم به همون شدت پارسال درس می‌خونی؟
- نه، اصلاً. پارسال هدف داشتم که درس خوندم. الان که تبلت رو دارم، واسه چی به خودم سخت بگیرم.
- یعنی حس رقابت توی درس خوندن بین دوست‌های تو نیست؟

نه، اکثرمون با این برنامه‌ها سرگرم هستیم. بعدشم چون نمره‌ای نیست، درسا معلوم نمی‌شه دیگه چی گرفتی، فقط چند نفری که بهت گفتم، خیلی درس می‌خونن.

- خوب، تو چرا مثل اون‌ها درس نمی‌خونی؟

به خاطر این که اونا دارن راه من رو می‌رن. اونا به مامان و باباشون قول دادن عالی بگیرن تا براشون تبلت بخرن. وقتی هم که خریدند، مطمئن باش دیگه درس نمی‌خونن.

- الان از این که تبلت داری از ته دل خوشحالی؟

آره، تبلتم بهترین دوست منه. گاهی با تبلتم حرف می‌زنم من به تبلتم از دوستانم بیشتر اعتماد دارم.

- منظورت از اعتماد چیه؟

خوب تبلتم به من خیانت نمی‌کنه دیگه، ولی دوستانم این کار رو می‌کنند.

- دوست‌های تو بهت خیانت کردند؟

آره، مثلاً من عاشق یه پسر شده بودم، باهاش دوست شده بودم. دوستانم ۲ تاشون مخش رو زدن با اونا هم دوست شده بود. الان با اون ۲ تا قهرم و ازشون بدم میاد.

- توی تبلت چیزهایی داری که دوست نداشته باشی، دیگران ببینند؟

راستش یه فایل دارم تو عکسا که رمزیه، بقیه‌ی برنامه‌هام رمز نداره.

- مگه توی اون فایل چی هست که رمز دارش کردی؟

عکسای همون پسر هست که دوشش دارم. خواستم پاک کنم، ولی دلم نیومد.

- هنوزم با اون پسر در ارتباطی؟

نه دیگه باهاش نیستم (ثریا در ادامه گریه می‌کند)، اون بلاکم کرده!

- چرا گریه می‌کنی؟

آخه اون با من خیلی خوب بود، همه‌اش حرفای عاشقانه و محبت آمیز می‌زد و هر وقت ناراحت بودم، اون دلداریم می‌داد.

- خوب، چرا وقتی ناراحتی با پدر و مادرت درد و دل نمی‌کنی؟

اونا من رو درک نمی‌کنند، به خاطر همین می‌گم، تبلتم بهترین دوستمه، چون اون رو پیدا کردم.

- توی تبلتت چه چیزهای دیگه‌ای داری؟

عکس دخترای خوشگل رو دارم و سعی می‌کنم، خودم رو شکل اونا کنم.

- منظورت از این که خودت رو شکل اون‌ها کنی چیه؟

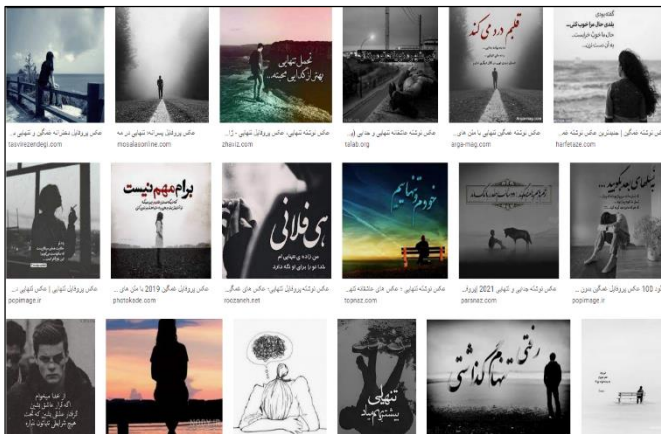
خوب مدل موهای اونا رو و آرایش صورت اونا رو روی خودم انجام می‌دهم.

- دوست داری شبیه کدوم یک از اون دخترای بشی؟

دوست دارم شبیه راپنزل (نوعی باریبی) بشم. آخه موهای خیلی خوشگله!



- دیگه چه جور عکسی داری؟
عکس گل و عکسای که دختر یا پسرها تنهایی تو به جا نشستن.



- چرا عکس‌های تنهایی رو دوست داری؟
چون خودم مثل اونا تنها بودم و هستم و خواهم بود.
- از کجا می‌دونی در آینده تنها می‌مونی؟
چون نه به خانواده‌ام علاقه دارم، نه به دوستانم. وقتی کسی من رو دوست نداره، منم دوشون ندارم، پس تنها می‌مونم دیگه.
- جلوی خانواده‌ات از تبلت استفاده می‌کنی؟
آره، جلوشون فقط بازی می‌کنم، ولی تو اتاق که می‌روم تا تنها باشم، اکثر اوقات توی برنامه‌هام هستم.
- اگر خانواده‌ات تبلت رو بگیرند، چه کار می‌کنی؟
التماس می‌کنم بهم پس بدن، اگر هم به حرفم گوش نکردن، فرار می‌کنم، چون تنها که هستم، چه فرقی می‌کنه با خانواده یا بدون اونا باشم.
- خواهر یا برادری داری که از تبلت استفاده کنند؟

نه، من تک بچه‌ام.
- مادر و پدر تا حالا بهت شک کردن که با تبلت چه کار می‌کنی؟
فکر نکنم، آخه من جووری رفتار می‌کنم که متوجه نشن.
- پدر و مادرت می‌دونند، شبکه‌های اجتماعی رو داری؟
نه، نمی‌دونن. من با اینترنت گوشی می‌رم. خونمون هم اینترنت داره، اما اونا فکر می‌کنن، من فقط دارم بازی می‌کنم.

- توی چه سایت‌هایی بیش‌تر می‌ری؟
بیش‌تر سایت‌های مد و این که چگونه زیبا بشیم.
- سایت چگونه زیبا شویم، چی هست؟
یه سایتی هست که یاد می‌ده، چه جووری خودمون رو خوشگل کنیم تا جلب توجه کنیم.



- خوب تو از اون روش‌ها استفاده می‌کنی؟
آره، حتماً. مثلاً لوازم آرایش‌هایی که تبلیغ می‌کنه رو از مغازه‌های بیرون می‌خرم.
- مادر و پدرت اجازه می‌دن اون‌ها رو بخری؟
نه بابا، پولای خوراکیم رو جمع می‌کنم، می‌خرم بعد تو کمد قایمشون می‌کنم.
- کجاها از اون‌ها استفاده می‌کنی؟
بعد از مدرسه. معمولاً وقتی هم که به خونه می‌خوام برم، پاکش می‌کنم که مامانم نبینه.
- توی تبلت، کلیپ مذهبی یا دینی هم داری؟
برو بابا! کلیپ مذهبی کیلویی چنده، اصلاً از این برنامه‌ها خوشم نمیاد. توی تیپ من نیست.
- یعنی کارهای مذهبی انجام نمی‌دی، مثل نماز و روزه؟
نه، برای چی؟ اینا رو انجام بدم که چی بشه؟ تازه مامان و بابام هم این کارها رو نمی‌کنند، اون وقت انتظار داری من انجام بدم. دلت خوشه‌ها.
- چرا والدینت نماز نمی‌خوندند؟
چون به دنیا و آخرت اعتقادی ندارند و می‌گن همه‌اش الکیه. منم می‌گم اونا راست می‌گن، این چیزا نیست. فقط می‌خوان ما رو گول بزنند.

- تو چرا از مسایل دینی بدت میاد؟

آخه یه بار دختر عموم یه پی‌ام بهم داد که اگه این متن رو بخونی و بعدش ۵۰۰ تا صلوات نذر کنی، به آرزوت می‌رسی. من هم این کار رو انجام دادم و از خدا خواستم که اون پسره با من بمونه، ولی نموند و ترکم کرد، پس دیدی الکیه. تو هم باور نکن این چیزا رو.

- پدر و مادرت از تبلت تو هم استفاده می‌کنند؟

نه، همه‌اش دست منه. اونا این قدر مشغول کار خودشون هستن که اصلاً یادشون می‌ره، من دخترشون هستم.

- تو توی چه برنامه‌هایی هستی؟

واتساپ، تانگو، تلگرام و اینستاگرام. البته تو اینستاگرام بودم، اما اومدم بیرون.

- چرا از اینستاگرام اومدی بیرون؟

چون فالورهام همه‌اش انتظار داشتن هر روز لایکشون کنم، منم حوصله نداشتم، آخه چندتا شون باهام دعوا کردن چرا لایکمون نمی‌کنی و اینا. منم دیدم چیز مزخرفی هست، ازش اومدم بیرون.

- پست می‌گذاری؟

آره، اکثراً پست تنهایی و عکسای تنهایی می‌گذارم.

- دوست‌های تو هم به این جور پست‌ها علاقه دارند؟

پست‌های عاشقانه که می‌گذارم، لایک می‌کنند، ولی اکثرشون بهم می‌گن، این پست‌های تنهایت به درد نمی‌خوره، نذار.

- به حرفشون گوش می‌کنی؟

نه، چون از دوستام خوشم نمیاد و پست‌ها رو واسه دل خودم می‌گذارم.

- ثریا اگر کسی که دوستش داری، بخواد شبکه‌های اجتماعی رو نصب کنه، بهش پیشنهاد می‌دی که این کار رو انجام بده یا نه؟

من کسی رو دوس ندارم.

- حال فکر کن یه نفر توی دوست‌های تو هست که دوستش داری. بهش پیشنهاد می‌کنی از این برنامه‌ها داشته باشه؟

راستش... خوب... اگه خوشحال باشه با مامان و باباش و زندگی خوبی داشته باشه، بهش می‌گم از اینا نداشته باش، ولی اگه آدم تنهایی باشه، بهش می‌گم حتماً نصب کن تا یه کم شاد باشی.

- یعنی تو شادی رو توی شبکه‌های اجتماعی و از این جور چیزها می‌بینی؟

واسه من آره! از وقتی تبلت گرفتم و فهمیدم از این برنامه‌ها هست کمی از تنهاییم پر شده، پس این خوبه دیگه!

- اگه با مامان و بابات خوش حال بودی، باز هم سمت این‌ها می‌رفتی؟

(ثریا کمی سکوت می کند) نه، ... نه،... نمی رفتم. (بغض دوباره و شروع مجدد گریه ثریا) اونا من رو دوس ندارن. اصلاً به من توجه نمی کنن. کاش به دنیا نمی اومدم تا با این برنامه ها آشنا نمی شدم. همه چی توی این دنیا بده، از همه چی بدم میاد. می شه دیگه به سوال هات جواب ندم؟! - چرا نمی خوای جواب بدی؟ خسته شدی؟ نه، فقط دیگه خوشم نمیاد، یاد ناراحتی هام می افتم. - در هر صورت از وقتی که برای من گذاشتی، متشکرم.

۲-۱۵- مصاحبه با محسن، ۹ ساله

روزایی که امتحان داریم یه سری از بچه ها تبلت میارن. بعد عکس می گیریم از رو برگه امتحان، می فرستیم تو گروه.

- سلام.

سلام.

- خوبی؟

مرسی خوبم.

- چند سالته؟

۹ سالمه.

- اسمت چیه؟

محسن.

- اجازه می دی قدری وقت شما رو بگیرم و چند سوال درباره علایق نسل شما بپرسم.

باشه.

- محسن جان گوشی یا تبلت داری؟

تبلت دارم!

- فکر نمی کنی خیلی زوده که از تبلت استفاده می کنی؟

نه، آخه همه اش تو خونه حوصله ام سر می رفت، مامان بابام هم که باهام بازی نمی کردن و

همه اش دنبال کار خودشون، منم گفتم برام تبلت بخرید. بابام هم برام خرید.

- حالا چه بازی هایی توی تبلت داری؟

بازی زیاد دارم، ماشین بازی، پیانو، بازی های آنلاین رو هم خیلی دوست دارم، خیلی کیف می ده.



- کی این بازی‌ها رو بهت معرفی کرده؟
بابام از اون جایی که تبلت خرید، به آقاهه گفت، توش یه عالمه بازی بریزه. بازی کلش هم دوستام بهم گفتن بریز، خیلی حال می‌ده.



- روزانه چه قدر از تبلت برای بازی استفاده می‌کنی؟
همه‌اش دارم بازی می‌کنم، مخصوصاً بازی کلش خیلی حال می‌ده. خاله شما هم بازی می‌کنی، بیا تو تیم ما!
- ممنون. تو این طوری به درس‌ها هم می‌رسی؟
خوب، کامل نمی‌نویسم. می‌رم کلاس از رو بچه‌ها می‌نویسم. حوصله ندارم مشق‌ها رو بنویسم.
- این همه بازی می‌کنی، خسته نمی‌شی؟
خسته که نه، ولی سرم درد می‌گیره یه کم.
- با دوست‌های تو می‌ری پارک بازی کنی یا فقط با تبلت بازی می‌کنی؟
من وقتی بچه بودم، می‌رفتم با دوستام بیشتر بازی می‌کردم، ولی الان دوست ندارم با بچه‌ها برم بیرون، دوست دارم بازی کلش کنم و تو خونه باشم.
- منظورت از بچه بودم کی می‌شه؟
وقتی مهد کودک بودم.
- فکر نمی‌کنی این بازی‌های خشن، روی تو تأثیر بدی گذاشته باشند؟
آره، وقتی من این بازی‌های بکش، بکش رو انجام می‌دم، بعدش دوست دارم همه‌اش اداشون رو دربیارم. تو مدرسه با دوستام اداشون رو در میاریم و با هم دعوا می‌کنیم.
- دوست‌های تو هم تبلت یا گوشی دارند؟

- بیش تر کلاس گوشی دارن، البته مامان اشکان گوشیش رو ازش گرفته.
- چرا مامان اشکان گوشیش رو ازش گرفته؟
- خودش می گفت، اون قدر بازی کرده با گوشیش که رفته دکتر، دکتر می گه چشمش ضعیف شده، ولی چشم من که ضعیف نشده.
- تا حالا شده تبلت رو مدرسه ببری؟
- آره!
- خوب چرا تبلت رو مدرسه می بری، مگه ورودش به مدرسه ممنوع نیست؟
- چرا، ولی روزایی که امتحان داریم یه سری از بچه ها تبلت میارن. بعد عکس می گیریم از رو برگه امتحان، می فرستیم تو گروه. بعد بچه ها از روش می نویسند.
- با تبلت اینترنت هم می ری؟
- نه، من سیم کارت ندارم.
- پس چه جوری تو کلاس برای هم عکس می فرستید؟
- اشکان دوستم ۲ تا سیم کارت داره، یکیش رو می ده به من، ولی بگما، پولش رو ازم می گیره.
- سیم کارت رو داده مال خودت باشه؟
- نه، هر وقت بهم می ده، باید کرایه بهش بدم.
- چرا خودت یه سیم کارت نمی گیری؟
- بابام می گه نیاز ندارم. منم فقط برا امتحان سیم کارت اشکان رو می گیرم. تا حالا ۳ بار ازش گرفتم.
- چه طوری با برنامه ی پیام رسان ها آشنا شدی؟
- یکی از دوستانم گفت که می شه تو کلاس باهش تقلب کنیم. منم ریختم.
- چه طوری با کار کردن با اون آشنا شدی؟
- خود حمید که گفت بریزیم، بهم یاد داد. خیلی آسونه کار باهش.
- نمی ترسی معلمتون بفهمه که تو توی کلاس تقلب می کنی؟ فکر کنم تبلت یه کم بزرگه، راحت دیده می شه؟!
- این طور نیست. تبلتم زیاد بزرگ نیست، می دارم تو جا میزی.
- بچه هایی که تبلت یا گوشی ندارن، شماها رو لو نمی دن؟
- چرا یه بار سپند رفته بود دفتر، گفته بود ما گوشی و تبلت می آریم. بعد اومدن ما رو بگردن، ما هم گوشی و تبلت ها مون رو گذاشتیم تو پلاستیک، بعد گذاشتیم تو سطل آشغال. هیچی دیگه نتونستن پیدا کنن. ما هم کلی خندیدیم.
- بیخشید، دیگه باید برم سر کلاس.
- محسن جان از همکاری شما متشکرم.

۲-۱۶ - مصاحبه با عباس، ۱۳ ساله (کودک کار)

... وای چند روز پیش که عالی بود، گفتن دستشویی کنید کنار خیابون و عکسش رو برامون بفرستید.

- سلام عزیزم. اسمت چیه؟

سلام. من عباسم.

- چند سالته عباس جان؟

سیزده سالمه.

- کارت چیه؟

کوری نمی‌بینی، گل دستمه؟

- ببخشید.

- حالا مدرسه هم می‌ری؟

آره، تنها کار مثبتم فکر کنم همونه. البته اونم رفتنش دلایلی داره.

- مثلاً چه دلایلی خاله جون؟

دیگه، دیگه، ما هم ترفندای خودمون رو داریم.

- راستی گل‌هات چند بود؟

شاخه‌ای سه تومن، البته قابل تو رو نداره، چشم رنگی.

- شیرین زبونی نکن، ده‌تا شاخه بهم بده.

باشه خاله جون.

- در روز چند ساعت کار می‌کنی عزیزم؟

از کله سحر تا بوق سگ. ۷ اینا میام تا ۱۰، ۱۲ شب، شبا خوب گل می‌خرن، جالبه، نه؟

- این چیه رو دستت عزیزم؟

اِههه، تا حالا ندیدی، بهش می‌گن خالکوبی!

- می‌دونم چیه، می‌خواستم ببینم عباس ۱۳ ساله، چرا خالکوبی داره؟

برویج همه‌اش خالکوبی می‌کردن و عکس می‌داشتن اینستا، مگه من چیم کم‌تره آبجی؟

- به نظرت بر و بچه‌ها چرا رفتن خالکوبی کنن؟

از بس طرح‌های این گروه تایلندیه باحاله، یه مشت نقش و نگاره، می‌خوای نشونت بدم؟

- آره حتماً.

- بقیه‌ی کانال‌های باحالت رو هم نشونم می‌دی؟
- نه دیگه جیزه، فقط می‌تونم اسم چندتا شون رو بگم.
- ممنون.
- فیلم بازی خفن مدرسه، کنت نعنایی، شرّ اعظم.



- می‌شه راجع به این کانال‌ها با هم حرف بزنیم؟
- اگه قول بدی برام فالورز جمع کنی، حتماً.
- باشه، سعیم رو می‌کنم.
- ببین من یه بی‌بیزنس برای خودم دارم، یعنی این طوریه که یه قسمت از فیلمای خفن رو می‌ذارم تو کانالم، بچه‌های مدرسه هم که عضو هستن، اونا رو نگاه می‌کنن و کفشون می‌بره، اون وقت ازم می‌خوان که کاملش رو براشون بفرستم، منم اونا رو روی سی‌دی می‌ریزم و بهشون می‌فروشم، جان من بگو حال کردی یا نه؟
- جالب بود، دیگه چه طوری از این کانال‌ها پول در میاری؟
- خب اون یکی کانالمم درآمد داره، دیگه همون کنت نعنایی توش به این شاسکولا سیگار هم می‌فروشم، بس که ندید بدیدن.
- یعنی خودت نمی‌کشی؟
- چرا تفنی.

- خوب عزیزم با گوشیت بازی هم می‌کنی؟
- آره کلی بازی دارم. البته همه‌شون بعد مدتی لوس و بی‌مزه می‌شن، اِلا یکی.
- اون بازی جذاب چیه؟
- یه بازی مرحله‌ای تو همین کانال شرّ اعظم هست که هر روز از مون یه سری کارای باحال می‌خواد. می‌دونی دیروز خواسته بود که بری روی ماشین خط بندازی و عکس بفرستی براشون... وای چند روز پیش که عالی بود، گفتن دستشویی کنید کنار خیابون و عکسش رو برامون بفرستید، البته اون مرحله رو من نرفتم، فقط رفیقام انجام دادن.
- خوب کاری کردی انجام ندادی؟
- دوست داری چه کاری انجام بدی تو فضای مجازی که تا حالا انجام ندادی؟
- دوس دارم همین کارم رو گنده‌ترش کنم، از طرفی با حسن خالكوب برم تایلند و یاد بگیرم خالكوبی رو... تا پول پارو کنم باهاش.
- یعنی تصمیم داری توی آینده برای بقیه خال بکوبی؟
- پ ن پ، می‌خوام پلیس بشم پیام تو رو بگیرم، کار ما بدبخت بیچاره‌ها همینه دیگه.
- امری نیست مرخص شیم آبجی.
- نه، ممنون که وقتت رو در اختیار من گذاشتی.

۲-۱۷ - مصاحبه با رها، ۱۱ ساله

- حجاب برام مهم نیست، اما بی‌حجاب بودن با لخت بودن خیلی فرق می‌کنه.
- رها جان تبلت یا گوشی داری؟
- آره، تبلت دارم!
- به شبکه‌های اجتماعی دسترسی داری؟
- آره!
- چه شبکه‌های اجتماعی وصل هستی؟
- تلگرام و اینستاگرام.
- در این شبکه‌ها چه کار می‌کنی؟
- چت می‌کنم، می‌رم گوگل سرچ می‌کنم، عکس و فیلم دانلود می‌کنم و می‌بینم، بازی می‌کنم، جوک می‌خونم.
- چه قدر از وقتت رو صرف این کارها می‌کنی؟

الآن که مدرسه‌ها باز شده، پنج شنبه و جمعه، بعضی وقت‌ها هم که تعطیلی هست، با اصرار تبلت رو از مامانم می‌گیرم.

- درباره چی چت می‌کنید؟

همه چیز، مثلاً این که الآن چه کار کنیم، کجا بریم، استیکرهای جدید چیه، درباره همه چیز حرف می‌زنیم.

- چه جور عکس و فیلم‌هایی به هم می‌دهید؟

حیوانات، خنده‌دار، بچه‌ها، چیزهای عجیب و غریب، هر چی باشه.

- چیزهای عجیب و غریب یعنی چی؟

مثلاً چندتا عکس درباره نمایشگاه خط تو آلمان بود که همه دیوارها و زمین خطاطی شده بود، خیلی قشنگ بود، یا ساختمان و همه دکور و اشیاء و وسایل یه جا همه‌اش با شکلات ساخته شده بود. عاشقش بودم که اون جا باشم. آخه خیلی شکلات دوست دارم.



- هیچ وقت فکر کردی خودت هم از این چیزها بسازی؟

الآن که نمی‌تونم، کوچیکم.

- رها جان دوست‌ها عکس و فیلم و جوک نامناسب هم می‌فرستند؟

بعضی وقت‌ها پیش میاد. تذکر می‌دیم و پاک می‌کنیم.

- کی تذکر می‌ده؟

بیش‌تر بچه‌ها. چون تو بیش‌تر گروه‌ها یکی دوتا مامان یا خاله عضون.

- اگر مامان‌ها عضو نباشن چی؟

نه، من خوشم نمیاد، چون بیش‌تر معنی‌هاشون رو نمی‌فهمم.

- مادر و پدرت گوشی تو رو چک می‌کنند؟

نه، ولی خودم دوست دارم عکس‌هام رو نشون مامانم بدم یا براش جوک بخونم یا مطالب و

چیزهای جالب رو می‌فرستم گروه خانوادگی که مامانم و خاله‌هام تو اون هستند.

- شده چیزی بدی بگی که بقیه توی گروه خانوادگی بهت تذکر بدن؟

بله! مثلاً جوک درباره خنگ بودن زن‌ها بود که فرستادم، اما خاله‌ام گفت: رها جون این جوک‌ها

زن‌ها رو تحقیر می‌کنه، منم گفتم بیخشید، اگر کسی باز برام بفرسته، دیگه پاک می‌کنم.

- پوشه و فایل خصوصی نداری؟

نه.

- گوشت رمز داره؟

تبلتم رمز داشت که یادم رفت چی بود، اون قدر اشتباهی زدم، خراب شد، دیگه نمی‌ذارم.

- چرا رمز گذاشته بودی؟

آخه می‌گفتند، اگر دزدیده بشه، رمز بذاری خوبه، منم صورت خودم رو رمز گذاشته بودم یا اثر

انگشت یا مثلاً خط، بعد فهمیدم مال موبایل آیفون هست که اگر صورت اشتباهی ببینه، قفل می‌کنه،

دیگه رمزش رو برداشتم.

- والدینت درباره شبکه‌های اجتماعی برات توضیحی داده‌اند؟

بله، گفتن روی مغز اثر بد داره، بعد عکس‌هایی که مغز آسیب دیده بود، برام می‌فرستادن یا تو

گروه خانوادگی اثرهای بد استفاده زیاد را می‌فرستادند.

- درباره وقت تلف شدن چه نظری داری؟ برات مهم نیست چه قدر وقتت صرف می‌شه؟

وقتی تعطیل باشم نه، اما زمان مدرسه استرس می‌گیرم که کارهام مونده، برای همین چهارشنبه‌ها

کارهام رو می‌کنم که پنج‌شنبه و جمعه راحت باشم. فعلاً هم که درس‌ها کمه، اول سال هست.

- چرا اگر کارهات انجام نشده، استرس می‌گیری، یعنی چه اتفاقی می‌افته که ازش می‌ترسی؟

خوب خانم‌مون جلو بقیه آدم رو ضایع می‌کنه.

- این که بقیه درباره‌ات چی فکر کنند، برات مهمه؟

خیلی مهمه که دیگران فکر کنن من تنبلی کردم، خیلی ناراحتم می‌کنه، وقتی همه کارهام و

درس‌هام رو می‌خونم، مجبور نیستم به کسی توضیح بدم.

- تا حالا شده یک غریبه توی خصوصی بهت پیام بده؟

بله پارسال یک مرده بهم گیر داد. اومد گفت: سلام خانم خوشگل چه خبر. منم بلاکش کردم و

به مامانم گفتم.

- چرا بلاک کردی و جواب ندادی؟

چون ممکنه بهم آسیب بزنند، مثلاً حرف بد بزنن یا عکسم رو سیو کنند، بعد استیکر بسازند. بالاخره من از غریبه‌ها می‌ترسم.

- چرا به مادرت گفتی؟

من همه چیزم رو بهش می‌گم، چون همه چیز رو می‌دونه و کمکم می‌کنه. وقتی بهش گفتم، خیالم راحت شد که مامانم مواظب من هست.

- شده به علت استفاده زیاد، احساس ناراحتی کنی؟

بله! همین دیشب چشم و سرم داشت می‌ترکید. اما نمی‌تونستم از تبلت دل بکنم تا می‌خواستم پیام بیرون، پیام‌های جدید می‌اومد، می‌گفتم اینا رو هم بخونم تا این که دیدم حاله داره به هم می‌خوره، دیگه خاموش کردم.

- خوب درباره عکس‌های مورد علاقه‌ات بگو؟

من عاشق سگ هستم. تو اینستاگرام عکس سگ می‌ذارند، لایک می‌کنم یا دنبال عکس‌هاشون می‌گردم. اگه خوشم بیاد یا بازیگرها رو فالو می‌کنم. امروز می‌خوام برم، مهناز طباطبایی رو پیدا کنم، درباره زندگی‌اش بخونم.

- چرا هنرپیشه‌ها برات جالب هستند؟

فضولی رو دوست دارم. بعد هم عاشق هنرپیشه شدن هستم، می‌خوام بدونم زندگی روزمره شون چه جوریه هست.



چون مامانم می‌گه، این آدم‌ها زندگی خانوادگی موفق ندارند. بعد هم وقتی فیلم‌هاشون رو می‌بینم، احساس نزدیکی باهاشون می‌کنم.

- شده از کسی تو این شبکه‌ها الگو بگیری؟

آره! مثلاً خاله مریم و خاله مینا عکس‌های هنری می‌گیرند، تو اینستا می‌گذارند. من سعی می‌کنم مثل اونا عکس بگیرم یا فتوشاپ درست کنم بذارم، اما مثل اونا نمی‌شه.

- چرا دوست داری مثل اونها عکس بگیری؟

چون وقتی بتونم، همه می‌گن چه بچه هنرمند و باهوشی هستم. البته اونا می‌رند جنگل و کوه و کویر، من تو خونه چه جور عکس هنری بگیرم. ولی شمال که رفته بودیم، خیلی عکس گرفتم.

- دیگه چه کارهایی دوست داری در شبکه‌های اجتماعی انجام بدی؟

دوست دارم مدیر گروه بشم یا کانال بزنم. ولی چت کردن رو بیش‌تر دوست دارم.

- تو گروه که چت می‌کنی، مطالب سرکاری هم دارید؟

آره، یک‌سری از مطالب سرکاری هست، مثلاً اولش می‌نویسند: آیا می‌دانید خوردن آب دوغ خیار، باعث بلند شدن قد می‌شود؟ من اول باور می‌کنم، بعد می‌بینم نوشته، بابا خودمم نمی‌دونم، حالا تو بخور شاید قدت بلند شد. بعد می‌فهمم سرکاری بوده، می‌خندم.

- خودت هم کسی رو سرکار می‌گذاری؟

خیلی، مثلاً رژین رو سرکار گذاشتم و بهش ضدحال زدم. مثلاً بهش گفتم رژین امروز کلاس زبان نیام یا تولدت نیام. اونم باور می‌کنه، هی اصرار می‌کنه و منت‌کشی می‌کنه، منم تو دلم بهش می‌خندم.

- چرا خوشت میاد دوستت ناراحت بشه؟

اون هم از این کارا می‌کنه، بعد می‌خندیدم. دوستیم دیگه.

- تعریف تو از دوستی چیه؟

برم اجتماعی مو بیارم از روش برات بخونم (می‌رود کتاب درسی خودش را می‌آورد)، دوست خوب باید دوستی باشد که آدم از هم نشینی و هم فکری‌اش لذت ببرد، باید باعث افزایش آگاهی شود... اینم تعریف دوستی (می‌خندد).

- مطالب مذهبی هم تو گروه‌ها می‌گذارند؟

حرام است، حرام است رو می‌گی (می‌خندد).

- نه شوخی نمی‌کنم، جدی بگو. درباره خدا، دین اسلام و این موارد چیزی می‌خونی؟

علاقه به یادگیری اونها تو تلگرام رو ندارم، اما وقتی تو درس هست، اونا رو یاد می‌گیرم.

- عکس پروفایل با روسری هست؟

نه، چرا مردها حجاب نداشته باشند، زن‌ها داشته باشند. وقتی مردها هم روسری سر کردند، منم سرم می‌کنم.

- خوب تو جامعه مجبوری حجاب داشته باشی. مردها که مجبور نیستند.

خوب وقتی مجبور شدم سر می‌کنم، الان که مجبور نیستم.

- والدینت درباره حجاب تو چه نظری دارند؟

فقط یک بار بابام گفت قرتی بازی درنیار. منم می‌رم بیرون ساده‌ام، مثلاً اون وقت‌ها خیلی چیزها به موهام آویزون می‌کردم، الآن دیگه نمی‌کنم، فقط تو مهمونی و خونه قرتی بازی درمی‌آرم (می‌خندد).

- خوب درباره دوست‌ها بگو، شده توی مدرسه موبایل بیارند؟

بله، چند بار یواشکی زنگ هنر و ورزش که کسی بالای سرمون نیست، آوردند. کسی هم نفهمید. اما پارسال یه دختره تبلت آورد، ناظم ازش گرفت.

- خوب دوست‌ها توی گوشی‌هاشون چه چیزهایی دارند؟

گروه کیانا بود که من اصلاً طرفشون نمی‌رم، چون بی‌ادبند. فقط فهمیدم که آوردن.

- چرا فکر می‌کنی کیانا بی‌ادبه؟

نپرس دیگه این رو. چیزای بد می‌بینم، فحش می‌ده، کارهای بد می‌کنه، سیگار می‌کشه، مثل لات‌ها راه می‌ره، یک طرف موهاش رو تیغ میندازه، تو دستشویی حرف بد می‌نویسه.

- سیگار تو مدرسه، مگه می‌شه؟!

آره جمع می‌شن دور هم یک سیگار رو با هم می‌کشن. یکی هم مواظبه، آخه حیاط مدرسه بزرگه،

اونا هم می‌رن یه گوشه جای خلوت.

- باورم نمی‌شه، حرف بد هم می‌نویسند؟

آره! زنگ ورزش نوشتند، بعد سرایدار مدرسه دید، رفت به خانم گفت، اونم سر صف گفت ما

دوربین داریم، چک می‌کنیم، هر کس چیزی بنویسه، اخراج می‌شه، دیگه نمی‌نویسن.

- چرا از کیانا و گروهش خوشت نمیاد؟

چون کیانا عقل نداره. حرف می‌زنه، انگار عربده می‌کشه، همه دوستاش مثل خودش هستند،

وقتی با یکی دوست می‌شه، قانون می‌ذاره، مثلاً گلی موهاش بلند بود، از زیر مقنعه می‌زد بیرون،

خیلی ناز بود، وقتی رفت تو گروه کیانا، موهاش رو پسرانه زد، مثل کیانا. بچه‌ها می‌گن کیانا مادر

نداره، مادرش طلاق گرفته و اون با باباش زندگی می‌کنه.

- شده بچه‌ها عکس ناچور توی گروه بفرستند؟

با مایو آره. الینا که از این مدرسه رفت، امسال عکس پروفایلش خودش با مایو کنار استخره.

- نظرت درباره عکسش چی هست؟

عکسش بده!

- تو که می‌گی حجاب رو دوست نداری؟

حجاب برام مهم نیست، اما بی‌حجاب بودن با لخت بودن خیلی فرق می‌کنه.

- خوب، چه استفاده مثبتی از شبکه‌های اجتماعی می‌کنی؟

مثلاً غایب که می‌شم درس‌ها رو از دوستانم می‌پرسم یا تا چند ماه پیش از سگ و گربه خیلی می‌ترسیدم، سرچ کردم چه کار کنیم از سگ نترسیم، همه اون‌ها رو یادداشت کردم، الان دیگه نمی‌ترسم. تحقیق درس‌هام رو می‌کنم، درباره نگاه‌داری از سگ‌ها مطلب یاد می‌گیرم. گروه انگلیسی و فرانسه هستیم. چت انگلیسی می‌کنم. آشپزی هم یاد می‌گیرم. بعضی غذاها رو برای مادر بزرگم می‌خونم، با هم درست می‌کنیم یا زنگ هنر کلاژ باید درست می‌کردیم، بلد نبودم سرچ کردم، دستورش رو به بچه‌ها گفتم. خیلی کارهای دیگه هم می‌کنم.

- تا حالا موردی بوده که از مادرت پنهان کنی؟

آره، جوک بود که مامانم گفت زشته پاک کن، من نکردم.

- فیلم بد چی؟

مثلاً چی باشه؟

نمی‌دونم هر چیزی که بد باشه، نخواهی کسی ببینه و ازش خجالت بکشی؟
فیلم نه، بعضی از عکس‌های بد بود که تو گروه فرستادند، بعضی‌ها اعتراض کردند و گروه رو ترک کردند. مامانم گفت تو هم لفت بده. منم لفت دادم.
مصاحبه‌ات تموم نمی‌شه، چه قدر می‌پرسی، خسته‌ام کردی.
چرا تموم شد گلم. ببخشید خسته شدم عزیزم.

۲-۱۸ - مصاحبه با فرزنام، ۱۰/۵ ساله

وقتی امتحان داریم، با دوستانم برنامه می‌ریزیم که چه طوری نمره‌مون خوب بشه.

- سلام عزیزم خوبی؟

بله، ممنون.

- اسم شما چیه؟

اسمم فرزنامه.

- چند سالت هست فرزنام جان؟

من ده سال و نیم.

- یعنی کلاس چندم؟

پنجم.

- خواهر یا برادر هم داری؟

خواهر برادر... فقط یه برادر.

- برادرت کوچک‌تر از خودت هست یا بزرگ‌تر؟
کوچیک‌تر.
- چند سالش هست؟
عهه چیزه... هشت سال.
- دعواتون هم می‌شه با هم؟
تا دلتون بخواد.
- چرا؟
هی میاد به وسایل من دست می‌زنه دیگه، من هم خوشم نیامد، دعوا مون می‌شه.
- چرا خوشت نیامد به وسایلت دست بزنه؟
آخه خرابشون می‌کنه.
- فرزام جان شما تبلت یا گوشی داری؟
بله خانم، الآن با تبلتم دارم با شما صحبت می‌کنم.
- گوشی هم داری؟
نه فقط تبلت.
- چند سالت بود برات تبلت گرفتن؟
از وقتی کرونا شروع شد دیگه.
- خودت اصرار کردی به مامان و بابات که برات تبلت بگیرن یا خودشون گرفتن؟
خودم یعنی خیلی دوست داشتم، دوست داشتم بیش‌تر گوشی داشته باشم، ولی همین تبلت رو هم که دارم خیلی خوبه.
- چرا بیش‌تر گوشی رو دوست داشتی؟
گوشی مثلاً می‌خوای پیاده روی بکنی، می‌شه توی جیب بذاری، ولی تبلت جا نمی‌شه.
- کلاً علت علاقه‌ات به گوشی و تبلت به خاطر چی هست؟
چه طوری بگم بهتون؟! مثلاً توی واتساپش به دوستام پیام می‌دم، با شماره‌ی خودم به یه نفر زنگ می‌زنم، دیگه بازی می‌کنم، هر بازی‌ای که دوست دارم.
- وقتی به مامان و بابات اصرار کردی راحت قبول کردن؟
راحت که نه... من از هشت، نه سالگی دوست داشتم که داشته باشم، بعد یهو بابام گفتش که شما هفتگی هاتون رو جمع کنید، بعد بخرید، بابام هم یه ذره کمکم کرد که گرفتمش.
- داداشتم هم تبلت گرفت؟
بله خانم، خیلی خوب شد برای اون هم گرفتن.
- چرا این‌طور می‌گی؟

برای این که اگه نداشت، می‌خواست هی از مال من استفاده کنه، من هم خوشم نیامد، می‌زنه خرابش می‌کنه.

- چرا مامان و بابات راحت قبول نمی‌کردن برات تبلت بگیرن؟
- می‌گفتن هجده سالت بشه، ولی دیگه کار به هجده سالگی نکشید (می‌خندد).
- فکر می‌کنی علتش چی بوده؟
- نمی‌دونم، مثلاً ازشون می‌پرسم، می‌گن هجده سالگی، ولی جواب دیگه‌ای بهم نمی‌دن.
- خودت چه حدسی می‌زنی؟
- نمی‌دونم، شاید مثلاً تو فضای مجازی یا با تبلت و گوشی اتفاقی بیفته.
- مثلاً چه اتفاق‌هایی؟
- نمی‌دونم مثلاً چی، نمی‌دونم.
- تا حالا شده برای دوست‌های تو در فضای مجازی اتفاقی افتاده باشه؟
- واسه دوستانم؟
- بله برای دوست‌ها، هم‌کلاسی‌ها یا هر کسی که می‌شناسی.
- اوووومم (مکث می‌کند) راستش یه بار یکی از هم‌کلاسی‌هام تعریف می‌کرد که داخل اینترنت فیلم‌های بی‌تربیتی می‌دید.
- چه فیلم‌هایی؟
- خانم می‌شه نگم؟ آخه خیلی بده.
- فرزام جان اصلاً نگران نباش، این صحبت‌ها بین خودمون می‌مونه، به مدرسه یا به مامان و بابات هم گفته نمی‌شه، راحت باش عزیزم.
- آخه خانم لطفاً نگم دیگه.
- فیلم سینمایی بود؟
- نه (سکوت می‌کند متوجه می‌شم خیلی معذب شده است)، از اون فیلما که کارای بی‌تربیتی می‌کنن، لباس ندارن.
- هم‌کلاسی تو چه طوری به اون فیلم‌ها دسترسی پیدا کرده بود؟
- می‌گفت یه بار گوشی مامانش دستش بوده، بعد مثلاً می‌خواست فیلترشکن مامانش رو نصب کنه، اون وقت یه تبلیغ میاد که از اون فیلما داشته، اونم می‌زنه روش برایش باز می‌شه، نشون می‌ده، بعد می‌گفت اسم سایتش رو هم نوشته یه جا.
- خانم می‌شه یه چیزی بگم؟
- بگو عزیزم.

- خانم این دوست من نیستا، تو زنگ تفریح داشت مثلاً برای بقیه‌ی بچه‌ها تعریف می‌کرد، من اتفاقی شنیدم.
- بله، متوجه شدم عزیزم.
- دانش آموزهایی که داشتن گوش می‌دادن، چی می‌گفتن؟
- چیزی نمی‌گفتن، یادم نیامد.
- از تبلت چه استفاده‌هایی می‌کنی؟
- از تبلت تو همین کلاس آنلاینم با تبلتم وارد می‌شم، توش بازی می‌کنم، بعد ما با دوستانمون مثلاً یهویی بهم پیام می‌دیم، مثلاً دور هم جمع می‌شیم یه دو، سه ساعتی.
- چه بازی‌هایی روی تبلت داری؟
- بازی کلش رویال رو که خیلی دوست دارم.



- بازی‌ش چه طوریه؟
- یه بازیه که توش مثلاً یه ذره جنگیه بازی‌ش، بعد توش قبیله داره و مربوط به شوالیه و این‌طور چیزاست. مثلاً بازی‌ه که اسلحه‌های گرم نداره توش، اسلحه‌های سرد داره.
- چه فرقی بین بازی‌هایی که اسلحه‌های گرم یا سرد دارن، هست؟
- چه فرقی؟ این که اسلحه‌های سرد اگه بخوای باهاشون بجنگی، باید نزدیک طرف مقابل بشی، ولی با اسلحه‌های گرم می‌تونی از فاصله‌ی دور هم با طرف مقابل بجنگی.
- این اطلاعات جنگی رو از کجا به دست آوردی؟
- خانم دیگه فیلم‌های جنگی نشون می‌ده و تو بازی‌های خودم یا دوستانم می‌بینم، مثلاً بازی جنگی یکیش کلش بود یکی هم بازی کانتر دو.



- در بازی کلش چه طوری می‌جنگی؟

خانم الآن من توضیح دادم خوب نیست، ولی بازی کردنم بدک نیست، مثلاً بازیهای خیلی سخته، خیلی زمان می‌بره، این بازی کلاً ۱۳ تا لول داره، من تا تبلتم رو گرفتم این بازی رو نصب کردم، بعد بازی این طوریه که خودش بهت شخصیت می‌ده، بعد من مثلاً الآن بیش‌تر شخصیت‌ها رو باز کردم، کامل نه، ولی بیش‌تر شخصیت‌ها رو باز کردم.

- منظورت از شخصیت‌ها چیه؟

مثلاً من می‌خوام توش شاهزاده رو بیارم، شوالیه رو بیارم، این رو بیارم، گول رو بیارم، این طور چیزا رو بیارم، بعد با این دسته‌ی نبرد، برم بجنگم.

- چرا سریع این بازی رو نصبش کردی؟

چون عاشق این بازی بودم.

- از کجا با این بازی آشنا شدی؟

مثلاً دوستام تو مدرسه می‌گفتن، خودشون داشتن تو تبلت‌ها و گوشی‌هاشون، فامیل‌مون هم بازی می‌کردن، من می‌دیدم خیلی خوشم می‌اومد، البته کلش انواع مختلفی داره، من رویال رو دارم، بازیهای خیلی سخته من از اون موقع که تبلت گرفتم و نصبش کردم هنوز مرحله‌ی هشتمم... .

- به غیر از بازی دیگه چه برنامه‌هایی روی تبلت داری؟

مثلاً... الآن به شما می‌گم، بازار دارم. نت دارم که می‌تونم بعضی وقت‌ها که حوصله‌ام سر می‌ره، توش خط خطی کنم.

- منظورت از خط خطی کردن، دقیقاً چی هست؟

من چون عاشق محرم و این جور چیزام، اسمای اماما رو، اسمای پیامبرا رو می‌نویسم. مثلاً الآن چندتا نوشتیم. چندتا یاحسین، چندتا یاعلی، یا محمد، این طوری.

- چرا عاشق محرم هستی؟

حس خوبی داره، چه می‌دونم به جوریه، خیلی دوست دارمش.

- دلیل دوست داشتنت چیه؟

دسته میاد می‌ره، بعد ماه امام حسین، بعد دسته و طبل و این جور چیزا، نمایش یزید هست، شیرکاکائو و قیمة خیلی خوبه، ۵ بعد از ظهر تا ۱ شب می‌ری بیرون.

- به طور کلی نظرت راجع به امام‌ها و پیامبران چیه؟

خیلی دوستشون دارم، خیلی آدم‌های خوبی بودن، با همه جنگیدن تا ما رو نجات بدن، مامان و بابای من همیشه می‌گن، باید بهشون احترام بذاریم.

- کسی از دوست‌هات یا هم‌کلاسی‌هات رو می‌شناسی که مثل شما فکر نکنه؟

یعنی از اماما خوشش نیاد؟

- بله عزیزم.

یادم نیلاد... (سکوت کرده و به نظر می‌آید که در حال فکر کردن است) آها... یه بار یه شیشمی تو مدرسه نزدیک بود با یه شیشمی دیگه دعواش بشه، به خاطر این چیزا، می‌گفت محرم الکیه و واقعی نیست، ما که نمی‌دونیم چی شده اون موقع‌ها، اما ناظمون اومد، دیگه هیچی نگفتن... .

- تا حالا تو یا دوست‌ها ت تولیدی هم برای فضای مجازی هم داشتید؟

آره. داخل روبیکا یه قسمتی هست اسمش روبینوئه، شبیه به اینستاگرامه.

- از چه لحاظ شبیه اینستاگرام هست؟

عین اینستائه دیگه، شما خودتون اینستا دیدید دیگه، مثلاً داخل ویترین روبینو می‌تونید... مثلاً توی اینستا می‌رید، فیلما رو گذاشتن، توی ویترین روبینو این طوری هستش، بعد من داخل روبینو دوباره یه چیز... یه پیج باز کردم، توش ویدیوهای محرمی می‌ذارم، یه دونه عکس پست کردم داخلش تا الان ۳ تا بیش تر لایک نخورده (این جمله را با حسرت بیان می‌کند).

- چه عکسی؟

عکس حرم امام حسین.

- عکس‌ها و ویدیوها را با تبلت خودت می‌گیری؟

نه عکس حرم که تو کربلاست، من هم که تا الان کربلا نرفتم، تو گوگل سرچ می‌کنم، بعد اسکرین شات می‌گیرم، یه ذره عکس رو کات می‌کنم، بعد عکس حرم فقط باقی می‌مونه، ارسال می‌کنم توی پستم.

- داخل روبینو هم دنبال کننده داری؟

عنا اینا، تو ۲-۳ روز شد عتا.

- دنبال کننده‌ها رو می‌شناسی؟

نه نه، پیجم بازه، هر کی خواست می‌تونه ببینه.

- این که افراد ناشناس وارد صفحات بشن، برات نگران کننده نیست؟

آخه من دیدم بیش تر یاشون عکس بچه، عکس خودشون رو گذاشتن، بیش ترشون همسن منن، اونایی که دیدم تا الان.

- تا حالا از خودت هم عکس گذاشتی؟

بله، برای پروفایلم هست.

- کسی می‌تونه به عکس پروفایلت دسترسی پیدا کنه؟

نه، فکر نکنم، دقیق نمی‌دونم.

- از واتساپ چه استفاده‌هایی می‌کنی؟

توش بعضی از فیلم‌ها رو می‌ذارم.

- چه فیلم‌هایی؟
- چه فیلم‌هایی؟ فیلم‌های محرم بیش‌تر، کلیپ خودم درست می‌کنم می‌ذارم.
- چه طوری کلیپ درست می‌کنی؟
- یه برنامه دارم، با اون درست می‌کنم.
- کلیپ‌هایی که درست می‌کنی چه طوری هستن؟
- چه طوری بگم بهتون؟ مثلاً می‌رم تو گوگل سرچ می‌کنم، اسم یه نوحه‌ای چیزی، بعد عکس هم پیدا می‌کنم، دیگه با اون برنامه نوحه رو می‌ذارم روی عکس‌ها، اون عکس‌ها هم بعد مثل فیلم می‌شن خودشون می‌رن بعدی.
- اسم برنامه‌ش چیه؟
- ویوا ویدیو.



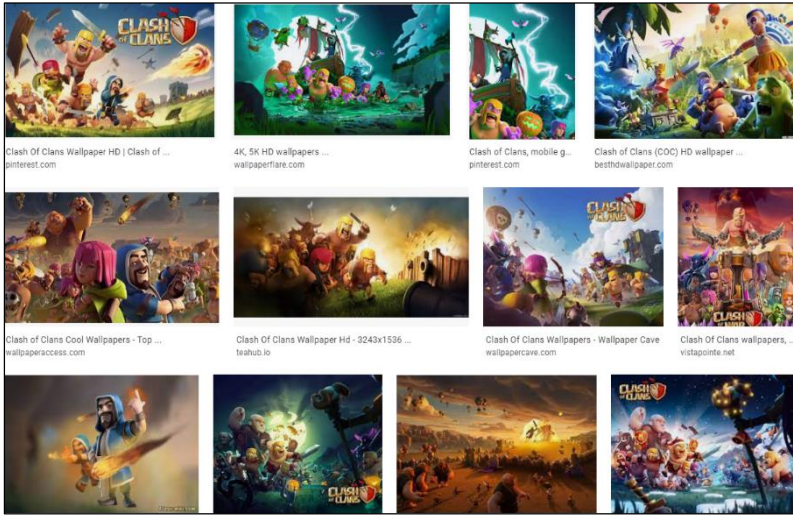
- الان داخل چه گروه‌هایی عضو هستی؟
- یه گروه دارم که خودم زدم، اسمش حسینی‌هاست، داخل اون چندتا از دوستانم توش عضون، چندتا از فامیلا، یه گروه دیگه هم هستم.
- چی شد که گروه حسینی‌ها رو زدی؟
- چیزه... امممم... گفتم که من عاشق محرم و این جور چیزا هستم، به خاطر همین شد که این گروه رو زدم، البته اسمش فقط حسینی‌هاست وگرنه توش هیچ چیز حسینی نیستش، البته من و یکی از دوستانم توش پیام می‌دیم.
- پس داخلش چی هست؟
- مثلاً در مورد این که مثلاً مرغ گرون شده و این طوری شده و این‌طور چیزا، من هم ویدیوی حسینی درست می‌کنم می‌ذارم، ما داخل این گروه حسینی‌ها یه معلم داریم که می‌شه دختر خاله‌ی بابام، اونم چیزه... داخلش چیز می‌ذاره... مثلاً ویدیوهایی راجع به آموزش درسی و اینا.
- کلاً چند نفر عضو گروهت هستن؟
- مامان بزرگم هست، وایسین براتون حساب کنم (سکوت می‌کند و در حال شمارش هست)، فکر کنم ۵-۶ تایی باشیم.

- گفتی که عضو یک گروه دیگه هم هستی، اون چیه؟
- همون گفتم که چیز... با دوستانم قرار می‌ذارم تو این گروهه.
- اسمش چیه؟
- اسمشو نمی‌تونم بگم (می‌خندد).
- چرا نمی‌تونی بگی؟
- یه جوریه که مربوط می‌شه به یه مسأله‌ای.
- به چه مسأله‌ای مربوط می‌شه؟
- نمی‌دونم، نگاه کنید دوستانم از یه گروهی هست، گروه خواننده، اسمش بلک پینکه خب، یکی از دوستانم عاشق اون گروه بود، قبلاً ما ۳ نفر بودیم دیگه، یعنی در واقع من گفتم با ۳ نفر دوستانم، یکیشون تو این گروه نیستش، اون بچه‌هست، یعنی زیاد بزرگ نیستش.

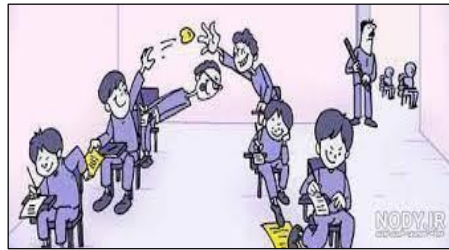


- منظورت اینه که سنش کمه؟
- نه همسن هستیم، یعنی که کوچولو فکر می‌کنه، نمی‌دونم چه طوری بگم.
- منظورت چیه از این که می‌گی کوچولو فکر می‌کنه؟
- یعنی که مثلاً زیاد از گوشی اینا سر در نمیاره، هنوز با اسباب بازی بازی می‌کنه، این‌طور چیزا دیگه.
- خب داشتی می‌گفتی که اسم گروه چیه.
- آها بله، چون من از اون گروه خواننده‌ها خوشم نمیاد زیاد، البته بدم نمیاد خیلی، بیش‌تر می‌خواستم سر به سر دوستانم بذارم و اینا، اسم گروه رو گذاشتم کره‌ای سوسک خور (می‌خندد).
- این گروه بلک پینگ کره‌ای هستن؟
- کره‌ای هستن بله.
- دوستت چرا از این گروه کره‌ای خوشش میاد؟
- نمی‌دونم، شاید چون آهنگ‌های باحالی داره، اصلاً من هم یکی از آهنگ‌هاش رو گوش دادم، خوشم اومد، بدم نیومد، ولی هنوز اسم گروه رو عوض نمی‌کنم (می‌خندد).

- دوستت فقط از آهنگ‌های این گروه خوشش میاد؟
- نه فقط آهنگ نه، عاشق خواننده‌هاش هم هست.
- از چه ویژگی خواننده‌ها خوشش میاد؟
- خواننده‌ها کره‌ای هستن، بعد دیگه مثلاً رقصاشون باحاله، لباساشون و این جور چیزا.
- دوست تو سعی می‌کنه شبیه اون خواننده‌ها بشه؟
- خیلی دوست داره، ولی نمی‌شه.
- چرا نمی‌شه؟
- چون مثلاً اونا یه لباسایی دارن که اصلاً تو ایران وجود نداره، مدلای عجیب غریب می‌پوشن.
- دوستت سعی می‌کنه مثل اون‌ها برقصه؟
- از اونا هم بهتر می‌رقصه (می‌خندد).
- خودش یاد گرفته یا کلاس رفته؟
- خودش یاد گرفته، اون ویدیوهای رقصاشون رو این قدر دیده تا یاد گرفته.
- زبان کره‌ای هم دوست داره یاد بگیره؟
- نمی‌دونم این رو، تا حالا ازش نپرسیدم.
- از طریق شبکه‌های اجتماعی با دوست‌های خودت هم در ارتباط هستی؟
- آره با دوستانم پیام می‌دم، باهاشون قرار می‌ذارم، مثلاً بیاین.
- کجا قرار می‌گذارید؟
- الآن که خونوی مامان بزرگم هستم تو گنبد، این‌جا ۲ تا دوست دارم، نه ۳ تا دوست دارم. مثلاً بهشون پیام می‌دم، می‌گم بچه‌ها بیاید بالا پشت بوم، من هم این‌جا هستم بیاید این‌جا، البته امروز این‌جا بارونیه، دیگه نمی‌شه امروز رفت، وگرنه ساعت ۱۲ قرار داشتیم.
- بالا پشت بوم چه کار می‌کنید؟
- صحبت می‌کنیم، بازی هم می‌کنیم.
- راجع به چی صحبت می‌کنید؟
- نمی‌دونم همه چی دیگه، مثلاً بازی‌ها، درسامون، این جور چیزا.
- راجع به بازی‌ها چی می‌گید؟
- مثلاً این‌که تو کلش چه کار کنیم بهتره تا لولمون بیاد بالاتر، اونا هم دارن کلش، بازی‌های جدید چی اومده بیرون.



- راجع به درس هاتون به همدیگه چی می‌گید؟
- بعضی وقت‌ها مثلاً یکی مون یه چیزی بلد نباشه، به اون یکی یاد می‌ده، مخصوصاً وقتی امتحان داریم، با دوستان برنامه می‌ریزیم که چه طوری نمره مون خوب بشه (می‌خندد).
- چه برنامه‌ای می‌ریزید؟
- مثلاً چه طوری تقلب کنیم و اینا.



- اصلاً درس‌ها رو هم می‌خونید خودتون؟
- نه خیلی، اگه مامان و بابام گیر نمی‌دان، راحت‌تر می‌شدیم.
- به چه چیزی گیر می‌دن؟
- این که درس بخونیم.
- گفتی که درس نمی‌خونی زیاد، نمره‌هات هم اومده پایین؟
- نه خانم، پایین نیومده، حواسم جمع هست که پایین نیاد، هر وقت تکلیف و امتحان دارم، سریع از رو کتاب می‌نویسم می‌فرستم، ولی ویدیوهایی که معلمون می‌فرسته رو نگاه نمی‌کنم.
- مامان و بابات می‌دونن که نمی‌بینی؟
- نه، اونا فکر می‌کنن همه رو می‌بینم و بلام (می‌خندد).

- چه کار می‌کنی که متوجه نمی‌شی؟

نمی‌دارم نمره‌هام بیاد پایین، تبلتم تو دستم هست یه جورى نشون می‌دم که انگار دارم گوش می‌دم و اینا، هندزفرى هم دارم نمی‌فهمم، فقط اگه امتحانا حضوری بشه، بیچاره می‌شم.
- چرا؟

خب آخه هیچی بلد نیستم، این‌طوری تو خونه همه‌اش از روی کتاب می‌بینم یا با دوستانم تقلب می‌کنیم.

- چه طوری تقلب می‌کنید؟

مثلاً برای امتحان یه هم کلاسی دارم درسش خیلی خوبه، بیچاره مامان و باباش خیلی گیر می‌دن بهش، نمی‌تونه بیچونه، اون جوابا رو می‌نویسه برای ما عکسش رو می‌فرسته، دیگه ما هم سریع می‌نویسیم روی برگه، اسم خودمون رو هم بالاش می‌نویسیم، می‌فرستیم تو گروه.

- از این که تقلب می‌کنی، احساس عذاب وجدان نداری؟

چرا خانم بعضی وقت‌ها به خودم قول می‌دم که دیگه از فردا مثلاً شروع کنم همه رو بخونم، اما هی نمی‌شه، حال ندارم، می‌گم هی بعداً می‌خونم و اینا، مثلاً این‌طوری که چیز... می‌گم برم یه کم بازی کنم با تبلت بعدش شروع می‌کنم، می‌بینم شب می‌شه دیگه وقت نیست، حس و حالش نیست کلاً.

- اگه یه روز مامان و بابات تبلت یا ایکس باکست رو ازت بگیرن، چه احساسی پیدا می‌کنی؟

وای نه خانم، خیلی بده که، من بدون اینا می‌میرم، دیگه کاری نمی‌تونم بکنم، حوصله‌ام سر می‌ره، اصلاً دوست ندارم این‌طوری.



- کتاب هم می‌خونی؟

نه خانم، کتاب حال می‌خواد، من حال کتاب ندارم خسته می‌شم، مث بازی هم هیجان اینا نداره.

- درس خوندن مجازی رو ترجیح می‌دی یا حضوری رو؟

مجازی خیلی حال می‌ده.

- چرا این‌طور فکر می‌کنی؟

چون یک، کلاس‌ها مون کم تره. دو، مثلاً تو حضوری چیزه... مدرسه که تموم می‌شه، باید صبر کنی تا سرویس بیاد و بری خونه و تازه حالا لباسات رو دربیاری خسته و کوفته، ولی مثلاً توی آنلاین قشنگ با لباس خودت می‌ری، تقلب هم که گفتیم (می‌خندد).

- در منزل گل و گیاه نگه داری می‌کنید؟

بله خانم.

- بهشون رسیدگی هم می‌کنی؟

من که نه رسیدگی نمی‌کنم، مامانم بیش تر رسیدگی می‌کنه، خیلی چیز خوبیه، نشاط میاره.

- شده تا حالا مامانت حواسشون نبوده و شما بهشون رسیدگی کرده باشی؟

نه خانم، من اصن یادم نمی‌مونه چه کار باید بکنم، یادم می‌ره مسواک بزنم، چه برسه به گل و

گیاه آب بدم.

- نظرت راجع به افرادی که در جنگل درخت‌ها رو قطع می‌کنن چیه؟

به نظر من کار خوبی نیست.

- چرا این‌طور فکر می‌کنی؟

الآن این همه از جنگلامون کم شده، مثلاً شاید درخت قطع می‌کنن، مثلاً درخت‌هایی رو قطع

می‌کنن که تازه ان، مثلاً ما کاغذ درست می‌کنیم، با برگ درخت درست نمی‌کنیم با چوب درست

می‌کنیم دیگه، اون درخت‌هایی که خشک شدن رو باید برن قطع کنن، باهاش کاغذ درست کنن،

نه اون درخت‌هایی که تازه گل و شکوفه دادن.

- گفتی ما جنگلامون رو از دست دادیم، می‌دونی بر اثر چی بوده؟

آتش سوزی و قطع کردن درخت‌ها.

- از کجا متوجه شدی به این علت‌ها بوده؟

تو اخبار مثلاً شنیدم می‌گن، مثلاً جنگل فلان جا آتش گرفته.

- به نظرت گیاهان هم مثل ما موجودات زنده‌ای هستن یا نه؟

بله خانم جون دارن، می‌فهمن.

- چه طوری این مسأله رو متوجه شدی؟

مثلاً یه دانشمندی بود دوتا گل کاشته بود، بعد با یه گل بد صحبت می‌کرد، گفتش تو یه گلی

هستی که رشد نمی‌کنی، تو یه گلی هستی که خیلی بدی و پژمرده می‌شی و اینا، بعد اون گل اصلاً

درست رشد نکرد. بعد اون دانشمند با یه گل دیگه درست صحبت کرد، بهش گفت تو گل خیلی

قشنگی هستی، تو بزرگ می‌شی، شکوفه می‌دی و اینا، نه ببخشید درخت شکوفه می‌ده (می‌خندد)،

بعد همون، چند روز بعدش گل بزرگ شد و قشنگ شد. اون گلی هم که باهاش بد صحبت کرد،

پژمرده شد.

- این رو کسی برات تعریف کرده یا یه ویدیو ازش دیدی یا این که جایی خوندی؟
اینو اگه اشتباه نکنم، ناظمون برامون تعریف کرد.
- الان که نزدیک کریسمس هستیم، یک سری از افراد ایرانی درخت کریسمس تهیه می‌کنن، نظرت راجع به این مسأله چیه؟
آره خانم، از این کارا می‌کنن که مثلاً نشون بدن خیلی باکلاس و خفنن.
- نظرت راجع به این کار چیه؟
نظرم؟ ما که خارجی نیستیم، خودمون نوروز رو داریم، دیگه لازم نیست کریسمس که برای یه کشور دیگه هست رو چیز... جشن اینا بگیریم.
- از اطرافیان و دوستانتون کسی هست که جشن بگیره با این که میسحی هم نباشه؟
آره خانم پارسال بود، نمی‌دونم پارسال بود، یکی از دوستانم درخت گرفته بود، تزیین اینا کرده بودن با مامان و باباش، بعد فرستاده بود تو گروهی که چند نفری با هم داریم.



- ازش نپرسیدی چرا این کار رو کردن؟
می‌گفت باحال و خفنه، می‌گفت تو اینستاگرام همه با درخت عکس می‌گیرن و می‌ذارن اینا.
- دوست تو خودش اینستاگرام رو داره؟
نه خانم، داخل گوشی مامانش دیده بود.
- شما خودتون هم درخت می‌گیرید برای کریسمس؟
نه خانم ما که مسلمانیم، مسیحی اینا نیستیم که، همون نوروز رو جشن می‌گیریم با شب یلدا اینا.
- نظرت راجع به تحریم‌هایی که در حال حاضر هستیم چیه؟
به خاطر همین تحریم‌هاست که دلار گرون شده دیگه، تحریم کردن و این جور چیزا، کارای خوبی نیست. مثلاً یهو می‌گن دلار اومد پایین، بعد دو دقیقه بعد می‌گن دلار رفت بالا، به نظرم دلار

بیاد پایین همه چی ارزون بشه، مردم بتونن سفر کنن. مثلاً الآن دلار اینقد گرونه تا دوقوز آباد هم نمی شه رفت.

- از کجا این موارد رو متوجه شدی؟

اخبار دیگه. اخبار ایران، اخبار بی بی سی، اخبار ایران اینترنشنال.

- شبکه های خبری ایران رو ترجیح می دی یا شبکه های اخبار ماهواره ای رو؟

خانم اخبارهای ماهواره ای کامل تر می گن، مثلاً این طوری نیست که یه چی رو بگن، یه چی رو نه. ولی مثلاً اخبار ایران این طوری نیست، ماهواره ای ها بهتره.

- نظرت راجع به مسوولان کشور، به فرض مثال رئیس جمهور چیه؟

خانم ببخشید، اما دیگه بحث داره سیاسی می شه.

- کسی بهت گفته که وارد بحث های سیاسی نشی؟

بله دیگه مامان و بابام، از این ور اون ور هم شنیدم دیگه، می گن خوب نیست و این جور چیزا.

- چرا خوب نیست؟

نمی دونم دیگه، می گن خوب نیست، مامان و بابام گفتن در مورد این چیزا صحبت نکنم.

- به نظرت علتش چیه؟

نمی دونم دیگه خانم (احساس کردم معذب شده است و تمایل به پاسخ دادن ندارد).

- اگر شما به جای رئیس جمهور بودی، چه کارهایی انجام می دادی؟

چه کارهایی انجام می دادم؟ این قدر شعار مرگ بر آمریکا نمی دادم، این قدر با آمریکا بد رفتار

نمی کردم که حالا اونم با ما بد رفتار کنه، تحریمون کنه، پرچم هیچ کشوری رو آتیش نمی زدم،

مثلاً برای بچه هایی که تبلت اینا ندارن برای آموزش مجازی، تبلت می گرفتم.



- ممنون فرزاد جان، خیلی لطف کردی.

خواهش می کنم خانم.

- خدانگهدار عزیزم.

خدافظ.

احتمال ترک تحصیل بیش از ۳ میلیون دانش آموز به دلیل نداشتن تبلت و گوشی هوشمند



رضوان حکیم زاده
معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش:

در آستانه آغاز سال تحصیلی کماکان بیش از سه میلیون دانش آموز از قشر کم‌برخوردار بدون تبلت دانش آموزی مانده‌اند که این معضل احتمال ترک تحصیل این دانش آموزان را بالا می‌برد؛ لذا باید پویایی پویا در این حوزه شکل بگیرد.



سید محمد موسوی زاده

روز یکشنبه (۱۳۹۹/۷/۲۴) عصر ساعت ۱۰:۳۰ از حسینیه باب الحوائج (رضایی) با کوفت شادمانه، براساس برگه سب کردیم
همچنین به اطلاع می‌رساند به دلیل شرایط موجود و به جهت جلوگیری از شیوع بیماری کرونا، مراسم برگزار نمی‌شود.
و همچنین مراسم **هشتمین روز** در گذشت آن مرحوم روز یکشنبه (۱۳۹۹/۷/۲۴)
بعد از ظهر بر سر تربت پاکان آن **آمازهاده سید جمال الدین** برگزار خواهد شد.
میتوانید با شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ با ما تماس بگیرید. همچنین می‌توانید با شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ با ما تماس بگیرید.

گوشیو تبلت بگفتگن



مردمان آیدین ساری
تلفون: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر
وکیل آباد، پلاک ۱۰
ساعت کاری: ۹ صبح تا ۶ عصر
روزهای تعطیل: جمعه و روزهای
عید
www.khoshio.com
۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
۰۹-۵۵۶-۹۷۰-۱
www.khoshio.com
@khoshio
#khoshio

۳- تأملی دوباره در تحول‌های آموزشی پدید آمده در سطح کودکان و نوجوانان ایرانی

مقدمه

در بررسی مقوله تحول‌های آموزشی پدید آمده در سطح کودکان و نوجوانان ایرانی مصاحبه شده، تحول‌های زیر ملاحظه می‌شود:

پایین آمدن سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، تحقق یادگیری و آموزش فعال، ایجاد بستری برای بروز خلاقیت‌های کاربران، فردی شدن آموزش، ارتقای عملکرد آموزشی کودکان و نوجوانان، ارتقای عملکرد آموزشی دانش‌آموزان خاص، آموزش‌های مجازی، ارتقای توانایی فنی دانش‌آموزان، کاربری از منابع کمک آموزشی، زبان‌آموزی، افزایش اطلاعات کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مورد علاقه، بازی‌های آموزشی، ارتقای مهارت‌های بینایی و حرکتی در جریان انجام بازی‌های دیجیتال، ترجیح فرهنگ بصری بر فرهنگ مکتوب، افت آموزشی کودکان و نوجوانان، تقلب کردن در امتحان‌ها، ایجاد مدرسه پنهان، آموزش‌های غیررسمی، والدگری الکترونیک.

در عنوان «پایین آمدن سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید»، از گسترش فناوری‌های ارتباطی جدید یاد شده است و تأکید گردیده است این مسأله خود به خود به کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته انجامیده است.

در عنوان «تحقق یادگیری و آموزش فعال»، خاطرنشان شده است، با سروکار یافتن کودکان از بدو تولدشان با فناوری‌های جدید، در عمل کودکان با آزمون و خطا به رموز وسایلی مانند تلفن همراه، تبلت و رایانه اولیاء و قوف می‌یابند و این همان آموزش فعالی است که پیازه به طرح آن پرداخته است و اصرار می‌ورزد که فراگیران تنها در شرایطی که در محیط عمل فعال بوده و برخورد فعالی با مسایل اطراف و اکنافشان داشته باشند، به یادگیری راستین دست می‌یابند.

کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در عمل بستر مساعدی برای بروز خلاقیت‌های کاربران پدید می‌آورد که از این مسأله ذیل عنوان «ایجاد بستری برای بروز خلاقیت‌های کاربران» یاد شده است.

«فردی شدن آموزش» از دیگر تبعات مهم فناوری‌های ارتباطی جدید به شمار می‌رود. به این معنا که گسترش فناوری‌ها سبب شده است که با تهیه انبوهی از منابع الکترونیکی و به کارگیری انواع فناوری‌های آموزشی، دانش‌آموزان بتوانند در مجموعه اطلاعات موجود، دست به‌گزینش زده و با شیوه مورد علاقه خویش، به فراگیری محتواهای مورد نظرشان دست بزنند.

در عنوان «ارتقای عملکرد آموزشی کودکان و نوجوانان» و «ارتقای عملکرد آموزشی دانش‌آموزان خاص»، این مسأله مورد تأکید قرار گرفته است که اگر دانش‌آموزان سالم و دانش‌آموزان خاص، از فناوری‌های ارتباطی که در خدمت نظام آموزشی قرار گرفته‌اند، کاربری مثبت و مؤثری داشته باشند، کاربری اخیر عملکرد آموزشی آنان را به میزان قابل توجهی ارتقاء خواهد داد.

همان‌گونه که از عنوان «ارتقای توانایی فنی دانش‌آموزان» برمی‌آید، کودکان و نوجوانان دبستانی، در جریان کاربری از فناوری‌هایی مانند تبلت، تلفن همراه و رایانه، دیدی کلی نسبت به فناوری‌ها پیدا کرده، به راحتی با سایر فناوری‌های دیگر تماس یافته، به حل پیچیدگی‌های آن‌ها نایل می‌آیند. با تهیه و تولید منابع الکترونیکی، این منابع به صورت کمک آموزشی در اختیار دانش‌آموزان کاربر فناوری‌های ارتباطی جدید قرار گرفته و در عنوان «کاربری از منابع کمک آموزشی» موضوع اخیر مورد توجه واقع شده است.

عنوان «زبان آموزی» به یکی از طبیعی‌ترین پیامدهای کاربری دانش‌آموزان از کارتونه‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتال، فیلم‌ها و سریال‌های زبان اصلی اشاره دارد که ارتقای یادگیری زبان مورد استفاده کاربر را به همراه دارد.

عنوان «افزایش اطلاعات کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مورد علاقه»، ناظر بر فراگیری‌های کاربران فناوری‌های ارتباطی پیشرفته از طریق این فناوری‌ها بوده، در آن از ارتقای «معلومات عمومی»، «اطلاعات بهداشتی» و «زیست محیطی»، «اطلاعات هنری» و «اطلاعات تخصصی» کاربران کارتونه‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتال، فیلم‌ها و سریال‌های آن سوی آب، یاد شده است. عنوان «بازی‌های آموزشی» ناظر بر کاربری از بازی‌های دیجیتالی است که واجد آثار آموزشی هستند و کاربران این دست از بازی‌ها، در جریان بازی، مفاهیم علمی مختلفی را فراگرفته، درون‌سازی می‌کنند.

همان‌گونه که از عنوان «ارتقای مهارت‌های بینایی و حرکتی در جریان انجام بازی‌های دیجیتال» برمی‌آید، در این عنوان از افزایش مهارت‌های بینایی و حرکتی کاربران بازی‌های دیجیتالی یاد شده است که در اثر تعامل فعال کاربران با بازی‌های اخیر پدید می‌آید.

عنوان «ترجیح فرهنگ بصری به فرهنگ مکتوب» ناظر بر اثرگذاری گسترده فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در تحول‌های فرهنگی جامعه است. به این معنا که اگر در گذشته، فرهنگ جامعه مبتنی بر آثار مکتوب بود و شهروندان با مطالعه منابع اخیر، به فرهیختگی دست

می‌یافتند، با گسترش فناوری‌ها، در حال حاضر عمده منابع اطلاعاتی افراد از طریق منابع بصری ارایه می‌گردند و کاربران با عادت کردن تدریجی به اخذ اطلاعات از منابع تصویری، از منابع مکتوب فاصله می‌گیرند، جا به جایی اخیر سبب می‌شود کاربران به جای یادگیری تفکر نقادانه که حاصل فرهنگ مکتوب است، در برابر تصاویری که به سرعت از برابر دیدگانشان رد می‌شود، منفعل مانده، همین روحیه انفعالی قدرت نقد و بررسی آنان را به میزان زیادی ذایل سازد.

در عنوان «افت آموزشی کودکان و نوجوانان»، مسأله کاهش قابل توجه سطح سواد دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته و مطرح گردیده است. دانش‌آموزانی که با عدم بسترسازی فرهنگی خانواده، محیط آموزشی و کلان جامعه، وارد کاربری از محصولات‌های فرهنگی آن سوی آب شده‌اند، با غرق شدن در فضای مجازی و اتلاف وقت زیاد در جریان وب‌گردی‌هایشان، در عمل دچار افت آموزشی شده، به میزان زیادی پسرقت علمی را تجربه خواهند کرد.

در عنوان «تقلب کردن در امتحان‌ها»، ضمن بیان این مسأله که فناوری‌های ارتباطی می‌توانند موجبات ارتقای آموزشی افراد را فراهم آورند، خاطرنشان گردیده است که از سویی به سبب عدم بسترسازی فرهنگی مناسب برای کاربری از فناوری‌ها و از سوی دیگر به دلیل برخورد بدون تعهد برخی از شاگردان، تقلب در دستور کار جمعی از آنان قرار گرفته است و این دانش‌آموزان با کاربری نامناسب از فناوری‌ها و تشکیل گروه‌های خاص تقلب (خاصه در دوران تحصیل مجازی)، بدون درس خواندن نمره قبولی و احياناً نمرات ممتاز دریافت می‌دارند.

عنوان «ایجاد مدارس پنهان در بطن مدارس رسمی» بیانگر این واقعیت تلخ است که در بطن محیط‌های آموزشی که در کنار آموزش‌های مرسوم، موظف به انتقال ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأیید جامعه به دانش‌آموزان هستند، مدارس پنهانی شکل گرفته است که فراگیری‌های آن گاهی تنافر ۱۸۰ درجه‌ای با اهداف آموزشی و پرورشی مدارس و اولیای آموزشی آن‌ها دارد.

در عنوان «آموزش غیررسمی» این نکته مورد تأکید قرار گرفته است که ارایه اطلاعات مناسب از طریق بازی‌های دیجیتالی (که روشی غیررسمی در امر آموزش به شمار می‌آید)، می‌توانند در دانش، نگرش و تغییر رفتار کاربران مؤثر واقع آیند، اما اگر محتوای ارزشی این بازی‌ها نامناسب باشد، بازی‌های اخیر می‌توانند متضمن القائاتی هنجارشکن و تخریبی باشند.

سرانجام در عنوان «والدگری الکترونیک» این مسأله مورد تأکید قرار گرفته است که به سبب سیطره فضای مجازی، اولیا در کنار والدگری معمول خودشان، باید والدگری الکترونیک هم داشته باشند و با اشراف و نظارت بر کاربری فرزندشان از محتواهای موجود در فضای مجازی، آنان را به سمت کاربری از محتواهای مناسب راهنمایی کرده، مانع از کاربری از محتواهای نامناسب و مضر توسط فرزندشان شوند.

در ادامه، عناوین پیش گفته، با استناد به مصاحبه‌های صورت پذیرفته و درج شده در فصل دوم کتاب، به اجمال مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۱-۳- پایین آمدن سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید

با سایه گستر شدن فناوری‌های ارتباطی جدید، استقبال مردم از این فناوری‌ها بیش تر شده است. از سوی دیگر با پیشرفت فناوری‌ها، هزینه تولید مواردی مانند تلفن همراه، تبلت، قطعات رباتیک و مانند آن‌ها کاهش یافته، این وسایل با هزینه ارزان تری به دست مصرف کننده می‌رسد و همین امر سبب شده است، کودکان و نوجوانانی که بومیان دیجیتالی محسوب می‌گردند، راحت تر امکان برخورداری از این وسایل را پیدا کنند، خاصه آن که کودکان و نوجوانان از طریق فناوری‌های پیش گفته، به منابع تفریحی و فراغتی جذاب و گسترده‌ای دسترسی می‌یابند.

منطقی (۱۳۹۹ الف) در ارتباط با کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در کودکان

پیش دبستانی می‌نویسد:

«جذایب‌های فناوری‌ها و تنوع بازی‌ها و سرگرمی‌هایی که در فناوری‌ها برای اقشار مختلف از جمله کودکان و نوجوانان تدارک دیده شده است، سبب می‌شود آنان از آغاز زندگی متوجه جذایب‌های فناوری‌ها شده، تمایل به کاربری از آن‌ها داشته باشند.

اگر چه تا حدود ۲ سالگی کودک، اولیا با پخش آهنگ یا فیلم برای کودکشان، نقش فعالی در کاربری فرزندشان از فناوری دارند، اما به تدریج کودکان از سن ۲ سالگی به شکل معنادارتری با تبلت یا تلفن همراه رابطه برقرار کرده، بازی‌های ساده را شخصاً انجام می‌دهند. در اواخر ۲ سالگی کودکانی که با تلفن همراه یا تبلت اولیا بازی می‌کنند، ممکن است بتوانند با این وسایل عکس بگیرند، به گالری عکس‌ها بروند، به تلفن پاسخ داده و تماس معنادار با دیگران برقرار کنند.

از سن چهار سالگی ارتباط کودکان با فناوری‌ها عمق بیش تری می‌یابد و آنان به تدریج با دانلود بازی آشنا شده، برای خود بازی دانلود می‌کنند. به همین ترتیب در سال‌های بعد کودکان از کارایی ارسال اطلاعات (از طریق برنامه‌هایی نظیر شیر ایت)، رمزگذاری، ورود به شبکه‌های اجتماعی و برقراری ارتباط معنادار با دوستان در شبکه‌های اجتماعی (با ارسال استیکر یا صوت) برخوردار می‌گردند.



بررسی‌های انجام شده دلالت بر آن دارد که با وجود عدم توانایی نگارش کودکان پیش دبستان، این کودکان ممکن است برای حل مشکلات فنی که برای آن‌ها در جریان کاربری از تبلت یا گوشی همراه پیش می‌آید، با تهیه اسکرین‌شات از مراحل رفع اشکال پیش آمده و ارسال آن برای یکدیگر، اطلاعات لازم را در اختیار دوستانشان قرار داده، به این ترتیب مشکل فنی آنان را حل کنند.

با بررسی مصاحبه‌های انجام شده، مشخص می‌شود که دانش‌آموزان دبستانی از همان سال‌های اول و دوم دبستان، کاربری‌های پیشرفته‌ای از تلفن همراه، تبلت و در ادامه رایانه را از خود نشان می‌دهند که این امر حکایت از شروع زود هنگام تعامل آنان با فناوری‌ها دارد.

یکتای ۷ ساله در مصاحبه خودش از یادگیری برخی از برنامه‌ها در کلاس اول دبستان به شرح زیر یاد کرده است:

«- خوب یکتا جان، الان کلاس‌ها به صورت مجازی هستن، درسته؟
بله.

- یعنی شما اصلاً تجربه‌ی کلاس حضوری رو نداشتی؟
اولین باری که داشتم می‌رفتم مدرسه، بعضی از بچه‌ها دو روز حضوری رفتن مدرسه، ولی من فقط یه بار حضوری رفتم، دو، سه روز دیگه هم که خیلی بچه‌ها دوست داشتن حضوری بیان، لپ‌تاپ می‌بردیم توی ادوب کانکت، تصویر می‌دادیم.

- خودتون هم توی کلاس تصویر می‌دین؟

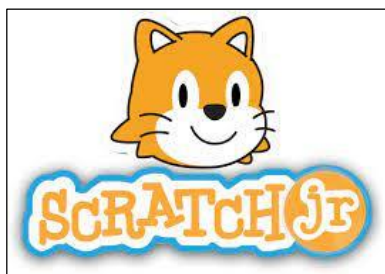
بله، ما دستمون رو می‌بریم بالا، بعد بهمون تصویر می‌دن.

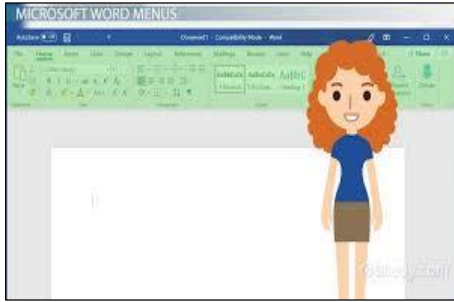
- دوست داشتی همه‌تون تصویر داشتین؟

بعضی وقت‌ها وقتی تازه معلم میاد سر کلاس، تمام دوربین‌ها مون رو وصل می‌کنه که همه بیان بالا باهامون حرف بزنه یا مثلاً کلاس نقاشی برای این که معلم مون کارهامون رو ببینه، تصویر می‌ده یا درسای دیگه وقتی می‌خوان بپرسن، بهمون معمولاً تصویر هم می‌دن.

- از نرم افزار شاد هم استفاده کردین؟

نه، نرم افزار شاد رو تا حالا انجام ندادیم، LMS داریم، نرم افزارهای Paint, Word, Scratch Junior رو هم باهامون کار می‌کنن.





- خوب گفתי استفاده از این ۳ نرم افزار رو توی مدرسه بهتون یاد می‌دن؟
بله، نرم افزار نویسی داریم و کامپیوتر، اسکرچ جونیور توی کلاس برنامه نویسی هستش، Paint
جداست مال کلاس کامپیوتره، البته Paint الان تموم شد رفتیم Word.
- زمانی که حضوری بود که فکر کنم درس کامپیوتر نداشتیم برای پایه دبستان، الان چون
مجازیه این درس رو دارید؟

نه، توی مدرسه کلاس جدا داره همیشه، با کامپیوترهای مختلف، ولی همه مدرسه‌ها امکان داره
نداشته باشن، ولی مدرسه‌ی ما می‌دونم داره».

نسیم ۸ ساله هم که به دلیل فقر خانواده امکان رفتن به مدرسه را نداشته است و با ملاحظه
کتاب‌های خواهر دانش‌آموز خواندن و نوشتن را فرا گرفته است، از کاربری‌های گسترده خودش
از تلفن همراه به قرار زیر یاد کرده است:

«- دیگه چه کارهایی با گوشی می‌کنی؟

وقتایی که می‌ریم بیرون و بهمون خوش می‌گذره، عکس می‌گیریم از خودمون، نقشه راه‌های
مترو رو دارم، آدرس داروخانه‌ها رو ازش پیدا می‌کنم، وقتایی که دلم می‌گیره، آوازی که بابام خونده
رو گوش می‌دم، از اینترنت عکس ماشین خوشگلا رو در میارم، یه وقتایی زنگ می‌زنم برای مامانم
از دکتر وقت می‌گیرم، یا زنگ می‌زنم برای وسایل یا به بچه‌های مترو، با خیلی کارای دیگه، همه‌اش
یادم نمیداد که (با خنده)».

۲-۳- تحقق یادگیری و آموزش فعال

«- خوب رها خانم تو چه استفاده مثبتی از شبکه‌های اجتماعی داشتی؟

مثلاً غایب که می‌شم درس‌ها رو از دوستانم می‌پرسم یا تا چند ماه پیش از سگ و گربه خیلی
می‌ترسیدم، سرچ کردم چه کار کنیم از سگ نترسیم، همه اون‌ها رو یادداشت کردم، الان دیگه
نمی‌ترسم. تحقیق درس‌هام رو می‌کنم، درباره نگره‌داری از سگ‌ها مطلب یاد می‌گیرم. گروه انگلیسی

و فرانسه هستیم. چت انگلیسی می‌کنم. آشپزی هم یاد می‌گیرم. بعضی غذاها رو برای مادر بزرگم می‌خونم، با هم درست می‌کنیم یا زنگ هنر کلاژ باید درست می‌کردیم، بلد نبودم سرچ کردم، دستورش رو به بچه‌ها گفتم. خیلی کارهای دیگه هم می‌کنم» (رها، ۱۱ ساله).

یکی از ابعاد جدید آموزشی کاربری کودکان، نوجوانان و جوانان از فناوری‌های ارتباطی جدید، ایجاد بستری جهت تحقق آموزش فعال این کاربران است.



پیاژه در بحثی که در مورد عوامل مؤثر در تحول روانی دارد، روی نقش تجربه تأکید می‌ورزد. او با طرح دو تجربه فیزیکی یا جسمانی و تجربه منطقی-ریاضی، از تأثیر این تجربیات در تحول روانی فرد یاد می‌کند. به تعبیر دیگر، در نظریه تعاملی پیاژه، نقش محیط به طور عمده در تجربیات جسمانی و منطقی-ریاضی کودک خلاصه می‌شود و محیط با در دسترس قرار دادن امکان عمل‌های لازم به کودک، اسباب تحول شناختی کودک را به شکل بهینه فراهم می‌آورد.

پیاژه برمبنای نظریه‌اش در مورد تحول روانی و خاصه تحول شناختی، دست به نقد نظام آموزشی موجود می‌زند. وی در کتاب «آینده تربیت: تربیت به کجا ره می‌سپارد» پس از بیان اشکال‌های عدیده‌ای که به نظام آموزشی حافظه‌مدار موجود وارد است، با توجه به مراحل روانی که بدان‌ها دست یافته است، دست به ارائه طریق زده، از «آموزش فعال» به عنوان شایسته‌ترین نظام ممکن در آموزش کودکان، نوجوانان و جوانان یاد می‌کند. وی در کتاب مزبور، در نقد کتاب‌های آموزش ریاضی و تجربی می‌نویسد:

«یاددهی یا آموزش عدد تا زمانی که کودک هنوز به سطح سازمان روانی لازم برای درک آن نرسیده است، چه دستاورد مثبتی به همراه دارد؟ همچنین می‌توان از خود پرسید، وقتی کودک فقط

از راه پرداختن به عمل در مورد اشیای عینی می‌تواند یاد بگیرد و به شناختی نایل آید، یک آموزش صوری و منحصرأ کلامی چیست؟

... آزمایش معلم در برابر شاگردان یا حتی انجام آن‌ها به دست خود شاگردان، اما بر اساس طرز عملی از پیش تعیین شده که به آنان تقریر می‌گردد، نخواهد توانست قواعد عمومی هر آزمایش عملی، مانند تغییر یک عامل یا خنثی ساختن عوامل دیگر را بدان‌ها بیاموزد. وقتی انسان آزمایشی را با آزادی لازم از نظر ابتکار انجام ندهد، دیگر آزمایش نیست، بلکه یک آموخته‌سازی است که بر اثر فقدان درک کافی اقدامات پی در پی، ارزش سازندگی را ندارد» (پیاژه، ؟، ترجمه منصور و دادستان، ۱۳۷۱).

بنابراین از نظر پیاژه تحقق آموزش ایده‌آل یا آموزش فعال، منوط به برخورد فعال کودک در جریان تجربیات روزمره و آموزشی وی است.

از نظر پیاژه، از آنجاکه تفکر کودک پیش دبستانی و دبستانی، تفکری عینی است، بنابراین ضرورت دارد با در دسترس قراردادن اشیای مختلف در اختیار وی و همین طور تماس دادن او با روابط اجتماعی ملموسی که در اطراف و اکناف خویش آن‌ها را در می‌یابد، او را به سمت آموزش پویایی سوق داد تا در جریان کشف و اختراع موارد متنوع، آمادگی سوق یافتن به سمت تفکر صوری و انتزاعی را به دست آورد. بر این مبنا، از پیش پیداست که ارایه مفاهیم غیرعینی و ملموسی مانند جرم، وزن، کشش ملکولی و مانند آن یا طرح مسایلی که قرن‌ها پیش رخ داده‌اند، برای بچه‌ها، نه تنها ممکن است در تحول ذهنی آنان نقش مثبتی برجای نگذارند، بلکه ممکن است تحول ذهنی آنان را با تأخیر نیز مواجه سازند.

گذشته از گرایش‌های پیاژه‌ای که آموزش فعال را سنگ بنای آموزش و خلاقیت می‌دانند، ملاحظه نتایج پژوهشی بسیاری از محققانی که از گرایش‌های غیر پیاژه‌ای برخوردارند، حکایت از آن دارند که نظام مبتنی بر آموزش فعال، بیش‌ترین تأثیر را در تربیت خلاق دانش‌آموزان ایفا می‌کند (منطقی، ۱۳۹۰ الف).



ویاور^۱ (۲۰۱۰)، از منظری متفاوت با تأکید در ضرورت فردی شدن آموزش خاطرنشان می‌سازد: از دیویی^۲ تا ویگوتسکی^۳ و از ویگوتسکی تا سیلی براون^۴، همگی از یادگیری به عنوان امری فردی که در متن اجتماعی رخ می‌دهد، یاد کرده‌اند. فناوری‌های ارتباطی جدید به دلیل امکاناتی که از آن برخوردارند (از جست‌وجوی اطلاعات در اینترنت گرفته تا بازیابی اطلاعات، نرم افزارهای مختلف، اتصال به شبکه‌های یادگیری و مانند آن)، در عمل تأییدی بر نظریات پیش‌گفته است و با شخصی کردن یادگیری، تحول قابل توجهی در پیشرفت جامعه فراهم می‌آورد.



با بررسی تعامل کودکان کاربر فناوری‌های ارتباطی جدید مانند تبلت، گوشی همراه و رایانه، این نتیجه حاصل می‌گردد که فناوری‌های اخیر به دلیل جذابیت‌های عدیده‌ای (نظیر چندرسانه‌ای بودن، جذابیت‌های بصری زیاد، ارضای هیجان‌جویی کاربر، دامن زدن به کنجکاوی‌های کودک و مانند آن) که از آن برخوردارند، در عمل بستر مناسبی جهت یادگیری فعال کودک و درگیر شدن کودک با شیوه آزمون و خطا در ارتباط با فناوری‌های تبلت، گوشی همراه و رایانه پدید می‌آورند و کودک را بر آن می‌دارند تا شخصاً زوایای نهفته موجود در فناوری‌های اخیر را رمزگشایی کرده، ضمن معرفی آن برای دوستان و همسالانش، از امکانات جدید نیز استفاده کند.

پلومن^۵ و همکاران (۲۰۱۲) در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازند، وقتی آنان از کودکان خردسال می‌پرسیدند که شما چگونه کار با فناوری‌ها را آموخته‌اید، آنان بیان می‌داشتند که ما با مشاهده طرز کار اطرافیانمان با تبلت، رایانه و تلفن همراه، کار با فناوری‌ها را یاد گرفته‌ایم. به تعبیر دیگر، اگر چه شاید کپی‌برداری اولین گام در جهت ورود به دنیای فناوری‌ها توسط برخی از کودکان باشد، اما کودکان دیگری در سطحی پیشرفته‌تر عمل کرده، تنها با در دسترس داشتن تبلت، رایانه و یا تلفن همراه، در برخورد فعال و مبتنی بر آزمون و خطایی که با وسایل مزبور دارند، به راز و رمز کاربری از این وسایل دست می‌یابند.

1. Weaver, A.
2. Dewey, J.
3. Vygotsky, L.
4. Seely Brown
5. Plowman, L.

کووزه^۱ و چن^۲ (۲۰۱۰) در بررسی که در مورد چگونگی مواجهه کودکان با تبلت داشتند، ۴۱ کودک خردسال را مورد بررسی قرار دادند و چگونگی مواجهه آنان با تبلت و کاربری از آن را فیلم برداری کردند.

بررسی اطلاعات گردآوری شده حکایت از آن داشت که کودکان مورد بررسی با علاقه با تبلت مواجه شده و در جریان انجام تکلیفی نظیر نقاشی کشیدن با تبلت، هرگاه به یک مشکل فنی برخورد می‌کردند، بدون آن که احساس ناراحتی و ناکامی از خود نشان بدهند، با آزمون و خطا به حل آن می‌پرداختند.

ویژگی اخیر که نداشتن ترس از سروکله زدن با فناوری‌ها است، مسأله‌ای است که خاص بومیان دیجیتال است، نه مهاجران دیجیتال^۳.



با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با بومیان دیجیتال دبستانی مشخص می‌شود که آنان در برخورد با وسایلی نظیر تبلت، تلفن همراه، لپ‌تاپ و ماهواره، با روش آزمون و خطا، آن قدر با این وسایل به چالش پرداخته‌اند که در نهایت به رمز و راز کار با آن‌ها وقوف یافته‌اند (هر چند در برخی از موارد به وسیله مورد نظر یا اطلاعات آن آسیب وارد آورده‌اند).

نسیم ۸ ساله در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، وی کاربری از تلفن همراه را «از خودش» یاد گرفته است. نفس ۱۲ ساله هم در همین زمینه بیان می‌دارد: «آن قدر با گوشی ور رفتم تا یاد گرفتم» و سینای ۱۲ ساله هم به صراحت بیان می‌دارد وی ادیت کردن فیلم را از یوتوب و اینستاگرام فرا گرفته است:

«گفتی نقشه‌های مترو و داروخانه‌ها رو هم داری توی گوشت؟»

(سرش را به علامت بله تکان می‌دهد).

– بلدی بخونی و بنویسی؟

1. Couse, L. J.

2. Chen, D. W.

۳. منظور از بومیان دیجیتال افرادی است که از بدو تولدشان با فناوری‌ها سروکار داشته‌اند، اما مهاجران دیجیتال افرادی هستند که پس از از سال‌ها زندگی با فناوری‌های جدیدی که وارد عرصه زندگی آنان شده است، ارتباط یافته‌اند.

آره، از خواهرم یاد گرفتم.

- گفتی از اینترنت عکس ماشین در میاری، می‌گی چه طوری؟

عکس اون روباهه رو می‌زنم، می‌نویسم ماشین و خودش میاره، می‌خوای ببینیشون؟

آره بیار ببینم (برای نشان دادن عکس‌ها گوشی خود را از انتهای کیفش درآورد و قفل آن را که

الگوی سختی بود، باز کرد). چه ماشینایی داری تو گوشیت... .

- گفتی تلگرام هم داری، چه استفاده‌هایی از اون داری؟

عضو چندتا کانال و گروه هم که مخصوص افغانی‌هاست، کانالایی که عکس و فیلم و بازی دانلود

می‌کنم، یه کانال برای قیمت سکه و طلا هم دارم.

- اووووه... مگه طلا و سکه داری؟

آره، یه کمی. قیمت‌ها رو می‌بینم هر وقت پایین بود و پول داشتم با مامانم می‌خرم، تازشم چند

وقت پیش که گرون شد کلی سود کردیم (سرش را بالا گرفت و ابروهایش را بالا داد و با غرور

حرف می‌زد).

- آفرین! چه زرنگی تو... این کار رو از کجا یاد گرفتی؟

از خودم.

- و!! چه جوری از خودت؟

یه بار شبکه خبر رو نگاه می‌کردم، از مردم در مورد خرید و فروش ارز و سکه می‌پرسیدن، منم

به ذهن خودم رسید این کار رو کنم، تا حالا دو بارم سود کردم.

- پس خوش شانس هم هستی؟

نخیرم، زرنگم (با خنده)».

«- این فیلم‌ها و دابسمش‌هایی که می‌سازی رو خودت تدوین می‌کنی؟

بله.

- کسی بهت یاد داده؟

نه.

- چه جوری پس یاد گرفتی؟

خودم.

- یعنی آزمون و خطا کردی؟

آره دیگه، اون قدر با اون ور رفتم تا درست شه و یاد بگیرم.

- چیزهایی که یاد می‌گیری رو به دوست‌های خودت هم یاد می‌دی؟

دوستام خودشون بلدن.

- اول اونا یاد گرفتن بعد تو علاقه‌مند شدی؟

نه همه مون هم زمان یاد گرفتیم».

«- به جز این که تو اینستاگرام بچرخ، دیگه با گوشیت چه کار می کنی؟

فیلم ادیت می کنم.

- چه فیلمی؟

فیلمای خنده دار رو روش صدا می ذارم و استوری می کنم.

- همین فیلم که رئیس جمهور داره صحبت می کنه و صدای نقی رو روی اون گذاشتی، خودت

ادیت کردی؟

آره.

- ادیت فیلم رو از کجا یاد گرفتی؟

همین یوتیوب و اینستاگرام.

- چه جوری ادیت می کنی؟

با چندتا برنامه.

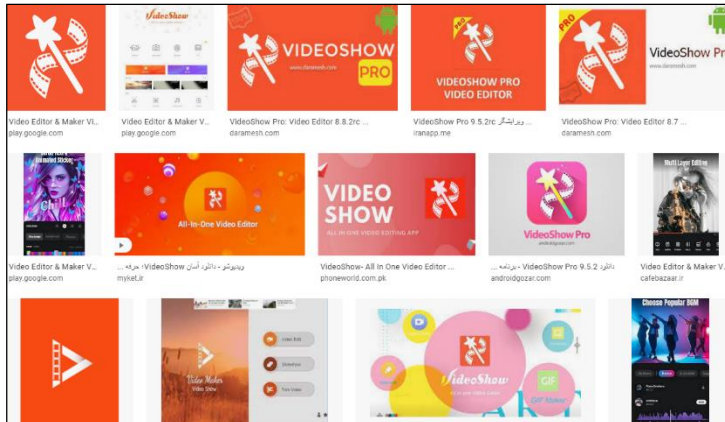
- با گوشی انجام می دی یا کامپیوتر؟

با گوشی.

- چندتا از این برنامه هایی که به نظرت برای ادیت خوب هستند، چی هست؟

VideoShow@

Posters@





- خوب این برنامه‌ها چه قابلیت‌هایی دارند؟

می‌تونیم رو فیلم صدا بذاریم، چندتا فیلم بهم بچسبونیم، فیلم فشرده کنیم یا عکس رو به فیلم تبدیل کنیم، خیلی کارای دیگه می‌شه کرد، بلد باشی، ویدیو شو برنامه خوبیه».

محمدحسین ۱۱ ساله در مصاحبه خود از ویژگی گوگل کردن خویش یاد کرده است و در عمل نشان می‌دهد به عنوان یک دانش‌آموز در عصر سیطره فناوری‌ها، در برخورد با هر مسأله و مشکلی، با جست‌وجو در منابع اطلاعاتی، به اطلاعات مورد نیاز خویش دست می‌یابد و در این میان، حتی اظهارات مادرش را در برابر یافته‌های متفاوت از منابع اطلاعاتی موجود در فضای مجازی کنار می‌نهد:

«- گفتم زامبی‌ها اذیت می‌کنن؟

آره دیگه.

- چه جوری؟

اووووم یه چیزی بگم نمی‌ری به کسی بگی.

- نه چرا باید این کار رو کنم، قول می‌دم نگم به کسی.

مثلاً من شنیدم یه زامبیایی هستن که شنیدم، اوم نمی‌دونم، سنجاق قفلیه چیه بهش بزنی، وحشی می‌شه که نمی‌دونم خوک می‌شه یا وحشی. اما این جن و اینا خرافاته خانوم (کاملاً سرخ شد، نمی‌دانست باید این موارد را بگوید یا خیر، که من کاملاً خودم را طبیعی جلوه می‌دادم. فیلم‌های ترسناک موجب این ترس در محمدحسین شده بود که به جن فکر کند. البته او خودش را قانع می‌کرد که این مسأله خرافات هست. اما ترس در چهره‌اش مشخص بود).

- یعنی تو می‌گی زامبی جن هست؟

آره.

- کی این رو گفته؟

مادرمون بهم گفته (به نظر می‌رسد مادر به خاطر این که کودک فیلم‌های ترسناک کم‌تر ببیند، این مطلب را به فرزندش گفته است).

- مامانت گفته بوده بهت که زامبی این طوریه؟
بله.

- خوب مامانت از کجا می‌دونست؟

مثلاً مامانم می‌گفت که ما رفته بودیم مشهد، یه مرده نشسته بود، یه پاش سم اسب بود، یه پاش پای آدمیزاد، یه گوشش هم انقد کوچیک بود، یه گوشش هم عادی. انگار نصف تنش فرق داشته با اون طرف. نصف صورتش هم یه جوری بود.

- خوب این ربطش به زامبی چیه؟
خب شباهت دارن به همدیگه.

- آها یعنی زامبی هم نصف تنش فرق داره؟
آره خانوم.

- خوب تو وقتی این‌ها رو شنیدی با خودت نگفتی دیگه بازی‌هایی که زامبی داره نکنم؟
من رفتم تو اینترنت تحقیق کردم در موردش.

- خوب چه تحقیقی کردی؟

مثلاً یک بار دوستم بهم گفته بود که تو خونه‌های چوبی نرو، چون زامبیا میان می‌خورن و می‌ترسی و بعد منم تو اینترنت زدم، گفت اصلاً همچین چیزی نیست. شاید وجود داشته باشه و ما ندیده باشیم، ولی خانوم ما همچین چیزایی رو باور نمی‌کنیم. من تا نبینم، باور نمی‌کنم.

- بیش‌تر تو اینترنت در مورد چه چیزهایی تحقیق می‌کنی؟

در مورد همین کارتون‌ها و بازی‌ها.

- این که بری تو اینترنت سرچ کنی رو از کجا یاد گرفتی؟
بلد بودیم.

- خوب چه کسی بهت یاد داده؟

کسی یاد نداده خودم از طریق ذهنم یاد گرفتم. البته قبلاً که بچه بودم پسر عموم می‌رفت تو گوگل.

- دیگه در مورد چه چیزهایی رفتی تحقیق کردی؟

همین زامبی بیش‌تر که الان گفتیم.

- خوب تو از طریق سرچ چه قدر به راز و رمز کارتون‌ها پی بردی؟

مثلاً وقتی رفتم سرچ کردم، دیگه در مورد زامبی فهمیدم که اون چیزی که مامانم گفت، درست نیست دیگه، فهمیدم این چیزا همه خرافاته... .



یه سری زامبیایی هستن که اصلاً آدم رو نمی ترسونن که حالا یا ما اسم قرآن رو بیاریم یا بسم الله الرحمن الرحیم بگیریم، حالا زامبی چه خوب باشه، چه بد باشه، اصلاً می ره. چون اسم بسم الله رو بشنوه، اصلاً پرت می شه اونور.

- این ها رو از کجا می دونی؟

این ها رو تو همون اینترنت خوندمشون. چون در مورد این زامبیا دوستمون و مامانمون ما رو خیلی مشکوک کرده بود، رفته بودیم تحقیق کردیم، چون ترسناکه دیگه بالاخره. اگه اتفاقی بیفته، آدم ممکنه سخته کنه. برا همین رفتیم تحقیق کردیم دیگه، خیال خودمون رو راحت کردیم، چون تو اینترنت نوشته بود، اصلاً همچین چیزی وجود نداره... .

- خوب تو الآن یعنی باز هم بازی هایی زامبی می کنی؟

آره خانوم، چون همچین چیزی نیست.

- مامانت نمی گه نبین؟

می گه گاهی اوقات.

- گوش می کنی به حرفش؟

نه، بهش می گم اینا همه خرافاته، تو اینترنت این چیزا نبود.

- مامانت چی می گه؟

هیچی نمی گه دیگه... .

یه چیز دیگه می شه بگم؟

- جانم بگو.

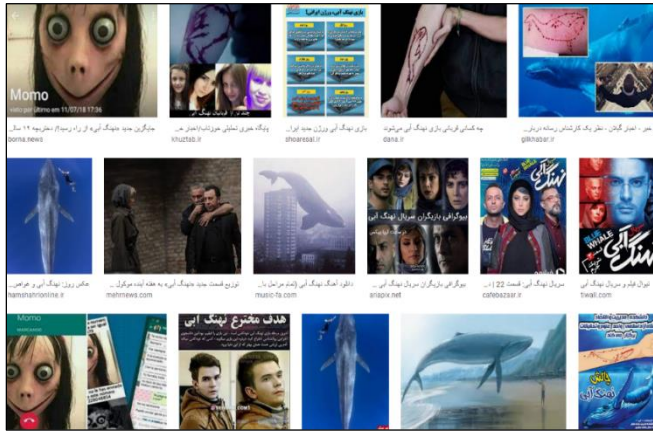
این سری پسر خاله ام گفته که کارتون نهنگ آبی رو گرفته، بریم ببینیم.

- کارتونش رو یا بازیش رو؟

کارتونش رو.

- من فکر می کردم بازیش هست آخه.

آره بازیشم هست، اما فیلمشم اومده، بازیش می دونم، چه طوریه ولی... .



- مگه بازی کردی؟

نه، اصلاً بازی نمی‌کنم.

- چرا؟

آخه آدم رو یه جوری می‌کنه که از خودش بدش بیاد، دوست داره خودکشی کنه بمیره (چهره محمدحسین سرخ شده، در واقع مانند اول مصاحبه که چیزی را می‌خواست بگوید، اما شک داشت).

- عزیزم حرفا بین خودمون هست، راحت باش.

راستش من مرحله اولش رو دیدم، ولی اصلاً بازی نکردم، فقط دانلودش کردم، ببینم چه طوریه.

- مرحله اولش چه طوریه؟

مرحله اولش انگار باید جفت و جور کنی، بعد می‌خوای بری مرحله دوم، تیغ می‌گیری دستت، بعد با تیغ باید ببری ببری تا خون بشه، بعد از دستت عکس بگیری بفرستی واسه سازنده‌اش. تا سازنده‌اش مرحله دوم رو برا تو باز کنه.

- سازنده‌اش کی هست؟

یه پسره جوونیه که می‌خواسته پولدارای شهر بمیرن. چون این بازیش گرونه، فقط پولدارا انجام می‌دن.

- نمی‌دونی سازنده‌اش متعلق به کدوم کشوره؟

اووم نه، تو من و تو یک‌بار گفته بود، ولی یادم رفته.

- خوب مرحله اولش رو که دیدی، هنوز هم داریش؟

نه دیگه، من فقط رفتم تو اینترنت، بازیش نکردم، فقط دیدم ببینم چه طوریه.

- خوب تو که الان می‌خوای فیلمش رو ببینی، نمی‌ترسی که فیلمش هم مثل بازیش باشه؟

چرا می‌ترسم.

- خوب باز هم می‌خوای فیلمش رو ببینی؟

بله.

- چرا؟

خب دوست دارم بدونم چه جوریه فیلمش.

- نمی‌گی روت تأثیر بگذاره؟

نه، نمی‌ذاره.

- از کجا این قدر مطمئنی؟

خب من چون می‌دونم قضیه چیه رفتم تو اینترنت دیدم.»

نفس ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش از اولیای آموزشی خویش یاد کرده که به نوعی امکان آموزش

فعال را برای آنان فراهم آورده‌اند:

«- در سایت مدرسه قسمتی هست که چیزهای جدیدی ازش یاد بگیری؟»

مثلاً ما یه دونه «پلاک پنج» داریم که هر کی مثلاً آشپزی بلده، کاردستی بلده یا مثلاً یه درسی

رو از همه بیش‌تر بلده، آموزش می‌ده و برای معلمون فیلمش رو می‌فرسته، اجباری هم نیست،

یکی حتماً درست کنه، بالاخره می‌فرستیم برای خانم، خانم می‌ذاره تو سایت و بقیه بچه‌ها هم

می‌تونن اون رو ببینن و هر کس هر هنری داره، مثلاً یکی با چرم بلده کار کنه یا مثلاً ما چالش

«من یک معلم رو داشتیم» که هر کی یه درسی رو بهش می‌داده و خودش باید اون درس رو

تدریس می‌کرد و برای بچه‌ها که میان توضیح بدن، خودشون متوجه می‌شن کجاها رو خوب یاد

نگرفتن، بعد دیگه فعالیت بازی داریم سر کلاس، نمایش و نقاشی داریم.»

امیرمحمد ۱۲ ساله هم در مصاحبه‌اش از تولید خودش یاد می‌کند که آن را روی سایت آپارات

نهاده است:

«- تا حالا شده تو این کانالا یه ویدیویی چیزی بفرستی، بعد بچه‌ها بیان اذیتت کنن که این چی

بود دیگه یا حتی تعریف کنن؟»

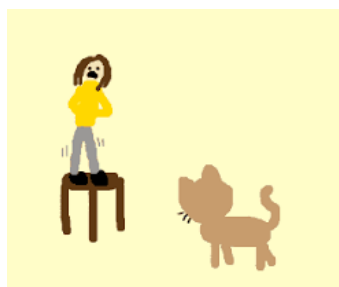
نه، ولی مثلاً یه بار یه گیم پلی از خودم گرفته بودم گذاشتم آپارات، یه چندتا از رفیقام دیدن

گفتن بدک نیست، خوب بود.»

رهای ۱۱ ساله، در بیانات خودش خاطرنشان می‌سازد، وی با گوگل کردن، دریافته است که

چگونه ترسش از سگ و گربه را از بین ببرد و با انجام پیشنهادهای درمانی اخیر، بر ترس خود از

حیوان‌های یاد شده، فایق آمده است.



اما نکته مهمی که در جریان آموزش فعال و گوگل کردن نسل جدید باید یادآور آن شد، مسأله خطرهای ضمنی است که کودکان و نوجوانانی را که در منابع اطلاعاتی مختلف موجود در فضای مجازی دست به جست‌وجو می‌زنند، تهدید می‌کند.

امین ۱۰ ساله در جریان مصاحبه‌ای که دارد، از نمونه‌ای از این خطرها یاد کرده است:

«- دیگه چه استفاده‌هایی از تبلت می‌کنی؟»

بازی می‌کنم، می‌رم در مورد خدا تو اینترنت می‌گردم، بعد در مورد مطلب‌ها یا اون چیزایی که تو کتابمون هست، می‌رم تو اینترنت می‌گردم تا بیش‌تر یاد بگیرم.

- چه قدر از وقت رو صرف بازی با تبلت می‌کنی؟

روزی ۴، ۵ ساعت و بیش‌تر اون پسره که می‌دوه، سکه جمع می‌کنه، بازی می‌کنم یا همون که بزنی بزنه، دوتایی می‌جنگن بازی می‌کنم.

- به نظرت این بازی‌ها تأثیری هم داره، مثلاً به نظر خطرناک نیستند؟

نه، فکر نمی‌کنم خطرناک باشه، تازه حوصله‌ام سر نمی‌ره.

- گفتی که در مورد خدا هم جست‌وجو می‌کنی، مثلاً چه مطلب‌هایی رو درباره خدا دنبالش می‌گردی؟

می‌گردم ببینم خدا هست یا نه. خدا بچه و مامان و بابا داره یا نه؟ بعد اماما کیا هستن. این جور چیزا دیگه...»

۳-۳- ایجاد بستری برای بروز خلاقیت‌های کاربران

در جهان امروز، مقوله تربیت خلاق کودکان تا بزرگسالان جامعه، به عنوان مسأله‌ای اساسی در سطح جوامع مختلف بشری مطرح شده است و اندیشه آموزش افراد برای خلاق (و کارآفرین) بار آمدن آنان، چنان گسترده شده است که تربیت اخیر افراد، چیزی در حد آموزش سواد خواندن و نوشتن به آنان تلقی می‌گردد که باید از سطح کودکی نیز آغاز شود.

سوریانو^۱ (۱۹۹۳)، با استفاده از یک تمثیل، از اهمیت فوق‌العاده خلاقیت در جوامع آتی سخن می‌گوید. وی با مورد مقایسه قرار دادن سواد و خلاقیت، اظهار می‌دارد: «تا یکی دو قرن پیش، تنها مردم قلیلی توانایی خواندن و نوشتن را داشتند و اعتقاد عموم بر آن بود که خواندن و نوشتن، مهارت پیچیده و خاصی است که تنها مردم اندکی می‌توانند از این توانایی‌ها برخوردار باشند. مشابه همین اعتقاد در حال حاضر در مورد خلاقیت وجود دارد. به این معنا که اگر چه در حال حاضر مردم اعتقاد

دارند، افراد اندک و قلیلی از ویژگی خلاقیت برخوردارند، اما به زودی روزی فراخواهد رسید که تمامی مردم خلاقیت و خلاق بودن را حق طبیعی تمامی انسان‌ها دانسته، از آن به مثابه ضرورتی برای زندگی انسان‌ها یاد خواهند کرد».

دیویس^۱ (۲۰۰۶)، بعد از گذشت بیش از یک دهه از بیان سوریانو، با تأکید بر بیان وی، در مقاله خویش خاطر نشان می‌سازد، «امروزه، بحث‌های خلاقیت و نوآوری تبدیل به شعار روزمره زمانه ما شده است».

اهمیت خلاقیت سبب شده است که پژوهش‌گران زیادی متوجه آن شده، در صدد ترسیم و تدقیق آموزش خلاقیت از سطح سنی پیش دبستان کودکان برآیند که یکی از جدیدترین این روش‌ها، ارتقای خلاقیت کودکان در ارتباط با فناوری‌های جدید است.

اکیسی^۲ (۲۰۱۶) در مقاله خویش متذکر می‌گردد، استفاده از ICT در سطح کودکان پیش دبستانی، یادگیری را لذت‌بخش‌تر و معنادارتر کرده، مهارت‌های تفکر خلاق را توسعه می‌دهد. مضاف بر این، کودکانی که از فناوری‌های ارتباطی جدید سود می‌برند، از نظر توسعه ذهنی، شکل‌گیری اطلاعات، مهارت‌های حل مسأله و مهارت‌های زبانی بهتر از کسانی هستند که از ICT استفاده نمی‌کنند.



آرنوت^۳ و همکاران (۲۰۱۶)، در بررسی که در سطح کودکان خردسال داشتند، برای مدت سه ماه، آی‌پد در اختیار آنان قرار دادند تا از آن کاربری داشته باشند. بعد از اتمام این دوره، مقایسه گروه آزمایشی (که از امکان عمل بازی و کاربری از آی‌پد برخوردار بودند) و گروه کنترل (که از امکان اخیر بی‌بهره بودند)، نشان داد که کودکان گروه آزمایشی، ضمن دست زدن به بازی‌های خلاق، در صدد گردآوری داده برای پژوهش‌های ابتدایی خویش هستند.

-
1. Davies, T.
 2. Ekici, F. Y.
 3. Arnott, L.

مارش^۱ و همکاران (۲۰۱۶) و امین الرعایا^۲ و همکاران (۲۰۱۶) نیز در گزارش پژوهشی خویش از نقش مثبت و مؤثر کاربری از رسانه‌های دیجیتال در افزایش خلاقیت کودکان یاد کرده‌اند. از همین رو برخی از محققان با توجه به یافته‌های اخیر، بر ضرورت توجه اولیا کودکان و مسوولان جامعه به قرار دادن رسانه‌های دیجیتال در دسترس فرزندان تأکید داشته‌اند تا آنان با دستاوردها و ذخایر فرهنگی گسترده‌تری وارد مدرسه شوند.

بعضی از بررسی‌های انجام شده، دلالت بر آن دارد که بین آموزش علوم و خلاقیت، همبستگی مثبتی وجود دارد، از این رو پژوهش‌گران با احصای مواردی که در علوم مطرح شده، با خلاقیت مناسب دارند (مانند بازی و اکتشاف، حل مسأله، پرسش و کنجکاوی، استدلال، انگیزه، گفت‌وگو و همکاری)، پیشنهاد می‌کنند با دامن زدن به موارد اخیر، در عمل می‌توان امیدوار بود که خلاقیت کودکان خردسال که در جریان آموزش علوم، تحت آموزش‌های اخیر قرار می‌گیرند، بیش‌تر از قبل خواهد شد (کارمین^۳ و همکاران، ۲۰۱۵).

دیل^۴ و توئل^۵ (۲۰۱۵) در گزارش پژوهش خود خاطرنشان می‌سازند:

کودکانی که در جریان کاربری خود از فناوری‌های ارتباطی جدید، به مشاهده برنامه‌های آموزشی مناسب می‌پردازند، در مقایسه با کودکانی که کاربر برنامه‌های خشن و یا صرفاً سرگرم کننده هستند، از سویی نمرات بالاتری کسب کرده، کتاب بیش‌تری مطالعه می‌کنند و از سوی دیگر ارزش بیش‌تری برای پیشرفت علمی قایل هستند و خلاقیت بیش‌تری از خود به معرض دید می‌گذارند.



یکتای ۷ ساله، در مصاحبه‌اش گزارش می‌دهد که وی در حال آموزش و تمرین با نرم افزار اسکرچ جونیور است که این نرم افزار اجازه تهیه کلیپ و بازی‌های دیجیتالی را به وی می‌دهد:

«- این نرم افزار اسکرچ جونیور چه جوری هستش؟»

-
1. Marsh, J.
 2. Aminolroaya, S.
 3. Cremin, T.
 4. Diehl, D. C.
 5. Toelle, S. C.

اینا جزو درسامونه، برنامه سازه، یعنی مثلاً نرم افزار نویسیه، مثلاً توش می‌تونیم کاراکتر آدم بذاریم یا حیوون یا خودمون نقاشی و طراحی کنیم، براشون یه چیزایی بذاریم که بتونن حرکت کنن یا بازی بسازیم خودمون.

- تا حالا خودت هم انجام دادی؟

بله، خیلی انجام می‌دیم، معلم سر کلاس توضیح می‌ده بازی‌هامون چه شکلی ان و براشون باید چه کاراکتری بذاریم، آموزش می‌ده، توی مدرسه که الان آنلاینه، دسترسی دارن و صفحه رو شیر می‌کنن و صفحه رو نشون می‌دن، بعد معلم اسکرچ جونپور خودش رو شیر می‌کنه و توضیح می‌ده، بعد ما توی خونه باید براش انجام بدیم، بعد فیلم می‌گیریم براش می‌فرستیم، جلسه‌ی بعدیش، شیر می‌کنه و ایرادمون رو می‌گه».

فرزام ۱۰/۵ ساله هم در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، وی نه تنها یک گروه در فضای مجازی تهیه کرده است، بلکه تولیدهای خودش را در این گروه برای اعضای (محدود) آن به نمایش می‌گذارد:

«- از واتساپ چه استفاده‌هایی می‌کنی؟

توش بعضی از فیلم‌ها رو می‌ذارم.

- چه فیلم‌هایی؟

چه فیلم‌هایی؟ فیلم‌های محرم بیش‌تر، کلیپ خودم درست می‌کنم می‌ذارم.

- چه طوری کلیپ درست می‌کنی؟

یه برنامه دارم، با اون درست می‌کنم.

- کلیپ‌هایی که درست می‌کنی چه طوری هستن؟

چه طوری بگم بهتون؟ مثلاً می‌رم تو گوگل سرچ می‌کنم، اسم یه نوحه‌ای چیزی، بعد عکس هم پیدا می‌کنم، دیگه با اون برنامه نوحه رو می‌ذارم روی عکس‌ها، اون عکس‌ها هم بعد مثل فیلم می‌شن خودشون می‌رن بعدی.

- اسم برنامه‌ش چیه؟

ویوا ویدیو.

- الان داخل چه گروه‌هایی عضو هستی؟

یه گروه دارم که خودم زدم، اسمشم حسینی‌هاست، داخل اون چندتا از دوستانم توش عضون، چندتا از فامیلا، یه گروه دیگه هم هستم.

- چی شد که گروه حسینی‌ها رو زدی؟

چیزه... امممم... گفتم که من عاشق محرم و این جور چیزا هستم، به خاطر همین شد که این گروه رو زدم، البته اسمش فقط حسینی‌هاست و گرنه توش هیچ چیز حسینی نیستش، البته من و یکی از دوستانم توش پیام می‌دیم.

- پس داخلش چی هست؟

مثلاً در مورد این که مثلاً مرغ گرون شده و این طوری شده و این طور چیزا، من هم ویدیوی حسینی درست می‌کنم می‌ذارم، ما داخل این گروه حسینی‌ها به معلم داریم که می‌شه دختر خاله‌ی بابام، اونم چیزه... داخلش چیز می‌ذاره... مثلاً ویدیوهایی راجع به آموزش درسی و اینا.

- کلاً چند نفر عضو گروهت هستن؟

مامان بزرگم هست، وایسین براتون حساب کنم (سکوت می‌کند و در حال شمارش هست)، فکر کنم ۵-۶ تایی باشیم».

سرانجام نفس ۱۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، ضمن تأکید در این که در دوران کرونا، با دوستانش به بازی و شرط‌بندی روی برنده بازی‌ها می‌پرداختند، گزارش می‌دهد که وی و دوستانش، با هماهنگی اولیه به تهیه فیلم‌های کوتاه دست زده، با سرهم کردن این قطعات، فیلم ابتکاری و جالبی به دست می‌آورند که اسباب گذران فراغت و سرگرمی آنان را فراهم می‌آورد:

«- با چه کسی بازی آنلاین می‌کردی؟

با فامیل‌هامون، پسر خاله و اینا.

- اون جووری که من شنیدم بازی کلش رویال جنگیه، این بازی باعث نمی‌شه روحیه‌ات تغییر کنه؟

نه، جنگی اون جووری نیستن که بخوای بلرزی و بخوای ببری و حتماً و اینا، مثلاً به چیز می‌ذاری که یکی نره سمت قلعه، مثلاً ما با هم گروه می‌شدیم شرط‌بندی می‌کردیم، به جورایی مثلاً آگه این کار رو بکنی و ببری، اون آدم می‌گه که بازی بعدی چی باشه.

- شرط‌بندی رو از کجا یاد گرفتی؟

از خودم.

- رابطه تو با دوستانهات چه طور هست؟

من کلاً رابطه‌ام با بعضی دوستانم خوبه با بعضی‌هاشون نه. مثلاً به دوست دارم که با اون چتم می‌کنم، ولی این جووری نیست که به هم زنگ بزنینم با هم حرف بزنینم، فقط در حد این که با هم چت کنیم برای هم فیلم بفرستیم و اینا.

- بیش‌تر با دوست‌های خودت در مورد چه موضوع‌هایی حرف می‌زنی؟

مثلاً یکی به فیلم خنده‌دار می‌سازه، اون یکی می‌گه وای چه قدر قشنگه، بعد می‌ره اونم شبیه اون رو درست می‌کنه. بعد مثلاً جادوگری‌هایی که می‌پری بالا لباست به چیزه، بعد فیلم رو قطع

می‌کنی، دوباره لباست رو عوض می‌کنی می‌پری و شبیه این‌ها می‌سازیم و وقتی این فیلم‌ها رو می‌چسبونی به هم باحال می‌شه، بعد برای هم اینا رو می‌سازیم. مثلاً بعضی وقتا با هم سر یه موضوعی هماهنگ می‌کنیم که هر کی چه نقشی داره و هر کس از خونه خودش نقشش رو بازی می‌کنه و می‌فرسته بعد همه رو به هم می‌چسبونیم و یه فیلم گروهی درست می‌کنیم.

- فیلم خنده‌دار می‌سازید؟

آره.

- خودت متنش رو می‌نویسی یا از جایی در میاری؟

من بعضی موقع‌ها خودم تصویرش رو اجرا می‌کنم یا مثلاً یه تصویر دیگه اس، من دوبله می‌کنم یا مثلاً هر دو تاش خودمم.

- متنش رو از جایی می‌شنوی و تکرار می‌کنی یا خودت می‌گی؟

بعضی موقع‌ها یا می‌شنوم یا خودم می‌گم.

- اون‌هایی که می‌شنوی رو از کجا پیدا می‌کنی؟

مثلاً من توی آپارات توی همین گوگل سرچ کنی و این‌ها میاد مثلاً یه دختره هست به اسم فاطمی یا یه دختره دیگه هست به اسم پریسا، این‌ها فیلم‌های خنده‌دار می‌سازن».

۴-۳- فردی شدن آموزش

آموزش مرسوم، آموزشی است که در جریان آن ۴۰-۳۰ نفر دانش‌آموز با استعدادهایی متفاوت در یک کلاس گرد هم می‌آیند و با روشی یکسان، به فراگیری آموزشی واحد و یکسان اهتمام می‌ورزند که بالطبع این شیوه از آموزش، اگر چه برای برخی از شاگردان مفید می‌نماید، اما برای بسیاری از دانش‌آموزان دیگر، نامناسب بوده، با بی‌توجهی به استعدادهای مختلف آنان، این استعدادها را هرز می‌برند.

گسترش فضای مجازی و وجود انبوهی از منابع آموزشی مختلف برای علایق، سلیق و استعدادهای مختلف در این فضا، امکان فردی شدن آموزش را در عمل پدید آورده است. ویاور (۲۰۱۰) با اشاره به همین موضوع خاطر نشان می‌سازد: بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان از یادگیری به عنوان امری فردی که در متن اجتماعی رخ می‌دهد، یاد کرده‌اند و فناوری‌ها با شخصی کردن یادگیری، در عمل امکان تحول قابل توجهی در پیشرفت جامعه را فراهم می‌آورند.

امیرمحمد ۱۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، وی با اتکاء به فناوری‌های ارتباطی جدید در صدد یادگیری برنامه نویسی، انجام کارهای فتوشاپی، طراحی، تولید محتوا و

استریمینگ است و با خرید قطعات لازم برای تهیه یک رایانه مناسب، در حال تدارک مقدمات این امور است:

«- به جز گوشی و تبلت، کامپیوتر هم داری؟»

آره، ولی شخصی برای من نبود، برای خانواده بود و قدیمی و ضعیف بود و هیچی نمی کشید، الان می خوام پولام رو جمع کنم و سیستم جدید بخرم.

- سیستم منظورت چه طور سیستمی هست؟

مثلاً من خودم آرزو دارم که یه روز سیستم قوی داشته باشم، و بتونم توش همه بازی‌هایی که دوست دارم رو انجام بدم، بعد خب تا یه مدت دیگه هم مثلاً با احتمال زیاد این سیستم رو می خرم، بعد می تونم خیلی کارایی که دوست دارم رو انجام بدم، الانم یه سری از قطعاتش رو گرفتم، مثلاً مانیتور، کیبورد، و این چیزا... .

- دقیقاً می خوای چه کار کنی؟

به جز بازی، برنامه نویسی رو هم می خوام یاد بگیرم، کارای فتوشاپی و طراحی و این چیزا، توی بازی هم تولید محتوا و استریمینگ و این چیزا... .

- این سیستمی که می گی رو من شنیدم که خیلی گرونه؟

آره، تقریباً ۳۰ میلیون می شه.

- خوب برای مامان و بابا سخت نیست، این مقدار پول رو برای کامپیوتر تو بدن؟

زیاد هست، ولی قرار بود برای فروش خونه، پولی که به دست میاریم رو یه بخشیش رو بدن به من تا این سیستم رو بخرم.

- این قطعاتی هم که تا الان خریدی رو خودت خریدی یا برات خریدن؟

آره، یه بخشیش رو با پول فروش اکانت هام خریدم، بقیه رو هم بابا کمک کرده خریده برام.

- بعد مامان و بابات با این قضیه مشکلی ندارند؟

نه، چون می دونن که واقعاً علاقه دارم بهش، قبلاً شاید فقط برای بازی می خواستم، ولی الان می خوام تابستون که شد کلاس کامپیوتر هم برم، دوره‌ها رو بگذرونم و برنامه نویسی هم کم کم یاد می گیرم، این که مدرک کامپیوتر رو داشته باشم، می تونم بعداً کار هم پیدا بکنم با این مدرک.

- با این مدرک چه چیزهایی به تو یاد می دن؟

بین هفتگانه هست، اکسل، ورد، اکسس، پاورپوینت، ویندوز، اطلاعات قطعاتی و اینترنت، بعد همینا رو هم امتحان می گیرن، هر کدوم اینا کلی چیز یاد می دن...».

نفس ۱۲ ساله هم با وجود آن که دختر هست (و مطالعات انجام شده نشان می دهند دختران به دلیل منطق صفر و یک رایانه، خیلی به فناوری اخیر توجه نشان نمی دهند)، در مصاحبه خودش

خاطرنشان می‌سازد، وی اینترنت را معلم خودش می‌داند و در جریان تعامل فعال با اینترنت «دانایی‌اش یک درصد بالاتر رفته است»:

«- کلاً از وقتی کرونا شده تغییری در زندگی خودت احساس می‌کنی؟

آره، چیزهای مجازی بیش‌تر یاد گرفتم و حس می‌کنم یه جورایی داناییم یک درصد اومده بالا.
- چه چیزهایی یاد گرفتی؟

با کامپیوتر کارکنم و با واتساپ کار کنم، خوب چون من قبلاً اصلاً توی واتساپ نمی‌رفتم و توی کرونا یاد گرفتم چه جوری باید کار کنم یا خیلی بیش‌تر نقاشی می‌کنم و یه جورایی اینترنت معلمه و خیلی پیشرفت کردم با دیدن فیلم‌های آموزش نقاشی.

- از طریق اینترنت چیزهای جدیدی یاد می‌گیری؟

آره خب، چون کلاس‌ها آنلاین شده من درس‌هام رو از تو اینترنت یاد می‌گیرم یا من نقاشی کردن هم حتی از تو اینترنت یاد می‌گیرم، مثلاً طراحی و این‌ها یا مثلاً حتی می‌بینم بقیه چه جوری دابسمش می‌سازن از شون یاد می‌گیرم».

۵-۳- ارتقای آموزشی کودکان و نوجوانان

«- گفتمی کلاس زبان آنلاین می‌ری، در موردش برای من می‌گی؟

بله، با برنامه اسکایپ می‌ریم سر کلاس.

- با چی توی کلاس شرکت می‌کنی؟

با آی‌پد... .

یه گروه واتساپ داریم، همه‌ی بچه‌ها با تیچر.

- خوب؟

اون‌جا با هم چت می‌کنیم» (امیرعلی، ۱۱ ساله).

انفجار فناوری، روش‌های یادگیری موجود را با سرعتی باور نکردنی تغییر داده است. علاوه بر این، توسعه اینترنت با کمک شبکه بی‌سیم و افزایش سرعت اتصال به شبکه در دهه گذشته، شکل‌های جدیدی از آموزش، نظیر آموزش از راه دور را ایجاد کرده است. اتکای آموزش از راه دور به وسایل الکترونیکی باعث شد که این آموزش با عنوان آموزش الکترونیکی^۱ شناخته شود. در نتیجه، یادگیری الکترونیکی به تدریج راه را به سوی یادگیری سیار باز کرد.



پس از طرح آموزش الکترونیکی، با پدیدآیی تلفن همراه، مفهوم آموزش مبتنی بر تلفن همراه^۱ نیز پدید آمده است (کی گان^۲، ۲۰۰۲). گستره آموزشی اخیر، چنان وسیع و گسترده به نظر می‌آید که برخی از پژوهش‌گران از ورود تلفن همراه به عرصه آموزش، با عنوان «انقلاب تلفن همراه در آموزش و تربیت»^۳ یاد کرده‌اند (گیس کی^۴، ۲۰۰۲).

دی‌ویته^۵ (۲۰۱۰)، با اشاره به این که تلفن همراه آموزش در هر زمان و هر جایی^۶ را فراهم آورده است، از نگرش مثبت دانش‌آموزان نسبت به یادگیری مبتنی بر تلفن همراه، یاد کرده، استقبال آنان را از این فناوری را مورد تأکید قرار می‌دهد.

نوریس^۷ و همکاران (۲۰۱۰)، ضمن بررسی که در زمینه اثرات آموزشی تلفن همراه داشته، بر این معنا صحه می‌گذارند و در مورد توان تحول‌آفرینی تلفن همراه، خاطرنشان می‌سازند که اگر اینترنت تغییر و تحولی اساسی در جهان ما پدید آورده است، تلفن همراه تحولی به توان دو را در همین رابطه رقم خواهد زد.

اهمیت مسأله اخیر زمانی هویداتر می‌گردد که اثرگذاری عمیق شبکه‌های اجتماعی موبایل بنیان مورد نظر قرار گیرند.

هزینه اندک تلفن همراه در مقایسه با یادگیری از طریق اینترنت (که به رایانه نیازمند است)، از سویی و علائق مفرط جوانان به فناوری تلفن همراه از سوی دیگر، سبب شده است که این فناوری در عرصه آموزشی، به شکلی موفق‌تر از اینترنت، ظاهر شود.

-
1. Mobile learning or m-learning
 2. Keegan, D.
 3. Mobile revolution on education and training
 4. Gayeski, D.
 5. DeWitte, C. M.
 6. Anytime, anyplace
 - 7 Norris, C.

جورج^۱ (۱۹۹۵)، در مقاله‌ای که در باب استفاده معلمان از تلفن همراه دارد، خاطرنشان می‌سازد، تلفن همراه از سویی به دلیل سبک و قابل حمل بودن در جیب^۲ و از سوی دیگر قابلیت ذخیره سازی انبوهی از اطلاعات، برای معلمان به مثابه یک ابزار کمک آموزشی ارزشمند، مطرح شده است. دی وپته (۲۰۱۰)، در بررسی که در سطح دانش‌آموزان داشت، نتیجه گرفت که نگاه دانش‌آموزان نسبت به آموزش مبتنی بر تلفن همراه، نگاه مثبتی است و در جریان آموزش مبتنی بر تلفن همراه، دانش‌آموزان ضمن آن که کمتر در سرکلاس دچار حواس‌پرتی می‌شوند، یادگیری بیش‌تری را از خودشان به معرض دید می‌گذارند.

یادگیری از طریق وسایل و تجهیزات سیار به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از جدیدترین شیوه‌های یادگیری الکترونیکی شده است. گزارش انجمن آمریکایی آموزش و توسعه نشان داد که مدت زمانی که افراد با به کارگیری فناوری، صرف آموزش می‌کنند، از میزان ۱۴ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است، این در حالی است که در این بازه زمانی، یادگیری با کمک معلم یا مدرس، ۳۸ درصد افت داشته است.

با بررسی مصاحبه‌های (محدود) انجام شده با دانش‌آموزان دبستانی مشخص می‌شود که کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در راستای ارتقای عملکرد آموزش دانش‌آموزان (و البته معلمان)، می‌تواند به شدت اثرگذار واقع شوند.



یکتای ۷ ساله و امیرعلی ۱۱ ساله، در مصاحبه‌های خود نمودهایی از این مسأله را به معرض دید نهاده‌اند:

«خوب می‌تونی به من بگی روزها در حال حاضر به چه کارهایی می‌گذره؟»

اول صبح سر یه تایم مشخصی، مثلاً ۷ و نیم و اینا بیدار می‌شم، ۸ مدرسه دارم، خیلی وقتا مدرسه‌مون آفلاینه، توی LMS برامون فیلم می‌ذارن باید ببینیم، بعد یه چیزی می‌خورم یه خورده، بعد مثلاً هر روز کلاس زبان دارم، بعد ساعت ۱,۵ کلاس زبانم تموم می‌شه، بعد نهار می‌خورم،

1. George, K. L.
2. Pocket-sized

خیلی وقتاً قبل کلاس زبانم آگه ناهار آماده باشه می‌خورم، آگه نه دیگه بعدش می‌خورم، بعد استراحت می‌کنم، یه خورده کارتون می‌بینم، بعد مشقام رو می‌نویسم، بعضی روزا موسیقی دارم، ولی هر روز تمرین پیانو رو می‌کنم، باله رو هم یکشنبه‌ها می‌رم، کلاس فرانسه هم سه شنبه‌ها دارم، بعدشم با داداشم بازی می‌کنم.

- هم زبان انگلیسی می‌ری هم فرانسه؟

بله، هر دو زبان، هر دو رو از پیش دبستانی می‌رفتم، مدرسه هم فرانسه داشت، ولی خب من از بچه‌های مدرسه جلوترم، برای همین با معلم کلاس خودم ادامه دادم.

- خوب بین فرانسوی و انگلیسی و فارسی کدوم رو بیش‌تر دوست داری؟

خب یه خورده سخته، اما اگر بخوام بگم، فرانسه و انگلیسی، البته بیش‌تر انگلیسی.

- فارسی چی؟

اون رو سوم دوست دارم، خانوم نگارش مون که می‌گه باید بنویسیم همه چیز رو بالای صفحه و براش بفرستیم... .

- خوب هست به نرم افزارهای پینت، ورد و اسکرچ جونیور چی هست؟

خیلی دوس شون دارم، مخصوصاً پینت، این قدر رنگای زیادی داره که واقعاً نقاشی هام رو خوشگل می‌کنه، بعد من می‌رم پرینت شون می‌کنم یه وقتایی، الآن اون قدر یکیش قشنگ بود که مامانم زده به کمدهش.

- خوب اون دوتای دیگه چی؟ ورد و اسکرچ جونیور.

ورد برام جالبه، بعضی وقتا می‌رم توش تایپ می‌کنم یا برای بابام جدول می‌کشم حساباش رو توی اون بنویسه، البته اون رو هنوز خیلی بلد نیستم، اسکرچ جونیور هم که هر چی کاراکتر دوست داشته باشم می‌تونم توش بسازم.

- توی تکالیف شما، بهتون می‌گن فیلم هم بفرستید؟

تکلیف داریم، ولی خیلی فیلم نمی‌گیریم، به جز برای پینت و ورد و اسکرچ جونیور که می‌خوان ببینن درست انجام می‌دیم یا نه، می‌گن از صفحه فیلم بگیریم، بذاریم توی LMS یا مثلاً یه دونه کار برگ‌هایی داریم که توش متن‌هایی نوشته و باید از روش بخونیم، خیلی وقتا بهمون می‌گن، وقتی داریم روان‌خوانی می‌کنیم براشون ویس بفرستیم یا مثلاً باید فیلم انگلیسی بفرستیم یا ویس.

- خوب مثلاً برای درس دادن الفبا، چه کاری می‌کردن؟

توی ادوب کانکت خیلی دسترسی دارن معلم، می‌تونن به ما دسترسی بدن، شیر بدن به ما، می‌تونن به ما دسترسی قلم و تخته بدن که ما روی تخته بنویسیم، اون‌جا یه خط صاف می‌کشیم، بعد همون نشانه‌ای که یاد گرفتیم رو می‌کشیم یا مثلاً دسترسی تایپ می‌ده باید کلمه رو تایپ کنیم یا باید تایپ بکنیم یا با قلم خودمون روی تخته بنویسیم، بعد وقتی اسم خودمون رو یاد بگیریم،

بچه‌ها همه تصویر می‌دن و برامون دست می‌زنن، هر کس که اسم یا فامیلیش کامل می‌شه، بچه‌ها دست می‌زند و هورا می‌کشن.

- خوب تا به حال به صورت مجازی امتحان دادید؟

بله، مثلاً علوم خیلی از مون امتحان گرفته، امتحان زبان به صورت آنلاین بهمون دیکته می‌گه و بهمون دسترسی قلم می‌دن، ما می‌نویسیم روی تخته، خیلی وقتا هم که می‌خواد از مون بپرسه، نوشته‌ها رو می‌ذاره کنار، فقط عکسا رو نشون می‌ده و توی LMS از مون امتحان می‌گیره، مثلاً می‌گه، بگو اسم این چیه، مثلاً ما می‌گیم تراینگل (مثلث) یا مثلاً توی همین زبان انگلیسی کلمات بهم ریخته می‌ذاره، ما باید ترتیبش رو درست کنیم».

با گسترش بیماری کرونا و مجازی شدن اجباری نظام آموزشی، فناوری‌های ارتباطی جدید امکان تداوم آموزش را فراهم آوردند (هر چند که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموز ایرانی، به سبب عدم برخورداری از وسایل مورد نیاز با تأسف از چرخه آموزش کنار رفتند).

بررسی اظهارات دانش‌آموزان مصاحبه شده، حکایت از آن دارد که برخی از دانش‌آموزان (خاصه پسران)، به دلیل حذف تردهای روزانه به مدرسه، از آموزش مجازی ابزار رضایت می‌کنند، اما برخی دیگر (خاصه دختران)، به سبب فقدان جو عاطفی کلاس و تعامل رو در رو با معلم و هم‌کلاسی - هایشان، از آموزش مجازی با نگاه مثبتی یاد نمی‌کنند.

به همین ترتیب در حالی که برخی از شاگردان با بسترسازی فرهنگی مناسب اولیا، از آموزش مجازی استفاده بهینه دارند، برخی از دانش‌آموزان دیگر با سوءاستفاده از شرایط پیش آمده، درس خواندن را تعطیل کرده و با ابداع انواع و اقسام تقلب کردن‌ها، نمرات امتحانی خویش را کسب می‌کنند.

البته موارد جانبی نظیر ضعف بستر ارتباطی شاد در مدارس و ضعف اینترنت در داخل، از دیگر موارد مهمی است که برخی از دانش‌آموزان مصاحبه شده، به آن پرداخته و از آن یاد کرده‌اند.



اظهار نظرهای فرزام ۱۰/۵ ساله، نفس ۱۲ ساله، امیرعلی و رهای ۱۱ ساله، مصادیقی از آنچه از آن یاد شد را به معرض نمایش می‌گذارند:

«- درس خوندن مجازی رو ترجیح می‌دی یا حضوری رو؟»

مجازی خیلی حال می‌ده.

- چرا این طور فکر می‌کنی؟

چون یک، کلاس‌هامون کم‌تره. دو، مثلاً تو حضوری چیزه... مدرسه که تموم می‌شه، باید صبر کنی تا سرویس بیاد و بری خونه و تازه حالا لباسات رو دربیاری خسته و کوفته، ولی مثلاً توی آنلاین قشنگ با لباس خودت می‌ری، تقلب هم که گفتیم (می‌خندد)».

«- بعد گفتمی کلاس‌هاتون قطع و وصل می‌شه، این قضیه عصبانیت نمی‌کنه؟»

چرا مثلاً یک دفعه وسط یک حرفی که سوال خودمه، دوست دارم بشنوم، سوال خودمم هست، اتصالم قطع می‌شه، یک دفعه صدای خانم رو ندارم یا مثلاً بعضی موقع‌ها یه جوریه که هم تصویر داری هم صدا، ولی معلم نمی‌بینه که تو توی کلاسی، بعد مثلاً یه روز من کلاً اتصالم قطع بود، بعد معلم نمی‌دونست من تو کلاس، همه‌اش هم زنگ می‌زدن از مدرسه به مامانم، مامانم می‌گفت، من تو کلاس، فقط اتصالم قطع شده، از این لحاظ‌ها هم خیلی بده».

«- موقعی که مدرسه مجازی بود و کلاس‌هاتون آنلاین بود، سر کلاس شما رو می‌دیدند؟»

نه، ما معلم‌مون رو می‌دیدیم، اگر سوالی داشتیم دست‌مون رو بلند می‌کردیم، آقامون اجازه می‌داد که تصویر بدیم یا صدا، بعد سوال می‌پرسیدیم، ولی همیشه فقط صداها رو فعال می‌کرد.

- چرا؟

چون سرعت اینترنت داغونه، تصویری نمی‌شه کار کرد.

- پس در حالت عادی شما رو نمی‌بینه؟

نه.

- می‌تونین سر کلاس هم حاضر نشید؟

می‌تونیم بریم یه لحظه آب بخوریم و بیایم یا بریم دستشویی یه لحظه، نمی‌تونیم بذاریم بریم، ممکنه صدامون کنه، درس بپرسه.

- اگر صدا نمی‌کرد چی، می‌رفتین؟

باید باشیم گوش کنیم و تکلیف‌ها رو انجام بدیم، نه نمی‌شه».

«- شده به علت استفاده زیاد، احساس ناراحتی کنی؟»

هوستمن شاف^۱ (۲۰۰۴) و پوور و پوور^۲ (۲۰۰۴)، گزارش می‌کنند که ارسال و دریافت پیام‌های متنی توسط افراد ناشنوا، فرصت بزرگی را برای گسترش و تعمیق روابط آنان با افراد شنوا پدید می‌آورد و به این ترتیب، ارتباط‌های اجتماعی افراد ناشنوا گسترش یافته، از میزان تنهایی آنان، کاسته می‌شود.

کانتی-رامسه‌دن^۳ و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهشی مشابه، در بررسی که بین دو گروه ۵۲ نفره از جوانان دارای اختلال زبان^۴ و جوانان عادی انجام دادند، نتیجه گرفتند که افراد دارای اختلال زبانی، بیش‌تر از افراد عادی، در هر دو زمینه تماس تلفنی و استفاده از پیام‌های متنی، از تلفن همراه خود استفاده می‌کنند.

کورسیک^۵ (۲۰۱۱)، در بررسی که روی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال‌های یادگیری داشته است، گزارش می‌دهد که آموزش مبتنی بر تلفن همراه در سطح این دسته از دانش‌آموزان، ثمربخش بوده، به کارگیری این شیوه از آموزش متضمن اثرات مثبتی در یادگیری آنان است. کورن^۶ و همکاران (۱۹۹۴)، در مقاله‌ای که در نشریه «نارسایی‌های بینایی و نابینایی»، درج کرده‌اند، گزارش می‌دهند که معلمان دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های بینایی^۷، توانسته‌اند با استفاده از تلفن همراه، در جریان آموزش دانش‌آموزانشان، تسریع ایجاد کنند.

بررسی‌های مقدماتی اولیه در ایران دلالت بر آن دارد که اولیای آموزش و پرورش تا قبل از بروز کرونا، درصد استفاده از این امکان عمل جدید برای دانش‌آموزان سالم و معلول نبوده‌اند. با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دبستانی، مشخص می‌شود مهسا که مبتلا به ناتوانی عقلی است، از فناوری‌های ارتباطی جدید استفاده مناسبی داشته، ضمن ارتقای روابط اجتماعی خود، دانش خویش را نیز افزایش می‌دهد. وی در قسمتی از مصاحبه‌اش چنین بیان می‌دارد:

«- مهسا خانم گفتی بازی هم می‌کنی با گوشی، می‌شه بگی چه بازی‌هایی می‌کنی؟»

بازی گربه دارم، می‌برمش حموم، با اون حرف می‌زنم، خیلی نازه.

- فکر کنم اسم بازی آنجلا باشه.

اسمشو نمی‌دونم.

- خودت بازی ریختی تو گوشی؟

نه خواهرم برام ریخته.

-
1. Horstmanshof, L.
 2. Power, M. R. & Power, D.
 3. Conti-Ramsden, G.
 4. Specific Language Impairment (SLI)
 5. Curcic, Sjetlana
 6. Corn, A. L.
 7. cStudents with visual disabilities

- دوست‌های تو هم توی اینستا هستن؟
- بله اونا هم صفحه دارن عکس می‌ذارن.
- چه عکس‌هایی؟
- ساناز عکس تولدش رو گذاشته بود، خیلی خوشحال بود.
- دیگه با دوست‌های خودت راجع به چی صحبت می‌کنی؟
- روزایی که اون‌ها نباشن درس‌ها رو می‌گم، روزهایی که من نیستم، بهم درس می‌دن.
- پس روزهایی که یکی غیبت می‌کنه، دوستاش بهش درس‌های اون روز رو یاد می‌دن؟
- بله.
- خوب می‌شه یه مثال برام بزنی؟
- من چند روز پیش نبودم، ساناز بهم گفت مشق‌ها رو بنویسم. ریاضی چه صفحه‌هایی بنویسم.
- بعد مشق‌هایی که ساناز گفت رو انجام دادی؟
- بله.»



۳-۷ - ارتقای توانایی فنی دانش‌آموزان

«ما یه گروه درست کردیم و واسه هم فیلم‌هامون رو می‌فرستیم، بعد مثلاً من یه فیلمی درباره ولادت حضرت فاطمه با همین نرم افزار «این شات» درست کردم» (نفس، ۱۲ ساله).

کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، خاصه در بوم‌یاب دیجیتال، با هراس بزرگسالان از کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته همراه نیست، مضاف بر این، برخی از بررسی‌های انجام شده حکایت از آن دارند که کاربری کودکان از فناوری‌های ابتدایی‌تر نظیر پلی‌استیشن و تبلت، آنان را برای کاربری از فناوری‌های پیشرفته‌تر آماده کرده، آن‌ها با سهولت بیش‌تری از فناوری‌های پیشرفته‌تر برخوردار کرده و کاربری خواهند داشت.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده دلالت بر آن دارد که دانش‌آموزان دبستانی مصاحبه شده، در جریان برخورد با فناوری‌های ارتباطی، روحیه فنی یافته، با اتکا به روحیه اخیر، به سادگی با

فناوری‌های در دسترسشان برخورد کرده، نسبت به کاربری از فناوری‌های پیچیده‌تر، ترس و هراس از خود نشان نمی‌دهند.



یکتای ۷ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، وی در سال اول آموزش خودش، با چند نرم افزار آشنایی پیدا کرده است. محمدصالح ۱۰ ساله هم در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، وی با ۵-۶ نرم افزار مختلف آشنایی یافته و در جریان عمل هم از این نرم افزارها کاربری دارد:

«- با دوستانتون گروه دارید؟»

بله، مامانم یه گروه توی واتساپ درست کرده که سر به تایم مشخصی بهم زنگ بزنینم و با هم حرف بزنینم، انگار که رفتیم خونگی همدیگه.

بعد تازه توی کلاس فارسی هم اجازه می‌دن همه تصویرمون رو روشن کنیم، با هم می‌گیم وقتی عقربه بزرگه اومد روی این ساعت، باید بریم سر کلاس، ولی تا اون موقع می‌تونیم توی گروه با هم حرف بزنینم.

- خوب توی این گروه با دوستانات بیشتر چه چیزهایی می‌گین؟

خیلی وقتا تایپ می‌کنیم، شکلک می‌فرستیم، ویس می‌فرستیم، یه دوست دارم اسمش دییاست، یه گروه ساخته می‌گه فقط توش شکلکای خنده‌دار بفرستین، هر شبم سر ساعت ۸ ادمین‌ها رو عوض می‌کنه.

- خوب توی گروه دوستان چی می‌گین؟

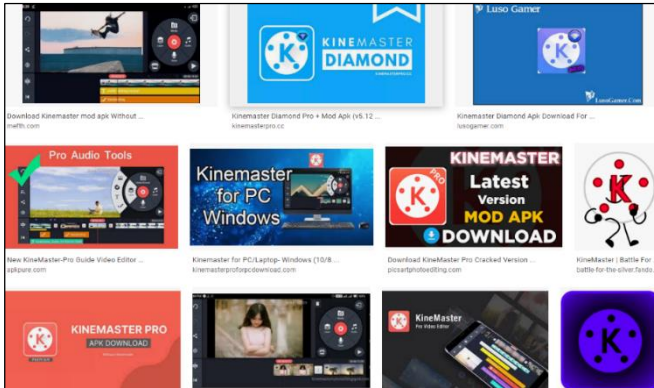
اون جا هم مثلاً اگه بچه‌ها توی اسکرچ جونیور مشکل داشته باشن، از هم می‌پرسیم یا اگه کارتون خوب ببینیم به هم معرفی می‌کنیم و داستانش رو به هم می‌گیم یا مثلاً برای روز معلم بود، چند وقت پیشا با هم یه متن تبریک آماده کردیم، اجازه گرفتیم میکروفون روشن کردیم همه و به ترتیب از روش خوندم، معلمون هم خیلی خوششون اومد».

«- اپلیکیشن‌های دیگه هم هست که با اون‌ها کار کنی؟»

حدوداً با پنج شش تا اپلیکیشن مختلف کار می‌کنم.

- می تونی نام ببری؟

کین مستر، ویوا ویدیو و یه نرم افزار برای طراحی لوگو.



- کین مستر چه

اپلیکیشنی هست و با اون چه کار می شه کرد؟

برای مونتاژ فیلم استفاده می شه، افکت داره، تایپ داره، قابلیت مونتاژ فیلم داره، جلوه های ویژه با پرده سبز می شه درست کرد.

- یعنی تو کار کلیپ سازی با کین مستر انجام می دی؟

بله.

- چه قدر؟

خیلی!

- پس یعنی کار کلیپ سازی حرفه ای با کین مستر انجام می دی، ویوا ویدیو هم همین طوریه؟ ویوا ویدیو یه چیز فشرده تر و کوچک تر از کین مستر هست، اما خوبه. چیزیه که گزینه هایی که توی کین مستر هست رو ساده تر آورده.

یه نرم افزاری که یادم رفت بگم تو زمینه انیمیشن، زمینه های مختلفی داره، دوبعدی، سه بعدی، استاپ موشن، حتماً فیلم سینمایی «بره ناقلا» رو دیدین، اون جا از استاپ موشن استفاده می شه، با روش اسلاید، اسلاید عکس گرفتن از یک جسم که می تونید حرکتش بدید و دوباره عکس بگیرید، بعد از این که عکس ها رو پشت هم می ذارید، انیمیشن رو بهتون می ده.





- پس استاپ‌موشن هم کار می‌کنی؟
بله».

ستاره ۱۲ ساله از کاربری خود از بازی دیجیتالی جراحی قلب یاد کرده و تأکید می‌کند که از این بازی چیزهای زیادی یاد گرفته است:

«- تو از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه استفاده‌ی آموزشی و علمی هم داشتی؟
آره، خیلی! اتفاقاً تازگی یه برنامه روی گوشیم نصب کردم که می‌تونم عمل‌های جراحی رو به صورت بازی کامپیوتری و آنلاین انجام بدم و خیلی خیلی برام جالب بود. هم بازیه و هم این که چیزی جدید رو می‌شه ازش یاد گرفت».

سینای ۱۲ ساله هم توانایی فنی خویش را به این ترتیب در معرض دید نهاده است:
«- ... هشتگ زدن زیر پست رو از کجا یاد گرفتی؟

توی اینستا دیدم، زیر پستشون هشتگ می‌زنن.

- خوب بعد فهمیدی هشتگ بزنی، پیجت بیش‌تر دیده می‌شه؟

آره، از دوستم پرسیدم اون گفت تو اکسپلور میاد.

- اکسپلور کجاست؟

همین صفحه اول اینستا دیگه، اون جا همه پستا رو نشون می‌ده.

- پس برای دیده شدن، فقط کافیه هشتگ بزنینم؟

کارای دیگه هم باید انجام بدیم.

- مثلاً چه کارهایی، می‌تونی به منم بگی؟

مثلاً چالش بذاریم، تو چالش شرکت کنیم، نظرسنجی بذاریم یا همون آهنگای خواننده‌ها رو

بخونیم و استوری کنیم، اونا رو تگ کنیم، اونا بذارن تو استوریشون که فالووراشون بالاست، این - جوری دیده می‌شیم.

- تو همه‌ی این اطلاعات رو از دوستان خودت یاد گرفتی؟

همه‌اش که نه، تو اینستا آموزشش هم هست.

- آموزش چی؟

آموزش بالا بردن پیج و لایک و این که پول در بیاریم از اینستاگرام.

- می‌تونم بهم چندتا از این پیج‌ها رو معرفی کنی؟

Insta- asone@

Cafe- media- official@

Ayaracademy@

- می‌تونم چندتا چیزی که تو این پیج‌ها یاد گرفتی رو بهم بگی؟

مثلاً این که آنلاین بودنمون رو تو اینستاگرام پنهان کنیم کسی نبینه یا دایرکت که برامون میاد

تو اینستا، بدون سین کردن ببینم.

- خودت آنلاین بودن رو پنهان کردی؟

آره.

- چرا؟

نمی‌خواستم ببینن آنلاینم، ولی جواب نمی‌دم، ولی الان پیامشون می‌خونم بدون این که بفهمن،

هر موقع خواستم جواب می‌دم».

فرزام ۱۰/۵ ساله در مصاحبه خودش از تولید خود برای فضای مجازی و بارگذاری آن در این

فضا یاد کرده است. عرفان ۱۰ ساله هم در مصاحبه‌اش تأکید می‌ورزد، وی برخلاف دوستانی که از

فناوری جهت هک دیگران یا ارسال خساب فحش برای سایرین سود می‌برند، از فناوری‌ها جهت

اثبات حقانیت خویش و محکومیت فرد خاطی استفاده می‌کند:

«- تا حالا تو یا دوست‌ها تولیدی هم برای فضای مجازی هم داشتید؟

آره. داخل روبیکا یه قسمتی هست اسمش روبینوئه، شبیه به اینستاگرامه.

- از چه لحاظ شبیه اینستاگرام هست؟

عین اینستائه دیگه، شما خودتون اینستا دیدید دیگه، مثلاً داخل ویتترین روبینو می‌تونید... مثلاً

توی اینستا می‌رید، فیلما رو گذاشتن، توی ویتترین روبینو این طوری هستش، بعد من داخل روبینو

دوباره یه چیز... یه پیج باز کردم، توش ویدیوهای محرمی می‌ذارم، یه دونه عکس پست کردم

داخلش تا الان ۳ تا بیش تر لایک نخورده (این جمله را با حسرت بیان می‌کند).

- چه عکسی؟

عکس حرم امام حسین.

- عکس‌ها و ویدیوها را با تبلت خودت می‌گیری؟

نه عکس حرم که تو کربلاست، من هم که تا الان کربلا نرفتم، تو گوگل سرچ می‌کنم، بعد

اسکرین شات می‌گیرم، یه ذره عکس رو کات می‌کنم، بعد عکس حرم فقط باقی می‌مونه، ارسال

می‌کنم توی پستم.

- داخل روبینو هم دنبال کننده داری؟

۶تا اینا، تو ۲-۳ روز شد ۶تا».

«... یه بار یه دختری آمد پی‌ویم.

- به تو چی گفت؟

هم‌دست دختر داییم بود، سر به سرم گذاشتن که بشه زنم، اذیتم می‌کردن.

- چند سالش بود؟

یازده، یه سال از خودم بزرگ‌تر.

- آمد به تو چی گفت؟

آمد گفت، با من ازدواج می‌کنی؟

- تو به اون چی گفتی؟

منم گفتم نه، بلاکش کردم.

- خوب این ماجرای بود که از مادرت پنهان کردی؟

آره، نمی‌خواستم بفهمه، پیامش پاک کردم، ولی اسکرین شات گرفتم، که نگو این رفته تو گالریم،

مادرم از اون جا دید.

- چرا اسکرین شات گرفتی؟

برای این که برای دختر داییم بفرستم.

- که چی بشه؟

خب من دختره رو بلاک کردم، این عکسم گرفتم که بفرستم برای دختر داییم، بگم کم سر به

سرم بذار.

- کسی به تو پیشنهاد نداده که پسر باشه، بگه بیا با من دوست شو؟

آمده، ولی من قبول نکردم، رفتم دادمش دست مادرش.

- از بچه‌های مدرسه بود؟

نه، از بچه‌های جاده قدیم بود.

- چه طور شماره تو رو داشت؟

شماره نداشت، یه دوستی داشتم، خیلی پسر خوبی بود، آمد جاده قدیم، دیگه الان خیلی پسر

داغانی شده، شماره‌ام داشت، هر روز با هم حرف می‌زدیم، چون از گروه کلاسی حذف شده بود، من

براش درسا رو می‌فرستادم، معلم می‌زد یه سه نقطه هست بالای او چیزا، اونه می‌زنی نوشته ارسال،

براش ارسال می‌کنی، دیگه شماره‌ام داشت داده بود به این، دیگه پسره پیام داد، منم اسکرین شات

گرفتم، حذفش کردم.

- به تو چی گفته بود؟

آمد گفت به من بوس می‌دی، منم بلاکش کردم، اسکرین گرفتم بردم در خانه‌شان نشان مادرش دادم، با سه تا از دوستانم رفتم. رفتیم در خانه‌شان بدون اجازه مادرم، ولی خب بعداً فهمید، نشان مادرش دادیم عکسه و با شیریت برای مادرش فرستادیم.

- خوب مادر پسره وقتی بهش گفتی، چی گفت؟
هیچی، گفت بیاد، تنبیهش می‌کنم».

۳-۸- کاربری از منابع کمک آموزشی

با گذشت زمان و سیطره‌یابی فناوری‌های ارتباطی جدید در زندگی افراد و جوامع مختلف، از دولت‌ها گرفته تا نهادهای دیگر، همگی کوشیده‌اند تا از امکان عمل فضای مجازی در مسیر پیش‌برد اهداف خویش به خوبی استفاده کنند.

بسیاری از دولت‌ها با فرصت و تهدید دیدن فناوری‌های ارتباطی جدید، تلاش کرده‌اند در جریان بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه شهروندان از این فناوری‌ها، با افزایش فرصت‌های فناوری‌ها، در عمل تهدید فناوری‌ها را کاهش دهند. به همین ترتیب برخی از جریان‌های مردمی داخل و خارج در جهت تحقق اهداف انسانی خویش، دست به تولید برخی از محتواها زده، آن‌ها را در فضای مجازی قرار داده‌اند.

به شکل مشابهی برخی از مؤسسات داخلی و خارجی تجاری هم کوشیده‌اند با تهیه منابعی که مورد نیاز جامعه است، به کسب اهداف مادی خویش نایل آیند.
مجموعه تلاش‌های اخیر سبب شده است که منابع اطلاعاتی زیادی در سطح فضای مجازی انتشار یابند.

در پرتو ایجاد امکانات اخیر، کتابخانه‌های مرسوم به سمت کتابخانه‌های الکترونیکی سوق یافته و منابع کمک آموزشی قابل توجهی برای دانش‌آموزان (و دانش‌آموزان استثنایی) فراهم آمده است.



منطقی (۱۳۹۹) در مورد شکل‌گیری کتابخانه‌های الکترونیکی که منابع اطلاعاتی ذی‌قیمتی را در اختیار فراگیران قرار می‌دهند، می‌نویسد:

«در دنیای امروز برخی از مفاهیم مانند کاهش هزینه‌ها، سرعت، کیفیت، تنوع تسهیلات، خدمات و انعطاف‌پذیری و مواردی از این قبیل، همواره در تبلیغات و رقابت‌های موجود در جهت جذب مشتریان، مورد توجه سازمان‌ها، نهادها و عرضه‌کنندگان فناوری‌ها و خدمات قرار می‌گیرند. البته مشتریان نیز با توجه به هزینه-سودمندی موجود، دست به انتخاب می‌زنند. بدین معنا که هر چه تسهیلات ارابه شده برای مشتری بیش‌تر باشد ممکن است بیش‌تر جذب آن فناوری یا خدمات گردد و به تبع آن هزینه خرید و استفاده از آن را نیز تقبل کند. با توجه به مواردی که مطرح شد، شاید بتوان گفت که کتابخانه‌ها نیز به عنوان نهادی که همواره درصدد جذب مشتریان بیش‌تر و بیش‌تر برای خود هستند، باید از اصول رقابتی موجود در بازار خدمات و جذب مشتری استفاده کنند. اگر کتابخانه‌ها قادر باشند با پایین آوردن هزینه‌های موجود در زمینه ارابه خدمات، تنوع و سرعت خدمات ارابه شده برای مشتریان و کاربران خود را بالا ببرند، باید انتظار افزایش مشتریان کتابخانه و به تبع آن افزایش ضریب نفوذ کتابخانه در جامعه را داشت.

همچنین ارابه بسیاری دیگر از خدمات کتابخانه بر پایه تلفن همراه از قبیل: جست‌وجو در آپک کتابخانه، آگاهی‌رسانی جاری، رزرو و امانت کتاب، دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی و ارابه خدمات مرجع (با ظرفیت ارابه خدمات به همان وسعت و تنوع نرم افزارها رابط‌های کاربری کتابخانه‌ای مبتنی بر رایانه)، سرعت ارابه خدمات کتابخانه را بالا می‌برد و در عین حال کتابخانه را در محیط جدید منعطف‌تر خواهد کرد. با توجه به اهمیت این امر و مزایای موجود، در سال‌های اخیر برخی از کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی از قبیل: الزویر^۱ و بسیاری از کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی دیگر جهان، اقدام به راه‌اندازی طیفی از خدمات خود بر پایه تلفن همراه کرده‌اند.

عبدالکریم، داروس و حسین در سال ۲۰۰۶، درباره کاربردهای تلفن همراه در ارابه خدمات کتابخانه‌های دانشگاهی و نظرات دانشجویان درباره آن پژوهشی انجام دادند که نتایج آن نشان داد، بسیاری از پاسخ‌دهندگان مایل بودند از خدمات کتابخانه‌ای مبتنی بر تلفن همراه بهره‌مند گردند.

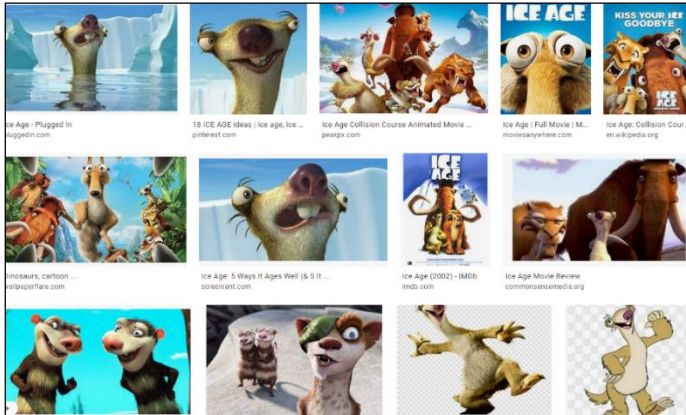
بررسی‌های میدانی گروه پژوهش حکایت از آن دارد که اگرچه کتابخانه‌های دانشگاهی و عمومی در سطح کشور به خدمات ارابه کتاب‌های الکترونیکی نمی‌پردازند، اما نوجوانان و جوانان کاربر تلفن همراه شخصاً از کتاب‌های الکترونیکی روی گوشی خودشان استفاده می‌کنند.

همان‌گونه که انتظار می‌رود، به سبب عدم بسترسازی فرهنگی لازم برای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، سنخ استفاده کاربران از کتاب‌های الکترونیکی در دوره نوجوانی بیش‌تر رمان و ادبیات هرزه‌نگار و در جوانی کتاب‌های ممنوعه و ادبیات هرزه‌نگار هستند».

اگر بحث منابع اطلاعاتی موجود در فضای مجازی به مباحث آموزشی محدود شود، جهش منابع آموزشی و کمک آموزشی در سطح صفحات وب، بسیار قابل تأمل و توجه است. منابع اخیر، افراد مختلف از دانش‌آموزان خاص گرفته تا دانش‌آموزان مدارس و تا دانشجویان را زیر پوشش قرار داده، منابع غنی و با کیفیتی را در اختیار آنان قرار می‌دهند.

یکتای ۷ ساله در مصاحبه خودش یادآور شده است، وی و دوستانش از سوی معلم به دیدن برخی از کارتون‌ها فراخوانده شده‌اند و در ادامه معلم بر مبنای همان کارتون‌ها، بعضی از مفاهیم درسی را بدان‌ها انتقال می‌دهد:

«مجازی هم که می‌رم، یه خورده خوش می‌گذره بهم، حس خوبی دارم، ولی نه به اندازه‌ی کلاس حضوری، مثلاً به جز کلاس سازم توی مدرسه، مثلاً برای علوم هم همین‌طوره که جالب می‌شه.



- چه طور؟

مثلاً معلمون بهمون می‌گفت که بریم کارتون عصر یخبندان رو ببینیم و همه‌ی چیزایی که راجع به علوم توی اون کارتون می‌بینیم رو بنویسیم.

- یک مثال می‌تونن بزنن؟

آره، مثلاً این که چرا سید زبونس به یخ می‌چسبه، می‌دونین دلیلش چی هست؟

- نه چی هست؟

دلیلش اینه که آب توی زبون سید یخ می‌زنه و به یخ‌ها می‌چسبه یا مثلاً سر فارسی یه روزایی معلمون یه بازی طراحی می‌کرد که باید سوالای فارسی رو جواب می‌دادیم تا بازی جلو می‌رفت (مثلاً ۲ تا گروه می‌شدیم، تیم گلا دیاتور و تیم دفاع، که وقتی جواب سوالا رو می‌دادیم می‌تونستیم به قلعه نزدیک بشیم، مثلاً سوال‌های خندق دم قلعه ۳ ستاره‌ای بود) آخرش هر کی سوال بیش‌تری جواب می‌داد، برنده می‌شد.

- چی توی این بازی به تو حس خوبی می‌داد؟

خیلی هیجانی بود، بعدشم همه رو حفظ می‌شدیم توی بازی».

عرفان ۱۰ ساله به شکل مشابهی از تئاتر عروسکی که معلمشان برای آنان تهیه کرده است، یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، معلم آن‌ها با اتکاء به فیلم نمایش‌های عروسکی، درس تاریخ را در دوران کرونا به آنان آموزش داده است:

«- توی برنامه شاد تا حالا چیزی خوندی که مطلب علمی باشه؟

آره این قدر معلم می‌فرسته، کارتونیشه می‌فرسته، به خاطر این که نترسیم از آدمای قدیم، چون یه جورین، توی جنگ زخمی شدن، ترسناکه.

- امام‌ها منظورت هست؟

نه مثلاً پایتخت و اون دشمنای قدیمی‌مان، اونا.

- تاریخ ایران رو می‌گی، مثلاً هخامنشیان و ساسانیان و این‌ها؟

آره، آفرین، همین هخامنشیان و ساسانیان و اینا، معلم‌مان میاد کارتونیش می‌سازه با عروسک.

- خودش می‌سازه یا فیلم‌ها رو از جاهای دیگه‌ای می‌گیره؟

نه خودش، برای انگشتاش رفته از پیش عروسک درست کرده، با اونا داستان می‌گه، فیلم می‌گیره و می‌فرسته.

- دوست داری این جور تاریخ رو یاد بگیری یا از کتاب‌ها بخونی؟

این جور خیلی جذابه، کامل می‌فهمم.

- خوب تا حالا مطلب دیگه‌ای توی گوشی یا تلویزیون دیدی که درباره خدا و پیامبر و امام‌ها باشه؟

آره، داستان حضرت ابراهیم.

- این فیلم رو هم معلم با انگشت نمایش داد؟

نه، این یه تیکه از یه فیلم بود، از جای دیگه آورده بود برامان، سی دقیقه تقریباً.

بعد خاله، یه فیلم دیگه‌ام فرستاد، چندتا بته، دشمنانم می‌پرستنش، بعد یه آدم عادی میاد، می‌گه خدا هست بتا رو بشکنین، اونام می‌گن اگر راست می‌گی خدا هست، الآن بگو یه شتری از او کوه بیاد، اینم می‌گه، خدایا کمک کن، و یه دفعه یه شتری از بالای کوه واقعی میاد، بعد می‌گه، اگر راست می‌گی، همین الآن یه شتر بیاره دنیا، بعد می‌گه خدایا کمک بکن یه شتر بیاره دنیا، بعد میاد دنیا.

- تو بعد دیدن این‌ها درباره خدا چه فکری کردی؟

گفتم پس خدا هست».



نفس و احسان ۱۲ ساله هم در مصاحبه‌هایی که داشته‌اند، از پیاده‌سازی (دانلود) نرم افزار نقاشی و یادگیری نقاشی با اتکاء به آن برنامه و کاربری از دیکشنری‌های موجود در سطح فضای مجازی یاد کرده‌اند:

«من و دوستم به اپلیکیشن دانلود کردیم، ازش نقاشی یاد می‌گیریم.»



«- تلفن همراه برای تو جنبه‌ی آموزشی هم داشته؟

آره، داشته!

- برای چه آموزش‌هایی ازش استفاده کردی؟

مثلاً برای کلاس زبان که می‌رفتم، یک نرم افزار دیکشنری بود که خیلی دیکشنری معروفی هم هستش، از توی اون مثلاً لغت‌هایی که بلد نبودم رو در می‌آوردم، یاد می‌گرفتم یا مثلاً یه نرم افزار هم بود برای آموزش زبان، اونم ازش استفاده کردم.

- برای کلاس‌های مدرسه هم تونستی از تلفن همراه استفاده کنی یا نه؟

آره. برای کلاس‌های فوق‌العاده می‌تونیم ببریم، ولی برای کلاس‌های اصلی نمی‌شه. بعضی موقع‌ها مثلاً اگر من درسی رو نمی‌فهمم یا اون روز حوصله ندارم، سر کلاس گوش بدم، می‌گم آقا پاک نکنید لطفاً، بعد ازشون عکس می‌گیرم و می‌برم خونه و ازشون استفاده می‌کنم.

- تلفن همراه برات جنبه‌ی اطلاعاتی هم داشته؟

آره. برای این که اخبار روز رو بگیرم که خیلی ازش استفاده می‌کنم. برای این که ببینم آب و هوا

چه جوویه!

- از ویدیوهای آموزشی هم استفاده کردی؟
آره معلمون برامون توی دیتا، خیلی می‌ذاره که برداریم».

۳-۹- زبان آموزی



با پیشرفت فناوری‌های مختلف و عرضه آن‌ها به جامعه، همواره برخی از متخصصان آموزشی در صدد بردن فناوری‌های جدید به نظام آموزشی برآمده‌اند تا به این طریق، در عمل نظام آموزشی دانش‌آموزان عادی و استثنایی تحول و ارتقا یابد.

لیزا مک‌دونالد^۱ (۲۰۱۰)، ضمن تأکید بر این مسأله که هر ساله بیش از یک میلیارد تلفن همراه در سراسر جهان تولید و عرضه می‌گردد و با اشاره به این که از سویی منابع الکترونیکی در حال حاضر، به شکل گسترده‌ای رو به گسترش هستند و از سوی دیگر، رایانه‌های قابل حمل، مترجم‌های دستی و تلفن‌های هوشمند، در اختیار بسیاری از افراد قرار دارند، نتیجه می‌گیرد که آموزش زبان می‌تواند از شکل معمول رسمی خود خارج شده، به شکل غیررسمی پی گرفته شود.

ارارسالان^۲ (۲۰۱۹) و ساری^۳ و وهیودین^۴ (۲۰۱۹) در گزارش پژوهش‌های خویش بر اثر مثبت به کارگیری از فناوری‌ها در ارتقای زبان آموزی کاربران فناوری‌ها تأکید کرده‌اند. دینسر^۵ (۲۰۲۰) در همین رابطه می‌نویسد:

«به کارگیری رسانه‌های اجتماعی، وب سایت‌های آنلاین، فرهنگ لغت‌ها و برنامه‌های سیستم آموزشی هوشمند (برنامه‌ها)، بازی‌های آنلاین و سایر برنامه‌های تلفن‌های هوشمند که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد واژگان خود را تمرین کرده و با خارجیان صحبت کننده تأثیر بسزایی در توسعه زبان دارند».

1. McDonald, Lisa
2. M. Erarsalan, A
3. Sari, F.
4. Wahyudin, A. Y.
5. Dincer, A.



با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دختر و پسر ابتدایی مشخص می‌شود که برخی از این دانش‌آموزان در جریان تعامل با فناوری‌ها، از زبان آموزی خویش و یا ارتقای مهارت‌های زبان خارجی خود یاد کرده‌اند:

«- یکتا خانم تو گفتی کارتون رو به انگلیسی می‌بینی؟»

آره، خیلی هم دوست دارمش، بعد یه کارتون دیگه هم که داشتیم آنجلینا بالرینا، اونم انگلیسیه، آنجلینا با خانواده و تمام کاراکتراش موشن، آنجلینا یه موش بالرینه، بعد چون که خارجن، پسرا هم اون جا باله می‌رن، بعد یه بالرین خیلی حرفه‌ای داره و مدرسه می‌ره، هر مشکلی هم پیش بیاد، با دوستاش حل می‌کنن، بعد دیگه تموم، من چنین کارتونهایی رو خیلی دوست دارم.

- می‌تونن بگی از این کارتون چه چیزهایی یاد گرفتی؟

انگلیسیم هی بهتر می‌شه و مثلاً این بالرینه بهم کمک می‌کنه که کارهای بالرینی انجام بدم، رینبوروی هم هی تصور می‌کنم که اونم مشکلاتم رو حل می‌کنه، خودمم فکر می‌کنم، به بقیه کمک بکنم.

- گوشی، لپ‌تاپ، تبلت و چیزهایی از این دست هم توی علاقه‌ات به زبان به چه شکل تأثیر داشته؟

بله، توی همین کارتونهای انگلیسی یا حتی بازی‌های انگلیسی، بهم کمک می‌کنن زبانم بهتر بشه و هم بهم کمک می‌کنن جمله‌های زبانم رو و جمله‌های سخت‌تری بگم، همین کلاس انگلیسی که می‌رم دایاگراف و تلگراف و اینا یاد می‌گیرم، تلگراف یعنی ۳ تا حرف با هم مثل right، دایاگراف هم یعنی دوتا حروف، ما بیش‌تر دایاگراف یاد گرفتیم، تلگراف فقط یه دونه یاد گرفتیم که igh هست» (یکتا، ۷ ساله).

«- از این شبکه‌ها، استفاده‌ی مفید هم می‌کنی؟»

آره، توی اینستاگرام یه پیجی رو فالو کردم، می‌تونم از تو اون زبان بخونم، یاد بگیرم. هر روز بهش سر می‌زنم خوبه».

۳-۱۰- افزایش اطلاعات کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مورد علاقه

فضای مجازی حاوی منابع سرگرمی، اطلاعاتی و آموزشی بسیار زیادی است و کاربران فضای مجازی به تناسب علایق و سلیق خود می‌توانند از منابع موجود در صفحات وب استفاده کنند. بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دبستانی حکایت از آن دارد که دانش‌آموزان اخیر در برخی از موارد استفاده‌های علمی، در موارد دیگری مهارت‌آموزی‌های عملی و در بعضی از موارد کاربری‌های هنری، بهداشتی، زیست محیطی و ورزشی و سرانجام در برخی از موارد دیگر استفاده‌های تفریحی و سرگرمی داشته‌اند که مورد اخیر قابل انقسام به سرگرمی‌های مناسب و نامناسب است.



ستاره و احسان ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش یادآور شده‌اند که در فضای مجازی از موضوع‌هایی کاملاً علمی کاربری دارند:

«چه جنبه‌هایی از شبکه‌های اجتماعی از تلفن همراه برای شما جالبه!

خیلی جذابیت داره، بالاخره آدم فرصت‌های زیادی برایش پیش میاد که با آدمای بیش‌تری آشنا بشه و اطلاعات گسترده‌تری رو توی مدت زمان کم‌تری دریافت کنه. این که سرعت کارم بالا می‌ره رو خیلی دوست دارم و می‌شه از خیلی چیزها اطلاعات گرفت.

- تو با نمونه‌ای از طرح مسایل دینی در شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه برخورد داشتی؟
آره، خیلی زیاد. چون خودم خیلی وقت‌ها با یه کتاب یا فیلم که محتوی دینی داشته، تونستم اطلاعات خوبی به دست بیارم و مطالبی که توی اینترنت بود، به من خیلی کمک کرده. خیلی از داستان‌ها و حکایات مذهبی هم برام جالب هستن.

- می‌تونی یه مثال که برات جالب بوده رو برای من بگی؟

آره، مثلاً وقتی که من دلیل هر یک از حرکات نماز رو خوندم، برام خیلی جالب بود یا این که یک‌بار خوندم که وقتی آدم‌ها موقع نماز سجده می‌کنن، میدان مغناطیسی بدن اون‌ها با میدان مغناطیسی زمین هماهنگ می‌شه و در واقع یه جور تخلیه‌ی امواج آسیب‌زننده‌ی بدن پیش میاد،

برام جالب بود و این‌ها از فواید نماز خوندن هستند که من اصلاً نمی‌دونستم. اتفاقاً همین رو برای چندتا از دوستانم فرستادم و برای اون‌ها هم جالب بود».



«- از تلفن همراهت چه استفاده‌هایی داری؟

بازی می‌کنم، برنامه‌های کاربردی هم دارم!

- منظورت از برنامه‌های کاربردی چه برنامه‌هایی هست؟

یه برنامه‌ای هست اسمش زد باکسه! چراغ قوه داره، مصرف داده‌های ترافیک تلفنت رو می‌گه،

مثلاً نرم افزار جعبه ابزار، تراز و سرعت سنج داره. کرنومتر داره. خیلی چیزها داره... .

- می‌تونی چندتا شون رو بگی و در موردشون توضیح بدی؟

مثلاً برنامه بازار که برنامه و بازی‌های خوبی داره و معرفی می‌کنه اونا رو، توضیحشون می‌ده. یه

برنامه هم هست که برای شارژر رایتلم استفاده می‌کنم، دیگه لازم نیست که برم کافی نت بسته

فعال کنم یا شارژر کنم گوشی رو. یه برنامه هم جدید گرفتم که آهن سنجه، دکمه برنامه رو روشن

می‌کنی و گوشی رو حرکت می‌دی، هر جا که آهن باشه پیدا می‌کنه و درصد آهنش رو هم می‌گه.

خیلی جالبه!

- الان هدف از استفاده از شبکه‌های اجتماعی چیه؟

الآن می‌خوام چیزهای بیش‌تری از شون یاد بگیرم و ترفندهای بیش‌تری بلد باشم».

محمد صالح ۱۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، وی ضمن کاربری از برخی از

نرم افزارهای مهم، مهارت‌آموزی نیز داشته است و بر همین مبنا کار تهیه جا کلیدی‌های چوبی را

شروع کرده است:

«- دیگه چی، تو توی رشته‌ی دیگه‌ای مهارت داری که از تو حمایت کنند؟

پدر و مادر توی کار چوب خیلی از من حمایت کردن، برای پیشرفت من یه دستگاه خوب خریدند،

که راحت‌تر بتونم کار کنم.

- با چوب چه جور کارهایی می‌کنی؟

کارهای برجسته می‌کنم، قاب می‌سازم، جاکلیدی می‌سازم، ایده‌های نو دارم، دنبال اینم که یه چیز بهتر برای تولید پیدا کنم.

- این ایده‌های جدید رو از کجا پیدا می‌کنی؟

ایده‌های مختلفی وجود داره، جاهایی هست که ایده‌های نو رو به اشتراک می‌ذاره.

- مثلاً کجا؟

اپلیکیشن پینترست. پینترست ممکنه چیزای بد هم داشته باشه، برای همین باید در کنار والدین رفت توش.

- پینترست رو می‌تونم بیش‌تر توضیح بدی؟

پینترست یه نرم افزاره که از توی اون می‌شه مثلاً سرچ کرد: کار چوبی. جاکلیدی چوبی یا نظایر اون. هزاران انسان که جاکلیدی چوبی ساختن، میاره و نشون می‌ده، هزاران ایده‌ای که تا حالا به چشم نخورده.

- چه جوری باهاش آشنا شدی؟

والدینم وقتی دیدند که من کارهای چوب می‌کنم و خیلی خوب انجام می‌دم، گفتند چرا که نه، بیا دنبال ایده‌های بهتر بگرد و پینترست رو بهم معرفی کردند».

یکتای ۷ ساله، از کاربری هنری و بهداشتی خویش از فضای مجازی یاد کرده و امیرعلی در مصاحبه خودش تأکید کرده است که وی به همراه مادرش در فضای مجازی به دنبال فعالیت‌های زیست محیطی هستند:

«- خوب خودت هم چیزی توی اینستاگرام مامانت هست که بری دنبالش کنی؟

نه، من چیزی دنبال نمی‌کنم، البته چرا کلاس فلوتم رو دنبال می‌کنم، یه دونه معلم دارم، برامون توی اینستاگرام کلاس می‌ذاره، برای اون فقط اینستاگرام رو کار دارم.

یه جلسه خود معلم اصلی بهمون درس می‌ده، بعد جلسه‌ی بعدیش کمک معلممون توی واتساپ زنگ می‌زنه و دفعه‌ی بعدی اگه بازم غلط داشته باشیم، باید فیلم بگیریم بفرستیم.

- توی اینستاگرام چه طوری کلاس برگزار می‌کنن؟

یه دونه لایو می‌ذارن، هر کسی هم دو جلسه نباشه، نمی‌تونه دیگه بیاد... .

- خوب اون موقع‌ها که کلاس موسیقی حضوری بود، بهتر بود یا الان که مجازی هست؟

حضوری رو بیش‌تر دوست داشتم، وقتی حضوری بودیم، خیلی وقت‌ها می‌رفتیم توی کلاس‌های مختلف که پازل‌های بزرگی پهن بود و دور هم جمع می‌شدیم، فلوت می‌زدیم و خیلی خوش می‌گذشت.

- آیا معلم‌ها کاری کردن که کلاس شما خشک نباشه؟

مثلاً همین معلم فلوت، وقتی کلاس داره، خیلی عروسک پیشش گذاشته و براشون اسم می‌ذاره، مثلاً می‌گه، ایشونم با خودم آوردم، مثلاً خانم فلانی، آقای توکا.
- این روش برای این که کلاس خشک نباشه، موفق هم بوده؟
بله.

- خوب می‌تونی بگی از کارتون‌هایی که دیدی، چه ایده‌ای گرفتی؟
خب مثلاً خیلی دوست دارم به ماجرای پیش بیاد خودم اون رو حل بکنم و بقیه رو نجات بدم یا کارایی که توی اون کارتونه رو انجام بدم، مثلاً دوتا کارتون دارم به اسم رینبو روبی و یکیش هم آنجلینا بالرینا اسمشه، رینبو روبی یه دختر رنگین کمانیه، خودش ساده هست، ولی بعد که توی دنیای عروسکیش وقتی مشکلی پیش بیاد، قلب روی خرسش روشن می‌شه، بعد اون می‌فهمه و چمدونش رو برمی‌داره و می‌ره به اون دنیای عروسکیش، عروسکا بزرگ می‌شن، زنده می‌شن، رینبو روبی هم اون جا مشکل‌ها رو حل می‌کنه، بعد یه برنامه‌ی میکروبی بود که یه دونه میکروب کوچولو، توی یه دستگاه میکروسکوپ بود، بعد یه دونه فرشته یهو عطسش می‌گیره و جادوی عطسه‌اش می‌خوره به اون میکروسکوپه، ولی به جای این که بخوره به اون، می‌خوره به اون میکروبه و میکروبه گنده می‌شه و همه جا رو آلوده می‌کنه، بعد شهرشون آلوده می‌شه، حتی غذاهای رستوران، بعد رینبو روبی فکری به ذهنش می‌رسه، یه چیزی از توی چمدونش برمی‌داره و لباس مناسبش رو تنش می‌شه و دکتر می‌شه و می‌گه من با این مایع الکل اون رو از بین می‌برم، ولی اون این قدر بزرگ بود که اون اسپری کوچیک رو انداخت روی زمین، دوستاش کمکش می‌کنن یه سطل بزرگ آب شوینده درست می‌کنن و وقتی حواسش نبوده، می‌زنن روش، اونم کوچیک می‌شه و با یه حباب می‌ره، دیگه می‌ره و می‌ره و می‌ره، اونام کمک می‌کنن همه جا رو می‌شورن و از رینبو روبی تشکر می‌کنن.

- خوب چه چیزهایی از این کارتون می‌شه یاد گرفت؟
خب بهمون یاد می‌ده همیشه باید تمیز باشیم، ضد عفونی بکنیم وقتی از بیرون میایم، زبانشم انگلیسیه، توی درس زبان خیلی بهم کمک می‌کنه».



«- امیرعلی تو اینستاگرام هم داری؟»

بله، دوتا پیج دارم.

- چرا دوتا؟

یکی پیج خودمه که شخصیه، یکی دیگه پیج من و مامانم با هم، در مورد محیط زیست.

- اول در مورد پیج محیط زیست بگو.

من و مامانم یه پیج داریم در مورد حفاظت از محیط زیست، توش ویدیوهای آموزشی می‌ذاریم،

عکس می‌ذاریم، پست‌های آموزشی می‌ذاریم.

- پست‌های آموزشی مثلاً چی؟

مثلاً این که ظرف یک بار مصرف استفاده نکنیم به جاش با خودمون ظرف ببریم توی طبیعت،

به جای این که یه عالمه لیوان یک بار مصرف ببریم، نفری یک لیوان فلزی ببریم، هم نمی‌شکنه هم

سبکه هم به طبیعت آسیب نمی‌زنیم.

- ویدیو چی می‌گذارین؟

این که زباله کم‌تری تولید کنیم، می‌شه پوست میوه‌ها رو خشک کنیم، خیلی حجمش کم‌تر

می‌شه، و کیسه زباله کم‌تری استفاده می‌شه.

- از این‌ها ویدیو می‌گذارید؟

بله.

- ویدیو رو از اینترنت می‌گیرین یا خودتون درست می‌کنید؟

هم خودمون، هم اینترنت، مثلاً خشک کردن پوست هندونه رو من و مامانم، خودمون فیلمش رو

درست کردیم، می‌خوای بگم چه طوره؟

- حتماً.

اول باید کامل همه هندونه رو بتراشیم تا پوستش سفید شه، بعد پوست هندونه رو تیکه تیکه

می‌کنیم می‌ریزیم توی سبد میوه، روی سبد هم تور میندازیم که هوا رد شه و کپک نزنه، چند روز

بگذره خشک می‌شن، حجمشون کم می‌شه، شعارمون این هست ماهی یک کیسه زباله به جای

روزی یک کیسه.

- این کار رو از خودتون ساختین؟

نه، توی اینترنت کارگاه‌هاش برگزار می‌شه که آموزش می‌ده، یه کارگاه دیگه هم هست، قراره

مامانم شرکت کنه که با همین زباله‌ها چیزهایی درست می‌کنند که تبدیل به کود می‌شه، اسمش

الآن یادم نیست (مکشی کوتاه)، بذارین فکر کنم، ورمی کمپوست، فکر کنم اسمش اینه.

- این ورمی کمپوست چی هست؟

یه جور کوده که خیلی مفیده.

- این چیزها رو از کجا بلدی؟
- مامانم عضو گروه موج سبز زندگی هست، اون جا یاد می گیرند، توی اینستاگرام پیج دارن، همه چیز یاد می دن، من خودمم فالوشون می کنم.
- خودت هم علاقه داری؟
- خیلی، دلم می خواد به کره زمین آسیب نرسونیم و همین طور به حیوونا، باید همه تلاش کنیم.
- توی پیج محیط زیست تو چه کار می کنی؟
- من کامنتها رو جواب می دم، بعضی وقتها عکسهایی که انتخاب می کنیم رو با مامانم می ذاریم، می ریم کوه عکس می گیرم از طبیعت می ذارم.
- بیش تر توی این پیج هستی یا پیج خودت؟
- پیج محیط زیست.
- توی پیج خودت چه کار می کنی؟
- زیاد کار خاصی نمی کنم، بیش تر توی همینم».



- عرفان ۱۰ ساله، از یادگیری تکنیکهای ورزشی در مصاحبه خودش یاد کرده است:
- «- خوب بازی فوتبال رو کامل به من بگو؟
- فوتباله، وقتی گل می زنی خیلی شوق و ذوق دارم، حس می کنم مثلاً فقط خودم بلدم، ولی بعدش پیش خودم فکر می کنم، نه بابا همه بلدن، بازی خیلی سرگرم کننده‌ایه، عالیه حتی برای بچه‌های پنج، شش ساله خیلی مناسبه، هم فوتبال‌شان قوی می شه.
- یعنی فکر می کنی بازی فوتبال توی گوشه، باعث می شه فوتبال واقعیت بهتر شه؟
- آره، من خودم فوتبال رو با این بازی یادگرفتم، اگر این بازی رو نداشتیم، یاد نمی گرفتیم.
- بعد خاله یه گیگ بسته می گیرم، یه برنامه‌ایه هفته‌ای یه ورزش داره، اون کسی که ورزش می کنه، فیلم از خودش می گیره، می گه این جوری بکنین سی ثانیه، ما هم انجام می دیم، بهمان پیام می ده، می گه مثلاً الان فیلم می فرستم، مثلاً قیچی، ما هم انجام می دیم.
- چه برنامه‌ای هست؟

برنامه بدنسازی آنلاینه، مثل یه برنامه نصبش می کنی، برای کسانی که می خوان بدنشان قوی شه».

محسن ۹ ساله، در مصاحبه‌ای که داشته است، کاربری تفریحی خود از فضای مجازی را اعلان داشته است:

«- محسن تو حالا چه بازی‌هایی توی تبلت داری؟»

بازی زیاد دارم، ماشین بازی، پیانو، بازی‌های آنلاین رو هم خیلی دوست دارم، خیلی کیف می‌ده.

- کی این بازی‌ها رو بهت معرفی کرده؟

بابام از اون جایی که تبلت خرید، به آقاهه گفت، توش یه عالمه بازی بریزه. بازی کلش هم

دوستام بهم گفتن بریز، خیلی حال می‌ده».

و سرانجام رهای ۱۱ ساله، با بیان پیگیری زندگی سلبریتی‌ها در فضای مجازی، در عمل کاربری

نه چندان مناسب خود از اطلاعات موجود در صفحات وب یاد می‌کند:

«- خوب درباره عکس‌های مورد علاقهات بگو؟»

من عاشق سگ هستم. تو اینستاگرام عکس سگ می‌ذارند، لایک می‌کنم یا دنبال عکس‌هاشون

می‌گردم. اگه خوشم بیاد یا بازیگرها رو فالو می‌کنم. امروز می‌خوام برم، مهناز طباطبایی رو پیدا کنم،

درباره زندگی‌اش بخونم.

- رها چرا هنرپیشه‌ها برات جالب هستند؟

فضولی رو دوست دارم. بعد هم عاشق هنرپیشه شدن هستم، می‌خوام بدونم زندگی روزمره شون

چه جوریه هست.

چون مامانم می‌گه، این آدم‌ها زندگی خانوادگی موفق ندارند. بعد هم وقتی فیلم‌هاشون رو می‌بینم،

احساس نزدیکی باهاشون می‌کنم».

نکته مهمی که در اینجا تذکر آن ضرورت دارد، گسترش منابع اطلاعاتی موجود در سطح فضای

مجازی است که همه افراد اعم از سرآمد، عادی و استثنایی و عقب مانده را نیز پوشش می‌دهد.

مهسا، دختر نوجوان مبتلا به نارسایی عقلی، در مصاحبه خویش بیان می‌دارد که او با استفاده از

اینترنت توانسته است، تهیه برخی از غذاها و مقدماتی از خیاطی را فرا بگیرد:

«- مهسا خانم توی اینترنت هم چیزی سرچ می‌کنی؟»

بله، مثلاً آشپزی یاد می‌گرم.

- از اینترنت چه غذایی یاد گرفتی درست کنی؟

از اینترنت یاد گرفتم، کوکو سبزی و سیب زمینی و مرغ سرخی (سوخاری) درست کنم.

- یکیشون رو که خودت درست کردی می‌شه به من هم بگی؟

مرغ سرخی بخوایم درست کنیم، از فریزر در می آریم، با تخم مرغ با هم قاطی می کنیم، موادشم پودر قاطی می کنیم، بعد سرخ می کنیم.

- آفرین حتماً خوشمزه شده بود.

پیتزا هم بلدیم، خمیرشو می خریم از مغازه، با کالباس می ریزیم، پنیرشم می ریزیم می ذاریم توی فر.

- مهسا اینستاگرام هم داری؟

بله دارم.

- اون جا چه کارهایی انجام می دی؟

اون جا هم عکس های آشپزی می بینم.

- خوب دیگه چی؟

هنرهای خیاطی هم می رم، به مامانم کمک می دم، با هم لباس دوختیم برا من».



۱۱-۳- بازی های آموزشی

بازی های دیجیتالی، مقدمه ای جهت کسب سواد رایانه ای کاربران، برشمرده شده است (گانتز، ؟، ترجمه پورعابدی، ۱۳۸۳).



با ورود تلویزیون به بازار، به سبب بهره‌های چشمگیری که در اثر دیدن تلویزیون در فراگیری مهارت‌های دیداری برای کاربران پدید آمده بود؛ از این مهارت با عنوان سواد تلویزیونی^۱ یاد شد، و اکنون با فرارسیدن عصر رایانه و زمانه‌ای که آشنا نبودن با رایانه، مترادف بی‌سوادی تلقی می‌گردد؛ بازی‌های دیجیتالی، بستر مناسبی برای آشنایی با رایانه و کسب سواد رایانه‌ای برای کاربرانشان، فراهم می‌آورند.

مایر^۲ و همکاران (۱۹۹۹)، در همین رابطه می‌نویسند:

«بررسی‌های تجربی انجام شده، درباره اثرات آموزشی بازی‌های رایانه‌ای که به شکل غیررسمی، در سطح نوجوانان و جوانان مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ نشان داده‌اند که انجام بازی‌های اخیر، سبب می‌شوند، ضمن آن که سواد رایانه‌ای دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، مهارت‌های ادراکی آنان جهت فهم مباحث آموزشی، افزایش یابد».

برخی از گزارش‌های پژوهشی، حکایت از تأثیر بازی‌های دیجیتالی، بر مهارت‌های شناختی و حل مسأله در کاربران دارد.

افزایش یادگیری فراگیران در جریان بازی‌های الکترونیکی، سبب شده است که برخی از پژوهشگران در صدد برآیند تا شاگردان بی‌علاقه به درس را با شیوه مزبور آموزش بدهند تا بر میزان علاقه‌مندی و یادگیری آنان افزوده شود. به علاوه، محققان دیگری کوشیده‌اند تا دانش‌آموزان ضعیف از نظر درسی یا شاگردانی را که اختلال یادگیری دارند؛ با همین روش آموزش دهند. مالوف در گزارش تجربه‌ای که در همین رابطه داشت، می‌نویسد:

«در بررسی که در مورد تأثیر بازی‌های رایانه‌ای در یادگیری شاگردان مبتلا به اختلال یادگیری انجام گرفت، تعدادی از دانش‌آموزان کلاس‌های ششم تا هشتم در نظر گرفته شدند. تمامی پاسخ دهندگان طبق تشخیص مسوولان مدارس و اداره آموزش و پرورش، دچار اختلال یادگیری بودند. بهره‌های آموزشی آزمایش شوندگان، بین ۱۰۹-۷۲ و میانگین هوشی آنان ۹۳ بود.

پس از آن که پاسخ دهندگان به شکل تصادفی به دو گروه کنترل و آزمایشی تقسیم شدند، مورد آزمون قرار گرفتند. به پاسخ دهندگان گروه آزمایشی، مواد آموزشی به صورت بازی‌های دیجیتالی ارائه می‌شد. اما مواد آموزشی به پاسخ دهندگان گروه کنترل، به صورت برنامه‌های آموزشی رایانه‌ای (که از شکل بازی برخوردار نبودند)، ارائه می‌شد.

متوسط میزان پاسخ شاگردان گروه کنترل ۱۴/۶ پاسخ طی ۲ دقیقه بود که با یک افزایش تدریجی، در آزمون نهایی به ۱۹/۱ پاسخ رسید. اما متوسط میزان پاسخ دانش‌آموزان گروه آزمایشی ۱۸/۲ پاسخ در ۲ دقیقه بود که در آزمون نهایی به ۳۷/۷ رسید. نتایج تحلیل آماری داده‌های گردآوری

1. Television literacy
2. Mayer, R. E.

شده، دال بر تفاوت معنادار نتایج دو گروه از پاسخ دهندگان گروه کنترل و آزمایشی بود. به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر بازی‌های دیجیتالی به شکل معناداری بر میزان انگیزه و یادگیری دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری افزوده بود.



مضاف بر طرح مسأله افزایش انگیزه، در جریان بازی‌های دیجیتالی که به افزایش یادگیری فراگیران می‌انجامد؛ برخی از نظریه پردازان، مسأله دخالت هر دو نیمکره مغزی در جریان آموزش با رایانه را مطرح کرده، خاطرنشان ساخته‌اند، به سبب آن که در جریان آموزش رایانه‌ای، از طریق تأثیر متقابل مراکز بینایی، شنوایی، تفکر، گسترش مفهوم و حل مسأله، قسمت‌های مختلف هر دو نیمکره مغزی به کار گرفته می‌شوند، میزان فراگیری در این حال، بیش‌تر از زمانی است که با شیوه‌های شنیداری معمول، تنها نیمکره چپ مغز به کار گرفته می‌شود (منطقی، ۱۳۹۵ ب).

با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دختر و پسر دبستانی (که گزارش آن‌ها در فصل دوم کتاب رفت)، مشخص می‌شود که برخی از دانش‌آموزان از بازی‌های آموزشی دیجیتالی بهره می‌برند.

یکتای ۷ ساله، از بازی‌هایی نظیر «حل سودوکو» و یا «حل معمای ماز» حرف زده و محمدصالح ۱۰ ساله، از بازی‌هایی که به گسترش «خزانه لغات» یا «اطلاعات عمومی» وی می‌انجامد و همین‌طور انجام بازی‌های «راهبردی و استراتژیک» یاد می‌کند:

«... الان یارا مهد کودک نمی‌ره، کلاً خونه هست و با ما بازی می‌کنه، جدول حل می‌کنه، جدولای مخصوص به خودش، نقاشی می‌کنه، با مامانم کاردستی درست می‌کنه یا ماز انجام می‌ده، مثلاً باید ماشین آتش نشانی رو برسونی به اون‌جا که آتیش گرفته.

منم توی تبلتم سودوکو دارم، می‌تونیم تایم هم بگیریم و با هم بازی کنیم که هیجانی بشه.

- جدول مخصوص به خودش یعنی چی؟

جدولایی که اون طرفش با اون طرفش فرق داره، اون طرفش رو خط می‌کشه، خیلی هم دوست داره رنگش کنه».



- «- تو گوشی فقط از این اپلیکیشن‌های کاربردی استفاده می‌کنی، یا بازی هم داری؟
 خب بالاخره نمی‌شه فقط بگم که با نرم افزار کار می‌کنم، بله بازی هم می‌کنم.
 - می‌تونی اسم چندتا بازی رو بگی؟
 بازی مثل «آمیرزا»، خیلی مُخ رو تقویت می‌کنه (با خنده)، فرهنگ لغوی ما رو بسیار گسترده می‌کنه.
 - دیگه چی؟ می‌تونی بگی چه بازی‌هایی می‌کنی؟
 بازی سیا باتل بازی جالبیه، نیاز به فکر و استراتژی داره و با خیلی از مردم جهان می‌تونی آنلاین بازی کنی.
 - یعنی آنلاین با یک آدم غریبه بازی می‌کنی؟
 بله.
 - در مورد این موضوع پدر و مادر مشکلی ندارند؟
 خب اگه قرار بود چت و گفت‌وگو باشه، خب ممنوع باید می‌شد، بالاخره اون آدم می‌تونه اطلاعات خیلی بدی رو به آدم منتقل کنه.
 - یعنی چون چت و گفت‌وگو نداره و بازی هست، مشکلی نداره؟
 البته با استیکر توش می‌شه کل‌کل کرد، مثلاً استیکر برای این که بگی: باختی! باختی! یا مثلاً استیکر ترس، این بازی از یه بازی خیلی قدیمی سنتی به وجود اومده، این جور یه بوده که یه مربع ۱۰ در ۱۰ که مساحتش شده ۱۰۰ مربع داری، که توش یه سری کشتی می‌چینی مثلاً ۳ تا مربع، ۲ تا مربع و... بعد شانس‌ی شانس‌ی باید کشتی‌های حریف رو بزنی، مثلاً من ردیف ۱ ستون ۴ رو می‌زنم، بعد اون جا توی تداخل اون دوتا بمب میندازی، اگه مثلاً کشتی باشه پوووف! باید ببینه اُت زده یا نه، اپلیکیشن هواپیمای جنگنده، ضدهوایی، زیردریایی، بمب اتم داره، که توی بازی سنتی اینا نیست.
 - از این بازی‌هایی که آنلاین باشه، بخوای با دیگران بازی کنی هم داری؟

بله! بازی کویئز آو کینگ، اطلاعات عمومی انسان رو بسیار گسترده می‌کنه، این که یاد بگیره آدم که غلط و درست رو بزنه و بفهمه که یه اطلاعاتی هست که ازش خبر نداره، اون هم با حریف‌هایی این دفعه دیگه ایرانی.

- بازی‌های هیجانی چی؟

این بازی‌هایی که یکی همه‌اش در حال دویدنه، مثل سونیک که از مانع‌ها باید ردش کنی و یه سری بازی دیگه که توی همین مدل ساخته شده، و ماشین‌سواری که هی گاز می‌دی و چپه می‌شی (با خنده).

- بازی‌ها رو هم ماشالله خوب بلدی، بازی فکری چی؟

یه بازی فکری که مَخ می‌طلبه، اسمش «ماشیناریوم» هست، و یه بازی دیگه هست به اسم «بوتانیکولا» که یه مشت کرفس و هویج و سیب و اینا با هم می‌رن ماجراجویی، یه بازی بود یکی دنبال آلبالو بود و آخرش به تعداد زیادی آلبالو می‌رسید، همه اینا رو یه شرکت زده».



۳-۱۲- ارتقای مهارت‌های بینایی و حرکتی در جریان انجام بازی‌های دیجیتالی

بازی‌های الکترونیکی علاوه بر نقش مؤثر و سازنده‌ای که در مسایل آموزشی دارند، در قلمروهای دیگری نیز به کارگرفته شده، آثار مثبت آن‌ها مشخص شده است. برخی از این موارد عبارتند از افزایش هماهنگی بینایی- حرکتی، ادراکی- حرکتی، ادراک فضایی و زمان واکنش افراد.

بازی‌های دیجیتالی، اگر چه در سطوح ساده خود به هماهنگی مهارت‌های بینایی- حرکتی زیادی لازم ندارند، اما با پیشرفت سطح و پیچیده‌تر شدن بازی به مهارت‌های بینایی- حرکتی زیادی احتیاج دارند. بنابراین، مسأله اخیر سبب شده است، برخی از پژوهشگران متوجه این مسأله شوند که آیا

انجام بازی‌های الکترونیکی، هماهنگی هر چه بیش‌تر مهارت‌های چشمی-دستی را دربردارند یا خیر. برخی از پژوهشگران در جریان پژوهششان به بررسی آزمایشی فرض اخیر پرداخته، در غالب موارد به تأیید آن رسیده‌اند. به عنوان نمونه، گریفیث^۱ و همکارانش در تحقیقی که در همین زمینه انجام دادند، می‌نویسند:

در تحقیقی که بین دو گروه ۳۱ نفره، از کسانی که به بازی‌های دیجیتالی می‌پرداختند و کسانی که به بازی‌های مزبور نمی‌پرداختند، انجام گرفت؛ مشخص شد، هماهنگی بینایی-حرکتی افرادی که به بازی‌های الکترونیکی می‌پرداختند، به شکل معناداری بیش‌تر از افرادی بود که به این بازی‌ها نمی‌پرداختند.

افزایش هماهنگی چشمی-دستی در جریان بازی‌های دیجیتالی، برخی از پژوهشگران را به این فکر انداخته است که با آموزش حرکت‌های ساده و پیچیده‌تر کردن تدریجی آن‌ها، می‌توان به آموزش وظایف پیچیده حرکتی-بینایی، در افراد نایل آمد که برخی از تحقیق‌های انجام شده در این مورد نیز به تأیید فرض اخیر رسیده‌اند.



افزایش سرعت واکنش‌های ادراکی-حرکتی در روند بازی‌های الکترونیکی، از سوی برخی از پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته و به تأیید رسیده است.

تیرر^۲ و رئوف^۳ در تحقیقی که در زمینه سرعت واکنش‌های ادراکی-حرکتی با تأکید بر تفاوت‌های جنسی افراد مورد بررسی انجام داده‌اند، در گزارش تحقیق خود می‌نویسند:

در این تحقیق، تأثیر تفاوت‌های جنسی در عملکرد ادراکی-حرکتی افراد مورد بررسی قرار گرفت. در نمونه‌ای متشکل از ۳۹۲ نفر که ۷۲٪ آنان مرد بوده و برای گزینش در نیروی هوایی امریکا ثبت نام کرده بودند؛ آزمایش‌هایی در ارتباط با بازی‌های دیجیتالی انجام گرفت. نتایج نهایی تحقیق نشان می‌داد، انجام بازی‌های اخیر، در مجموع تأثیر مثبتی روی افزایش توانایی‌های ادراکی-حرکتی افراد

1. Griffith, J. L.
2. Tirre, W. C.
3. Raouf, K. K.

برجای می‌گذارد. اما با تفکیک نتایج مردها و زنها، ملاحظه می‌شود که تفاوت اخیر تنها در مردان صادق است.

کاهش زمان واکنش^۱ افراد، سبب شده است که برخی از محققان برای مقاصد درمانی و حرفه‌ای، انجام بازی‌های دیجیتالی را پیشنهاد کنند؛ زیرا کاهش زمان واکنش سبب می‌شود، افرادی که توانایی‌های حرکتی آنان به سبب پیری یا آسیب دیدگی، کاهش یافته است یا در مشاغل گمارده شده‌اند که نیازمند ارایه پاسخ‌های سریع است، به شکل مطلوب‌تری ایفای نقش کنند.

افزایش مهارت‌های فضایی بازیگران بازی‌های الکترونیکی، مسأله مورد توجه دیگری بوده است که برخی از پژوهشگران در مورد آن به پژوهش پرداخته‌اند. بررسی‌های انجام شده در این زمینه، دال بر آنند که اولاً انجام بازی‌های الکترونیکی در بلند مدت، سبب افزایش مهارت‌های فضایی افراد مورد آزمایش می‌گردد و ثانیاً پسران در بازی‌های دیجیتالی که به مهارت‌های فضایی احتیاج دارند، به شکل معناداری بهتر از دختران عمل می‌کنند (منطقی، ۱۳۹۵ ب).



مضاف برآنچه از آن یاد شد، بازی‌های دیجیتالی در ارتقای مهارت‌های بینایی- حرکتی بیماران آسیب دیده مغزی و سرعت واکنش کسانی که توانایی‌های حرکتی آنان آسیب خورده است، مؤثرند. منطقی (۱۳۹۵ ب) در همین رابطه می‌نویسد:

«مجموعه گزارش‌های تحقیق پژوهشگرانی که در این زمینه به بحث و بررسی پرداخته‌اند، حاکی از آن است که نه تنها بازی‌های دیجیتالی برای بیماران آسیب دیده مغزی جذاب واقع می‌شوند و با افزودن انگیزه آنان، شور و شوق وافر در جریان بازی برایشان پدید می‌آورد، بلکه این بازی‌ها در توجه، تمرکز، زمان واکنش، تعقیب چشمی، حافظه، تطابق هماهنگی دست و چشم و توانایی ریاضی و کلامی بیماران، بهبود نسبی ایجاد می‌کنند.

تحقیق‌های دیگری بیانگر آنند که بازی‌های دیجیتالی در کاهش زمان واکنش افراد، مؤثر واقع می‌آیند. از این رو محققان، استفاده از این بازی‌ها را در جریان توان بخشی افرادی که توانایی‌های حرکتی آنان به شکلی آسیب خورده است، پیشنهاد کرده‌اند.»

عرفان ۱۰ ساله، در جریان مصاحبه‌اش از انجام بازی‌های هدف‌گیری و تیراندازی حرف زده است که تکرار این دست از بازی‌ها در عمل به ارتقای مهارت‌های حرکتی- بینایی کاربران می‌انجامد:

«- خوب یک بازی دیگه هم گفتم داری؟
بله، تیراندازی.

- اون رو هم توضیح می‌دی؟
آره، مثلاً من میام، اسلحه و اینا بخرم، مثلاً بالاش نوشته می‌خوای ایرانی باشی یا عراقی، مثلاً من می‌گم ایرانی، بعد مثلاً او داعشیا رو نکشم، با تیر می‌زنن، بعد من می‌رم آرپی‌جی می‌خرم، همه‌شان رو می‌کشم».

۱۳-۳- ترجیح فرهنگ بصری بر فرهنگ مکتوب

«- مهدیه خانم مسایل علمی و دینی هم توی گوشت می‌ریزی؟
نه خوشم نیامد.

- چرا دوست نداری؟

خب هیچان نداره، طولانی و خسته کننده اس» (مهدیه، ۱۱ ساله).

بعضی از کاربران، با اشاره به این که فرهنگ مکتوب، همواره فرهنگی مشحون از استدلال بوده است، خاطرنشان می‌سازند که محدودیت متنی پیامک از سویی و دشواری تایپ پیام از سوی دیگر، خود به خود اسباب خلاصه شدن متن تهیه شده را فراهم آورده، سبب می‌شود، استدلال افراد در متن‌های تهیه شده کاهش یابد و برخوردهای کلیشه‌ای و قالبی، جای استدلال افراد را بگیرد و به این ترتیب، رفته رفته کاربران به گونه‌ای تربیت شوند که استدلال در روابط آنان کم رنگ تر بوده، برخوردهای قالبی آنان بیش تر باشد.

برخی از پژوهش‌ها حکایت از آن دارند که ارسال و دریافت پیامک، در عمل جایگزین کتاب‌خوانی جوانان شده است، در سطحی فراتر، به نظر می‌رسد با پا به میان نهادن فناوری‌های ارتباطی جدید، رفته رفته فرهنگ مکتوب، جای خود را به فرهنگ بصری می‌دهد.



پیش‌تر با نبودن فناوری‌های ارتباطی، آدمی وقتی کتابی می‌خواند، می‌توانست روی هر قسمتی که لازم می‌دید، تمرکز کند و به آن بیندیشد، در حالی که با پا به میان نهادن تلویزیون و بعدها ماهواره، اینترنت و تلفن همراه، کاربران این فناوری‌ها، به صورت فردی منفعل در برابر بمباران انبوهی از تصاویر مختلف قرار می‌گیرد که لحظه به لحظه جایشان را با هم‌دیگر عوض کرده، فرصت تأمل و تأنی درونی را به آدمی نمی‌دهند و به این ترتیب فرهنگ مکتوب پیشین که به شکل فعالی به فرد اجازه می‌داد به غور، تفحص و اندیشه در مورد متن بپردازد، جای خود را به فرهنگ بصری‌ای می‌دهد که فرد را به شکلی منفعل در آورده، وی را تحت بمباران انبوهی از موضوع‌های پراکنده که به صورت بصری به وی عرضه می‌شوند، قرار می‌دهد.

نگاهی به نوع کاربری کودکان و نوجوانان از تلفن همراه، به وضوح کم رنگ شدن فرهنگ مکتوب در برابر فرهنگ بصری (و کم عمق شدن کاربران) را به معرض دید می‌گذارد. فرزام ۱۰/۵ ساله در مصاحبه‌اش، نمونه بارزی از ترجیح فرهنگ بصری به جای فرهنگ مکتوب را به معرض دید نهاده است:

«اگه یه روز مامان و بابات تبلت یا ایکس باکست رو ازت بگیرن، چه احساسی پیدا می‌کنی؟
وای نه خانم، خیلی بده که، من بدون اینا می‌میرم، دیگه کاری نمی‌تونم بکنم، حوصله‌ام سر می‌ره، اصلاً دوست ندارم این طوری.»

- کتاب هم می‌خونی؟

نه خانم، کتاب حال می‌خواد، من حال کتاب ندارم خسته می‌شم، مَث بازی هم هیجان اینا نداره».

۱۴-۳- افت آموزشی کودکان و نوجوانان

«اگه بخوای در یک کلام به من بگی، شبکه‌های اجتماعی بیش‌تر استفاده‌شون چیه، چی می‌گی؟
سرگرمی!

- چه جور سرگرمی‌ای، منظورت کارهای علمی و درسیه یا دوستی و شوخی و خنده؟
(با خنده) نه بابا، درس چیه!

- یعنی اصلاً به درد درس خوندن نمی‌خوره؟

نه، اصلاً وقت درس خوندنم می‌گیره!» (سارا، ۹ ساله).

بررسی‌های میدانی انجام شده حکایت از افت آموزشی قابل توجه دانش‌آموزان، خاصه در دوران فراگیری ویروس کووید ۱۹، دارد. دلایل افت آموزشی دانش‌آموزان ایرانی در مواجهه با فضای مجازی را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

- عدم بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه از فناوری‌های ارتباطی جدید در کلان جامعه، نظام آموزشی و خانواده‌ها،
- جذابیت‌های گسترده فناوری‌های ارتباطی پیشرفته،
- حاکمیت نظام آموزشی حافظه‌مدار در ایران،
- فشار گروه همسالان در حضور داشتن فرد در فضای مجازی،
- تبدیل روند «دریافت- پاسخ» به روند «دریافت- تفحص- پاسخ» در فضای مجازی
- سوءاستفاده از آموزش‌های مجازی.



عنوان «عدم بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه از فناوری‌های ارتباطی جدید»، ناظر بر کوتاهی‌های فراوان کلان نظام، نظام آموزشی و خانواده‌ها است. به این معنا که کلان نظام در برخورد با فناوری‌های ارتباطی جدید، برخلاف تجربه بشری، دال بر افزایش فرصت‌های فضای مجازی برای کم‌تر شدن تهدیدهای آن، به شکل عمده در صدد نفی فناوری‌های ارتباطی جدید برآمده است که ممنوعیت ورود تلفن همراه به مدارس تا قبل از فراگیری ویروس کووید ۱۹ در مدارس، نمود بارز سیاست‌های کلان جامعه و اولیای آموزش و پرورش بود.



عنوان «جذابیت‌های گسترده فناوری‌های ارتباطی جدید»، ناظر بر جذابیت‌های گرافیکی، تنوع موضوعی، پرهیجان بودن، سرگرم کننده بودن، پاسخ به علایق مختلف و مانند آن است که فضای مجازی واجد آن است.

جذابیت‌های اخیر سبب می‌شود دانش‌آموزان چنان در فضای مجازی غرق شوند که دیگر فرصتی برای درس خواندن نداشته باشند.

عنوان «حاکمیت نظام آموزشی حافظه‌مدار در ایران» نیز ناظر به نظام آموزشی فرسوده و حافظه‌مدار ایران است که در عصر انفجار اطلاعات، به جای یاد دادن برخورد خلاق با مسایل ناشناخته و چالش با مسایل مبهم، تصور می‌کند حفظ کردن مجموعه‌ای از اطلاعات، کفایت لازم به دانش‌آموزان جهت برخورد با جهان آینده را می‌دهد.



همان‌گونه که از عنوان «فشار گروه همسالان در حضور داشتن فرد در فضای مجازی» پیداست، اعضای اکثریت قریب به اتفاق گروه‌های همسالان، حضور اعضای در فضای مجازی را ضروری دانسته، افرادی را که در این زمینه کوتاهی دارند، مورد تمسخر و استهزای خویش قرار می‌دهند.

عنوان «تبدیل روند دریافت- پاسخ به روند دریافت- تفحص- پاسخ»، معطوف به یکی از ویژگی‌های فضای مجازی است به این معنا که بررسی روند مبادله اطلاعات تاکنون به این ترتیب بوده است که فردی پس از دریافت یک پیام، به ارایه پاسخ لازم برای آن اقدام می‌کرده است. اما جذابیت‌های خاص تلفن همراه و برخی از تنگناهای اجتماعی- اقتصادی که متوجه نوجوانان و جوانان ایرانی است، سبب می‌شود که آنان از سویی برای به فراموشی سپردن برخی از مشکلات فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی- سیاسی که با آن مواجهند و از سوی دیگر برای کسب لذتی هر چند موقت و گذرا، روند دریافت و ارسال پیام را به روند دریافت، بررسی و تفحص و ارسال پیام تبدیل کنند و در جریان بررسی و تفحص خویش، برای یافتن پیامک، عکس یا کلیپ مورد نظر، دست به تفحص گوشی دوستان، سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختلف بزنند.

در اقدام اخیر که بیش‌تر شامل پاسخی به نیاز به ابزار هویت فرد یا هیجان‌جویی و معارضه وی با دوستانش است، فرد باید ببیند «چه پیامی» را با چه «مضمون» و «عباراتی»، برای «چه کسی» و در «چه زمانی» ارسال دارد و این که طرف مقابل «چه زمانی»، «چه متنی» را با «چه انگیزه‌ای»، برای وی «ارسال» خواهد کرد یا چرا پاسخ پیام‌رسانی وی را «دیر ارسال» کرده یا «اصلاً ارسال» نکرده است، موارد پیش‌گفته به سادگی می‌توانند برخی از کاربران را به تأمل و تردید وادارند.

سرانجام عنوان «سوءاستفاده از آموزش‌های مجازی»، بیانگر این مسأله است که برخی از دانش‌آموزان (که تعدادشان کم هم نیست)، از سویی به سبب عدم بسترسازی فرهنگی مناسب و از سوی دیگر به دلیل عدم ارتقای اخلاق فردی و اجتماعی آنان، از فضای پیش آمده در آموزش‌های مجازی سوءاستفاده می‌کنند، به این معنا که یا در رختخواب وارد کلاس مجازی خودشان می‌شوند و یا پس از اعلان حضور در کلاس، سر زدن به اینستاگرام و نظایر آن‌ها را پیشه خود می‌کنند و در ایام امتحانات نیز با تشکیل گروه تقلب، پاسخ سوال‌ها را برای یکدیگر به اشتراک می‌گذارند.



البته لازم به ذکر است که جذابیت فناوری‌ها چنان در چشم و دل نسل جدید زیاد است که برخی از دانش‌آموزان مصاحبه شده گزارش می‌دهند، از آنجا که اولیای آن‌ها حاضر به خرید گوشی پیشرفته یا تبلت برای آنان نبوده‌اند، آن‌ها با پدر و مادر خودشان قرار گذاشته‌اند که در صورت شاگرد اول شدن، اولیا برای آنان گوشی یا تبلت تهیه کنند، از این رو واقعاً به جدّ درس خوانده و با شاگرد اول شدن، به جایزه مطلوب خویش دست یافته‌اند، اما در ادامه، چنان غرق فضای مجازی می‌گردند که نه تنها به تکالیف درسی خودشان نمی‌رسند، بلکه دچار افت درسی گردیده‌اند.



سینای ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش ضمن تأکید این که وی روزانه ۷-۶ ساعت در اینستاگرام به سر می‌برد، خاطر نشان می‌سازد که او با تقلب همه امتحان‌هایش را برگزار می‌کند:

«- سینا تو زمان‌هایی که بی‌کار هستی، چه کارهایی می‌کنی؟
اینستا می‌رم.

- یعنی همه‌اش توی اینستاگرامی؟
آره.

- روزی چند ساعت توی اینستاگرام هستی؟
۶، ۷ ساعت.

- اون وقت به درس‌های خودت می‌رسی؟
کاری ندارم که، تازه اول اینستا بعد کتاب (اشاره به آهنگ ساسی مانکن دارد که می‌گوید: اول اینستا بعد کتاب و همراه آن استیکر خنده می‌گذارد).

- چرا کاری نداری، کلاس آنلاین نداری یا تکلیف بهت نمی‌دن؟
کلاس آنلاین که می‌رم هر موقع پی‌ام بیاد، سریع می‌رم جواب می‌دم، وگرنه تو اینستا.
- معلمت متوجه نمی‌شه؟
نه، نمی‌فهمه.

- خوب آگه سوال بپرسه چی، بلدی جواب بدی؟
از رو کتاب می‌گم.

- خودت درس‌ها رو حفظ نمی‌کنی؟
نه، مگه بی‌کارم این همه رو حفظ کنم».



امیرمحمد ۱۲ ساله و امین ۱۰ ساله، در مصاحبه‌های خودشان گزارش می‌دهند که هر دو شب‌ها تا دیر وقت سرگرم کاربری از فضای مجازی هستند. در ادامه، امیرمحمد تأکید می‌کند که وی با خوابیدن سر کلاس‌های مجازی، کمبود خواب شبش را جبران می‌کند.

«- ساعت خوابت چه طوریه امیرمحمد، شب‌ها چه ساعتی می‌خوابی؟

هر وقت که شد می خوابم، ساعت خاصی نداره، خیلی زود بخوابم شاید یک بخوابم، مگه این که سر صبح ساعتی چهار صبح پاشم که امتحانم رو بخونم، در هر صورت بعد از یک می خوابم.

- بعد کلاس های مدرسه چه طورند؟

همین دیشب مثلاً من سه تا زنگ گذاشتم، یکی ساعت ۸ یکی ۹، ۸/۵ پا شدم یه سلام گفتم توی گروه، دوباره خوابیدم، ۹/۵ هم پا شدم دوباره حضری زدم و باز خوابیدم».



«- هدف دوست های خودت رو هم از عضویت توی این شبکه ها می دونی؟
اونا برای سرگرمی یا برای این که بهمون ثابت کنن که اونا هم از این شبکه ها دارن، استفاده می کنن.

- پیش تر با چه کسانی چت می کنی؟

بیش تر با فامیلامون، به خصوص پسر عموم که اول دبیرستانه. به هم دیگه اس ام اس می دیم. یا از این شکلا که بهش استی، نه استنکر، آهان استیکر می گن، می فرستیم. بعد عکس هم مثل همونایی که گفتم، می فرستیم با هم کلاسیم هم که گفتم، چت می کنیم.

- چه قدر وقتت رو صرف چت کردن می کنی؟

شبا از ساعت ۱ به بعد تا هر وقت که خوابم بیاد، چت می کنیم، می رم زیر پتو، یواشکی به هم اس ام اس می فرستیم که آخر سر می بینم، ساعت ۶ صبح شده، باید برم مدرسه. اعصابم به هم می خوره که بخوام برم مدرسه.

- چرا می گی یواشکی برای هم چیزی می فرستید، مگه چی می فرستید؟
(پس از خندیدن) بیش تر اون چیزایی که درباره ی ازدواج و زن و شوهری و بوس و این جور چیزا هستن رو برا هم می فرستیم، خیلی خنده دار نمی دونی که».



فرزام ۱۰/۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور شده است که وی به جای عطف توجه به مباحث درسی کلاس، سرکلاس به صفحات مختلف وب سر می‌زند و هم‌زمان برای آن که اولیا متوجه کژکاربری وی نشوند، با فریب آن‌ها تظاهر به درس خواندن و گوش دادن به بیانات معلم می‌کند:

«- اصلاً درس‌ها رو هم می‌خونید خودتون؟»

نه خیلی، اگه مامان و بابام گیر نمی‌داده، راحت‌تر می‌شدیم.

- به چه چیزی گیر می‌دن؟

- این که درس بخونیم.

- گفتی که درس نمی‌خونی زیاد، نمره‌هات هم اومده پایین؟

نه خانم، پایین نیومده، حواسم جمع هست که پایین نیاد، هر وقت تکلیف و امتحان دارم، سریع از رو کتاب می‌نویسم می‌فرستم، ولی ویدیوهایی که معلمون می‌فرسته رو نگاه نمی‌کنم.

- مامان و بابات می‌دونن که نمی‌بینی؟

نه، اونا فکر می‌کنن همه رو می‌بینم و بلام (می‌خندد).

- چه کار می‌کنی که متوجه نمی‌شن؟

نمی‌دارم نمره‌هام بیاد پایین، تبلتم تو دستم هست یه جور نشون می‌دم که انگار دارم گوش می‌دم و اینا، هندزفری هم دارم نمی‌فهمن، فقط اگه امتحانا حضوری بشه، بیچاره می‌شم.»

امین ۱۰ ساله، در فرآزی متفاوت در مصاحبه‌اش، از اعتیاد و وابستگی خویش به فضای مجازی یاد می‌کند که بالطبع مانع قدرتمندی فراروی درس خواندن وی هست:

«- شبکه‌های اجتماعی برات هیجان آور هستند؟»

آره، خیلی خوبن. اگه نبودن من از تنهایی دق می‌کردم. آخه من داداش ندارم، بعد همه‌اش مامان و بابام به خواهرم توجه می‌کنن، اصلاً به من توجه نمی‌کنن.

- اول هدفت از این که اینستاگرام و بقیه شبکه‌های اجتماعی رو داشته باشی، چی بود؟

اول این که وقتی بی‌کار شدم و حوصله‌ام سر رفت و خسته شدم، واسه سرگرمی و تنوع برم توشون، ولی هنوز بازی هم می‌کنم.

- الآن هدفت چیه، هدفت تغییری هم کرده؟

الآن یه کمی تغییر کرده و احساس می‌کنم، بهش عادت کردم و مجبورم برم توش.»



سرانجام ثریای ۱۰ ساله، با طرح نوع متفاوتی از درس خواندن، اظهار داشته است، اگر چه وی درس خوانده است و شاگرد اول کلاسشان شده است، اما هدف وی از این درس خواندن تنها رسیدن به جایزه تبلت بوده است و دیگر نیازی به درس خواندن نمی‌بیند. نکته مهمی که در بیانات ثریا وجود دارد، این مسأله است که وی به صراحت بیان می‌کند، خطمشی وی، عیناً توسط دانش‌آموزان زیادی پیگیری می‌شود تا اگر اولیای آنان بالاستقلال برای آن‌ها تبلت و گوشی همراه را تهیه نمی‌کنند، به صورت جایزه شاگرد ممتاز شدن فرزندشان، این وسایل را برای فرزندشان تهیه کنند:

«- ثریا تو از برنامه‌های اینترنتی استفاده علمی هم بردی؟»

استفاده علمی؟ نه بابا، من فقط برای سرگرمی باهاشون کار می‌کنم.

- کلاً چرا وارد شبکه‌های اجتماعی شدی؟

چون توی این دوره و زمونه اگه کسی از اینا نداشته باشه، مسخره‌اش می‌کنند.

- یعنی تو مورد تمسخر قرار می‌گرفتی که این برنامه‌ها رو نصب کردی؟

آره دیگه، یک سال پیش که اینا رو نداشتم، همه بهم می‌گفتن بچه مثبتی که از این برنامه‌ها نداری. البته خودمم جلب کارشون شدم.

- جذب کدوم کار شدی؟

این که با هم دیگه چت می‌کنند و عکس می‌فرستن و متن‌های عاشقانه و غمگین و شاد برای هم می‌فرستن.

- توی دوست‌های تو کسی هست که شبکه‌های اجتماعی رو نداشته باشند؟

آره، دو نفرشون ندارن، ولی بقیه‌ی دوستانم این قدر دارن می‌زنن تو سرشون، اونا هم الان دارن به مامان و باباشون التماس می‌کنند که تبلت بخرند.

- تو هم مثل اون‌ها برای داشتن تبلت التماس کردی؟

آره، معلومه که آره!

- خوب، مثلاً چه کار کردی؟

اول جلوشون گریه کردم و یا غذا نمی‌خوردم، دیدم این راه‌ها جواب نمی‌ده!

- خوب، بعدش چه کار کردی؟
به مامان، بابام گفتم اگه همه درسام رو عالی بگیرم، برام تبلت می‌خرید، بابام هم قبول کرد.
- یعنی تو پارسال همه رو عالی گرفتی؟
آره، درسام رو خوندم، همه‌شون رو عالی گرفتم.
- الان هم به همون شدت پارسال درس می‌خونی؟
نه، اصلاً. پارسال هدف داشتم که درس خوندم. الان که تبلت رو دارم، واسه چی به خودم سخت بگیرم.

- یعنی حس رقابت توی درس خوندن بین دوست‌های تو نیست؟
نه، اکثرمون با این برنامه‌ها سرگرم هستیم. بعدشم چون نمره‌ای نیست، درسا معلوم نمی‌شه دیگه چی گرفتی، فقط چند نفری که بهت گفتم، خیلی درس می‌خونن.

- خوب، تو چرا مثل اون‌ها درس نمی‌خونی؟
به خاطر این که اونا دارند راه من رو می‌رن. اونا به مامان و باباشون قول دادن عالی بگیرن تا براشون تبلت بخرن. وقتی هم که خریدند، مطمئن باش دیگه درس نمی‌خونن». علاوه بر افت درسی که برخی از کاربران فناوری‌های ارتباطی جدید به تجربه آن می‌رسند، به نظر می‌رسد با افزایش کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در سطح کودکان، نوجوانان و جوانان، نظام آموزشی ایران در کلان کار افت قابل توجهی را تجربه کند، زیرا به دلیل عدم بسترسازی فرهنگی لازم در کلان نظام و در آموزش و پرورش، دست اولیای آموزشی دانش‌آموزان در کاربری از فناوری‌های ممنوعه در مدرسه، به میزان زیادی بسته است و وقتی جهت دهی مناسب اولیای فرهنگی نظام، اولیای آموزشی و اولیای دانش‌آموزان در این زمینه وجود نداشته باشد، خود به خود باید بیش‌تر انتظار داشت تا دانش‌آموزان کاربر، کاربری‌های نامناسبی از فناوری‌های ارتباطی را در خود به معرض دید بگذارند.

مضاف بر آن چه از آن یاد شد، طبق برخی از زمزمه‌هایی که شنیده می‌شود، بعضی از مسوولان مایل هستند تا بعد از کرونا، آموزش مجازی را کنار نهاده، با همان محدودیت‌های دوران قبل از کرونا با مقوله فناوری‌ها برخورد کنند که در صورت تحقق چنین امری، وخامت اوضاع کژکاربری دانش‌آموزانی که ضمن داشتن وسایل لازم با فضای مجازی هم‌آشنایی یافته‌اند، دو چندان خواهد شد.

۱۵-۳ - تقلب کردن در امتحان‌ها



برخی از پژوهش‌های میدانی حکایت از استفاده نامناسب از فناوری‌های ارتباطی جدید در سطح کاربران آن‌ها دارد.

بورنز^۱ و لوهنری^۲ (۲۰۱۰)، در بررسی که در سطح دانشجویان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که تعداد قابل تأملی از دانشجویان در طول کلاس یا به دیدن پیام‌های دریافتی خودشان و یا به ارسال پیام برای دیگران اشتغال می‌ورزند و به این ترتیب تلفن همراه می‌تواند به صورت یک عامل مخل آموزشی عمل کند.

مهدی‌پور و زیرخافی (به نقل از ظفری و همکاران، ۱۳۹۱)، در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازند: وجود نگرش‌های منفی اجتماعی که نسبت به تلفن همراه در جامعه وجود دارد، سبب شده است تا این وسیله به مثابه یک دستگاه مخرب دیده شود و دانش‌آموزان و دانشجویان از آن در درجه اول برای بازی کردن، گپ زدن با دوستان و به شکل بالقوه رفتارهای نامناسب مانند تقلب و دیگر ناهنجاری‌ها استفاده کنند.

دیامانتس^۳ (۲۰۱۰)، در گزارشی خاطرنشان می‌سازد، برخی از دانش‌آموزان مدارس، با تلفن همراه خویش با ارسال پیام‌های صوتی و متنی، در امتحانات تقلب می‌کنند.

بست^۴ و شللی^۵ (۲۰۱۸) در گزارش پژوهشی خویش به شکل مشابهی خاطرنشان ساخته‌اند، برخی از کاربران فناوری‌های ارتباطی جدید، با سوءاستفاده از پیام کوتاه، اسکرین شات و پیام صوتی دست به تقلب می‌زنند.

-
1. Burns, Shari M.
 - 2- L. ohenry, Kevin
 3. Diamantes, T
 4. Best, L. M.
 5. Shelley, D. J.

منطقی (۱۳۸۶) نیز از افزایش چشم‌گیر میزان تقلب در سطح دانش‌آموزان و دانشجویان، با امکاناتی که فناوری‌های جدید در دسترس آنان قرار داده‌اند، یاد می‌کند.



محسن ۹ ساله، در مصاحبه‌ای که متعلق به قبل از دوران فراگیری کرونا است، خاطرنشان می‌سازد، وی با وجود آن که تبلتس سیم کارت ندارد، اما با کرایه کردن سیم کارت از دوستش، دست به تقلب با تبلت می‌زند:

«- محسن تو تا حالا شده تبلتت رو مدرسه ببری؟
آره!»

- خوب چرا تبلتت رو مدرسه می‌بری، مگه ورودش به مدرسه ممنوع نیست؟
چرا، ولی روزایی که امتحان داریم یه سری از بچه‌ها تبلت میانرن. بعد عکس می‌گیریم از رو برگه امتحان، می‌فرستیم تو گروه. بعد بچه‌ها از روش می‌نویسن.

- با تبلتت اینترنت هم می‌ری؟

نه، من سیم کارت ندارم.

- پس چه جوری تو کلاس برای هم عکس می‌فرستید؟

اشکان دوستم ۲ تا سیم کارت داره، یکیش رو می‌ده به من، ولی بگما، پولش رو ازم می‌گیره.

- سیم کارت رو داده مال خودت باشه؟

نه، هر وقت بهم می‌ده، باید کرایه بهش بدم.

- چرا خودت یه سیم کارت نمی‌گیری؟

بابام می‌گه نیاز ندارم. منم فقط برا امتحان سیم کارت اشکان رو می‌گیرم. تا حالا ۳ بار ازش گرفتم.

- چه طوری با برنامه‌ی پیام‌رسان‌ها آشنا شدی؟
- یکی از دوستانم گفت که می‌شه تو کلاس باهاتش تقلب کنیم. منم ریختم.
- چه طوری با کار کردن با اون آشنا شدی؟
- خود حمید که گفت بریزیم، بهم یاد داد. خیلی آسونه کار باهاتش.
- نمی‌ترسی معلمتون بفهمه که تو توی کلاس تقلب می‌کنی؟ فکر کنم تبلتت یه کم بزرگه، راحت دیده می‌شه؟! این طور نیست. تبلتم زیاد بزرگ نیست، می‌ذارم تو جا میزی».
- فرازم ۱۰/۵ ساله و امیرمحمد ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود از برنامه‌ریزی برای تشکیل گروه تقلب و چگونگی تقلب گروهی خود و دوستانشان در دوران حاکمیت کرونا یاد کرده‌اند:
- «- با دوست‌های خودت راجع به چی صحبت می‌کنید؟
- نمی‌دونم همه چی دیگه، مثلاً بازی‌ها، درس‌مون، این جور چیزا.
- راجع به بازی‌ها چی می‌گید؟
- مثلاً این که تو کلش چه کار کنیم بهتره تا لولمون بیاد بالاتر، اونا هم دارن کلش، بازی‌های جدید چی اومده بیرون.
- راجع به درس‌هاتون به همدیگه چی می‌گید؟
- بعضی وقت‌ها مثلاً یکی مون یه چیزی بلد نباشه، به اون یکی یاد می‌ده، مخصوصاً وقتی امتحان داریم، با دوستانم برنامه می‌ریزیم که چه طوری نمره‌مون خوب بشه (می‌خندد).
- چه برنامه‌ای می‌ریزید؟
- مثلاً چه طوری تقلب کنیم و اینا... .
- چه طوری تقلب می‌کنید؟
- مثلاً برای امتحان یه هم کلاسی دارم درسش خیلی خوبه، بیچاره مامان و باباش خیلی گیر می‌دن بهش، نمی‌تونه بیچونه، اون جوابا رو می‌نویسه برای ما عکسش رو می‌فرسته، دیگه ما هم سریع می‌نویسیم روی برگه، اسم خودمون رو هم بالاش می‌نویسیم، می‌فرستیم تو گروه».
- «- امیرمحمد در حال حاضر کلاس‌ها مجازی برگزار می‌شه، درسته؟
- آره.
- الان اوضاع مدرسه چه طور هست؟
- خوبه، بهتره.
- از چه نظر بهتر هست؟
- نمره‌هام بهتره (خودش هم می‌خندد).
- حس می‌کنی اصلاً این طوری چیزی یاد می‌گیری؟

آره.

- چه چیزهایی مثلاً؟

درس... مثلاً ریاضی... ویدیوهای علوم رو می بینیم... .

- نمره‌ات به خاطر تقلب‌ها بهتر شده؟

یه ذره، نه خیلی.

- چه جورى تقلب می کنین، مگه آنلاین نیست؟

مثلاً یا توی سایتی یا سوالا رو می دن و ما باید بهشون جواب بدیم، بعد توی گروه هر کی هر

چی جوابش رو به دست آورده، می گه و بعد می فرستیم.

- همه با هم، یا فقط چند نفر؟

مثلاً یه گروه هستیم ۱۲، ۱۳ نفریم، ولی فقط سه، چهار نفر می فرستیم، بقیه چون خیلی رفیقیم

باهاشون هم استفاده می کنند».



عرفان ۱۰ ساله هم از تقلب کردن (پیشرفته) دوستانش در ارتباط رویاروی و تصویری با معلمشان،

به شرح زیر یاد کرده است:

«- عرفان جان الان که آموزش مجازی هست، خوبه یا وقتی حضوری بودین؟

من از آموزش مجازی بدم میاد، چون هیچ کس یاد نمی گیره، همه تقلب می کنن.

- چه جورى تقلب می کنین؟

معلم خودش تقلبی می فرسته، مثلاً می خوای یه سوال ریاضی حل کنی که همیشه معلم

می فرسته، هیچ ارزشی نداره.

مثلاً تو می خوای پانزده و پانزده جمع کنی، ای میا می گه می شه سی، تو هم حفظش می کنی،

دیگه یاد نمی گیری که، مثلاً معلم گفت امروز فقط کامل گوش کنید که فردا امتحان بگیرم، بعد

خاله هیچ کس اصلاً گوش نمی ده قشنگ معلومه، مثلاً وقتی باید از خودمان فیلم بگیریم، کامل

معلومه بچه‌ها گوشى نزدیک صورت می کنن، پشت گوشى، کاغذ جواب سوالا می ذارن از روش

می خوانن، معلم می گه از دور بگیرین، ولی اینا از نزدیک می گیرن، اما من از دور می گیرم».

۱۶-۳- ایجاد مدارس پنهان در بطن مدارس رسمی

«فرشته خانم، تو مدرسه دوستات زنگ‌های تفریح، چی‌ها به هم می‌گند؟ هر کسی یه چیزی می‌گه. مثلاً بعضیا در مورد فیلم‌های ماهواره یا شبکه‌های ماهواره‌ای حرف می‌زنند، بعضیا هم در مورد وسیله‌های شخصی خودشون با هم حرف می‌زنند.»

- وسایل شخصی مثلاً چیا؟

موبایل، وسیله‌های آرایشی که مثلاً چه مارکی دارند و چه قیمتی دارند.

- بچه‌ها وسایلشون رو هم به مدرسه میارند؟

آره، بعضی وقت‌ها با خودشون میارند.

- دوستات واسه چی وسایلشون رو به مدرسه میارند؟

خب معلومه دیگه، میارند تا به همدیگه نشون بدن و هر کدوم می‌گن وسایلی من بهترند»

(فرشته، پنجم دبستان).

مدارس معمول اهداف آموزشی و پرورشی خاصی را در دستور کار خود دارند و در جهت تحقق آن‌ها می‌کوشند، به این معنا که مدارس در عین تلاش برای سواددار کردن دانش‌آموزان، از طریق متن‌های درسی و فعالیت‌های فوق برنامه خویش می‌کوشند، از سویی با انتقال فرهنگ جامعه و از سوی دیگر انتقال اهداف فکری- فرهنگی- سیاسی سردمداران جامعه به شهروندان، به تربیت افرادی نایل آیند که در عین سواد و دانایی، نسبت به اهداف جامعه از تعهد لازم برخوردار باشند.

اما گاهی دانش‌آموزانی که برای یادگیری و آموزش در مدرسه کنار هم گرد آمده‌اند، با مبادرت ورزیدن به انجام برخی از کارها و امور، ممکن است در عمل مدرسه پنهانی در بطن مدرسه رسمی خود پدید آورند که از اهدافی متفاوت با اهداف آموزشی و پرورشی مدرسه تبعیت کند.

مدارس پنهان پیش گفته که غالباً دور از چشم اولیای آموزشی پدید آمده و به حیات اجتماعی خویش ادامه می‌دهند، در برخی از مواقع ممکن است حاوی اثراتی جدی‌تر و شدیدتر از اهداف مدارس رسمی باشند.

بررسی‌های میدانی انجام شده در مدارس ایران دلالت بر آن دارند که در غالب موارد در مدارس آموزش و پرورش، مدارس پنهانی شکل گرفته‌اند که در آن‌ها یادگیری‌های غیررسمی زیادی ملاحظه می‌شود که متأسفانه در غالب موارد چندان مناسب و بهینه نیستند. منطقی (۱۳۹۴)، در پژوهش «۱۰۰ مصاحبه درباره چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید (تلفن همراه، تبلت، رایانه)»، با ارایه نمونه‌هایی از یادگیری‌های غیررسمی دانش‌آموزان از هم در مدرسه، دست به ترسیم نسبی مدارس پنهان شکل گرفته در بطن مدارس آموزش و پرورش زده است.

در مصاحبه‌های انجام شده، مصادیقی از مدارس پنهانی که از آن یاد شده توسط دختران و پسران دانش‌آموز ابتدایی ارایه شده است.

امین ۱۰ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وی با دوستانش در مدرسه به دیدن فیلم‌های هرزه‌نگار پرداخته است و بلافاصله آن را در محیط خانه پیاده کرده است. رهای ۱۱ ساله با یادآوری گروهی از دوستان و همکلاسی‌هایش، خاطرنشان کرده است که کیانا و گروهش، در انتهای مدرسه با هم سیگار می‌کشند و رفتارهای هنجارشکن مشابهی را از خود به منصفه ظهور می‌گذارند.



سرانجام عباس ۱۳ ساله نیز که کودک کار است، در مصاحبه‌اش اظهار داشته است، وی از محیط مدرسه برای فروش سیگار و فیلم‌های هرزه‌نگار به سایر دانش‌آموزان سود می‌برد و به این ترتیب در جامعه‌ای که او را محکوم به این کرده است که کودک کار باشد، پول در می‌آورد:

«- تو از اینترنت چه استفاده‌هایی می‌کنی؟»

می‌رم بازی و عکس تصویر زمینه‌ی تبلتم رو دانلود می‌کنم. برنامه می‌گیرم، بعد فیلم می‌بینم و واسه درسام تو اینترنت تحقیق می‌کنم.

- چه عکس‌هایی یا چه جور فیلم‌هایی؟

(پس از خندیدن گفت) مثلاً عکس مدرسه‌مون و گل و قلب و آرایش و دختر و پسر و ...

- خوب دیگه؟

دیگه زن تنها و دوست دختر و (امین مکث کرده، با اِم اِم پاسخ می‌دهد) خیلی بدَن. دیگه نمی‌تونم بگم.

- چرا امین جان اشکال نداره، راحت باش چرا می‌گی خیلی بدَن؟

آخه چند بار یه چیزی دیدیم که دوستم به اونا می‌گفت سوپر. مثلاً می‌رفتیم توی چیزه بوده، همون که عکس کره‌ی زمین داره. خوب، می‌نوشتیم عکس یا فیلم سوپر. بعد اونم می‌آورد، ما می‌دیدیم.

- از کجا یاد گرفتی که اگر بری تو اون عکس کره‌ی زمین سوپر بنویسی، این چیزها رو میاره؟

یه بار توی کلاسمون وقتی که آقامون داشت علوم درس می داد، با کامپیوتر رفت توی اون عکس کره‌ی زمین نوشت، عکس کوالا و میمون، بعد همه‌ی عکسای کوالا و میمون اومد. بعد من از آقامون پرسیدم، آقا تو اون کره‌ی زمین هر چیزی بنویسی میاره؟ بعد آقامون گفت: آره، هر چیزی بنویسی میاره.

- عکس یا فیلم سوپر رو چه وقت‌هایی می دیدید؟

وقتایی که زنگ تفریح بود، دوستم تبلتش رو یواشکی از تو کوله پشتی خودش در میاورد، دوتایی می دیدیم. بعد چون دوستم مبصر بود، همه‌ی بچه‌ها رو از کلاس بیرون می کرد، بعد خودمون دوتایی تو کلاس می دیدیم.

- فیلم‌های سوپر مگه بد هستند که یواشکی نگاه می کنید و وقت‌هایی که کسی تو کلاس نیست، می بینید؟

آره، مثلاً توی فیلماش دوتا یا یکی از پسرا لباس یه دختر رو در میارن. هم‌دیگه رو بغل می کنن. بعد کارای باحال می کنن.

- بعد از این که این فیلم‌ها رو می بینین، چه کار می کنید؟

شبا که همه می خوابن یا وقتایی که بابا و مامانمون خونه نیستن، اون چیزایی که دیدیم رو، اداشون رو در میاریم.

- چه جووری، مگه می شه؟

آره، می شه انجام داد. من خودم با عروسکای خواهرم و با شاسخین خودم این کارا رو انجام می دم!

- بعد این که این فیلم و عکس‌ها رو می بینی، چه جووری می شی؟

بعدش خیلی خوبه، آدم خوشش میاد. وقتی که هم این فیلم‌ها رو و عکس‌ها رو می بینم و هم وقتی که اداشون رو در میارم.

«- خوب درباره دوست‌هاش بگو، شده توی مدرسه موبایل بیارند؟»

بله، چند بار یواشکی زنگ هنر و ورزش که کسی بالای سرمون نیست، آوردند. کسی هم نفهمید. اما پارسال یه دختره تبلت آورد، ناظم ازش گرفت.

- خوب دوست‌هاش توی گوشی‌هاشون چه چیزهایی دارند؟

گروه کیانا بود که من اصلاً طرفشون نمی‌رم، چون بی ادبند. فقط فهمیدم که آوردن.

- چرا فکر می کنی کیانا بی ادبه؟

نپرس دیگه این رو. چیزای بد می بینم، فحش می ده، کارهای بد می کنه، سیگار می کشه، مثل لات‌ها راه می ره، یک طرف موهاش رو تیغ میندازه، تو دستشویی حرف بد می نویسه.

- سیگار تو مدرسه، مگه می شه؟!

آره جمع می‌شن دور هم یک سیگار رو با هم می‌کشن. یکی هم مواظبه، آخه حیاط مدرسه بزرگه، اونا هم می‌رن یه گوشه جای خلوت.

- باورم نمی‌شه، حرف بد هم می‌نویسند؟

آره! زنگ ورزش نوشتند، بعد سراپدار مدرسه دید، رفت به خانم گفت، اونم سر صف گفت ما دوربین داریم، چک می‌کنیم، هر کس چیزی بنویسه، اخراج می‌شه، دیگه نمی‌نویسن.

- چرا از کیانا و گروهش خوشت نمیاد؟

چون کیانا عقل نداره. حرف می‌زنه، انگار عریده می‌کشه، همه دوستاش مثل خودش هستند، وقتی با یکی دوست می‌شه، قانون می‌ذاره، مثلاً گلی موهاش بلند بود، از زیر مقنعه می‌زد بیرون، خیلی ناز بود، وقتی رفت تو گروه کیانا، موهاش رو پسر و نه زد، مثل کیانا. بچه‌ها می‌گن کیانا مادر نداره، مادرش طلاق گرفته و اون با باباش زندگی می‌کنه».

«- عباس تو مدرسه هم می‌ری؟»

آره، تنها کار مثبتم فکر کنم همونه. البته اونم رفتنش دلایلی داره.

- مثلاً چه دلایلی خاله جون؟

دیگه، دیگه، ما هم ترفندای خودمون رو داریم... .

- بقیه‌ی کانال‌های باحالت رو هم نشونم می‌دی؟

نه دیگه جیزه، فقط می‌تونم اسم چندتاشون رو بگم.

- ممنون.

فیلم بازای خفن مدرسه، کنت نعنایی، شرّ اعظم.

- می‌شه راجع به این کانال‌ها با هم حرف بزنیم؟

اگه قول بدی برام فالورز جمع کنی، حتماً.

- باشه، سعیم رو می‌کنم.

- ببین من یه بی‌زینس برای خودم دارم، یعنی این طوریه که یه قسمت از فیلمای خفن رو می‌ذارم

تو کانالم، بچه‌های مدرسه هم که عضو هستن، اونا رو نگاه می‌کنن و کفشون می‌بره، اون وقت ازم

می‌خوان که کاملش رو براشون بفرستم، منم اونا رو روی سی‌دی می‌ریزم و بهشون می‌فروشم، جان

من بگو حال کردی یا نه؟

- جالب بود، دیگه چه طوری از این کانال‌ها پول در میاری؟

خب اون یکی کانالم درآمد داره، دیگه همون کنت نعنایی توش به این شاسکولا سیگار هم

می‌فروشم، بس که ندید بدیدن.

- یعنی خودت نمی‌کشی؟

چرا تفنی».



۳-۱۷ - آموزش غیررسمی



اصطلاح آموزش غیررسمی^۱، اصطلاحی تقریباً نوپدید است و از این رو، تعابیر و برداشت افراد صاحب‌نظر از آن، هنوز به وحدت نظر نرسیده است.^۲

برخی از نظریه‌پردازان اصطلاح Informal education را معادل فعالیت بدون سازمان و ساختاری می‌دانند که هدف، محتوا، روش و زمان و مکان یادگیری مشخصی نداشته، متکی به پشتیبانی سازمان خاصی نیز نیست، در حالی که اصطلاح Non formal education را مترادف آموزش‌هایی می‌دانند که مؤسسات و نهادهای خاصی متکفل امر آن‌ها هستند و هدف انتقال برخی از مفاهیم و ارزش‌ها را مدنظر دارند.

بعضی از صاحب‌نظران بین دو اصطلاح آموزش غیررسمی و تربیت غیررسمی، تفاوت قایل شده‌اند.

برخی از نظریه‌پردازان هم در این زمینه دست به تهیه اصطلاحات جدید زده‌اند. منطقی (۱۳۹۰) (ب)، در همین زمینه می‌نویسد:

1. Informal learning

۱. به همین سبب هم هست که آموزش غیررسمی با معادل‌هایی مانند: Informal، Non formal، Lifelong education، Vocational education، Adult education و نظایر آن به کار برده شده است.

«رنه و مکلافرنی نیز در سال ۱۹۹۶ اصطلاح نوپدید Edutainment را مطرح ساختند. این اصطلاح مشتمل بر دو واژه آموزش (Education)، و تفریح (Entertainment)، بوده، بیانگر برنامه‌هایی است که حاوی هر دو بُعد آموزشی و تفریحی هستند. به نظر این دو نظریه‌پرداز، در این آموزش جنبه تفریحی (Entertainment dimension)، بسیار قوی‌تر از جنبه آموزشی (Education dimension) آن است.

کومبز به عنوان یکی از اولین نظریه‌پردازان آموزش غیررسمی، این آموزش را به شرح زیر، تعریف می‌کند:

آموزش غیررسمی، عبارت از هرگونه آموزش منظم و سازمان یافته، خارج از چارچوب نظام آموزش رسمی است که فرصت یادگیری را برای فرد فراهم می‌آورد.

یونیسف، در تعریفی که در سال ۲۰۰۵ از آموزش غیررسمی ارایه کرده است، این آموزش را آموزشی برای تمامی سنین، و رفع نیازهای پدید آمده افراد می‌داند.

لیونگستن و دیل و بل، در تعاریفی مشابه، یادگیری غیررسمی را یادگیری خاصی می‌دانند که «خارج از یک برنامه درسی مستقیم» و «خارج از دیوارهای مدرسه»، رخ می‌دهد.

آسپین و چیپمن، تأکید می‌ورزند که در آموزش غیررسمی که معمولاً در بیرون از مدرسه صورت می‌پذیرد، به سبب آن که محتوای آموزشی با توجه به نیاز فراگیران تهیه و تدوین شده و از ساخت‌مندی کمتری برخوردار است، انگیزه درونی فراگیران را معطوف به خود کرده، آنان با علاقه بیش‌تری به این آموزش می‌پردازند.



در یک جمع‌بندی اجمالی، اگر آموزش رسمی و غیررسمی را به لحاظ هدف، تمرکز، زمان، سازمان، میزان انگیزه، شرایط تحقق، میزان تعامل یادگیرنده و یاد دهنده، ارزشیابی، میزان یادگیری، هزینه-بازده و محدودیت‌های فرارو، به شکل تطبیقی بررسی شوند، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

در برابر هدف اخذ مدرک در آموزش رسمی، در آموزش غیررسمی این هدف وجود ندارد.

در برابر تمرکزگرایی موجود در آموزش رسمی، در آموزش غیررسمی این تمرکزگرایی ملاحظه نمی‌شود.

برخلاف زمان طولانی که آموزش رسمی به خود می‌طلبد، آموزش‌های غیررسمی زمان طولانی به خود نمی‌طلبند.

سازمان آموزش رسمی، سازمانی رسمی، سلسله‌مراتبی و مبتنی بر کنترل بیرونی است، حال آن که سازمان آموزش غیررسمی، فاقد رسمیت، سلسله‌مراتب و دارای کنترل درونی و خودکنترلی است.

آموزش رسمی از انگیزه‌های نسبی برخوردار است، در حالی که آموزش غیررسمی، از انگیزه‌های قابل توجه برخوردار می‌باشد.

آموزش رسمی برای تحقق، نیاز به مدرسه دارد، حال آن که آموزش غیررسمی برای تحقق خود، به مکان خاصی نیاز ندارد.

در آموزش رسمی، تعامل چندانی بین فراگیر و یاد دهنده وجود ندارد، حال آن که آموزش غیررسمی در برنامه‌ریزی و یادگیری، نیازمند تعامل یاد دهنده و یادگیرنده است.

ارزشیابی در آموزش رسمی، به شکل بیرونی و محلی، منطقه‌ای یا ملی انجام می‌پذیرد، اما در آموزش غیررسمی، ارزشیابی درونی و به صورت خودارزیابی است.

میزان یادگیری در آموزش رسمی نسبی است، اما در آموزش غیررسمی، این میزان قابل توجه و عمیق است.

در آموزش رسمی، هزینه زیاد، اما بازده کم است، حال آن که در آموزش غیررسمی، هزینه کم و بازده زیاد است، در مقوله محدودیت‌ها هم، در حالی که آموزش رسمی با برخی از محدودیت‌های قانونی و عرفی روبرو است، آموزش غیررسمی فاقد محدودیت‌های معمول می‌باشد.

مزایا و جذابیت‌هایی که در آموزش غیررسمی وجود دارد، سبب شده است که برخی از نظریه‌پردازان، ادغام دو آموزش رسمی و غیررسمی را در دستور کار خود قرار دهند. ریموند، خاطر نشان می‌سازد، رویکرد برنامه‌های شخصی، مشارکت دادن دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی، خودیادگیری، اجازه انتخاب موضوع به دانش‌آموزان و موارد مشابه، در نظام آموزش رسمی، تحت تأثیر آموزش‌های غیررسمی، صورت پذیرفته است.»



آموزش غیررسمی بسته به جهت‌گیری ارزشی برنامه‌ریزان اجتماعی و همین‌طور کاربران آن می‌تواند از جهات مثبت گرفته تا جهات منفی گسترده باشد. به عنوان مثال، ودر- ویز^۱ و فورتوس^۲ (۲۰۱۱)، گزارش می‌دهند که انگیزه فراگیری علوم در دوران بلوغ دانش‌آموزان کاهش می‌یابد، این پژوهش‌گران در چاره‌یابی واقعیت تلخ کاهش تمایل دانش‌آموزان به مباحث علوم، روی آموزش غیررسمی تأکید کرده، خاطرنشان می‌سازند، با عمده کردن یادگیری غیررسمی که از طریق فناوری‌های ارتباطی پیشرفته صورت پذیرد، می‌توان بر مشکل اخیر فایق آمد.

بارانوفسکی^۳ و همکاران (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای که در زمینه بازی‌های دیجیتالی دارند، خاطرنشان می‌سازند، بازی‌های دیجیتالی در طیف وسیعی از اختلال‌ها و بیماری‌ها جهت مداخله و درمان، شرایط پزشکی (مانند مدیریت درد، پارکینسون)، شرایط روانی نامساعد (نظیر اختلال استرس پس از سانحه، اضطراب، افسردگی، اوتیسم)، توان‌بخشی (مانند سکنه و آسیب مغزی)، مسایل بهداشتی و عمومی (نظیر افزایش فعالیت بدنی از طریق بازی)، مسایل اجتماعی (مانند خشونت، زورگویی، تعصب نژادی) و تغییر رژیم غذایی و سلامت جنسی افراد مورد بررسی قرار گرفته و کارآمدی خود را در زمینه‌های مزبور نشان داده‌اند (هر چند ممکن است افرادی با نیت شریانه با استفاده سوء از بازی‌ها، از آن‌ها در جهت افزایش مسایلی مانند خشونت، زورگویی، تعصب نژادی، عادات نامناسب غذایی و نظایر آن‌ها هم سود ببرند).

گریتی‌میر^۴ و اوسوالد^۵ (۲۰۱۰) در مقاله خود خاطرنشان می‌سازند، غالب پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه بازی‌های دیجیتالی، متمرکز بر نشان دادن اثرات منفی بازی‌های پرخاشگرانه است، اما این پژوهشگران با ارایه عامل آزمایشی بازی‌های جامعه‌پسند به شکل غیرمستقیم، در صدد برآمدند تا ببینند آیا انجام بازی‌های اخیر در تغییر رفتار آنان به سمت جامعه‌پسند شدن مؤثر هست یا خیر. نتایج پژوهش گریتی‌میر و اوسوالد حکایت از مؤثر بودن ارایه عامل آزمایشی داشت. به تعبیر دیگر انجام بازی‌های جامعه‌پسند (یا ارایه عامل آزمایشی به شکل غیرمستقیم)، در کودکان کاربر مؤثر واقع آمده، سبب می‌شود آنان بیش از پیش به انجام رفتارهای جامعه‌پسند روی بیاورند.

لدوکس^۶ و همکاران (۲۰۱۶) نیز با توجه به این که نوجوانان و جوانان به بازی‌های دیجیتالی علاقه‌مند بوده، وقت زیادی در این ارتباط صرف می‌کنند، تصمیم گرفتند از طریق یک بازی ویدیویی اطلاعاتی درباره نوع تغذیه مناسب افراد مبتلا به دیابت نوع ۲ به کاربران ارایه کنند. نتایج پژوهش

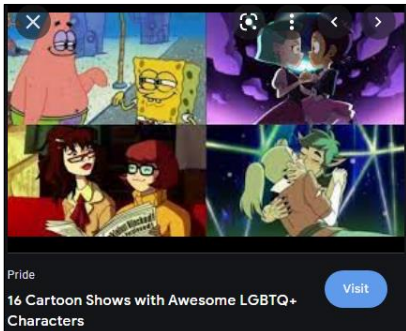
-
1. Vedder-Weiss, D.
 2. Fortus, D.
 3. Baranoowski, T.
 4. Greitemeyer, T.
 5. Osswald, S.
 6. Ledoux, T.

انجام شده دلالت بر آن داشت که اطلاعات اخیر در تغییر رفتار تغذیه کاربران مؤثر بوده، سبب شده است آنان در نظام غذایی خویش میوه و سبزی بیش تری مصرف کنند. به تعبیر دیگر ارایه اطلاعات تغذیه سالم از طریق بازی‌های دیجیتالی (که روشی غیررسمی در امر آموزش به شمار می‌آید)، می‌تواند در دانش، نگرش و تغییر رفتار کاربران مؤثر واقع آید.

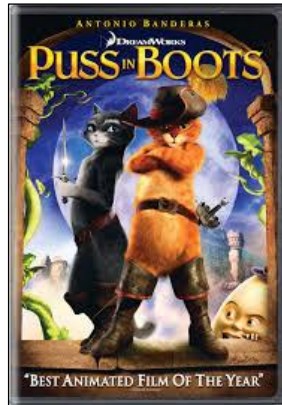
اما آموزش غیررسمی در موارد دیگری می‌تواند متضمن القائاتی نامناسب و تخریبی باشد. به عنوان نمونه، بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها و پویانمایی‌های الگوهایی مانند باربی، برتز، السا و آنا و نظایر آن‌ها، با ارایه فردی با اندامی غیرواقعی و در اوج رفاه، تجملات، مدگرایی، خوش‌گذرانی و مصرف‌گرایی، به سادگی احساس بدشکلی بدنی، اضطراب و افسردگی (ناشی از نداشتن امکاناتی مشابه الگوهای اخیر) را در کودکان کاربر دامن می‌زنند. در سطحی فراتر، یادگیری‌های غیررسمی می‌توانند به القای ارزش‌های مختلف در کاربران دست بزنند، طیف این ارزش‌ها از ارزش‌های اقتصادی و سیاسی گرفته تا ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی گسترده‌اند.



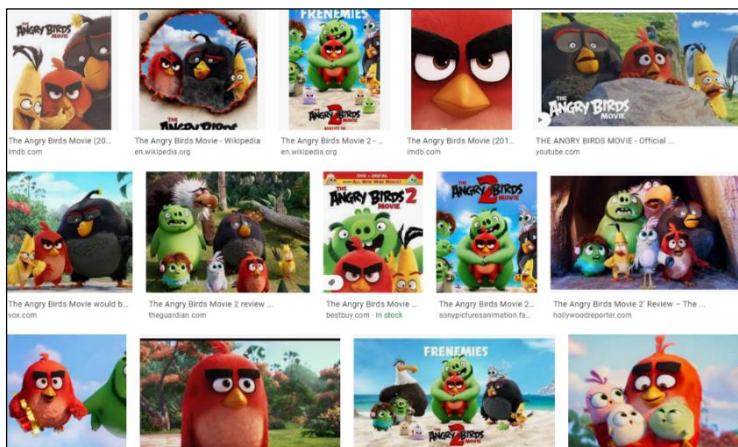
ملاحظه کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و بازی‌های دیجیتالی که کودکان ایرانی کاربر آن هستند، دلالت بر آن دارد که این محتویات در غالب موارد حاوی القائات پنهان زیاد و گسترده‌ای هستند و در مجموع به دنبال ارایه و القای یک نظام ارزشی دنیامدار، لذت‌گرا و پرهوس به مخاطبان خود هستند. به عنوان مثال، کارتون‌های شرک، باب اسفنجی، دهکده لازلو و بازی سیمز، مروج روابط عنان گسیخته دوجنس و هم‌جنس‌گرایی هستند.



کارتون‌ها و پویانمایی‌هایی مانند نیمه ابری، ظهور نگهبانان، نه، شاهزاده مصر و گربه چکم‌پوش، با القانات عقیدتی خویش در صدد نفی دین یا ایجاد تردید در دین و منجی و یا ستایش قوم یهود هستند.



کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و بازی‌هایی مانند پرندگان وحشی، خوک‌های بد، پاندای کونگ‌فوکار، تام و جری، میکی ماس، لوک خوش‌شناس و نظایر آن‌ها، یا دست به نفی رقبای سیاسی غرب زده و یا به ستایش غرب و یا قوم یهود می‌پردازند و سرانجام بازی‌ها، پویانمایی‌ها و کارتون‌هایی مانند نیمه ابری، باربی، پُو و نظایر آن‌ها، ضمن ارایه سبک زندگی امریکایی به کاربران خویش، اهداف تجاری شرکت‌های غربی (مانند مک‌دونالد) را در دستور کار خود قرار داده‌اند.





در بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دبستانی مصاحبه شده، مشخص می‌شود که دانش‌آموزان اخیر تجربیات زیادی در زمینه آموزش‌های غیررسمی دارند. از این تجربیات می‌توان ذیل عناوین: ارتقای اعتماد به نفس، یادگیری همکاری گروهی و تفکر استراتژیک، جهانی اندیشیدن، یافتن نگاه نقادانه نسبت به مسوولان، الگوبرداری از الگوهای مطرح شده در فضای مجازی، مد و مدگرایی، تحول‌های ارزشی، تحول‌های عقیدتی، کاربری از محصولات‌های هرزه‌نگار، کاربری از محصولات‌های پرخشونت و عمده شدن پول، یاد کرد.

نفس ۱۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، گزارش می‌دهد، وی در جریان آشنا شدن با اینترنت، این کارآیی را یافته است که خریدهای خویش را به صورت مجازی انجام دهد:

«- کلاً خرید اینترنتی انجام می‌دی؟

بله.

- مثلاً چی خریدی؟

من از دیجی کالا برای خودم مثلاً بند ساعت هوشمند می‌خرم یا مثلاً اسپیکر خریدم یا مثلاً یه سایتی هست اسمش رنگی رنگیه، لوازم تحریرهای خوشگل دخترونه می‌خرم ازش.

- خرید اینترنتی رو بیش‌تر ترجیح می‌دی یا حضوری؟

آنلاین، چون من دوست دارم وقتم رو کلاً توی مجازی بگذرونم و مثلاً فکر کن ندیدی اون چیزی که سفارش دادی رو بعد یک دفعه پست برات میاره، من اون لحظه رو خیلی دوست دارم،

مثلاً زنگ می‌زنن خیلی خوبه، به خودم یه جواری افتخار می‌کنم که می‌تونم چیزایی که می‌خوام رو آنلاین سفارش بدم».

فرزام ۱۰/۵ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان ساخته است که وی در جریان بازی‌های دیجیتالی خویش با دوستانش، همکاری گروهی و تفکر راهبردی را فراگرفته است:

«- از تبلت چه استفاده‌هایی می‌کنی؟

از تبلت تو همین کلاس آنلاینم با تبلتم وارد می‌شم، توش بازی می‌کنم، بعد ما با دوستانمون مثلاً یهویی بهم پیام می‌دیم، مثلاً دور هم جمع می‌شیم یه دو، سه ساعتی.

- چه بازی‌هایی روی تبلت داری؟

بازی کلش رویال رو که خیلی دوست دارم.

- بازیش چه طوریه؟

یه بازی که توش مثلاً یه ذره جنگیه بازیش، بعد توش قبیله داره و مربوط به سوالیه و این طور چیزاست. مثلاً بازی که اسلحه‌های گرم نداره توش، اسلحه‌های سرد داره.

- چه فرقی بین بازی‌هایی که اسلحه‌های گرم یا سرد دارن، هست؟

چه فرقی؟ این که اسلحه‌های سرد اگه بخوای باهاشون بجنگی، باید نزدیک طرف مقابل بشی، ولی با اسلحه‌های گرم می‌تونی از فاصله‌ی دور هم با طرف مقابل بجنگی.

- این اطلاعات جنگی رو از کجا به دست آوردی؟

خانم دیگه فیلم‌های جنگی نشون می‌ده و تو بازی‌های خودم یا دوستانم می‌بینم، مثلاً بازی جنگی یکیش کلش بود یکی هم بازی کانتر دو».

فرزام ۱۰/۵ ساله و سینای ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از آشنا شدن با برخی از رسوم غربی یا اطلاع‌یابی از واکنش‌های فلان گیمر در ارتباط با برخی از چهره‌های مطرح در فضای مجازی سخن به میان آورده‌اند که این مسأله تداعی‌گر جهانی شدن و یافتن اندیشه‌ای جهانی در آنان است که برخلاف اولیای خویش که غالباً افکارشان در محدوده مرزهای کشور خودشان جولان داشت، نسبت به بسیاری از مسایل جهانی توجه داشته و به ردگیری آن‌ها می‌پردازند که این ویژگی شایسته نام جهانی شدن است، اظهارات فرزام و سینا در مصاحبه‌هایشان به قرار زیر است:

«- الان که نزدیک کریسمس هستیم، یک سری از افراد ایرانی درخت کریسمس تهیه می‌کنن،

نظرت راجع به این مسأله چیه؟

آره خانم، از این کارا می‌کنن که مثلاً نشون بدن خیلی باکلاس و خفن.

- نظرت راجع به این کار چیه؟

نظرم؟ ما که خارجی نیستیم، خودمون نوروز رو داریم، دیگه لازم نیست کریسمس که برای یه کشور دیگه هست رو چیز... جشن اینا بگیریم.

- از اطرافیان و دوستان کسی هست که جشن بگیره با این که مسیحی هم نباشه؟
- آره خانم پارسال بود، نمی دونم پارسال بود، یکی از دوستانم درخت گرفته بود، تزیین اینا کرده بودن با مامان و باباش، بعد فرستاده بود تو گروهی که چند نفری با هم داریم.
- ازش نپرسیدی چرا این کار رو کردن؟
- می گفت باحال و خفنه، می گفت تو اینستاگرام همه با درخت عکس می گیرن و می ذارن اینا».



- «- تو یوتویوب چی می دیدی؟
- من بیش تر گیمر رو دنبال می کردم، ولی باحال ترین شون کیودی پایه.
- کیودی پای کی هست؟
- گیم بازی می کنه، ری اکت می کنه.
- ری اکت یعنی چی؟
- یعنی همون ری اکشن، واکنش نشون می ده به فیلمای دیگه و شوخی می کنه باهاشون.
- چه شوخی هایی؟
- آخه یه کم بی ادبیه.
- حالا می شه بهم خلاصه بگی در مورد چی هست؟
- یه بار اومده بود صدای سرین و عمو جانی رو در می آورد و از این حرفای بد می زد، ولی خنده دار بود.
- خوب این هایی که گفتی کی هستند؟
- سرین که خودش می گه من شاهزاده ایرانم، مسخره بازی در میاره، عمو جانی هم که فیلم بد درست می کنه.
- یعنی چی فیلم های بد درست می کنه؟
- همین فیلمای بد دیگه (در ابتدا انگار خجالت می کشید و نمی خواست در این مورد زیاد صحبت کند).
- تو فیلم هاش رو دیدی؟

راستش آره، چندبار دیدم».

دانش‌آموزان مصاحبه شده در برخی از موارد دست به نقد جامعه و خاصه مسوولان آن زده‌اند. مواجهه دانش‌آموزان با جریان آزاد اطلاعاتی و اطلاع‌یابی از اقصاء نقاط جهان به همراه فعالیت‌های گسترده رسانه‌های خارجی مخالف نظام، دست به دست هم داده، دید دانش‌آموزان را نسبت به جامعه و عملکرد مسوولان آن انتقادی‌تر کرده است که البته برخی از این انتقادات درست و برخی از انتقادهای دیگر نادرست هستند.

محمدحسین ۱۱ ساله در مصاحبه‌اش با مقایسه کارتونها و پویانمایی‌های آن سوی آب با کارتونها و پویانمایی‌های شبکه‌های پویا و نهال، محصول‌های ایرانی را بی کیفیت می‌نامد:

«... شوالیه چی هست؟

شوالیه یه مردیه که یه حالت نيزه تو دستشه سوار اسبشه، وقتی با اسبش می‌ره اینو جلو می‌گیره، بعد مثلاً نيزه پرت می‌کنه، می‌جنگه.

- آدم قوی‌ای هست؟

آره.

- شوالیه متعلق به کدوم کشوره؟

اوووم فکر می‌کنم آمریکا.

- از کجا می‌دونی؟

اخه مدلش آمریکاییه.

- یعنی چی؟

مثلاً خب مدل فیلم‌ها نشون می‌ده که برا کدوم کشوره دیگه.

- خوب مثلاً مدل فیلم‌های ایرانی چه طوره؟

اونا رو که خیلی ندیدم، ولی هر چی مسخره و بی کیفیت باشه، واسه ایرانیه.

- الآن شبکه پویا برنامه‌هاش چه طوره؟

اصلاً کارتون نمی‌ده، همه‌اش در مورد اذان و آخوند صحبت می‌کنه، مثلاً بازی‌هاش هم همه‌اش

مصنوعیه، انگار واقعیت نیست».





فرزام ۱۰/۵ ساله، در حالی که از بیانه‌های سیاسی به شدت پرهیز دارد، دادن شعار مرگ بر امریکا یا آتش زدن پرچم امریکا را نادرست شمرده، وظیفه مسوولان را بیش تر مواردی مانند تهیه تبلت و گوشی برای دانش‌آموزانی می‌داند که به دلیل نداشتن وسایل اخیر، از چرخه تحصیل باز مانده‌اند:

«- نظرت راجع به مسوولان کشور، به فرض مثال رئیس جمهور چیه؟»

خانم ببخشید، اما دیگه بحث داره سیاسی می‌شه.

- کسی بهت گفته که وارد بحث‌های سیاسی نشی؟

بله دیگه مامان و بابام، از این ور اون ور هم شنیدم دیگه، می‌گن خوب نیست و این جور چیزا.

- چرا خوب نیست؟

نمی‌دونم دیگه، می‌گن خوب نیست، مامان و بابام گفتن در مورد این چیزا صحبت نکنم.

- به نظرت علتش چیه؟

نمی‌دونم دیگه خانم (احساس کردم معذب شده است و تمایل به پاسخ دادن ندارد).

- اگر شما به جای رئیس جمهور بودی، چه کارهایی انجام می‌دادی؟

چه کارهایی انجام می‌دادم؟ این قدر شعار مرگ بر امریکا نمی‌دادم، این قدر با امریکا بد رفتار

نمی‌کردم که حالا اونم با ما بد رفتار کنه، تحریممون کنه، پرچم هیچ کشوری رو آتیش نمی‌زدم،

مثلاً برای بچه‌هایی که تبلت اینا ندارن برای آموزش مجازی، تبلت می‌گرفتم.»



سینای ۱۲ ساله که از شبکه‌های خارجی شاهد نقد برخی از مخالفان نظام بوده است، تحت تأثیر

این بیانات قرار گرفته و همان موارد را به عنوان نقدهای شخصی خودش مطرح می‌کند:

«- خوب گفתי کیودی پای حرف‌های بد می‌زنه، ولی خنده داره، می‌تونی بهم بگی چه چیزهایی گفته؟

یه بار اومده بود اتابکی رو مسخره کرده بود، با سرین که به قرآن توهین می‌کنه.
- اتابکی کی هست؟

یه شخصی سیاسی، کلاً از ایران انتقاد می‌کنه، یه عالمه مزاحم تلفنی داره، زنگ می‌زنن به برنامه‌اش مسخره بازی در میارن، دوستم شماره‌اش رو داره.

- دوستت شماره‌اش رو از کجا آورده؟

پیدا کرده، برای منم فرستاد.

- چرا برات فرستاد؟

همین جور، ما زنگ بزنینم.

- خوب این اتابکی چی می‌گه که از ایران نقد می‌کنه؟

سرین و این اتابکی از دولت ایران و رهبری اینا خوششون نمیاد.

- چرا خوششون نمیاد؟

می‌گن ملت آزادی ندارن.

- می‌دونی برای چی می‌گن آزادی نداریم؟

همین به خاطر لباس زنا، مثلاً هر کس هر جور دوست داره بره بیرون، تو خارج بخوان زنا ورزش کنن، نیم تنه می‌پوشن، ولی این جا با چادر باید برن.

- آدم چادر بگذاره خوب نیست؟

نمی‌گم خوب نیست، می‌گم هر کی هر جور دوست داره باشه، اتابکی هم همین رو می‌گه یا

می‌گفت به جای این که قرآن عربی بخونیم و چیزی نفهمیم، به زبان خودمون باید باشه، نه الکی چیزی بگیم که نمی‌فهمیم.

- به نظرت درست می‌گه؟

آره.

- می‌تونیم معنی قرآن رو بخونیم بفهمیم، درسته؟

آره، ولی به زبان خودمون باشه بهتره».

عرفان ۱۰ ساله، با وجود عرق ملی و حمایت‌های کم و بیش زیادی که از کلان نظام در طول

مصاحبه خود دارد، در تحلیل نهایش خویش نشان می‌دهد که آن قدر مفتون جذابیت‌های صوری

کشوری مانند آلمان شده است که آرزوی مهاجرت به آنجا را دارد:

«- به نظرت اوضاع اقتصادی ایران خوب هست؟

نه، اگر خوب بود که برادر من هر روز زنگ نمی‌زد به مامانم بگه، می‌خوام از تهران برگردم، می‌دانی چرا، چون کلی کار می‌کنه، ولی هر چی در میاره، اندازه خرج و خوراک خودشه.

- به نظرت تقصیر کی هست؟

اونایی که تو مجلس ان، خودشان کلی حقوق می‌گیرن، ولی به فکر مردم عادی نیستن.

- به نظرت باید چه کار کنند؟

باید برن کشورهای دیگه یاد بگیرن، ببینن آلمان چه کار کرده که الان بی‌کار نداره، همون کار رو کنن، بالاخره ایران خیلی کشور بزرگیه، برای چه مردم تو فقر باشن.

- دوست‌های خودت هم این جور فکر می‌کنن؟

اونا رو نمی‌دانم، ولی خانواده خودم همیشه از گرانی می‌گن.

- دوست داشتی آلمان بودی که به نظرت این قدر اوضاع اقتصادیش خوب هست؟

نه، ولی آره.

- چرا؟

نمی‌دانم، دوست دارم، کلاً خوشم از او و آب میاد.

- دوست‌های خودت چی، به نظرت اون‌ها از چه چیز اون‌ور آب خوش‌شون میاد؟

نمی‌دانم، ولی شاید به خاطر ماشین‌های آخرین سیستم و ساختمان‌های شیشه‌ای باشه.

- این‌ها رو از کجا دیدی؟

یادم نیست، ولی فکر کنم او و آب این جوریه، همه چی مثل شاهاس.

- یعنی توی ایران ماشین‌های خارجی و ساختمان شیشه‌ای نداریم؟

داریم، ولی اون جا فکر کنم بیش‌تره».



سرانجام امیرعلی ۱۱ ساله که متولد انگلیس هست، به سبب عدم امکان نصب برخی از برنامه‌ها روی گوشی خودش به سبب تحریم بودن ایران، آرزو می‌کند که ای کاش اولیای وی در انگلیس مانده بودند:

«- خوب چرا اپل گرفتی؟»

بیش تر دوست دارم، هم شیکه، هم دیگه بهش عادت کردم.

- چه طوری اپل توی ایران محدودیت داره؟

آپ استور ایران رو تحریم کرده، نمی شه هیچ برنامه‌ای ریخت روی گوشی، یه سیبچه هست که اونم مالی نیست، ولی مشکل، مشکل آیفون نیست، مشکل ایران، همه چی تحریمه این جا، خارج خیلی راحت تره.

- دیگه چی مثلاً؟

همه چی فیلتره این جا، زندگی سخت شده، آدم خوشش نمی‌یاد، همه می‌دونن دیگه.

- زندگی برای تو چه سختی‌های داره؟

همین نبودن برنامه‌ها، فیلترها.

- دوست داشتی ایران نبودی؟

معلومه، من به بابام همیشه می‌گم، چرا از انگلیس برگشتیم، باید اون جا می‌موندیم».



الگوبرداری از الگوهای مطرح شده در کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، فیلم‌ها، سریال‌ها و نظایر آن‌ها، از دیگر یادگیری‌های غیررسمی مهم دانش‌آموزان کاربر فناوری‌های ارتباطی جدید به شمار می‌رود. الگوها چگونه بودن و شدن را به مخاطبان خویش یاد داده، به این ترتیب در جهت دهی ارزشی به زندگی آنان مؤثر واقع می‌آیند. به تعبیر دیگر، الگوها پلی برای انتقال ارزش‌ها به مخاطبان آن‌ها هستند، الگوهای آرمانی ارزش‌های انسانی و الگوهای مبتذل، ارزش‌های مادی و شهوانی را در کاربران‌شان دامن می‌زنند.

نفس ۱۲ ساله که پذیرای الگوی امریکایی نیمه برهنه سوپرگرل بوده است، در مصاحبه خودش اعلان می‌دارد که او برای جذاب تر شدن (که سوپرگرل منادی آن است)، مایل به جراحی زیر پلک چشمش شده است:

«- از کجا می‌ری فیلم می‌بینی؟

از فیلیمو و نماوا، چیزه فینیس رو هم دیدم یا مثلاً سریال شهرزاد.

- این‌ها مناسب سنت هستن؟

بله همه شون هستن.

- حتی سوپرگرل؟

چیزای بد نداره، تخیل زیادی داره ۱۷ سال به بالاست، ولی مثلاً فیلم‌هایی که زیاد چیزی نداره، تو فیلیمو زدن بالای ۱۷ سال، بعد فکر می‌کنن چون تخیلش زیاده بچه‌های زیر این سن الان خودشون رو آتیش می‌زنن، ولی واقعاً این جور چیزا نیست، مثلاً من دیدم هیچ تأثیری روم نداشت که مثلاً خواب بد ببینم، حتی چیزهای خوبی هم داشت، مثلاً من دیگه از اون موقع بازی سوپرگرل می‌کنم و بهم حال می‌ده.

- یعنی چی بازی سوپرگرل؟

یعنی مثلاً من سوپرگرلم، پسر خاله‌ام سوپرمن، بعد پسر خاله کوچیکم هم می‌گه من بتمنم، مثلاً بازی می‌کنیم، بعد یهو یه کسایی مثلاً تو خطرناک، من یه جا رو آتیش می‌زنم، این جور چیزا و مثلاً مثل سوپرگرل می‌رفتم، مشت می‌زدم، جاخالی می‌دادم و اینا.

- چرا سوپرگرل رو دوست داری؟

شاید چون خوشگله.

- چون خوشگله و قیافش قشنگه؟

آره. اخلاقش خیلی خوبه، صورتش خوشگله، موهاش خوش رنگه... .



- از لوازم آرایشی استفاده می‌کنی؟

بله، بعضی موقع‌ها آره، بعضی موقع‌ها نه.

- از چه لوازم آرایشی استفاده می‌کنی؟

مثلاً من تولدها رژ می‌زنم، مثلاً یه کوچولو رژ گونه می‌زنم یا مثلاً ضدآفتاب رنگ‌دار می‌زنم یه جورایی، کرم پودرم یه وقتایی زیر چشمم می‌زنم، مثلاً چون زیر چشم مدلش اینه که گود باشه، بعضی موقع‌ها زیرش می‌زنم که معلوم نباشه.

- چرا اصلاً از لوازم آرایشی استفاده می‌کنی؟

بعضی موقع‌ها، آخه رژ، لبم رو قرمزتر می‌کنه یا مثلاً یه رنگ صورتی لبم رو طوری می‌کنه که من دوست دارم اون رنگی باشه لبم، ولی من از زیر چشم اصلاً خوشم نمیاد.
- چرا؟

چون خیلی گوده همیشه، یعنی نه این که چیزی باشه، خاله‌ام هم همین بوده من به اون رفتم، ولی اون الان خوب شده، ولی من می‌گم اگه قرار باشه بزرگ بشم این خوب نشه یه جورایی باید زیر چشمم رو عمل کنم، این بره.

- چه عملی می‌کنی؟

از این عمل‌ها که می‌گن این زیر چشم و اینا می‌ره.

- چرا آخه باید عمل کنی، مگه اشکالی داره؟

دوستم ندارم، زیر چشمم رو بدجور می‌کنه، مثلاً فکر کن زیر چشمات یه جورایی بنفش مانند باشه همیشه.

- یعنی قیافه خودت رو قبول نداری؟

قیافه خودم رو قبول دارم، فقط زیر چشمم رو قبول ندارم و بعضی وقتا چون عادت کردم، دیگه چیزی نمی‌گم.

- حاضری هر عمل زیبایی برای زیر چشم‌هات انجام بدی؟

اگه ببینم خوب شم، خب نمی‌کنم، ولی مثلاً اگه درد باشه، این عمل رو خب نمی‌کنم، ولی مثلاً اگه درد نداشته باشه یا بخوان بیهوشم کنن، حاضرم».



رهای ۱۱ ساله هم از تصویر پروفایل دوستش به شرح زیر یاد کرده است:

«- شده بچه‌ها عکس ناجور توی گروه بفرستند؟

با مایو آره. ای‌ینا که از این مدرسه رفت، امسال عکس پروفایلش خودش با مایو کنار استخره».

فرزام ۱۰/۵ ساله هم از کپی برداری رقص بلک پینک توسط دوستش به قرار زیر یاد کرده است:

«- چرا دوستت از گروه بلک پینک خوشش میاد؟

نمی‌دونم، شاید چون آهنگ‌های باحالی داره، اصلاً من هم یکی از آهنگ‌هاش رو گوش دادم، خوشم اومد، بدم نیومد.

- دوستت فقط از آهنگ‌های این گروه خوشش میاد؟

نه فقط آهنگ نه، عاشق خواننده‌هاش هم هست.

- از چه ویژگی خواننده‌ها خوشش میاد؟

خواننده‌ها کره‌ای هستن، بعد دیگه مثلاً رقصاشون باحاله، لباساشون و این جور چیزا.

- دوست تو سعی می‌کنه شبیه اون خواننده‌ها بشه؟

خیلی دوست داره، ولی نمی‌شه.

- چرا نمی‌شه؟

چون مثلاً اونا یه لباسایی دارن که اصلاً تو ایران وجود نداره، مدلای عجیب غریب می‌پوشن.

- دوستت سعی می‌کنه مثل اون‌ها برقصه؟

از اونا هم بهتر می‌رقصه (می‌خندد).

- خودش یاد گرفته یا کلاس رفته؟

خودش یاد گرفته، اون ویدیوهای رقصاشون رو این قدر دیده تا یاد گرفته».



مد و مدگرایی، از دیگر مقوله‌های مهمی است که قهرمان‌های مطرح در فیلم‌ها و سریال‌ها و سلبریتی‌ها، بلاگرها و شاخ‌های مجازی به طرح آن پرداخته، هواداران خویش را به این سمت و سو می‌کشند. اظهارات ثریای ۱۰ ساله در مورد تهیه پنهانی لوازم آرایش و کاربری مخفیانه از آن‌ها، مصداقی در همین جهت به شمار می‌آید:

«- توی چه سایت‌هایی بیش‌تر می‌ری؟»

بیش‌تر سایت‌های مد و این که چگونه زیبا بشیم.

- سایت چگونه زیبا شویم، چی هست؟

یه سایتی هست که یاد می‌ده، چه جوری خودمون رو خوشگل کنیم تا جلب توجه کنیم.

- خوب تو از اون روش‌ها استفاده می‌کنی؟

آره، حتماً. مثلاً لوازم آرایش‌هایی که تبلیغ می‌کنه رو از مغازه‌های بیرون می‌خرم.
- مادر و پدرت اجازه می‌دن اون‌ها رو بخری؟
نه بابا، پولای خوراکیم رو جمع می‌کنم، می‌خرم بعد تو کمد قایمشون می‌کنم.
- کجاها از اون‌ها استفاده می‌کنی؟
بعد از مدرسه. معمولاً وقتی هم که خونه می‌خوام برم، پاکش می‌کنم که مامانم نبینه».



همان‌گونه که پیش‌تر یاد شد، الگوها مجرای برای انتقال ارزش‌ها به مخاطبان خویش هستند و با توجه به آن که در ایران شورای عالی فضای مجازی به عنوان متولی فضای مجازی، در عمل برای بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه کودکان، نوجوانان و جوانان و خانواده آن‌ها کار جدی‌ای انجام نداده است، کودکان و نوجوانان ایرانی به طور عمده کاربر محصول‌های غربی شده^۱، بالطبع تحت تأثیر الگوهای ارایه شده توسط این محصول‌ها قرار گرفته و به روش پیشنهادی آن‌ها عمل می‌کنند.

یکتای ۷ ساله که کاربر الگوهای عروسکی کارتونی نظیر باربی هست، اظهار می‌دارد که از او واردی نظیر آرایش (میکاپ) خویش، آرایش دوستان، خرید از فروشگاه‌های لباس و مانند آن‌ها را یاد گرفته است:

«- خوب می‌تونم به من بگی بیش‌تر چه بازی‌هایی می‌کنی؟»

خب یه دونه بازی هست که کلاً انگلیسیه اسمش مای تون هست، من خیلی اون بازی رو دوست دارم یا مثلاً بازی باربی خیلی قشنگه، خب مثلاً یه خونه هست آشپزخونه داره، کیچن داره کلاً، یخچال توش قرار می‌گیره، یخچال توش غذاهای مختلف هست و هر کدوم رو می‌پزیم، وقتی کاراکترای توش غذاها رو می‌خورن، دوباره میاد توی یخچال، دوباره همون شکلی میادش یا توی

۱. منطقی گزارش می‌دهد، در پژوهشی که وی و تنی چند از دانشجویانش در سال ۱۳۹۶ انجام دادند و طی آن الگوهای مورد علاقه ۱۰۰۰ دختر و ۱۰۰۰ پسر ۹-۸ ساله را مورد بررسی قرار دادند، قریب ۹۵٪ این الگوها، الگوهای خارجی بودند. به شکل مشابهی خوراکیان (معاون محتوای شورای عالی فضای مجازی) در همایش فضای مجازی دانشگاه فرهنگیان که در شهریور ۱۳۹۷ برگزار شد، گزارش می‌دهد که تنها ۵٪ از کاربری کاربران ایرانی، بازی‌های داخلی بوده، بقیه کاربری آنان از تولیدهای کمپانی‌های غربی است (منطقی، ۱۳۹۹ الف).

باربی، هر چه قدر بیش تر با اون باربی بازی کنیم، آرایشگاه و فروشگاه لباسش باز می‌شه، مثلاً من این قدر بازی کردم برای من آرایشگاه و لباس فروشی هم باز شده، می‌تونم برم موهایش رو درست کنم، براش لباس بخرم و اینا.

- توی این بازی‌ها شخصیتی هست که دوست باشی جای اون باشی؟
خب خیلی وقتا دوست دارم جای بعضی از انیمیشن‌ها باشم، کاراکترهای انیمیشن‌ها، بعضی وقتا هم توی بازی‌ها دوست دارم جاشون باشم.
- مثلاً می‌تونن یکی‌شون رو مثال بزنی؟
مثلاً دوست داشتم جای کاراکتر باربی باشم.
- چه چیزی از باربی برای تو بیش تر جلب توجه می‌کنه؟
خب مثلاً اونا یک سگ دارن کلاً، نه فقط به خاطر سگ‌شون، کلاً بازی این قدر جذابه که توی تخیلاتم فکر می‌کنم جای اونم.
- اسم خود بازی باربی بود؟
خیلی اسمش رو نخوندم، تا جایی که می‌دونم ماجراجویی در دریم هوس باربی، یکی دیگه هم هست باربی اند فرندز میکاپ».



ثریای ۱۰ ساله هم به صرف مشاهده فریب‌کاری‌های گسترده‌ای که در فضای مجازی شاهد آن‌ها بوده است، کژکاری از فناوری‌ها و فریب دادن دیگران را در این فضا یاد گرفته است. وی در مصاحبه خودش در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«- ثریا جان تو تبلت یا گوشی داری؟»

بله، هر دوش رو دارم!

- راستش من یه تبلت جدید خریدم، ولی نمی‌دونم چه طوری با اون کار کنم، تو بلدی؟
معلومه که بلدم، باید اول از همه برنامه‌های واتساپ و تلگرام و اینستا رو نصب کنی تا بقیه‌اش رو بهت بگم.

- اسم این برنامه‌ها رو شنیدم، می‌تونی توضیح بدی، این برنامه‌ها چه طوریه و با اون‌ها چه کارهایی می‌شه کرد؟
- اینا برنامه‌هایی هستن که خیلی راحت می‌تونن با دوست‌های خودت حرف بزنی و چت کنی. تازه کلی کارهای جالب‌تر هم می‌تونن باهاشون انجام بدی. خیلی کیف می‌ده.
- کارهای جالب، منظورت از کارهای جالب چیه؟
- خوب راستش... سرکار بذاری دیگران رو و اطلاعاتی که خیلی دوست ندارن تو بدونی رو گیر بیاری و بفهمی!
- سرکار بگذارم، خوب تو چه طوری این کار رو کردی، یعنی دقیقاً چه کار می‌کنی؟
- خوب من با این که ۱۰ سالمه، ولی گاهی خودم رو با سن‌های مختلف به کسانی که من رو می‌شناختن، معرفی می‌کردم و باهاشون خیلی راحت حرف می‌زدم.
- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی، منظورت رو درست متوجه نشدم؟
- خوب، وقتی من با یه پسر ۲۵ ساله چت می‌کنم، اگه می‌گفتم من ۱۰ ساله‌ام، سریع بلاکم می‌کرد، سر اون تصمیم گرفتم سن خودم رو بالاتر بگم تا اونا باهام حرف بزnen.
- یعنی فقط با اون‌ها حرف می‌زدی و کار دیگه‌ای نمی‌کردی؟
- راستش از ۲ تا پسر هم سوءاستفاده‌ی مالی کردم.
- چه جوری؟
- راستش بابام برام شارژ موبایل نمی‌خرید. منم از اون پسرا می‌خواستم برام هر هفته شارژ بخرن.
- اون پسرا رو می‌شناختی؟
- نه، اصلاً نمی‌شناختم. اصلاً برام مهم هم نبود بشناسمشون.
- یعنی پسرا برات به راحتی شارژ می‌خریدن، مگه امکان داره؟
- راستش یه کلکی بهشون زدم که راحت برام شارژ بخرن. کافیه یه خرده زرنگ باشی. راحت می‌تونن ازشون پول شارژ به جیب بزنی.
- مثلاً چه جور کلکی زدی؟
- راستش عکس خودم رو توی پروفایل نذاشتم، عکس یه دختر خیلی خوشگل رو گذاشتم و گفتم این عکس خودمه. البته عکس این مدل‌ها رو هم نذاشتم، چون شک می‌کردن.
- یعنی بر مبنای عکس پروفایلت، برات شارژ می‌فرستادند؟
- آره دیگه، باورشون شده بود اون دختره منم. توی پی‌وی گفته بودن تو خیلی خوشگلی، باهامون دوست شو. منم قبول کردم و همه‌اش ازشون درخواست شارژ می‌کردم، به همین راحتی می‌تونن مجانی شارژ بگیرن.
- سن پسرهایی که با تو چت می‌کردند رو می‌دونی؟

راستش حدودای ۲۵ ساله بهم می‌گفتن، ولی من مطمئنم دروغ می‌گفتن. البته برام مهم نیس دروغ بگن، همین که شارژ می‌خرن برام بسه.

- توی کدوم برنامه بیش‌تر از این کارها می‌کنی؟
برنامه کیک.

- چرا کیک، پس بقیه برنامه‌ها رو استفاده نمی‌کنی؟

چرا استفاده می‌کنم، ولی چون برنامه کیک لازم نیس شماره طرف رو داشته باشی، واسه دور زدن بهتره!»

امیرعلی ۱۱ ساله هم با دیدن فیلم‌های نیمه برهنه، طرفدار کاربری از این دست فیلم‌ها شده است

«- بابات اجازه نداد ماهواره بگیرید؟

بله.

- چرا؟

می‌گه برنامه‌هاش مناسب نیست.

- مناسب نیست یعنی چی، می‌دونی؟

یعنی خیلی فیلم‌های لختی پختی نشون می‌ده، سریال‌ها هم صحنه دارن، همه‌اش بوس می‌کنند (با خنده)، بابام خوشش نمیاد.

- تو خودت چی، دلت می‌خواست ماهواره داشتید؟

بله، همه دارن دیگه، الان که همه برنامه‌ها رو می‌شه دانلود کرد، با ماهواره راحت‌تر بود.

- توی خونه‌تون، نظر بقیه چی هست؟

مامانم که اهل تلویزیون نیست، براش فرقی نداره، چند بار به بابام گفت بگیریم، ولی بابام حرف حرف خودش، مامانم هم بی‌خیال شد، داداشم که توی اتاق خودش فیلم می‌بینه.

- تو دلت می‌خواست فیلم‌های به قول خودت لختی پختی می‌دیدي؟

من (مکث) فقط دلم می‌خواست ماهواره داشتیم، کلاً برنامه‌هاش متنوعه.

- به نظرت اون فیلم‌ها که توشون همدیگه رو می‌بوسند یا لباس‌های لختی می‌پوشن، خوبه آدم

بینه؟

خوب نیست، بد هم نیست، اصلاً مهم نیست، اگه خارج زندگی می‌کردیم هم مجبور بودیم ببینیم،

توی خیابوناش هم همینه، برای ایرانیا خیلی همه چیز عجیبه.

- خوب ایرانی‌ها مسلمون هستنند.

من مسلمون نیستم.

- جداً؟

یعنی هستما، ولی مثل بابام نیستم، اون خیلی قدیمی فکر می‌کنه و سخت‌گیره.

- می‌تونی برای من توضیح بدی چه جوری هست؟

به حجاب مامانم گیر می‌ده یا مثلاً همین‌که ماهواره نمی‌گیره، می‌گه این فیلم‌ها بدآموزی داره، می‌گه داداشم نباید دیر وقت بیاد خونه.

- این فیلم‌ها به نظر تو بدآموزی نداره؟

ما که نمی‌خواهیم بریم هر کاری اونا می‌کنن بکنیم، می‌خواهیم ببینیم برای سرگرمی.

- ممکنه که دلت بخواد مثل اون‌ها این کارها رو بکنی؟

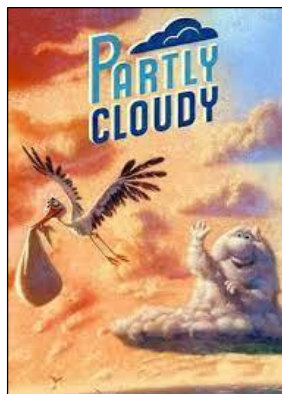
(سکوت) نه، نمی‌دونم.

الگوها هم‌زمان با القائات ارزشی خویش، واجد القائات عقیدتی نیز هستند. منطقی (۱۳۹۹ ب) در زمینه القائات عقیدتی برخی از کارتون‌ها و پویانمایی‌های مورد استفاده کودکان و نوجوانان می‌نویسد: «اگر در این قسمت کارتون‌ها، بازی‌ها و پویانمایی‌هایی که ابعاد عقیدتی را مورد توجه خویش قرار داده، دست به القائات مورد نظرشان در این باب می‌زنند، مورد توجه قرار دهیم، می‌توان از مواردی مانند نیمه ابری، ظهور نگهبانان، نه، شاهزاده مصر و گربه چکمه‌پوش یاد کرد، این کارتون‌ها و پویانمایی‌ها از سویی در جهت ایجاد تردید در اعتقادات دینی کاربران و از سوی دیگر در جهت ستایش قوم یهود عمل می‌کنند.

موضوع پویانمایی نیمه ابری، مسأله آفرینش و طرح دوباره تقابل خیر و شر است.

در تصویر ابتدایی گروهی لک‌لک به تصویر کشیده شده‌اند که بقچه‌هایی به منقار دارند و آن‌ها را جلوی درب خانه‌ها قرار می‌دهند. درون این بقچه‌ها نوزادهایی از گونه‌های مختلف موجودهای زنده، مانند نوزاد انسان، بچه گربه، توله سگ و نظایر آن وجود دارد.

لک‌لک‌ها هر بار به آسمان پرواز می‌کنند و سراغ توده‌های ابری می‌روند که در حال ساخت این موجودها هستند. هر یک از این توده‌ها مشغول ساخت یک نوع از این موجودها هستند که بسیار دوست داشتنی و زیبا ترسیم شده‌اند.



نکته‌ای که در این پویانمایی از همان نگاه آغاز به چشم می‌خورد، زیر سوال بردن وحدانیت خداوند است، چرا که توده‌های ابری که در حال خلق موجودهای مختلف هستند، حکم خالق را دارند که تعدادشان فراوان است و این در نوع خود می‌تواند بنیان‌های توحیدگرایی کودک را متزلزل کند. در جای دیگری از این پویانمایی شاهد خلق نوزاد انسان توسط توده ابری هستیم که پس از دمیده شدن روح در کالبد آن، نوزاد شروع به گریه کردن می‌کند. خالق برای آرام کردن او یک توپ فوتبال آمریکایی با کلاه مخصوص این بازی را برای نوزاد خلق می‌کند و در اختیارش قرار می‌دهد تا او را شادمان سازد. به تعبیر دیگر، در این جا امریکا به عنوان منجی بشریت و کشوری که می‌تواند آرامش را برای بشریت به ارمغان بیاورد، معرفی می‌گردد.

پویانمایی ظهور نگهبانان، با بودجه‌ای معادل بودجه یک‌سال سینمای ایران (۱۴۵ میلیون دلار) در سال ۲۰۱۲ ساخته شد.

داستان این پویانمایی درباره محافظانی است که وظیفه نگهبانی از کودکان جهان را بر عهده دارند، شخصیت‌های اصلی این اثر همگی از افسانه‌های گذشته هستند که تبدیل به قهرمانانی برای نجات کودکان می‌شوند.

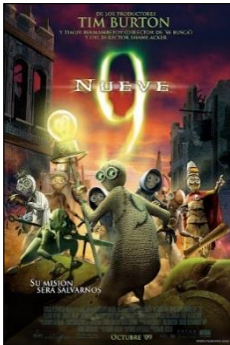
جک فروست در این پویانمایی نقش اصلی را ایفا می‌کند، در برابر جک، مرد اهریمنی در نقش پیچ برای ناامید کردن کودکان و ایجاد هول و هراس در میان آنان نقشه‌ای شوم دارد که گروه محافظان به کمک قهرمان پویانمایی در برابر او ایستادگی می‌کنند.



جک در حالی که نمی‌داند چرا او به عنوان یک منجی انتخاب شده است، در طول پویانمایی کار مقابله با تاریکی و محافظت از کودکان را بر عهده می‌گیرد و در انجام فیلم به کودکان اعلان می‌دهد که منجی در خارج وجود ندارد و منجی نهایی آدمی خود اوست.

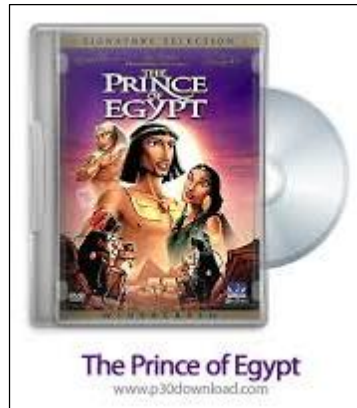
مشابه آنچه در ظهور نگهبانان مطرح شده است، در پویانمایی نه مطرح می‌شود. این اثر حول ماجراهای ۹ عروسک می‌چرخد.

خدای استعاری که در پویانمایی وجود دارد، خالق عروسک‌ها است. او به آن‌ها می‌گوید شما تکه‌ای از وجود من هستید و در سکانشی از فیلم از روح خود به درون آن‌ها می‌دمد. از سوی دیگر مکانی که عروسک‌ها در جریان فیلم به آن پناه می‌برند، مکانی مانند کلیسا را به ذهن متبادر می‌کند که تمثال حضرت مسیح در آن دیده می‌شود و عروسک شماره ۱ که حکم راهبر را دارد با کلاه و ردای بلند و عصا دیده می‌شود که می‌تواند استعاره از پاپ در این کلیسا باشد. عروسک شماره ۱ چهره‌ای سختگیر، محافظه‌کار، بی‌علاقه به پرسشگری نشان داده شده است. این عروسک در اثنای جنگ و گریزها، ناچار می‌شود ردا یا شنل خود را از تن بیرون کند و با به آتش کشیده شدن کلیسا، او عصا و کلاه خود را از دست می‌دهد. اگر آن مکان، مکانی مذهبی و عروسک شماره ۱ نماد روحانی در نظر گرفته شوند، این‌گونه القا می‌شود که دین شکست خورده است و روحانیون مجبور به عقب نشینی از مواضع خود هستند، اما در تقابل با عروسک ۱ که شخصیتی غیر پرسشگر، در انتظار منجی آسمانی و کمک الهی، محافظه‌کار و دارای سن بالا هست که با قواعد فرسوده خود به زندگی ادامه می‌دهد، عروسک شماره ۹ وجود دارد که تفکری ماتریالیستی را از خود به معرض نمایش می‌نهد. شخصیت ۹ شخصی پرسشگر، نقاد، اهل تفکر، جسور، شجاع و جوان است که با تکیه بر هوش و ابزارهای موجود در تقلا است.



حذف و از میان رفتن عروسک ۱ که نماد اسقف‌ها و پاپ‌ها و به طور کلی نماد دین است (و همیشه عروسک ۸ را که بی‌رحم و جلاد صفت است در کنارش حاضر دارد) و ماندن دیگر شخصیت‌ها به نوعی تیشه به ریشه دین زده و علم و تفکر نقادانه و روحیه مبارز داشتن را برای بقا و ساختن زندگی لازم می‌داند، چرا که در گفت‌وگوی پایانی عروسک ۷ به ۹ می‌گوید: «حالا چی میشه؟» و عروسک ۹ جواب می‌دهد: «نمی‌دونم، ولی این دنیا الآن مال ماست باید بسازیمش» که این معنا تلویحاً اشاره به این مسأله دارد که برای ساختن دنیا به دین و روحانی احتیاج نیست. اثر شاهزاده مصر با طرح قوم یهود (یا همان بنی‌اسرائیل) در صدد مطرح کردن مظلومیت قوم یهود و تأکید بر ارض موعود آنان ساخته شده است.

در این پویانمایی، پس از ترسیم تولد حضرت موسی، علیه‌السلام، و به آب سپرده شدن وی و بزرگ شدن پر فراز و نشیب ایشان، چهره حضرت در پیش از بعثت به صورت جوانی زنباره، شهوت‌ران و بی‌خیال ترسیم شده است که این مسأله شأن رسالت وحی و پیامبری را پایین می‌آورد. به همین ترتیب در اثر شاهزاده مصر، حضرت شعیب، فردی عیاش، علیه‌السلام، خوش‌گذران و رقاص تصویر می‌شود که دختران او نیز به تبع پدر زنانی بی‌حجاب، بی‌حیا و رقاص ترسیم شده‌اند.



پویانمایی گربه چکمه‌پوش، حاوی مضامینی مشابه پویانمایی شاهزاده مصر است و با بررسی تطبیقی داستان گربه چکمه‌پوش با زندگی حضرت موسی، علیه‌السلام، مشابهت بسیاری بین این دو ملاحظه می‌گردد.

خلاصه پویانمایی گربه چکمه‌پوش، این است که ابرناسانی به نام منجی وجود ندارد و شأن منجی را می‌توان در حد یک حیوان تخفیف داد که این مسأله خود توهین بزرگی به مسأله ناجی غایی بشر است.

روایت داستان پاندای کنگ‌فوکار ۲ نیز دقیقاً شبیه روایت قوم بنی اسرائیل و حضرت موسی، علیه‌السلام، است.

همان طور که فرعون برمبنای پیش‌بینی پیشگویان خویش تصمیم گرفت، همه نوزادان پسر را از بین ببرد و مادر حضرت موسی او را در سبیدی گذاشت و به آب سپرد، در داستان پاندای کنگ‌فوکار ۲ نیز این ماجرا عیناً تکرار می‌شود، با این تفاوت که شخصیت بزرگ دینی و یکی از پیامبران الوالعظم تقلیل شأن پیدا کرده و در لباس حیوان در آمده است.»



از سوی دیگر وجود انبوهی از بازی‌های مبتنی بر جادو و جادوگری، در عمل به تضعیف دین‌مداری کاربران می‌انجامد، زیرا همان‌گونه که دین با جهان ماوراء‌گره خورده است، جادو و جادوگری نیز با جهان دیگر گره خورده است و کودکان و نوجوانان کاربر کارتونها، پویانمایی‌ها و بازی‌های دیجیتالی مبتنی بر جادو، پس از رسیدن به تفکر انتزاعی، خرافه بودن جادو را خواهند پذیرفت، بنابراین این افراد با توجه به تجربه خود درباره جادو و جادوگری، به سادگی می‌توانند با تعمیم مسأله خرافه بودن جادو به دین و دیانت، (به اشتباه) خرافه بودن دین را هم برای خویش نتیجه بگیرند. یکتای ۷ ساله، در مصاحبه‌اش از انجام بازی‌های مبتنی بر جادو که به حک شدن این مسأله در ذهنش می‌انجامد، به شرح زیر یاد کرده است:

«خوب یکتا جان، بیش‌تر چه فیلم‌هایی رو دنبال می‌کنی؟
مثلاً مورد علاقه‌ام، باری، پیا پیگ، بعد مثلاً سوفیا، کلاً کارتونها‌ی دخترونه که هیجان انگیز باشن رو خیلی دوست دارم.

- از چه لحاظ هیجان انگیز هستن، می‌تونن بگی؟
خب مثلاً کارایی که توشون می‌کنن، مثلاً پیا پیگ بعضی رفتاراش یه خورده خنده آور، باری خیلی کاراش جالبه و خب بهم خیلی کمک می‌کنن و بهم ایده می‌دن.

- چه ایده‌هایی؟
مثلاً کمک می‌کنن، من هی فکر می‌کنم، هی دوست دارم یه مشکلی رو حل بکنم، مثلاً وقتی یه مشکلی دارن، مثلاً توی کارتون سوفیا یه گردنبندی داره، جادویی، بعد این به یه بچه جوجه کمک می‌کنه، بعد گردنبندش جادویی می‌شه و هر وقت به مشکلی بر می‌خوره، یکی از پرنسس‌ها مثل سیندرلا یا بقیه‌ی پرنسس‌ها هر کدوم که بتونن اون مشکل رو حل کنن، از توی گردنبند میان بیرون و بهش کمک می‌کنن، خب این کارتونها باعث شد منم همه‌اش بخوام مشکلات دیگران و خودم رو حل کنم و خودم و بقیه رو خوشحال کنم».

یکی از مهم‌ترین آموزش‌های غیررسمی کودکان و نوجوانان کاربر فضای مجازی، برخورد با محصول‌های هرزه‌نگار نرم و سخت^۱ است و بسته به کنترل و نظارت خانواده، مواجهه اخیر کودکان و نوجوانان با این مقوله در فضای مجازی کم و یا زیاد خواهد بود.

اظهارات عرفان ۱۰ ساله و امیرعلی ۱۱ ساله، حکایت از برخورد این دانش‌آموزان با هرزه‌نگاری نرم در محصولات عرضه شده در فضای مجازی است:

«... داشتیم پلی دو بازی بازی می‌کردیم، پسر فامیلمون گفت بیا فیلم ببینیم، فک کنم اسمش کماندار بود، سیصد، چهارصد قسمتی بود، ما یک قسمتش رو دیدیم که یه زن و مرد عاشق هم شدن، همدیگه رو بوس می‌کردن، منم دیگه گفتم، نمی‌خوام ببینم.»

- خوب این که دو نفر همدیگه رو بوس کنن، به نظرت کار بدی هست؟
آره.

- تو نباید ببینی یا بزرگ‌ترها هم نباید ببینن؟
نه اونام نباید ببینن، کار اشتباهیه.

- به نظرت افرادی که این کارها رو انجام می‌دند، اون‌ها رو از کجا یاد گرفتن؟
فضای مجازی.

- از چه چیز فضای مجازی؟

۱. پورنوگرافی سخت یا پورنوگرافی هاردکور به فیلم یا عکس‌هایی گفته می‌شود که شامل فرم‌های آشکار سکس هستند و در آن‌ها اعمال جنسی آشکار و هنجارشکن دیده می‌شود. پورنوگرافی هاردکور اغلب به صورت عکس در مجلات و در اینترنت یا فیلم‌ها نمایش داده می‌شود و همچنین می‌تواند کارتون هم باشد. پورنوگرافی هاردکور از سال ۱۹۹۰ به طور گسترده بر روی اینترنت انتشار یافت.

این اصطلاح در نیمه دوم قرن بیستم ابداع شد تا از پورنوگرافی سافت‌کور مجزا شود؛ مورد اخیر ممکن است رابطه جنسی شبیه‌سازی شده باشد یا دامنه و شدت نشان دادن فعالیت‌های جنسی را محدود کند.

انتشار پورنوگرافی‌های هاردکور تا نیمه دوم قرن بیستم به طور گسترده ممنوع بود تا این که برخی از کشورها شروع به آزاد کردن پخش پورنوگرافی‌های سافت‌کور کردند. در حال حاضر عرضه آن توسط یک سیستم درجه‌بندی فیلم و واریسی مستقیم پایانه فروش کنترل می‌شود که محدودیت آن شامل ممنوعیت تقاضای فروش، اجاره یا دادن این نوع فیلم‌ها در قالب دی‌وی‌دی یا فایل‌های کامپیوتری و غیره به افراد زیر سن قانونی می‌شود. نمایش عمومی و نیز تبلیغات برای پورنوگرافی هاردکور نیز مثل توزیع میان افراد خردسال، اغلب ممنوع است.

اکثر کشورها به وسیله قانونی کلی یا با عدم اجرای قوانین سنگین از محدودیت انتشار تصاویر جنسی کاسته‌اند. دانمارک در سال ۱۹۶۹، اولین کشوری بود که پورنوگرافی را قانونی اعلام کرد. در ایالات متحده قانونی شمردن پورنوگرافی بر اساس قانون آزادی حق بیان از ایالتی به ایالت دیگر و نیز از شهری به شهر دیگر متفاوت است. در بریتانیا پورنوگرافی هاردکور تا سال ۲۰۰۰ ممنوع بود و بعد از آن آزاد اعلام شد. البته جنبش ضدپورنوگرافی غالباً مخالفت شدیدی در برابر قانونی شدن پورنوگرافی هاردکور از خود نشان داده است.

کانال، کانال‌های بی‌تریبیتی».

«... من از یکی خوشم اومده، ولی اصلاً باهاش هنوز حرف نزدم.

- دلت می‌خواد حرف بزنی؟

بدم نمی‌یاد، ولی فرصت نشده، یه کمی هم روم نمی‌شه، شاید یه روزی توی پی‌وی بهش پیام

دادم.

- پی‌وی چی هست؟

مخفف پرایوت مسیج هست، یعنی پیغام خصوصی برای خودش.

- حالا چی می‌خوای بهش بگی؟

بهش فکر نکردم.

- حالا واقعاً ازش خوشت میاد؟

بله، دختر خوبیه، ولی اون جوروی نیستم که عاشقش باشم.

- می‌دونی عاشق بودن چه جوروی هست؟

بله.

- از کجا می‌دونی؟

توی فیلما دیدم.

- چه جوروی هست؟

یه دختر و پسری که خیلی خیلی همدیگه رو دوست دارن، دل‌شون می‌خواد بوس کنن هم رو،

یعنی بوس می‌کنن، بغل می‌کنن، با هم آرامش می‌گیرن، از دوری هم گریه می‌کنن.

- این‌ها رو توی چه فیلمی دیدی؟

توی یه فیلم ندیدم، توی خیلی از فیلم‌ها هست...

- مثلاً چه فیلم‌هایی؟

من بیش‌تر فیلم‌هایی که داداشم دانلود می‌کنه رو می‌بینم.

- یواشکی؟

فیلم‌هاش رو می‌فرسته توی فلش، من خودم یواشکی برمی‌دارم می‌بینم.

- با چی می‌بینی؟

با لپ‌تاپ.

- لپ‌تاپ مال خودت هست؟

مال همه‌مونه، مال خونه هست.

- داداشت چی؟

مال اون جداست.

- اون فیلم‌ها هم صحنه دارن؟
بعضیاشون دارن، بعضیاشون نه».
- بیانات فرزام ۱۰/۵ ساله، حکایت از برخورد دوست وی با هرزه‌نگاری سخت است:
«- تا حالا شده برای دوست‌های تو در فضای مجازی اتفاقی افتاده باشه؟
واسه دوستام؟
- بله برای دوست‌ها، هم‌کلاسی‌ها یا هر کسی که می‌شناسی.
اوووممم (مکث می‌کند) راستش یه بار یکی از هم‌کلاسی‌هام تعریف می‌کرد که داخل اینترنت فیلم‌های بی‌تربیتی می‌دید.
- چه فیلم‌هایی؟
خانم می‌شه نگم؟ آخه خیلی بده.
- فرزام جان اصلاً نگران نباش، این صحبت‌ها بین خودمون می‌مونه، به مدرسه یا به مامان و بابات هم گفته نمی‌شه، راحت باش عزیزم.
آخه خانم لطفاً نگم دیگه.
- فیلم سینمایی بود؟
نه (سکوت می‌کند متوجه می‌شم خیلی معذب شده است)، از اون فیلما که کارای بی‌تربیتی می‌کنن، لباس ندارن.
- هم‌کلاسی تو چه طوری به اون فیلم‌ها دسترسی پیدا کرده بود؟
می‌گفت یه بار گوشی مامانش دستش بوده، بعد مثلاً می‌خواست فیلترشکن مامانش رو نصب کنه، اون وقت یه تبلیغ میاد که از اون فیلما داشته، اونم می‌زنه روش برایش باز می‌شه، نشون می‌ده، بعد می‌گفت اسم سایتش رو هم نوشته یه جا».
- اظهارات ثریای ۱۰ ساله هم دلالت بر آن دارد که ثریا در سن کم خودش در جریان چت با غریبه‌ها، وارد مقوله سکس چت شده است:
«- گفتم اطلاعاتی که دیگران دوست ندارن تو بدونی رو با این برنامه‌ها گیر می‌آری. منظورت دقیقاً چه جور اطلاعاتی هستن؟
خوب، راستش خجالت می‌کشم بگم. اگه بگم، به کسی نمی‌گی؟
- نه، نمی‌گم، فقط کنجکاو شدم، چه طوری می‌شه اطلاعات به دست آورد؟
راستش وقتی سنم رو بالا بگم، فکر می‌کنم من مسایل راجع به کارهایی که دخترا و پسرا می‌کنن رو هم می‌دونم، پس راجع به اونا با هم حرف می‌زنیم و منم خودم رو طوری جلوه می‌دم که انگار خیلی می‌دونم و اونا هم همه‌اش راجع به این مسایل حرف می‌زنن و منم اطلاعاتم توی این چیزا بالا می‌ره.»

- چه جور مسایل دختر و پسری؟
- این که پسرا توی بدن شون چی دارن که دخترا ندارن و برعکس.
- اون وقت اونا هم بهت جواب می دن؟
- آره. تازه خیلی بیش تر از اون چیزی که فکر می کنم، بهم می گن.
- یعنی چی بیش تر از اون چیزی که فکر می کنی؟
- یعنی این که من چه طوری درست شدم و به دنیا اومدم و یا وقتی زن و مردا تنها باشن، چه کارهایی می کنن. من اصلاً اینا رو نمی دونستم، اما حالا بلدم.



کاربری کودکان و نوجوانان دبستانی از محصول های پر خشونت و فراپرخاشگرانه، سبب می شود حساسیت آن ها نسبت به خشونت و پرخاشگری کاهش یابد.

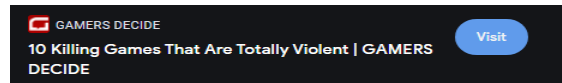
کودکان و نوجوانان اگر چه در ابتدا ممکن است در کارتون ها و بازی های دیجیتالی غربی با مواردی مانند جنگ ستارگان مواجه شوند و در جریان بازی موظف به از بین بردن موجودهای فرازمینی شوند، اما در ادامه کاربر محصول هایی مانند زامبی شده و بعد انواع خشونت ها را در کارتون هایی نظیر کارتون تام و جری تجربه می کنند و در ادامه روند حساسیت زدایی شدن خویش با کشتار انسان ها مواجه شده و اقدام به آن می کنند. روند اخیر چنان برنامه ریزی شده پیش می رود (و مثلاً کودک چنان به فکر بردن جایزه بازی است که اصلاً به آدم کشی که در پیش گرفته است، نمی اندیشد) که همان کودکی که در ابتدای کودکی، اوجی از عطف و لطف به موجودات مختلف را در خود عیان می کرد، بعدها از در بازی های دیجیتالی پاشیده نشدن خون به صحنه، شکایت کرده و ابراز ناراحتی می کند.

امیرعلی ۱۱ ساله، در نمونه ای از این پرخاشگری ها، چنین می گوید:

«- این بازی چه طوری هست؟»

تیم های چندنفره تشکیل می دیم، باید بریم دشمن رو بکشیم، بعد مپ های مختلف داره.

- دشمن‌ها هم آدم هستن، یعنی یکی هست که جاشون بازی می‌کنه؟
- بله، اونا هم یکی داره جاشون بازی می‌کنه، باید دشمن‌ها رو بکشیم.
- از کشتن خوشت میاد؟
- خیلی حال می‌ده، وقتی تیر می‌زنی خون‌شون می‌پاشه، شپلخ (از خودش صدا در آورد).
- خیلی خشن نیست؟
- نه دیگه، بازیه، جنگ واقعی که نیست، من از کشتن واقعی اصلاً خوشم نمیاد، ولی این برای سرگرمیه. خاله خیلی دقت و سرعت مهمه، من خیلی سرعتم بالاست، اگه مامان خانوم بذاره».



- عمده شدن مقوله پول در کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های آن سوی آب، مسأله مهم دیگری است که در زمره یادگیری‌های غیررسمی کاربران خردسال و نوجوان محصول‌های غربی قرار می‌گیرد.
- نظام سرمایه‌داری با قداست بخشیدن به پول، در عمل می‌کوشد تا ضمن تأیید خطمشی خویش، اندیشه محوری خود را در اذهان کاربران محصولات فرهنگی خودش نهادینه سازد.
- سینای ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، وی نظیر برخی از شاخ‌های مجازی، در پی بالا بردن فالورهای صفحه خودش است تا با تبلیغات مبتنی بر آن، پول به دست بیاورد و در ادامه با زدن سایت شرط‌بندی و قمار به انبوهی پول دست یابد:
- «- خوب تو اینستاگرام چه پیج‌هایی رو دنبال می‌کنی؟
آدمای عادی و بعضی از آدمای معروف و سلبریتی‌ها.
- می‌تونن چندتا مثال برای من بزنی؟
خب من آرمان د فریک، پویان مختاری، میلاد خواه، عرفان علیرضایی رو دنبال می‌کنم.
- خوب آرمان د فریک کی هست؟

پستای باحال می‌ذاره از کاراش، ایده‌های احمقانه رو امتحان می‌کنه یا گاهی اوقات تکست می‌نویسه.

- the frik یعنی چی؟

معنیش ترفنده.

- مگه چه کارهایی می‌کنه؟

چیزایی که تو اینستاگرام می‌ذارن، امتحان می‌کنه ببینه واقعی هست یا نه.

- مثلاً چه چیزهایی؟

آخرین فیلمی که گذاشت کلم قرمز و نمک و سرکه ریخت، بعد پیرهن سفیدش رو گذاشت توش رنگی شد. کلاً از این جور کلیپا درست می‌کنه.

- تو هم تا حالا شده کارهاش رو انجام بدی؟

آره یه بار اومدم موشکی که درست کرده، درست کنم.

- موفق شدی؟

آره.

- گفתי تکست می‌نویسه، چه تکست‌هایی؟

رپ اینا، الان می‌فرستم برات...

- نظر خودت در مورد کلیپش چی هست، به نظرت درست می‌گه که درس خوندن بی‌فایده هست؟

آره، ما باید دنبال علاقه خودمون بریم، همه‌اش مامانا دوس دارن ما درس بخونیم، ولی همه چی

که درس نیست، الان منم پیجم بره بالا، دو روز دیگه یه عالمه تبلیغ می‌ذارم.

- تبلیغ برای چی بگذاری؟

پول در بیارم.

- با تبلیغ گذاشتن در اینستاگرام می‌دونی چه قدر می‌شه پول در آورد؟

آره بعضیا هفته‌ای ۶ میلیون در میارن...

- خوب سینا تو هر روز لایو می‌گذاری؟

نه.

- چه زمان‌هایی لایو می‌گذاری؟

هر موقع حوصله‌ام سر بره.

- استوری گذاشتی پویان مختاری رو تگ کردی، اون‌هایی که پستاش رو نمی‌بینن برن ببینن

حال کنن، خودت پیجش رو همیشه دنبال می‌کنی؟



- آره، من هر روز استوریش رو می بینم، پویان خیلی لاکچریه.
- می دونی پویان مختاری چه جوری پول درمیاره؟
خواننده اس دیگه، سایتم داره.
- سایت چی؟
شرط بندی.
- تو سایت شرط بندی سر چی شرط می بندی؟
سایت حضراتش برای فوتبال و بازی هم هست، بیش تر نمی دونم، ولی می دونم خیلیا اون جا می برن.
- از کجا می دونی؟
خودش استوری می ذاره، بعد کسایی که پول بردن، بهش پی ام دادن.
- خودت اگه می تونستی انجام می دادی؟
آره، وقتی تو چند دقیقه می شه خیلی پول بگیرم، عالیه دیگه.
- دوست داری سریع پول دربیاری؟
آره، به جای این که یه عالمه تلاش کنی، می شه راحت پول درآورد، خوبه که، پیش بینی می کنیم یه چیزی رو و این جوری دیگه، نمی شه گفت گناهه، چون ما خیلی چیزا رو دیگه پیش بینی می کنیم. دیگه الان همه سایت شرط بندی زدن، هم تفریح و هم پول در آوردن، منم شاید بزرگ شدم سایت بزnm.



- که پول در بیاری؟
آره.

- پس از هر راهی بتونیم پول در بیاریم اشکالی نداره؟
نه.

- اگه دزدی کنیم چی؟
دزدی بده، ولی این که دزدی نیست».

۱۸-۳- والدگری الکترونیک

فضای جهانی شده، الزام‌های جدیدی را با خود به همراه آورده است که یکی از این الزام‌ها، ضرورت والدگری الکترونیک^{۲۱} است. به این معنا که اگر در گذشته، خانواده‌ها در جهان واقع، موظف به حفظ و حراست کودکانشان از عوامل آسیب‌زای بیرونی و تدارک شرایط رشد علمی- فرهنگی- اجتماعی- عقیدتی آنان بودند، در حال حاضر با شکل‌گیری و تحقق فضای جهانی شده، ضرورت دارد اولیا علاوه بر محافظت و مراقبت از فرزندانشان در جهان بیرون، حفظ و حراست از فرزندانشان در فضای مجازی را نیز برعهده بگیرند تا نقش والدگری الکترونیک خود را نیز انجام دهند. به این معنا که اولیا با توجه به سایه گستر شدن کاربری از رسانه‌های جدید و فضای مجازی، باید ضمن بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه فرزند از فناوری‌های ارتباطی جدید، در ادامه کاربری کودک از این فناوری‌ها، نظارت دقیق و مشفقانه خویش را اعمال کنند تا مبادا فرزند دل‌بند آنان در جریان ورود در دنیایی که بسیاری از افراد بدان‌دیش و بزه‌کار به دلیل گم بودن هویتشان، با خیال آسوده برای سوءاستفاده‌های خویش به آن روی آورده‌اند، از افراد بدکار و بد اهل آسیب بخورند.



1. Electronic parenting (e-parenting) or Digital parenting

رابرتز^۱ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای که با عنوان «والدین کودکان سایبری باید چه کار بکنند»، تهیه کرده است، خاطرنشان می‌سازد، با وجود آن که کودکان در برخورد با فضای مجازی از برخی از فرصت‌های موجود در این فضا برخوردار می‌گردند، اما باید دانست که فضای اخیر تهدیدهایی نیز برای کودکان در بردارد و ضرورت دارد که اولیا برای محافظت فرزندانشان از تهدیدهایی که در فضای مجازی فرزندان آن‌ها را تهدید می‌کند، رأساً وارد صحنه شده، حفظ و حراست از کودکانشان را در فضای مجازی محقق سازند.



برای تحقق والدگری الکترونیک ضرورت دارد که در درجه نخست در سطح جامعه بسترسازی فرهنگی لازم جهت کاربری بهینه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته صورت پذیرد و مسوولان فرهنگی جامعه با عنایت به فرصت و تهدید بودن فضای مجازی، سعی کنند با بسترسازی فرهنگی لازم، از میزان تهدید فناوری‌های ارتباطی جدید و فضای مجازی کاسته، بر میزان فرصت‌های آن بیفزایند. اولیای فرهنگی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در تلاش برای افزایش فرصت‌های فضای مجازی و کاهش تهدیدهای آن، با پیش گرفتن اقداماتی مانند: ریختن ادبیات فاخر در فضای مجازی، تهیه وبسایت‌های مناسب، درجه‌بندی بازی‌ها، تهیه وسایل کمک آموزشی، تهیه ابزارهای کنترل اولیا و نظایر آن، ضمن دادن شناخت لازم به اولیا در مورد فراز و فرودهای رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، امکان نظارت و کنترل آنان در مورد کاربری بهینه فرزندانشان از فضای مجازی را فراهم آورند. اما به دلیل آن که در ایران، نگاه‌های فرهنگی موجود، در غالب موارد همسو با تجربه بشری «افزایش فرصت‌ها و کاهش تهدیدهای فضای مجازی» نبوده است، این فضا به دلیل آسیب‌های احتمالی‌اش نفی می‌گردد. بنابراین خطمشی اخیر با فرصت‌سوزی، فرصت بسترسازی فرهنگی مناسب را از جامعه می‌گیرد.



در شرایط پیش گفته، برخی از اولیا، با احساس مسوولیت در برابر فرزندشان، شخصاً بار کاستی‌های اجتماعی را تحمل کرده، می‌کوشند تا با بسترسازی مناسب در این جهت، فرزندشان را از آسیب دیدگی در جریان کاربری از رسانه‌های دیجیتال مصون نگه دارند. از این دسته از اولیا می‌توان با عنوان «اولیای مسوول در والدگری الکترونیک» یاد کرد.



برخی از اولیای دیگر را می‌توان اولیای ناهماهنگ نامید. این دست از اولیا به دلیل اختلاف دیدی که در مورد کاربری یا عدم کاربری و میزان کاربری احتمالی فرزندشان از رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، با یکدیگر دارند و تلاشی در جهت رفع اصولی و عقلانی اختلاف نظرشان نمی‌کنند، در عمل عرصه‌ای فراهم می‌آورند که کودک آنان در میان دیدهای مبتنی بر نفی و اثبات اولیا، به کاربری خویش از فناوری‌های ارتباطی جدید ادامه داده، تحت تأثیر القائات آن‌ها قرار بگیرد. از این اولیا می‌توان با عنوان «اولیای ناهماهنگ در امر والدگری الکترونیک» یاد کرد.



گروه دیگری از اولیا، بدون توجه به مسوولیت والدگری الکترونیک خویش و بدون عنایت به فراز و فرودهای رسانه‌های دیجیتال و جهان مجازی، با بی‌تفاوتی نسبت به کاربری فرزندشان از بازی‌های دیجیتالی و فضای مجازی، از کنار این مسأله مهم عبور می‌کنند. این گروه از پدران و مادران شایسته عنوان «اولیای غافل در امر والدگری الکترونیک» هستند.



سرانجام گروهی از اولیای ناشایست هستند که به دلیل عدم کفایت اخلاقی، نه تنها واجد شرایط کمک به کودکان در مواجهه با فضای مجازی نیستند، بلکه به دلیل رفتارهای سوء و کژکاربری احتمالی که شخصاً از فضای مجازی دارند، در عمل موجب کاربری نامناسب فرزندشان از رسانه‌های جدید و فضای مجازی می‌گردند که از این دسته از اولیا می‌توان با عنوان «اولیای مسأله‌دار در امر والدگری الکترونیک» یاد کرد.



با بررسی مصاحبه‌های مندرج در فصل دوم کتاب، می‌توان از خانواده‌های محمدصالح ۱۰ ساله و یکتای ۷ ساله، به عنوان خانواده‌های مسوول در امر والدگری الکترونیکی^۱ یاد کرد.

۱. از آنجا که در این قسمت تنها مسأله والدگری الکترونیکی مد نظر است، نمونه‌های محمدصالح و یکتا کنار هم درج شده‌اند، اما اگر بخواهیم با دیدی کلان‌نگر به شیوه‌های تربیتی افرادی مانند محمدصالح و یکتا بنگریم، می‌توان از تربیت یک بعدی در برابر تربیت جامع سخن گفت، به این معنا که بسیاری از اولیا به صرف این که امکانات پیشرفت علمی را برای فرزندشان فراهم آورده‌اند، کار خود را در تربیت و پرورش فرزند تمام شده می‌پندارند، حال آن که چنین نیست و در کنار بسترسازی برای پیشرفت علمی کودکان، ضرورت دارد که خانواده‌ها برای اخلاقی و نوع‌دوست بار آوردن فرزندانشان طرح و برنامه داشته باشند، همان طور که لازم است برای تربیت اجتماعی، فرهنگی، زیباشناختی، زیست محیطی، سیاسی، اقتصادی و عقیدتی فرزندشان برنامه داشته باشند.

محمدصالح و یکتا در مصاحبه‌هایی که دارند، به شکل غیرمستقیم از والدگری الکترونیکی اولیایشان به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- این نرم افزارهایی مثل پینترس رو گفتم بابات به تو معرفی کرده، بقیه نرم افزارها رو چی، بابات معرفی می‌کنه یا خودت می‌گردی پیدا می‌کنی؟»

بازم گشتن من کنار پدرم هست، مثلاً پدر می‌گه، بین پسریم اگه می‌خوای راجع به فلان چیز بگردی بیا کنار خودم، من به کلیدواژه بهت معرفی می‌کنم، اونو سرچ کن، اون جا می‌تونی نرم افزار مناسب رو پیدا کنی.

- پس دستت بازه که در گوگل سرچ کنی یا در گوگل پلی بچرخ؟
البته با نظارت پدر و مادر.

- چرا، ممکنه مشکلی داشته باشه؟

اون هم ممکنه بدآموزی داشته باشه یا چیز غلطی داشته باشه، شاید ظاهرش هم غلط به نظر نرسه، ولی چیز درستی نداشته باشه.

- نظر پدر و مادرت راجع به کارتون‌هایی که می‌بینی چیه؟

کارتون هم دو رو داره، یه روش می‌تونه ذری وری باشه، یه روش می‌تونه آموزنده باشه، یادآور تاریخ قدیم باشه و این که اصلاً به پندی نشون بده.

- می‌دونم، بابات موافقه و تو رو در این زمینه تشویق می‌کنه؟

وقتی اون چیز خوب باشه و اخلاق‌های بدی رو یاد نده، خُب اوناهم مخالفتی ندارن. هم آدم رو رشد می‌ده و هم آدم رو می‌خندونه.

- یعنی بابا خودش توی دیدن کارتون با تو همراهی می‌کنه؟

بله، خودش بعضی وقتا می‌گه میایی کارتون ببینیم، و با هم می‌بینیم و می‌خندیم.

- این تحلیل‌هایی که از کاتون‌ها می‌دی مال خودت هست یا از بابات شنیدی؟

متأسفانه بسیاری از کسانی که در مراکز نظیر سالمندان کهریزک به سر می‌برند، کسانی هستند که فرزندانشان را به مدارج بالای علمی رسانده‌اند، اما در نهایت این فرزندان در سن پیری اولیا، آنان را در مراکزی مانند کهریزک رها کرده و حتی حاضر به سر زدن به آن‌ها نیستند. این تجربیات تلخ روزمره، شکست تربیت یک بعدی را به معرض دید می‌گذارد، حال آن که در تربیت چند بعدی یا جامع چنین نیست.

بررسی نمونه‌های یکتا و محمدصالح نشان می‌دهد که اولیای یکتا به طور عمد در صدد ارتقاء و پیشرفت علمی فرزندانشان هستند و به موارد دیگر در تربیت فرزندانشان بی‌توجه هستند، حال آن که کاربری یکتا از الگوی عروسکی - کارتونی باری، می‌تواند وی را در آینده، فردی همچون باری بار بیاورد که اوج طنازی، عشوه‌گری، هواپرستی، مصرف و مصرف‌زدگی را در خودش به نمایش بگذارد، حال آن که اولیای محمدصالح در کنار تربیت علمی فرزندانشان، به ابعاد دیگر تربیتی وی نیز توجه کرده، ضمن تربیت دینی و اخلاقی فرزند، وی را تشویق به انجام کارهای هنری یا یادگیری مهارت‌هایی برای انجام برخی از فعالیت‌های اقتصادی نیز ترغیب کرده‌اند.

بنابراین در امر تربیت نباید تک بعدی اندیشید و در جریان اندیشه به این مهم باید، تربیتی جامع را مدنظر قرار داد.

نه، خودم می‌گم.

- تو بعد از دیدن کارتون، با کسی در مورد اون کارتون گفت‌وگو می‌کنی؟
هر کارتون‌ی که رازی داره که اگه اون راز رو نفهمیده باشی، مثلاً می‌تونم با پدر و مادر درباره‌ی کارتون صحبت کنی تا بفهمی، بعدشم که وقتی خانوادگی از کارتون لذت بردیم، می‌نشینیم در موردش با هم گپ می‌زنیم، می‌گیم یادته این جاش اون جوریه؟ راستی دیدی این جاش چه قدر مهم بود؟ اون جاش چه قدر خنده‌دار بود؟ یعنی فقط در مورد پیام‌های کارتون صحبت نمی‌کنیم، در مورد جاهای خنده‌دار و باحالش هم حرف می‌زنیم».

«- یکتا تا حالا شده تو از بازی‌های اکشن استفاده کنی؟

بازی کشتنی و اینا یه بار نصب کردم، ولی مامانم گفت پاکش کن، پاکش کن، پاک کردم، ولی بازی ماشینی و اینا دوست دارم، اجازه می‌دن بازی‌های ماشینی رو بازی کنم، فقط بازی‌های کتکی که اعصاب آدم رو خورد می‌کنه، می‌گن پاکش کن.

- تا حالا شده بازی‌هایی که می‌گی اعصاب آدم رو خورد می‌کنه رو بازی کنی، می‌خوام ببینم خودت هم این رو حس کردی؟

نه، این قدر جالب بوده نه، ولی یه بازی که نصب کردم و پاکش کردم، این بود که یه آدم قهرمانی می‌رفت بقیه رو با تفنگ و اینا نجات می‌ده و دزدا رو می‌کشه، خودم تعجب می‌شد که یه عالمه دزد با یه آدم قهرمان یه ساختمانمون رو محاصره کرده باشن و یه آدم این قدر قوی باشه، فکر کردم مامانم می‌گه این رو پاک کن، من اشتباهی پاکش کردم، ولی خب درست نبود بازی کنم.

- چرا به نظرت درست نبود؟

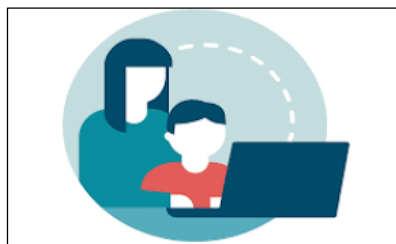
خب چون خیلی قهرمان بازی و تفنگ و اینا بود، فکر کردم مامانم می‌گه از این جور بازی‌ها بازی نکن، داره این رو می‌گه، ولی من خودمم دیگه احساس کردم به درد سنم نمی‌خوره.

- خوب دلیل این که حس کردی به سنت نمی‌خوره رو می‌تونم بگی؟

چون تفنگ و اینا توش بود و می‌دونم مامانم هم خوشش نمی‌اد.

- خوب با اینستاگرام آشنایی داری؟

بله، یه خورده باهاش آشنایی دارم، خیلی وقت‌ها مامان دستور غذا توش می‌بینه یا مثلاً صبح یه فیلم خیاطی شلوار پیدا کرد به منم نشون داد، من خیلی به خیاطی علاقه‌مندم».



با بررسی مصاحبه‌های گزارش شده در فصل دوم کتاب، می‌توان از اولیای محسن ۹ ساله و امین ۱۰ ساله، به عنوان اولیای کم توجه و ناشایست در امر والدگری الکترونیکی یاد کرد، زیرا اولیای محسن از فناوری‌ها به صورت پرستار الکترونیک سود برده، اولیای امین نیز به چند تذکر تنها در مورد مواجهه فرزند با جذابیت‌های فضای مجازی اکتفا کرده و کار والدگری خود را تمام شده می‌پندارند:

«- محسن جان گوشی یا تبلت داری؟

تبلت دارم!

- فکر نمی‌کنی خیلی زوده که از تبلت استفاده می‌کنی؟

نه، آخه همه‌اش تو خونه حوصله‌ام سر می‌رفت، مامان بابام هم که باهام بازی نمی‌کردن و همه‌اش دنبال کار خودشون، منم گفتم برام تبلت بخرید. بابام هم برام خرید.»

«- مامان و بابات می‌دونند تو اینستاگرام داری؟

گفتم که نمی‌دونن، چون تبلتم رمز داره. فقط می‌گن اینستاگرام و این جور چیزا خوب نیستش، نرو توش. منم به خاطر این که می‌گن نرو توش، می‌رم توش بینم چه جوریه، چه خبریه توش. راستی اونا می‌دونن که من بازی می‌کنم.»



با بررسی مصاحبه‌های ۱۰ ساله، می‌توان بیان داشت اولیا و خانواده وی اولیایی غافل به شمار می‌روند، زیرا این اولیا بدون آن که بسترسازی فرهنگی لازم را برای فرزندشان داشته باشند و یا حداقل به آرایه تذکرات شفاهی در مورد خطرهای بالقوه فضای مجازی به فرزندشان پرداخته باشند، وی را در امر کاربری از فناوری‌ها تنها نهاده‌اند و ثریا نیز در جریان ارضای طبع هیجان‌جوی خویش، در مقام یک آزارگر سایبری ظاهر شده است:

«- مادر و پدرت می‌دونند که تو علاوه بر تبلت گوشی داری؟

نه، نه، فکر می‌کنن من فقط تبلت دارم

- پس نمی‌دونند تو گوشی داری؟

نه، نمی‌دونن. آخه گوشیم مال خودم نیست که یکی از دوستام موقتی داده دستم باشه. اگه مامان و بابام بفهمن پوست سرم رو می‌کنند.

- چرا دوستت یه گوشی بهت داده؟
- خوب راستش با اون گوشیه مزاحم تلفنی برای پسرا و دخترای دیگه می‌شیم!
- چرا مزاحم می‌شید؟
- خوب کیف داره دیگه، خودت یه بار امتحان کنی، می‌فهمی چه حالی داره.
- دقیقاً چه جور مزاحمتی؟
- بیش تر به پسرا زنگ می‌زنیم و سرکارشون می‌ذاریم که مثلاً من قبلاً تو رو می‌شناختم و اینا.
- یعنی چی؟
- ای بابا، مثلاً آمار یه پسر تو محل رو در می‌آریم، بعد شماره‌شون رو گیر می‌آوردیم و الکی می‌ترسونیمش. هدف خاصی نداشتیم.
- اون گوشیه فقط مال دوستته؟
- آره، مال اوننه. ولی یه اکیپ هستیم با هم از اون گوشی استفاده می‌کنیم.
- اکیپ شما چند نفری هست؟
- ما ۴ نفریم، ولی چون مامان و بابای اونا خیلی گیر می‌دن، اکثر اوقات گوشی دست منه.
- چه وقت‌هایی آدم‌ها رو سرکار می‌گذارید؟
- بعد از مدرسه، معمولاً حدود یه ربع تو پارک جمع می‌شیم. البته نه هر روز.
- پس عامل آشنایی اصلیت با تبلت و گوشی دوست‌های تو بودند؟
- بله!
- اگر پدر و مادرت متوجه بشن که تو گوشی داشتی و مزاحم می‌شدی، عکس‌العملت چی خواهد بود؟
- به تمام معنا بدبخت می‌شم، شاید از خونه فرار کنم، چون اکثر پسرای محل رو سرکار گذاشتم. اگه بابام بفهمه فاتح‌ام خونده است.
- خوب وقتی این قدر می‌ترسی، چرا این کار رو ادامه می‌دی؟
- آخه سرگرمی دیگه‌ای ندارم. خودم رو با اینا سرگرم می‌کنم و بهم خوش می‌گذره!
- خوب توی شبکه‌های اجتماعی بیش تر با چه جور افرادی حرف می‌زنی؟
- بیش تر با افراد بزرگ تر از خودم صحبت می‌کنم.
- بیش تر پسر هستند یا دختر؟
- بیش تر فرندهام دختر هستند، ولی چت کردنم بیش تر با پسرا هست.
- به جز چت کردن با تبلت چه کار می‌کنی؟
- می‌رم پست‌های فرندهام رو می‌بینم.
- از چه جور پست‌هایی بیش تر خوشت میاد؟

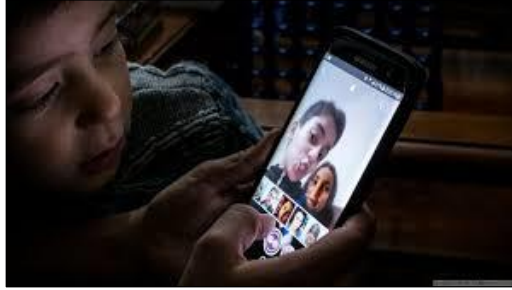
بیش تر پست‌هایی که مربوط به تنهایی و غمگین بودن باشد!

- چرا این جور پست‌ها رو دوست داری؟

آخه وصف حال خودمه. من تنهام و شبکه‌های اجتماعی من، هم‌دردهای خوبی برام هستند.

- به نظرت استفاده از شبکه‌های اجتماعی برات مفید بود؟

آره، حس تنهایی رو پر می‌کنه دیگه».



در بررسی مصاحبه‌های انجام شده، نمونه‌ای که دال بر ناهماهنگی اولیا در تربیت الکترونیکی فرزند باشد، ملاحظه نشد که در این قسمت هم گزارش نشده است.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی باید اذعان داشت، گسترش فناوری‌های ارتباطی جدید و سایه گستر شدن فضای مجازی به تبع این امر در سطح جامعه، خود به خود والدگری الکترونیک را نیز الزامی کرده‌اند و اولیا باید به جد به آن بپردازند، زیرا در غیر این صورت ممکن است به سادگی آسیب‌های خسران باری متوجه فرزندان آنان گردد.

در مرور دوباره‌ای بر آن چه گذشت باید گفت، عناوین: پایین آمدن سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، تحقق یادگیری و آموزش فعال، ایجاد بستری برای بروز خلاقیت‌های کاربران، فردی شدن آموزش، ارتقای عملکرد آموزشی کودکان و نوجوانان، ارتقای عملکرد آموزشی دانش‌آموزان خاص، آموزش‌های مجازی، ارتقای توانایی فنی دانش‌آموزان، کاربری از منابع کمک آموزشی، زبان آموزی، افزایش اطلاعات کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مورد علاقه، بازی‌های آموزشی، ارتقای مهارت‌های بینایی و حرکتی در جریان انجام بازی‌های دیجیتال، ترجیح فرهنگ بصری بر فرهنگ مکتوب، افت آموزش کودکان و نوجوانان، تقلب کردن در امتحان‌ها، ایجاد مدرسه پنهان، آموزش‌های غیررسمی، والدگری الکترونیک، از جمله تحول‌های آموزشی پدید آمده در سطح کودکان و نوجوانان ایرانی مصاحبه شده بودند.

در عنوان «پایین آمدن سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید»، از گسترش فناوری‌های ارتباطی جدید یاد شد و تأکید گردید، این مسأله خود به خود به کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته انجامیده است. با بررسی مصاحبه‌های انجام شده، مشخص گردید که دانش‌آموزان دبستانی از همان سال‌های اول و دوم دبستان، کاربری‌های پیشرفته‌ای از تلفن همراه، تبلت و در

ادامه رایانه را از خود نشان می دهند که این امر حکایت از شروع زود هنگام تعامل آنان با فناوری‌ها دارد.

در عنوان «تحقق یادگیری و آموزش فعال»، خاطرنشان شد، با سروکار یافتن کودکان از بدو تولدشان با فناوری‌های جدید، در عمل کودکان با آزمون و خطا به رموز و وسایلی مانند تلفن همراه، تبلت و رایانه اولیاء و قوف می‌یابند و این همان آموزش فعالی است که پیازه به طرح آن پرداخته است و اصرار می‌ورزد که فراگیران تنها در شرایطی که در محیط عمل فعال بوده و برخورد فعالی با مسایل اطراف و اکنافشان داشته باشند، به یادگیری راستین دست می‌یابند.

با بررسی تعامل کودکان کاربر فناوری‌های ارتباطی جدید، این نتیجه حاصل می‌گردد که فناوری‌هایی مانند تلفن همراه، تبلت و رایانه به دلیل جذابیت‌های عدیده‌ای (نظیر چندرسانه‌ای بودن، جذابیت‌های بصری زیاد، ارضای هیجان‌جویی کاربر، دامن زدن به کنجکاوی‌های کودک و مانند آن) که از آن برخوردارند، در عمل بستر مناسبی جهت یادگیری فعال کودک و درگیر شدن کودک و نوجوان با شیوه آزمون و خطا در ارتباط با فناوری‌های پیش‌گفته پدید می‌آورند.

با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با بومیان دیجیتال دبستانی مشخص می‌شود که آنان در برخورد با وسایلی نظیر تبلت، تلفن همراه، لپ‌تاپ و ماهواره، با روش آزمون و خطا، آن قدر با این وسایل به چالش پرداخته‌اند که در نهایت به رمز و راز کار با آن‌ها وقوف یافته‌اند.

مقوله تربیت خلاق کودکان تا بزرگسالان، در جهان امروز به عنوان مسأله‌ای اساسی در سطح جوامع مختلف بشری مطرح شده است و اندیشه آموزش افراد برای خلاق (و کارآفرین) بار آمدن آنان، چنان گسترده شده است که تربیت اخیر افراد، چیزی در حد آموزش سواد خواندن و نوشتن به آنان تلقی می‌گردد که باید از سطح کودکی نیز آغاز شود. در عنوان «ایجاد بستری برای بروز خلاقیت‌های کاربران» خاطرنشان گردید، کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در عمل بستر مساعدی برای بروز خلاقیت‌های کاربران پدید می‌آورد و در ادامه شواهدی از مصاحبه‌های انجام شده با دختران و پسران دبستانی در این جهت ارائه گردید.

در عنوان «فردی شدن آموزش» بیان گردید، آموزش مرسوم، آموزشی است که در جریان آن گروهی از دانش‌آموز با استعدادهایی متفاوت در یک کلاس گرد هم می‌آیند و با روشی یکسان، به فراگیری آموزشی واحد و یکسان اهتمام می‌ورزند که بالطبع این شیوه از آموزش، اگر چه برای برخی از شاگردان مفید می‌نماید، اما برای بسیاری از دانش‌آموزان دیگر، نامناسب بوده، با بی‌توجهی به استعدادهای مختلف آنان، این استعدادهای را هرز می‌برند. اما گسترش فناوری‌ها سبب شده است که با تهیه انبوهی از منابع الکترونیکی و به کارگیری انواع فناوری‌های آموزشی، دانش‌آموزان در عمل بتوانند در مجموعه اطلاعات موجود، دست به گزینش زده و با شیوه مورد علاقه خویش، به فراگیری محتواهای مورد نظرشان اقدام کنند.

در عنوان «ارتقای عملکرد آموزشی کودکان و نوجوانان» و «ارتقای عملکرد آموزشی دانش‌آموزان خاص»، این مسأله مورد تأکید قرار گرفت که اگر دانش‌آموزان سالم و دانش‌آموزان خاص، از فناوری‌های ارتباطی که در خدمت نظام آموزشی قرار گرفته‌اند، کاربری مثبت و مؤثری داشته باشند، کاربری اخیر عملکرد آموزشی آنان را به میزان قابل توجهی ارتقاء خواهد داد.

با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دبستانی (اعم از دانش‌آموزان سالم و دانش‌آموزان خاص) مشخص گردید که کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در راستای ارتقای عملکرد آموزش دانش‌آموزان، می‌تواند به شدت اثرگذار واقع شوند.

در عنوان «ارتقای توانایی فنی دانش‌آموزان» بیان گردید، کودکان و نوجوانان دبستانی، در جریان کاربری از فناوری‌هایی مانند تبلت، تلفن همراه و رایانه، دیدی کلی نسبت به فناوری‌ها پیدا کرده، به راحتی با سایر فناوری‌های دیگر تماس یافته، به حل پیچیدگی‌های آن‌ها نایل می‌آیند.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده دلالت بر آن دارد که دانش‌آموزان دبستانی مصاحبه شده، در جریان برخورد با فناوری‌های ارتباطی، روحیه فنی یافته، با اتکا به روحیه اخیر، به سادگی با فناوری‌های در دسترسشان برخورد کرده، نسبت به کاربری از فناوری‌های پیچیده‌تر، ترس و هراس از خود نشان نمی‌دهند.

در عنوان «کاربری از منابع کمک آموزشی» خاطرنشان گردید، با گذشت زمان و سیطره‌یابی فناوری‌های ارتباطی جدید در زندگی افراد و جوامع مختلف، از دولت‌ها گرفته تا نهادهای دیگر، همگی کوشیده‌اند تا از امکان عمل فضای مجازی در مسیر پیش‌برد اهداف خویش به خوبی استفاده کنند.

بسیاری از دولت‌ها با فرصت و تهدید دیدن فناوری‌های ارتباطی جدید، تلاش کرده‌اند در جریان بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه شهروندان از این فناوری‌ها، با افزایش فرصت‌های فناوری‌ها، در عمل تهدید فناوری‌ها را کاهش دهند. به همین ترتیب برخی از جریان‌های مردمی داخل و خارج در جهت تحقق اهداف انسانی خویش، دست به تولید برخی از محتواها زده، آن‌ها را در فضای مجازی قرار داده‌اند. به شکل مشابهی برخی از مؤسسات داخلی و خارجی تجاری هم کوشیده‌اند با تهیه منابعی که مورد نیاز جامعه است، به کسب اهداف مادی خویش نایل آیند.

مجموعه تلاش‌های اخیر سبب شده است که منابع اطلاعاتی زیادی در سطح فضای مجازی انتشار یافته، در خدمت دانش‌آموزان قرار گیرند.

عنوان «زبان آموزی» به یکی از طبیعی‌ترین پیامدهای کاربری دانش‌آموزان از کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتال، فیلم‌ها و سریال‌های زبان اصلی اشاره دارد که ارتقای یادگیری زبان مورد استفاده کاربر را به همراه دارد.

با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دختر و پسر ابتدایی مشخص شد که برخی از این دانش‌آموزان در جریان تعامل با فناوری‌ها، از زبان آموزی خویش و یا ارتقای مهارت‌های زبان خارجی خود یاد می‌کنند.

در عنوان «افزایش اطلاعات کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مورد علاقه»، این مسأله مورد تأکید قرار گرفت که فضای مجازی حاوی منابع سرگرمی، اطلاعاتی و آموزشی بسیار زیادی است و کاربران فضای مجازی به تناسب علایق و سلیق خود می‌توانند از منابع موجود در صفحات وب استفاده کنند.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دبستانی حکایت از آن داشت که دانش‌آموزان اخیر در برخورد با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در برخی از موارد استفاده‌های علمی، در موارد دیگری مهارت‌آموزی‌های عملی و در بعضی از موارد کاربری‌های هنری، بهداشتی، زیست محیطی و ورزشی و سرانجام در برخی از موارد دیگر استفاده‌های تفریحی و سرگرمی داشته‌اند.

عنوان «بازی‌های آموزشی» ناظر بر کاربری از بازی‌های دیجیتالی بود که واجد آثار آموزشی هستند و کاربران این دست از بازی‌ها، در جریان بازی، مفاهیم علمی مختلفی را فراگرفته، درون‌سازی می‌کنند.

با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دختر و پسر دبستانی، مشخص شد که برخی از دانش‌آموزان از بازی‌های آموزشی دیجیتالی بهره می‌برند.

در عنوان «ارتقای مهارت‌های بینایی و حرکتی در جریان انجام بازی‌های دیجیتال»، این مسأله مورد تأکید قرار گرفت که اگر چه بازی‌های الکترونیکی نقش مؤثر و سازنده‌ای که در مسایل آموزشی دارند، اما در قلمروهای دیگری نیز به کار گرفته شده، آثار مثبت آن‌ها مشخص گردیده است. مواردی مانند افزایش هماهنگی بینایی- حرکتی، ادراکی- حرکتی، ادراک فضایی و زمان واکنش افراد، از جمله این موارد به شمار می‌روند که در اثر تعامل فعال کاربران با بازی‌های دیجیتالی پدید می‌آید.

عنوان «ترجیح فرهنگ بصری به فرهنگ مکتوب» ناظر بر اثرگذاری گسترده فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی پیشرفته در تحول‌های فرهنگی جامعه بود. به این معنا که اگر در گذشته، فرهنگ جامعه مبتنی بر آثار مکتوب بود و شهروندان با مطالعه منابع اخیر، به فرهیختگی دست می‌یافتند، با گسترش فناوری‌ها، در حال حاضر عمده منابع اطلاعاتی افراد از طریق منابع بصری ارایه می‌گردند و کاربران با عادت کردن تدریجی به اخذ اطلاعات از منابع تصویری، از منابع مکتوب فاصله می‌گیرند، جا به جایی اخیر سبب می‌شود کاربران به جای یادگیری تفکر نقادانه که حاصل فرهنگ مکتوب است، در برابر تصاویری که به سرعت از دیدگان‌شان رد می‌شود، منفعل مانده، همین روحیه انفعالی قدرت نقد و بررسی آنان را به میزان زیادی ذایل سازد.

در عنوان «افت آموزشی کودکان و نوجوانان»، مسأله کاهش قابل توجه سطح سواد دانش‌آموزان مطرح گردید، دانش‌آموزانی که با عدم بسترسازی فرهنگی خانواده، محیط آموزشی و کلان جامعه، وارد کاربری از محصول‌های فرهنگی آن سوی آب شده‌اند، با غرق شدن در فضای مجازی و اتلاف وقت زیاد در جریان وب‌گردی‌هایشان، در عمل دچار افت آموزشی شده، به میزان زیادی پسرقت علمی را تجربه خواهند کرد.

بررسی‌های میدانی انجام شده در سطح دانش‌آموزان مصاحبه شده حکایت از آن داشت که مواردی مانند: عدم بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه از فناوری‌های ارتباطی جدید، جذابیت‌های گسترده فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، حاکمیت نظام آموزشی حافظه‌مدار در ایران، فشار گروه همسالان در حضور داشتن فرد در فضای مجازی، تبدیل روند «دریافت-پاسخ» به روند «دریافت-تفحص-پاسخ» در فضای مجازی و سوءاستفاده از آموزش‌های مجازی، از جمله مهم‌ترین عوامل افت آموزشی دانش‌آموزان دبستانی ایرانی به شمار می‌روند.

در عنوان «تقلب کردن در امتحان‌ها»، ضمن تأکید این مسأله که فناوری‌های ارتباطی می‌توانند موجبات ارتقای آموزشی افراد را فراهم آورند، خاطرنشان گردید که از سویی به سبب عدم بسترسازی فرهنگی مناسب برای کاربری از فناوری‌ها و از سوی دیگر به دلیل برخورد بدون تعهد برخی از شاگردان، تقلب در دستور کار جمعی از آنان قرار گرفته است و این دانش‌آموزان با کاربری نامناسب از فناوری‌ها و تشکیل گروه‌های خاص تقلب (خاصه در دوران تحصیل مجازی)، بدون درس خواندن نمره قبولی و احیاناً نمرات ممتاز دریافت می‌دارند.

در عنوان «ایجاد مدارس پنهان در بطن مدارس رسمی» این مسأله مورد تأکید قرار گرفت که مدارس معمول اهداف آموزشی و پرورشی خاصی را در دستور کار خود دارند و در جهت تحقق آن‌ها می‌کوشند، اما گاهی دانش‌آموزانی که برای یادگیری و آموزش در مدرسه کنار هم گرد آمده‌اند، با مبادرت ورزیدن به انجام برخی از کارها و امور، ممکن است در عمل مدرسه پنهانی در بطن مدرسه رسمی خود پدید آورند که از اهدافی متفاوت با اهداف آموزشی و پرورشی مدرسه تبعیت کند.

مدارس پنهان پیش گفته که غالباً دور از چشم اولیای آموزشی پدید آمده و به حیات اجتماعی خویش ادامه می‌دهند، در برخی از مواقع ممکن است حاوی اثراتی جدی‌تر و شدیدتر از اهداف مدارس رسمی بوده و محتوای آن گاهی تنافر ۱۸۰ درجه‌ای با اهداف آموزشی و پرورشی مدارس و اولیای آموزشی آن‌ها داشته باشد.

در عنوان «آموزش غیررسمی» این نکته مورد تأکید قرار گرفت که آرایه اطلاعات مناسب از طریق بازی‌های دیجیتالی (که روشی غیررسمی در امر آموزش به شمار می‌آید)، می‌تواند در دانش، نگرش و تغییر رفتار کاربران مؤثر واقع آیند، اما اگر محتوای ارزشی این بازی‌ها نامناسب باشد، بازی‌های اخیر می‌توانند متضمن القائاتی هنجارشکن و تخریبی باشند.

در بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دبستانی مصاحبه شده، مشخص شد که دانش‌آموزان اخیر تجربیات زیادی در زمینه آموزش‌های غیررسمی دارند که از این تجربیات می‌توان ذیل عناوین فرعی: ارتقای اعتماد به نفس، یادگیری همکاری گروهی و تفکر استراتژیک، جهانی اندیشیدن، یافتن نگاه نقادانه نسبت به مسوولان، الگوبرداری از الگوهای مطرح شده در فضای مجازی، مد و مدگرایی، تحول‌های ارزشی، تحول‌های عقیدتی، کاربری از محصولات هرزه‌نگار، کاربری از محصولات پرخشونت و عمده شدن پول در چشم و دل دانش‌آموزان یاد کرد.

سرانجام در عنوان «والدگری الکترونیک» این مسأله مورد تأکید قرار گرفت که به سبب سیطره فضای مجازی، اولیا در کنار والدگری معمول خودشان، باید والدگری الکترونیک هم داشته باشند و با اشراف و نظارت بر کاربری فرزندشان از محتواهای موجود در فضای مجازی، آنان را به سمت کاربری از محتواهای مناسب راهنمایی کرده، مانع از کاربری از محتواهای نامناسب و مضر توسط فرزندشان شوند.

مجموعه آن چه از آن یاد شد، با طرح فراز و فرودهای فناوری‌های ارتباطی جدید و آثار متعدد آموزشی آن‌ها، در عمل ضرورت بازنگری و تغییر خط‌مشی جامعه و خاصه نظام آموزشی در برخورد با مقوله فناوری‌ها و فضای مجازی را نشان داده و آن را الزامی می‌نماید.

منابع و مأخذ

- پیاژه، ژان (?). مترجمان محمود منصور و پریخ دادستان (۱۳۷۱). آینده تربیت: تربیت به کجا ره می سپرد. چ ۳. تهران: دانشگاه تهران.
- سیگل، دانیل جی و برایسون، تینا پین (۲۰۱۱). کودکان کامل مغز. ترجمه مهرناز شهرآرای. چ ۳. ۱۳۹۸. تهران: آسیم.
- سیگل، دانیل جی. و برایسون، تینا (۲۰۱۸). مغز پذیرا: پرورش شجاعت، کنجکاوی و تاب‌آوری در فرزندان. ترجمه مهرناز شهرآرای. ۱۳۹۸. تهران: آسیم.
- گانتز، بری (?). اثر بازی‌های ویدیویی و رایانه‌ای بر کودکان. ترجمه حسن پورعابدی نایینی. ۱۳۸۳. تهران: جوانه رشد. منطقی، مرتضی (۱۳۸۳ الف). رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی. ۱۳۸۳.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳ ب). از مقاومت فرهنگی تا مقاومت قهرآمیز. همایش ملی مناسبات نسلی در ایران. پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی. بهمن، ۱۳۸۳.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۶). راهنمای والدین در استفاده فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید: تلفن همراه. تهران: عابد. منطقی، مرتضی (۱۳۹۰ الف). کتاب کار جوان: خلاقیت. تهران: جامعه‌شناسان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۰ ب). آموزش غیررسمی. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۴). ۱۰۰ مصاحبه درباره چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید (تلفن همراه، تبلت، رایانه). (گزارش پژوهش). معاونت امور پرورشی آموزش و پرورش.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵ الف). بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵ ب). راهنمای والدین در استفاده فرزندان از فناوری‌های جدید: بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای. ۱۳۹۵. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۹ الف). بررسی اثرات فرهنگی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱ و ۲. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۹ ب). بررسی اثرات عقیدتی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱ و ۲. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۴۰۰). چند مصاحبه با کودکان پیش دبستانی (۶-۳ ساله) کاربر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته (تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و اینترنت). تهران: بعثت.
- هیوز، دانیل و بیلین، جانانان (۲۰۱۲). فرزندپروری مغز - بنیان. ترجمه دکتر مهرناز شهرآرای. ۱۳۹۶. تهران: آسیم

- Aminolroaya, Saeideh; Yarmohammadian, Mohammad H.; Keshtiaray, Narges (2016). *Methods of Nurturing Creativity during Preschool Term: An Integrative Study*. *Educational Research and Reviews*, v11 n6 p204-210 Mar 2016
- Arnott, Lorna (2016). *An Ecological Exploration of Young Children's Digital Play: Framing Children's Social Experiences with Technologies in Early Childhood*. *Early Years: An International Journal of Research and Development*, v36 n3 p271-288 2016
- Baranowski, T. & et. Al. (2016). *Games for Health for Children—Current Status and Needed Research*. *Games Health J.* 2016 Feb 1; 5(1): 1–12. doi: 10.1089/g4h.2015.0026
- Best, Linda M.; Shelley, Daniel J. (2018). *Academic Dishonesty: Does Social Media Allow for Increased and More Sophisticated Levels of Student Cheating?* *International Journal of Information and Communication Technology Education*, v14 n3 Article 1 p1-14 2018
- Burns, S. M.; Lohentry, K. (2010). *Cellular Phone Use in Class: Implications for Teaching and Learning a Pilot Study*. *College Student Journal*, v44 n3 p805-810 Sep 2010.
- Conti-Ramsden, G.; Durkin, K.; Simkin, Z. (2010). *Language and social factors in the use of cell phone technology by adolescents with and without specific language impairment (SLI)*. *Journal of Speech, Language, and Hearing Research*, v53 n1 p196-208 Feb 2010
- Corn, A. L. and others. (1994). *The use of mobile phones by itinerant teachers of students with visual disabilities*. *Journal of visual impairment & blindness*. Vol. 88. n5. 446-457
- Couse, Leslie J.; Chen, Dora W. (2010). *A Tablet Computer for Young Children? Exploring Its Viability for Early Childhood Education*. *Journal of Research on Technology in Education*, v43 n1 p75-98 2010
- Cremin, Teresa; Glauert, Esme; Craft, Anna; Compton, Ashley; Stylianidou, Fani (2015). *Creative Little Scientists: Exploring Pedagogical Synergies between Inquiry-Based and Creative Approaches in Early Years Science*. *Education 3-13*, v43 n4 p404-419 2015
- Curcic, S. (2011). *Addressing the Needs of Students with Learning Disabilities during Their Interaction with the Web*. *Multicultural Education & Technology Journal*, v5 n2 p151-170 2011
- Davies, T. (2006). *Creative teaching and Learning in Europe: Promoting a new paradigm*. *Curriculum Journal*, v17 n1 p37-57 Mar 2006
- DeWitte, C. M. (2010). *Integrating cell phones into the secondary Montessori classroom*. ProQuest LLC, Ph.D. Dissertation, Walden University.
- Diamantes, T. (2010). *Recent Court Rulings regarding Student Use of Cell Phones in Today's Schools*. *Education*, v131 n2 p404-406 Win 2010.
- Diehl, D. C. & Toelle, S. C. (2011). *Making good decisions: Television, learning, and the cognitive development of young children*. *Family Youth and Community Sciences*. University of Florida, IFAs Extension. Retrieved on 27 October, 2014 from: <http://edis.ifas.ufl.edu/fy1074>.
- Dincer, A. (2020). *Understanding the Characteristics of English Language Learners' Out-of-Class Language Learning through Digital Practices*. *IAFOR Journal of Education*, v8 n2 p47-65 2020
- Ekici, Fatma Yasar (2016). *Parents' Views on the Use of Technology in the Early Childhood Period*. *Journal of Education and Training Studies*, 2016
- Erarslan, A. (2019). *Instagram as an Education Platform for EFL Learners*. *Turkish Online Journal of Educational Technology - TOJET*, v18 n3 p54-69 Jul 2019
- Gayeski, D. (2002). *Learning unplugged: Using mobile technologies for organizational training and performance improvement*. New York: American management association.

George, K. L. (1995). Wireless wonder. *Journal of executive education*. Vol. 17. n1. 22-24.

Greitemeyer, T., & Osswald, S. (2010). Effects of prosocial video games on prosocial behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 98 (2), 211–221. <https://doi.org/10.1037/a0016997>

Horstmanshof, L. (2004). Using SMS as a way of providing connection and community. <http://www.reuters.com/article/technologyNews/idUSN3030000720080130?sp=true>. Retrieved 2008-08-26

Keegan, D. (2002). *The Future of Learning: From e-Learning to m-Learning*. FernUniversitat, ZIFF: Germany. Web site: <http://www.fernuni-hagen.de/ZIFF>.

Ledoux, T. ; Griffith, M. ; Thompson, D. ; Nguyen, N. ; Kathy Watson, K. ; Baranowski, J.; Buday, R. ; Abdelsamad, D. and Baranowski, T. (2016). An educational video game for nutrition of young people: Theory and design. doi: 10.1177 / 1046878116633331

Marsh, Jackie; Plowman, Lydia; Yamada-Rice, Dylan; Bishop, Julia; Scott, Fiona (2016). Digital Play: A New Classification. *Early Years: An International Journal of Research and Development*, v36 n3 p242-253 2016

Mayer, R. E. (1996). *Thinking, problem solving, cognition*. Second Ed. Fourth printing. New York: Freeman.

Norris, C.; Soloway, E.; Menchhofer, K.; Bauman, B. D.; Dickerson, M.; Schad, L.; Tomko, S. (2010). Innovative leaders take the phone and run: Profiles of four trailblazing programs. *District Administration*, v46 n6 p35-38, 40 Jun 2010

Plowman, L. & Mc Pake, J. (2012). Seven myths about young children and technology. Pages 27-33 Published online: 18 Dec 2012

Power, M. R. & Power, D. (2004). Everyone Here Speaks TXT: Deaf People Using SMS in Australia and the rest of the world. *Journal of Deaf Studies and Deaf Education*, v9 n3 p333-343 Sum 2004

Roberts, Kevin J. (2010). Cyber Children: What Parents Need to Know. *Exceptional Parent*, v40 n9 p36-37 Sep 2010

Sari, Fatimah Mulya; Wahyudin, Achmad Yudi (2019). Undergraduate Students' Perceptions Toward Blended Learning through Instagram in English for Business Class. *International Journal of Language Education*, v3 n1 p64-73 2019

Soriano de Alencar, E. M. (1993). Thinking in the future: The need to pronto creativity in the educational context. *Gifted education international*. Vol. 9, 93-96

Vedder-Weiss, Dana; Fortus, David. (2011). Adolescents' Declining Motivation to Learn Science: Inevitable or Not?. *Journal of Research in Science Teaching*, 2011

Weaver, A. (2010). Personal, Portable, Multifunction-Devices and School Libraries. *International Association of School Librarianship*, Paper presented at the School Library Association of Queensland and the International Association of School Librarianship Conference incorporating the International Forum on Research in School Librarianship (Brisbane, QLD, Australia, Sep 27-Oct 1, 2010)